

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علوم خبری

(علمی - تخصصی)

سال یازدهم - شماره ۴۱ - بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر عباس اسدی

مدیر اجرایی و علمی: حامد بابازاده مقدم

مدیر داخلی: سمیه عقبائی

این فصلنامه با همکاری قطب علمی ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران و انجمن علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، منتشر می‌شود.

- فصلنامه علوم خبری از کلیه پژوهشگران، استادان و صاحب‌نظران در زمینه‌های علوم ارتباطات (روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، مدیریت رسانه، حقوق ارتباطات، سیاست‌گذاری ارتباطات، اقتصاد ارتباطات و...) برای ارسال مقالات علمی - مروری دعوت می‌نماید.
- مشاوران علمی فصلنامه، مقالات را بررسی کرده و تصمیم‌گیری در خصوص چاپ آنها برعهده هیئت تحریریه می‌باشد.
- فصلنامه در قبول، رد یا ویرایش مقالات دریافتی آزاد است.
- مسئولیت آراء و نظرات ابراز شده در مقالات بر عهده نویسندگان بوده و چاپ آنها به معنی تأیید مطالب نیست.

نشانی: تهران، بلوار دهکده المپیک، تقاطع بلوار شهید همت، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده

علوم ارتباطات، طبقه سوم، اتاق ۳۰۸

تلفن: ۱۹-۴۴۷۳۷۵۱۰ داخلی ۲۵۲۳

درگاه اینترنتی: www.jourcom.com

پست الکترونیکی: mag.jourcom@gmail.com

چاپ و صحافی: نگار نقش

طراحی، صفحه‌آرایی و ویراستاری: آثار فکر

شمارگان: ۲۱۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

اعضای هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا) :

عباس اسدی	دانشیار روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
محمدجعفر جوادی ارجمند	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
محمد باقر خرمشاد	استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
آسیه ذبیح‌نیاعمران	دانشیار ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
عباسعلی رهبر	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
زهرا طاهری‌پور	استادیار معارف اسلامی دانشگاه سوره
ابراهیم کلانتری	دانشیار معارف اسلامی دانشگاه تهران
علی اصغر کیا	استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
محمدرضا مجیدی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
مصطفی ملکوتیان	استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران
علی نجفی	استادیار ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان
محمد هادی همایون	دانشیار فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)
اردشیر زابلی زاده	دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه صدا و سیما

داوران این شماره :

عباس اسدی	دانشیار روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
رؤیا معتمدنژاد	استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
امیر بی پروا	دکترای حقوق بین الملل عمومی، مدرس دانشگاه
سمیه تاجیک اسماعیلی	استادیار ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی
علی اصغر کیا	استاد روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
نرجس عباداتی	دکترای مدیریت رسانه ای دانشگاه آزاد اسلامی
نازنین ملکیان	استادیار و دکترای علوم ارتباطات اجتماعی
صمد میر	دانشجوی دکترای علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی

شیوه نامه تدوین مقالات در فصلنامه علوم خبری

هیئت تحریریه فصلنامه علوم خبری، از کلیه اساتید، پژوهشگران و دانشجویان فرهیخته دعوت می‌نماید، مقالات علمی خود را برای چاپ در مجله با رعایت نکات زیر از سال نمایند:

۱- مقالاتی که برای چاپ از سال می‌گردند باید محصول مطالعات و تحقیقات نویسندگان بوده و متضمن دست‌آوردهای علمی جدید باشد.

۲- مقالات از سالی نباید قبلاً در مجله‌ای چاپ شده و یا همزمان برای نشریه دیگر از سال شده باشد.

۳- مقاله در قالب برنامه‌ی ورد ۲۰۱۰ با قلم Bzar۱۲ با حاشیه‌های ۳ سانتی‌متر و حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۵ صفحه (یا حداکثر ۱۰۰۰۰ کلمه) همراه با فایل PDF ارسال شود.

۴- مقاله شامل قسمت‌های زیر باشد:

- صفحه‌ی اول دربرگیرنده: عنوان مقاله (فارسی و انگلیسی)، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی (در بالا بعد از عنوان)، مرتبه دانشگاهی و تخصص، ذکر نام مؤسسه یا سازمان متبوع (بصورت پاورقی در همان صفحه) هر کدام به فارسی و انگلیسی و آدرس Email و شماره تماس نویسندگان. در این بخش عهده‌دار مکاتبات یا نویسنده‌ی مسئول مشخص شود. همچنین برای هر نویسنده صرفاً یک عنوان از یک مؤسسه معرفی شود.
- صفحه‌ی دوم شامل عنوان و چکیده مقاله به فارسی و انگلیسی (چکیده حداکثر در ۱۵۰ کلمه) و کلید واژگان فارسی و انگلیسی (حداکثر ۵ واژه) آورده شود.
- متن اصلی مقاله شامل مقدمه، پیشینه تحقیق، سؤال تحقیق، روش تحقیق و نتایج باشد.

جداول به تعداد محدود با شماره و عنوان در زیر آنها و مناسب برای چاپ باشد. شکل‌ها، نمودارها و تصاویر به تعداد محدود با شماره و عنوان در زیر آنها و مناسب برای چاپ باشد.

۵- روش ارجاع دهی:

منابع به صورت درون متنی (نام خانوادگی، سال، صفحه) نوشته شوند. مسئولیت ارجاع دهی دقیق و کامل به منابع بر عهده نویسنده است. در منابع کتاب‌ها، مقالات، اسناد و آرای دادگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی به ترتیب حروف الفبا آورده شوند.

منابع در پایان مقاله به صورت حروف الفبایی نام خانوادگی آورده شوند و منابع پایان متنی شماره‌گذاری نشوند؛ (با تیره مشخص شوند)

کتاب:

- نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، جلد چندم، چاپ چندم، محل انتشار، ناشر.

مقاله:

- نام خانوادگی، نام، (سال)، «عنوان مقاله»، نام مجله، شماره، دوره، ماه. در عناوین انگلیسی حروف اول همه‌ی کلمات (بجز حروف اضافه و حروف ربط) به صورت حرف بزرگ و در عناوین فرانسه بصورت حرف کوچک نوشته شوند. عناوین کتابها به صورت ایتالیک نوشته شده و عنوان مقاله‌ها در داخل گیومه قرار داده شوند.

در ارجاع سایت‌های اینترنتی موارد ذیل رعایت شوند:
حداالامکان نام و نام خانوادگی نویسنده‌ی مقاله استنادی موجود در سایت و تاریخی که مقاله در سایت قرار داده شده‌است.

عنوان سایت

آدرس سایت

تاریخ مراجعه‌ی نویسنده به سایت

نحوه‌ی ارسال مقالات:

پست الکترونیکی mag.jourcom@gmail.com

فهرست مطالب

- دلائل و نوع اسـتـفـاده خـبرگـزارـی هـای اصـلی کـشـور از رسـانـه هـای
اجتماعی.....۱۱
یوسف خجیر - کوثر مهرزاده
- طراحی مدل تعاملی معاونت سیاسی سازمان صداوسیما با دولت.....۴۷
نعیمه مونسـی - علی اکبر رزمجو - ابراهیم فتحی
- دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بنیادین جدید.....۷۳
حامد بابازاده مقدم - نجمه خدری
- فیمینسم و حقوق زنان در روزنامه صور اسرافیل.....۱۱۷
حسن بشیر
- سیر تاریخی آزادی مطبوعات در غرب (با تأکید بر انقلاب های دموکراتیک
انگلستان، فرانسه و آمریکا).....۱۴۳
احسان علینی - علی اصغر کیا
- داربست های سیاسی - رسانه ای طبقه متوسط جدید در راستای ساخت یا تسخیر
دولت تسهیل گر در ایران (۱۳۷۶ - ۱۳۹۶).....۱۸۷
فاضل کُرد
- تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی
«دیوید برلو».....۲۲۵
حسین رهنمایی - مهدیه محسنی

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی

یوسف خجیر^۱

کوثر مهرزاده^۲

چکیده

در این پژوهش به دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی پرداخته شده است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام در زمره تحقیقات کیفی قرار داد. در این پژوهش به دلیل کمبود تحقیقات قبلی و اکتشافی بودن موضوع تحقیق از صاحب‌ه عمیق جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق مدیران و مسئولان خبرگزاری‌های مهم کشور بودند. این خبرگزاری‌ها شامل رسمی کشور که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. در این تحقیق با یازده نفر از مدیران خبرگزاری‌های اصلی کشور مصاحبه انجام شد و پس از این مصاحبه‌ها، محقق به اشباع نظری رسید. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که خبرگزاری‌ها به دلایلی همچون تعامل با مخاطبان، تقویت اثربخشی، برندسازی رسانه‌ای، مقابله با رسانه‌های بیگانه، کمک به مرحله دروازه‌بانی خبر، پاسخ به ابهامات و... از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. همچنین موارد مانند بلا تکلیفی رسانه‌های اجتماعی، ضعف سواد رسانه‌ای مخاطبان، کوتاه شدن عمر خبر، انتشار اخبار جعلی، مالکیت اخبار تولید شده از چالش‌هایی است که خبرگزاری‌ها با آنها مواجه‌اند.

واژگان کلیدی: خبرگزاری، رسانه، رسانه‌های اجتماعی، اثر بخشی

۱ استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه سوره. khojir@gmail.com

۲ کارشناسی ارشد ارتباطات دانشگاه سوره mehrzade2000@gmail.com

مقدمه

خبرگزاری‌ها به دلایل زیر از نقش و جایگاه اساسی و مهم در فرایند تهیه، تولید، انتقال و انتشار اطلاعات، اخبار و گزارش‌ها برخوردار هستند. آنها، اولویت‌ها و دستورالعمل‌های دیگر رسانه‌ها (از جمله تلویزیون، روزنامه‌ها و نشریه‌ها و رسانه‌های جدید مبتنی بر وب) را تعیین می‌کنند که چه گزارش‌های بین‌المللی - محصولات تصویری، تصاویر تلویزیونی و اطلاعات توأمان متنی و شنیداری را برای انتقال و انتشار به مخاطبان خود انتخاب کنند. خبرگزاری‌های جهانی و منطقه‌ای از نقشی اساسی در فرایند برجسته‌سازی اخبار و رویدادها برای دیگر رسانه‌ها برخوردار هستند؛ در شرایط جدید تحت تأثیر تغییرات و تحولات فضای وب، همچنان این نقش مهم به نظر می‌رسد. خبرگزاری‌ها اغلب به تولید اخبار کمتر جنجالی، قابل پیش‌بینی و وابسته به منابع رسمی اما تهی از گزارش‌های متهورانه و جذاب متهم می‌شوند. به رغم این انتقادهای خبرگزاری‌ها در میدان فعالیت حرفه‌ای، بهترین شناخت را از موضوع‌ها داشته و علاقه زیادی به مناطق بحرانی و مناطق در حال توسعه جهان از خود نشان می‌دهند؛ خبرگزاری‌ها اغلب گزارش‌هایی را تولید و مخابره می‌کنند که دیگر رسانه‌ها به این رویدادها دسترسی نداشته و یا آن را از دست داده‌اند (پترسون، ۲۰۰۶: ۶). تلفن همراه را می‌توان از پدیده‌های نوظهور عصر الکترونیک در دنیای دیجیتال به شمار آورد که در طی بیش از چهار دهه از تولد خود تاکنون جایگاه بی‌بدیلی را در عرصه ارتباطات برای خود فراهم کرده است؛ در این میان نسل جدید تلفن‌های همراه هوشمند به نرم افزارهای جانبی متنوعی مجهز هستند که علاوه بر انتقال صوت و تصویر و اتصال به اینترنت، امکان استفاده کاربران را از رسانه‌های جدید اجتماعی نیز ایجاد کرده است. به نحوی که فرد می‌تواند همزمان با هزاران نفر در دنیای مجازی بدون اعمال دخالت دولت‌ها با یکدیگر در ارتباط باشند و اقدام به اشتراک گذاری دیدگاه‌ها، فیلم‌ها و عکس‌های خود کنند. این فضای جدید مجازی که در بستر اینترنت و با بهره‌گیری از نرم افزارهای پیام رسانی تلفن همراه شکل گرفت رشد شتابانی را در سال‌های اخیر تجربه کرده است. به گونه‌ای که هر از چندگاهی شاهد تولد نرم افزار (اپلیکیشن) جدیدی در این عرصه هستیم که امکانات

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۱۳

متنوعی را به کاربران خود ارائه می‌دهد. هزینه اندک استفاده از این نرم افزارها در مقایسه با هزینه و خدماتی که شرکت‌های مخابراتی به کاربر ارائه می‌دهند سبب تمایل بیش از پیش کاربران به استفاده از این نرم افزارها شده است. زیرا با استفاده از این پیام رسان‌ها، کاربر فقط هزینه اینترنت را پرداخت می‌کند.

خبرگزاری‌های اصلی کشور مانند ایرنا، ایسنا، مهر، تسنیم، فارس از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. این رسانه‌های اجتماعی شامل توئیتر، فیس بوک و اینستاگرام و پیام رسان‌های داخلی مانند مثل تلگرام، واتس اپ، سروش و... هستند. این خبرگزاری‌ها برای استفاده از رسانه‌های اجتماعی دلایل مختلفی دارند که محقق به دنبال شناسایی این دلایل و نوع استفاده از رسانه‌های اجتماعی است. بنابراین می‌توان گفت که سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی چیست؟

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

پیشینه پژوهش:

در پیشینه پژوهش به طور کل ۱۴ پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که در بخش شفافیت اخبار منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی ۲ پژوهش خارجی و در بخش استفاده و انتشار اخبار خبرنگاران رسانه‌های آنلاین ۵ پژوهش داخلی و ۷ پژوهش خارجی بررسی شدند که چکیده آن در جدول ذیل آورده می‌شود:

جدول ۱- خلاصه پیشینه تحقیق

نام محقق	عنوان	نتایج
کالسنس و لارسون ۲۰۱۷	بررسی تشریح اخبار در رسانه‌های اجتماعی در کشور نروژ	در بستر رسانه‌ای کشور نروژ فیسبوک برای به اشتراک گذاری اخبار در فضای مجازی رسانه‌ای غالب است
هدمن ۲۰۱۶	مسئله شفافیت در میان گروهی از روزنامه نگاران	بر این اساس وی سه نوع شفافیت را در این مطالعه دسته بندی کرد که عبارت بودند از شفافیت محض که به شفافیت کامل روزنامه

<p>نگار در حیطه شخصی و خصوصی وی در تویت‌ها مربوط می‌شد، شفافیت افشایی که به نحوه تولید خبر در تویت‌ها مربوط می‌شد، و بالاخره شفافیت مشارکتی که فرایند تولید خبر ارتباط پیدا می‌کرد.</p>	<p>سوئدی و تویت‌های آنان در تویت‌ها</p>	
<p>نبود دانش در حوزه نحوی بیان منبع، نبود زمان کافی برای دسترسی به رسانه‌های اجتماعی، عدم اعتبار منابع خبری، و بالاخره عدم کیفیت منابع اطلاعات برای روزنامه نگاران کاربر در حین استفاده از رسانه‌های اجتماعی اهمیت بسیار بالایی داشت.</p>	<p>بررسی انتخاب و استفاده از رسانه‌های اجتماعی به عنوان منابع اطلاعاتی برای روزنامه نگاران مصری</p>	<p>منصور ۲۰۱۶</p>
<p>به اشتراک گذاری خبرها بیشتر از طریق رسانه‌های اجتماعی و آخر هفته‌ها صورت می‌گیرد تا از طریق وبسایت‌های جذاب مثل سایت‌های سرگرمی یا تجاری در روزهای دیگر.</p>	<p>نحوه تأثیرگذاری ویژگی‌های متنی مقاله‌های خبری را بر اشتراک گذاری آنها در شبکه‌های اجتماعی</p>	<p>خونتیا^۳ و همکاران ۲۰۱۶</p>
<p>انگیزه‌های به اشتراک گذاری خبر در رسانه‌های اجتماعی عوامل مهمی در پیش‌بینی فعالیت‌های خبری در فضای مجازی مخصوصاً برقراری پیوند اجتماعی با دیگران است.</p>	<p>بررسی عوامل پخش و انتشار اخبار یا به اصطلاح به اشتراک گذاشته شدن آنها در رسانه‌های اجتماعی مجازی</p>	<p>پیکونی و همکاران ۲۰۱۶</p>
<p>خبرهایی با موضوع سیاست، حوادث، بلایا، و جرائم به ندرت به اشتراک گذاشته می‌شد، در حالیکه اخبار مربوط به رفاه اجتماعی و علم و فناوری بیشتر به اشتراک گذاشته می‌شد.</p>	<p>تغییر الگوهای به اشتراک گذاری خبر را در رسانه‌های اجتماعی</p>	<p>برایت ۲۰۱۵</p>

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۱۵

<p>تفاوت معناداری در موضوعات مورد تأکید سردبیران این روزنامه‌ها و کاربران مخاطب آنها در رسانه‌های اجتماعی وجود دارد.</p>	<p>مقایسه اخبار منتشر شده در مطبوعات و رسانه‌های اجتماعی</p>	<p>بوستاس (۲۰۱۴)</p>
<p>روزنامه نگاران حوزه سیاسی عموماً از رسانه‌های اجتماعی استقبال می‌کنند و اینکه فعالیت‌های این گروه از روزنامه نگاران در رسانه‌های اجتماعی بیشتر تابع ابراز عقیده و نظر و خود ارتقائی ایشان است.</p>	<p>شیوه‌های مورد استفاده روزنامه نگاران حوزه اخبار سیاسی از رسانه‌های اجتماعی</p>	<p>روگستاد (۲۰۱۴)</p>
<p>به اشتراک گذاشتن اخبار در رسانه‌های اجتماعی به معنای سبقت گرفتن از سردبیران حرفه‌ای و دریافت اخبار از طریق نظراتی است که توسط افراد مورد اعتماد آنها در این رسانه‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود.</p>	<p>تأثیر فضای رسانه‌های اجتماعی بر مصرف خبری مخاطبان</p>	<p>هرمیدا و همکاران (۲۰۱۲)</p>
<p>اینترنت نقش مهمی در تأمین حق آزادی بیان داشته و با رفع محدودیت‌های انتشار، جستجو و دریافت اطلاعات، زمینه استفاده از این حق بنیادین را فراهم نموده است</p>	<p>مقررات گذاری برای سایت های خبری در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها</p>	<p>بابازاده مقدم و اسدی (۱۳۹۵)</p>
<p>همزمان با توسعه چشمگیر فناوری‌های نوین ارتباطی، رسانه‌های فضای مجازی به ویژه رسانه‌هایی با ماهیت خبری در ایران رشد قابل توجهی داشته است.</p>	<p>آسیب شناسی سیاستگذاری رسانه‌های خبری فضای مجازی در ایران</p>	<p>شمسای نی (۱۳۹۴)</p>
<p>- اکثریت روزنامه نگاران اعلام کردند که در نهادهایی همچون (انجمن اولیا و مربیان، انجمن اسلامی، انجمن ورزشی و تفریحی، انجمن علمی - تخصصی، انجمن</p>	<p>بررسی نقش فیس بوک بر تغییر ماهیت شیوه‌های انتشار اخبار و اطلاعات از دیدگاه روزنامه نگاران</p>	<p>گرانمایه پور و جیرانی (۱۳۹۴)</p>

<p>صنفي، انجمن محلي، حزب و تشكـل سياسي رسمي كـشور، سازمان‌هاي غير دولتي، انجمن‌هاي خيريه‌اي و بسـيـج) عـضـو نـيـسـتـنـد.</p>	<p>تهراني عضو شبکه اجتماعي فیس بوک</p>	
<p>جنسیت و سن خبرنگاران و سردبیران رابطه‌ای با میزان تولید و اشاعه خبر نداشته ولی تحصیلات رابطه مستقیم و معناداری بر مبنای همبستگی پیرسون با اشاعه خبر و تولید خبر داشته است.</p>	<p>بررسی تطبیقی میزان استفاده سردبیران و خبرنگاران خبرگزاری‌های رسمی کشور از شبکه اجتماعي موبایلي</p>	<p>جودی (۱۳۹۴)</p>
<p>نگرش خبرنگاران زن نسبت به استفاده خبری از شبکه‌های اجتماعي نسبت به آقایان مثبت تر است. نگرش خبرنگاران با تجربه بالاتر نسبت به استفاده از کارکردهای خبری شبکه‌های اجتماعي در رسانه‌ها منفیتر است</p>	<p>بررسی نگرش خبرنگاران رسانه‌های آنلاین نسبت به کارکردهای خبری شبکه‌های اجتماعي</p>	<p>امامی رودسری و عسگری (۱۳۹۲)</p>

در این بخش مرور پیشینه تحقیق در دو دسته‌ی کلی شفافیت اخبار منتشر شده در شبکه‌های اجتماعي استفاده و انتشار اخبار خبرنگاران رسانه‌های آنلاین صورت گرفته شد که با توجه به اینکه موضوع این پژوهش دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعي پس از مرور منابع متعدد داخلی و خارجی مشخص گردید تاکنون مطالعه‌ای در زمینه بررسی علل استفاده از رسانه‌های اجتماعي، انجام نشده است.

تبیین مفاهیم:

استفاده

استفاده به معنای استعمال، کاربرد، بهره‌جویی، بهره‌گیری، بهره‌وری، تمتع، سود، فایده ستانی است (لغت نامه دهخدا). انگیزه‌ی مخاطبان در استفاده از محصولات رسانه‌ای، رضامندی و ارضای برخی از نیازهای تجربه‌شده آنان است؛ استفاده نیز به سمت و سوی این رضامندی جهت‌گیری شده است (اسولیوان تام و دیگران، ۱۳۸۵).

رسانه‌های اجتماعی مجازی

رسانه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از صفحات اینترنتی هستند که بر اساس نیاز مخاطبان طراحی شده‌اند. افراد با ورود به این شبکه‌ها وارد دنیای جدیدی می‌شوند که نشأت گرفته و تأثیر پذیرفته از فضای واقعی است و رویدادها و بحث‌ها، حـول و حـوش دل مشغولی‌های انسان معاصر در دنیای واقعی صورت می‌پذیرد (اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۱۶).

خبرگزاری:

خبرگزاری یک سازمان است که اخبار را از یک کشور خاص یا از سراسر جهان جمع‌آوری می‌کند و آنها را از طریق روزنامه، مجله، وب سایت، کانال تلویزیونی، رادیو، شبکه‌های مجازی و سایر رسانه‌ها منتشر می‌نماید (عبداللهی نژاد، ۱۳۹۱).

چارچوب مفهومی:

رسانه‌های اجتماعی:

در متون پژوهشی تعاریف متعددی از رسانه‌های اجتماعی شده است. این تعاریف را می‌توان در سه مقوله فنی - مهندسی، مدیریتی - اقتصادی و جامعه شناختی - ارتباطی دسته‌بندی کرد؛ در تعاریف فنی تأکید بر فناوری وب و برنامه‌های کاربردی است؛ در تعاریف مدیریتی - اقتصادی تأکید بر خدمات مبتنی بر وب است و در تعاریف جامعه شناختی - ارتباطی نیز تأکید بر تعامل کاربران و تولید و مصرف محتواست. از این رو، رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌ای از کاربران فعال است که از طریق تولید، به اشتراک گذاری مصرف و بازایی انواع محتوای دیجیتال، در بستر وب اجتماعی با یکدیگر تعامل چندگانه و چند لایه دارند.

نظریه پردازان شبکه‌های اجتماعی معتقدند که روابط اجتماعی شبکه‌ای، تنها یکی از سه نوع ارتباط در شبکه‌هاست. دو دسته دیگر عبارتند از: شبکه مبادله و شبکه نمادها (ویندال و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۳۶). بنابر این شبکه‌های اجتماعی به صورت همزمان بستری برای تبادل و ارتباطات نمادین نیز محسوب می‌شوند. رسانه‌ها و به ویژه رسانه‌های تعاملی مانند اینترنت و تلفن همراه، میانجی شبکه‌های اجتماعی واقعی‌اند (گیل و آدامز، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

انواع رسانه‌های اجتماعی:

رسانه‌های اجتماعی را می‌توان در دسته‌های بسیاری تقسیم‌بندی کرد، اما چون شرح آنها طولانی می‌شود، فقط هشت دسته به صورت خلاصه معرفی می‌گردد:

- ۱- **شبکه‌های اجتماعی**^۴: شبکه‌های اجتماعی به اعضایشان اجازه ساخت صفحات شخصی و برقراری ارتباط و شبکه‌سازی با دوستان آنلاین را می‌دهند.
- ۲- **وبلاگ‌ها**: وبلاگ‌ها، که شناخته شده‌ترین نوع رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند، ژورنال‌های آنلاینی هستند که با محتواهای جدید کاربران به روز می‌شوند.
- ۳- **ویکی‌ها**: ویکی‌ها سایت‌هایی هستند که به کاربران اجازه اضافه کردن و ویرایش محتوا را می‌دهند و محتوای تولیدشان حاصل مشارکت اعضاست.
- ۴- **پادکست‌ها**: پادکست‌ها فایل‌های صوتی و تصویری هستند که قابلیت مشترک شدن در اینترنت را دارند.
- ۵- **فروم‌ها**: فروم‌ها که از دوران پیش از تولد مفهوم رسانه‌های اجتماعی فعالیت می‌کردند، فضایی برای طرح بحث و گفتگو در موضوعات مختلف محسوب می‌شوند.

⁴ Social Network

⁵ Wikis

⁶ Podcasts

⁷ Forums

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۱۹

۶- **کامیونیتی‌های محتوایی:** کامیونیتی‌های محتوایی^۸ امکان مدیریت و به اشتراک‌گذاری نوع خاصی از محتوا مانند عکس، فایل‌های ویدیویی، متن یا لینک را فراهم می‌کنند.

۷- **میکرو بلاگ‌ها:** میکرو بلاگ‌ها^۹ که تلفیقی از شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌های کوچک هستند، با محتواهای کوتاه کاربران به روز می‌شوند (ساعتی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

۸- **پیام رسان‌ها:** علاوه بر این‌ها برخی، سایت‌های دنیای مجازی از قبیل سکند لایف^{۱۰} گونه دیگری از رسانه‌های اجتماعی می‌دانند که در سال‌های آینده گسترش بیشتری خواهند یافت.

تفاوت رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های سنتی:

از دیدگاه تاپرل و کانوال (۲۰۱۲) رسانه‌های اجتماعی چند ویژگی ذاتی دارند که آنها را از رسانه‌های سنتی متمایز و محبوب می‌کند:

جدول ۲ مقایسه رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های سنتی (تاپرل و کانوال، ۲۰۱۲).

رسانه‌های سنتی	رسانه‌های اجتماعی	شاخص
کم	زیاد	دسترس پذیری رسانه
غیرتعاملی	کاملاً تعاملی	تعاملی بودن
کند	پرسرعت	سرعت تولید و تبادل محتوا
کوتاه مدت	طولانی مدت	دیر پایی و تغییر پذیری محتوا
کم	زیاد	دسترسی رسانه به کاربران

⁸ Content Communities

⁹ Microblogging

¹ Secend Life

نوشتاری، شنیداری یا دیداری	غناى بسیار بالای رسانه‌ای	چند رسانه‌های بودن
----------------------------	---------------------------	--------------------

خبرگزاری‌ها:

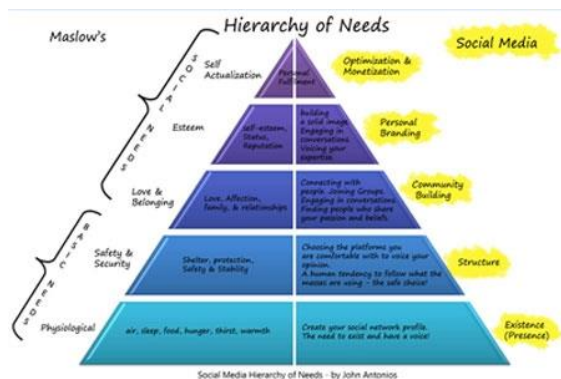
«گیتا علی‌آبادی» می‌گوید: «کار خبرگزاری تولید خبر خام است تا مطبوعات و رادیو و تلویزیون از آن‌ها استفاده کنند. چیزی که باعث رونق یک خبرگزاری می‌شود، این است که اخبار را دست اول و بی‌واسطه تهیه کند و در اختیار رسانه‌ها قرار دهد. خبرگزاری‌ها تهیه‌کننده مطالب خبری، سوابق، جزئیات خبر یا حتی مقالات توأم با تفسیر و تحلیل هستند و از این رو بسیاری از نشریات به‌خصوص روزنامه‌ها برای دریافت اطلاعات می‌توانند مشترک خبرگزاری‌ها شوند» (علی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۸).

خبرگزاری‌های نقل‌کننده و راوی رویدادها شده‌اند و به ما اطلاع می‌دهند چه اتفاقی و چگونه به وقوع پیوسته است. پس نقش و کاربرد خبرگزاری‌ها، تولید و انتشار خبر است و کار خبرنگاران و گزارشگران تبدیل رویداد به خبر، بنابراین می‌توان گفت نقش مهم خبرگزاری‌ها، بازنمایی جهان واقعیت است (مهدی زاده، ۱۳۸۴، ۱۲۴).

هرم مازلو در رسانه‌های اجتماعی

آبراهام مازلو (۱۹۴۳) نظریه خود را با عنوان "نظریه انگیزه‌های انسانی" در سال ۱۹۴۳ ارائه کرد. مازلو، نیازهای اساسی انسان را در یک هرم پنج طبقه‌ای جای داده است. طبقات پایین‌تر هرم، نیازهای حیاتی‌تر و ساده‌تر و طبقات بالاتر نیازهای پیچیده‌تر ولی کمتر حیاتی را نشان می‌دهند. نیازهای بالاتر فقط وقتی مورد توجه فرد قرار می‌گیرند که نیازهای پایین‌تر برطرف شده باشند. حال، با ظهور رسانه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، برخی همان سلسله نیازها و انگیزه‌های انسانی را به شیوه‌ای نو، برای کاربران رسانه‌های اجتماعی مترتب دانسته‌اند؛ جان آنتونیو، استاد بازاریابی و کسب و کار با اقتباس از نظریه انگیزه‌های انسانی مازلو، و پیوند آن با مفاهیم مترتب بر رسانه‌های اجتماعی، شمایی کلی از تحول این نیازها را پس از ۷۰

سال، به تصویر کشیده است. او با مقایسه سلسله مراتب انگیزه‌های انسانی، دیدگاه خود را در انطباق با آرای مازلو در رسانه‌های اجتماعی مطرح می‌سازد:



شکل ۱- مقایسه سلسله مراتب انگیزه‌های انسانی (از دیدگاه مازلو و آنتونیو)

مبانی نظری :

همزیستی و جایگزینی رسانه‌های قدیم با رسانه‌های اجتماعی:

رسانه‌های قدیم و جدید الزاما" در رقابت با یکدیگر نیستند، بلکه در بیشتر اوقات رابطه‌ای همزیستانه با هم دارند. رسانه قدیم و جدید اجتماعی در بیشتر اوقات هم افزا عمل می‌کنند. وبلاگ‌ها کلیپ‌های تلویزیونی را منتشر می‌کنند و تلویزیون نیز در مورد وبلاگ نویسی و رسانه‌های اجتماعی برنامه پخش می‌کند. همین‌طور بین روزنامه‌ها و وبلاگ‌ها رابطه تعاملی وجود دارد (لوپنسون، ۲۰۰۹: ۵۸).

نظریه جایگزینی رسانه‌ها:

نظریه جایگزینی رسانه‌ها در برابر نظریه همگرایی رسانه‌ها ارائه شده است. استدلال اصلی در نظریه همگرایی رسانه‌ها این است که مصرف رسانه‌های جدید، موجب کاهش مصرف رسانه‌های قدیمی می‌شود. آلباران می‌گوید موضوع همگرایی معمولا با صنایع رسانه‌ای شناخته می‌شود. هنوز تحقیقات بر مدیریت همگرایی رسانه‌ای در دوران طفولیت خود قرار دارد. دو پژوهش نیم‌نگاهی اولیه به این موضوع

داشته‌اند: کیلبرو و لاسون بوردرز هریک جنبه‌های مختلف همگرایی بین روزنامه و اتاق‌های خبر تلویزیون و چالش‌هایی که در تجمیع یک پارچه این دو فرهنگ متفاوت وجود دارد را بررسی کرده‌اند (آلبارن، ۲۰۰۶، ۱۵). بر خلاف نظریه همگرایی، نظریه جایگزینی رسانه‌ها بر این منطبق استوار است که یک فعالیت جایگزین فعالیت دیگر می‌شود. جایگزینی رسانه‌های جمعی مبتنی سه انگاره است. اول اینکه زمان یک محدودیت فیزیکی است؛ یک شبانه روز تنها ۲۴ ساعت است. دوم اینکه زمان مورد استفاده برای یک فعالیت نمی‌تواند برای فعالیت دیگری مورد استفاده قرار گیرد. سوم اینکه افزایش یک فعالیت به معنی کاهش فعالیت دیگر است (نیوول و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۳۱). در این دیدگاه افزایش مصرف مجازی به معنی کاهش مصرف واقعی است. برای مثال، وبگردی اجازه مطالعه کتاب (چاپی) غیردرسی را به کاربر نمی‌دهد.

نظریه جامعه شبکه‌ای ون دایک:

وندایک جامعه شبکه‌ای را جامعه‌ای توصیف می‌کند که در آن ترکیبی از شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های رسانه‌ای، مبادی و ساختارهای کلیدی جامعه را در هر سه سطح (فردی، سازمانی و اجتماعی) شکل می‌دهد. او معتقد است جامعه به طور فزاینده سازماندهی می‌شود و ارتباطات خود را تغییر می‌دهد و این تغییر به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات محقق شده است. بدین ترتیب، ارتباطات چهره به چهره افراد به ارتباطات مجازی از طریق شبکه‌های رسانه‌ای اجتماعی تغییر کرده است (وندایک، ۲۰۱۲: ۲۹).

نظریه استفاده و رضامندی

نظریه استفاده و رضامندی ضمن فعال انگاشتن مخاطب، بر نیازها و انگیزه‌های وی در استفاده از رسانه‌ها تأکید می‌کند و بر آن است که ارزش‌ها، علایق و نقش اجتماعی مخاطبان مهم است و مردم براساس این عوامل آن چه را می‌خواهند ببینند و بشنوند، انتخاب می‌کنند. در واقع میزان این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد (ویندال، سیگنایزر و اولسون، ۱۳۸۶: ۲۷۴). کاتز و همکاران (۱۹۷۴) بر این باور هستند که استفاده کنندگان رسانه انگیزه‌های متفاوتی برای انتخاب اشکال رسانه

دارند که موجب می‌شود ارتباط بین اینکه چگونه رسانه استفاده شود و چرا آن کمک می‌نماید که استفاده کنندگان از رسانه سودمندی به دست بیاورند برقرار شود. در سال‌های اخیر از این نظریه برای پیش‌بینی رفتارهای ویژه‌ای به عنوان نتیجه‌انگیزه مصرف‌کنندگان سایت‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود (اسموک و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۶). در شبکه اجتماعی، هدف آشکار برند، جذب مخاطب از طریق تأمین ارزش یا رضایتمندی به وسیله محتوا می‌باشد (مالتئوس، ۲۰۱۳: ۱۲). سازندگان شبکه‌های اجتماعی، بر اساس پایه‌های تئوریک نظریه استفاده و رضامندی همچون نیاز به تعامل، نیاز به سرگرمی، نیاز به جستجو و به اشتراک‌گذاری اطلاعات و نیاز به پاداش به دنبال تقویت شبکه‌های خود هستند. بر این اساس محتوای شبکه‌های اجتماعی در چهار دسته نیاز به اطلاعات، نیاز به سرگرمی، نیاز به سودآوری و نیاز به رابطه دسته‌بندی کرده‌اند (دلان، ۲۰۱۵: ۲).

در جمع‌بندی مطالب فوق باید گفت، با توجه به اهمیت رسانه‌های اجتماعی و کاربرد فراوان آن در زندگی روزمره شهروندان، برخی از رسانه‌های سنتی اقدام به استفاده از این ابزار، در فعالیت خود نموده‌اند. این موضوع را می‌توان با توجه به نظریه همگرایی رسانه‌ها بررسی نمود. در نظریه همگرایی رسانه‌ها، رسانه‌های جدید بجای اینکه جای رسانه‌های قدیمی را بگیرند، به کمک آنها می‌آیند و به نوعی نقش مکمل را برای انجام رسالت این رسانه‌ها بازی می‌کنند. مخاطبان نیز که رضایتمندی از رسانه‌ها برایشان در اولویت است، به جهت جذابیت‌های رسانه‌های جدید، اقدام به استفاده از آنها می‌کنند. همچنین با توجه به اینکه ون دایک از جمله پیشگامانی است که به موضوع رسانه‌ها و شبکه رسانه‌ها در جامعه شبکه‌ای می‌پردازد، نظریه جامعه شبکه‌ای اونیز استفاده شده است. در این تحقیق، محقق تصمیم دارد که با پیوند نقش رسانه‌های اجتماعی در فعالیت‌های خبرگزاری‌ها، با نظریه‌های همگرایی رسانه‌ها و استفاده و رضامندی، دلایل استفاده خبرگزاری‌ها از رسانه‌های اجتماعی را مشخص نماید.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام در زمره تحقیقات کیفی قرار داد. در این پژوهش روش مصاحبه عمیق استفاده شد. دلیل استفاده این روش، کمبود تحقیقات قبلی و اکتشافی بودن موضوع تحقیق بود که نیازمند بررسی عمیق دلایل و انواع استفاده خبرگزاری‌ها از رسانه‌های اجتماعی می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق مدیران و مسئولان خبرگزاری‌های مهم کشور بودند. این خبرگزاری‌ها شامل رسمی کشور که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. با توجه به روش تحقیق که کیفی است از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند (به جهت انتخاب مدیران و مسئولان خبرگزاری‌های مهم کشور) استفاده شد.

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختمند استفاده شده است. در این تحقیق با یازده نفر از مدیران خبرگزاری‌های اصلی کشور مصاحبه انجام شد و پس از این مصاحبه‌ها، محقق به اشباع نظری رسید. مدت مصاحبه با هر کدام از این افراد بین نیم ساعت تا یک ساعت به طول انجامید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش مصاحبه‌ها، در ابتدا هر فایل به صورت کامل پیاده‌سازی شد و پس از ورود به محیط نرم افزاری مکس کیودا کدگذاری آغازین در دستور کار قرار گرفته است. در مرحله بعد، کدها و مقوله‌های ساخته شده نزدیک به هم را با استفاده از روش کدگذاری محوری در هم ادغام شده و کدگذاری نهایی به شکل انتخابی یا گزینشی، استخراج شده‌اند. در مرحله تحلیل پژوهش حاضر، پژوهشگر بعد از مقوله‌بندی و کدگذاری، کار ساماندهی، دسته‌بندی و بازآفرینی بندها و پاراگراف‌های حاصل از متون پیاده‌سازی شده را در محیط نرم افزار تجزیه و تحلیل پیشرفته داده‌های کیفی مورد استفاده موسوم به مکس کیودا انجام داده و داده‌های مرتب‌سازی و مقوله‌بندی شده را برای تفسیر نهایی آماده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های تحقیق که حاصل مصاحبه عمیق با مدیران خبرگزاری‌های اصلی کشور بودند ارائه شده است. در اولین گام، پژوهشگر پس از هر مصاحبه، گفته‌ها را تحت یک جمله یا پاراگراف استخراج کرده و یک برچسب

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۲۵

مفهومی بر آن زده شده و تا ۲۰ کد مشخص شده است. بعد از مقوله بندی و کدگذاری، کار ساماندهی، دسته بندی و بازآفرینی بندها و پاراگراف‌های حاصل از متون پیاده سازی شده را در محیط نرم افزار تجزیه و تحلیل پیشرفته داده‌های کیفی مورد استفاده موسوم به مکس کیودا انجام داده و داده‌های مرتب سازی و مقوله بندی شده را برای تفسیر نهایی آماده کرده است. پس از نام گذاری مقوله‌ها کدها و مقوله‌های ساخته شده نزدیک به هم با استفاده از روش کدگذاری محوری در هم ادغام شده و کدگذاری نهایی به شکل انتخابی یا گزینشی، استخراج شد. یافته‌های حاصل از کدگذاری نهایی در ۵ مقوله صورت بندی شده در جدول ۴-۱ قابل مشاهده است؛

جدول ۳-تم‌های اصلی استخراج شده از مصاحبه با سیاستگذاران

ردیف	کدگذاری نهایی
۱	دلایل استفاده از شبکه‌های اجتماعی در خبرگزاری‌ها
۲	انواع استفاده از شبکه‌های اجتماعی در خبرگزاری‌ها
۳	شبکه‌های اجتماعی استفاده شده در خبرگزاری‌ها
۴	چالش‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای خبرگزاری‌ها
۵	آینده رسانه‌های سنتی با فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی

سؤال اول تحقیق عبارت بود از : دلایل استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از شبکه‌های اجتماعی چیست؟

جدول ۴- دلایل استفاده خبرگزاری‌ها از شبکه‌های اجتماعی، استخراج شده از مصاحبه با مدیران خبرگزاری‌ها

کد	زیرکد	بخش‌های کدگذاری شده
دلایل استفاده	مقابله با رسانه‌های بیگانه	برای مقابله با رسانه‌های بیگانه وارد شبکه‌های اجتماعی شدیم (شریفی - تسنیم)
	تأثیر زیاد شبکه‌های اجتماعی	اتفاقاتی که در عرصه کشور و جهانی می‌افتد متأثر از شبکه‌های اجتماعی است (شریفی - تسنیم)
	واکنش به اخبار	واکنش سریع به جریان سازی‌ها علیه صنعت نفت و پاسخ به ابهامات و شبهات در فضای رسانه‌های اجتماعی (کسری نوری - شانا)
	هزینه کم	ارزان (معزی - ایسنا)
		کم هزینه (کسری نوری - شانا)
	فراگیری	مخاطب زیاد (شریفی - تسنیم)
		درب‌گیری و مخاطب گسترده و نامحدود (معزی - ایسنا)
		فراگیری و تأثیر گذاری بالای رسانه‌های اجتماعی (کسری نوری - شانا)

<p>در حوزه‌های اطلاع رسانی ایجاد کانالهایی خاص برای مخاطبان کار ما را آسانتر می‌کند و در معرفی کارمان ما را به یک رسانه فراگیر و تخصصی تبدیل کرده است (نعمت الهی-شانا)</p>	<p>برندسازی رسانه‌ای</p>			
<p>برای برندسازی در حوزه اطلاع رسانی موثر است (عبدالهی-تسنیم)</p>		<p>تطبیق با شرایط موجود</p>		
<p>شبکه‌های اجتماعی در چند سال اخیر همه گیر شده اند (شریفی-تسنیم)</p>	<p>حضور سایر رقبا</p>			
<p>خبرگزاری‌ها برای به روز بودن مجبورند از شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند (معزی- ایسنا)</p>			<p>سرعت انتشار</p>	
<p>نمی‌توان در عصر جت از گاری استفاده کرد (نعمت الهی-شانا)</p>			<p>سرعت انتشار اخبار در شبکه‌های اجتماعی بیشتر است (حیدری-ایلنا)</p>	
<p>رسانه‌های رسمی باید از این فضا استفاده کنند تا ماهیت خود را حفظ کنند و در فضای رسانه‌ای موجود خود تطبیق دهند. (عبدالهی-تسنیم)</p>	<p>سرعت انتشار اخبار (معزی- ایسنا)</p>			
<p>چندین رسانه دارد (عبدالهی-تسنیم)</p>	<p>سرعت انتشار اخبار در شبکه‌های اجتماعی خیلی زیاد است.</p>			
<p>سرعت انتشار اخبار در شبکه‌های اجتماعی بیشتر است (حیدری-ایلنا)</p>	<p>سرعت دادن به انتقال خبر (نعمت الهی-شانا)</p>			
<p>سرعت انتشار اخبار (معزی- ایسنا)</p>	<p>سرعت. مخاطب امروزی وقت و حوصله ندارد ولی نیاز به اطلاعات زیادی دارد (مقدم-ایسنا)</p>			
<p>سرعت انتشار اخبار در شبکه‌های اجتماعی خیلی زیاد است.</p>				
<p>سرعت دادن به انتقال خبر (نعمت الهی-شانا)</p>				
<p>سرعت. مخاطب امروزی وقت و حوصله ندارد ولی نیاز به اطلاعات زیادی دارد (مقدم-ایسنا)</p>				

سرعت و در برگیری (یامچی-شانا)		
مخاطبهم تولیدکننده خبر است و توزیع کننده (حیدری-ایلنا)	مشارکت مخاطبان	
شبکه‌های اجتماعی رابطه بین رسانه و کاربر را کاهش داده است و گیرنده پیام فرستنده پیام هم می‌تواند باشد. (شریفی-تسنیم)		
مشارکت مخاطبان (رجبی.مهر)		
راحتی در به اشتراک گذاری مطلب، ضریب نفوذ رسانه‌ها را افزایش می‌دهد (مقدم-ایسنا)		
تقویت خبر (رجبی.مهر)	تقویت خبر	
تلاش در جهت بالا بردن سواد و آگاهی نفتی در حوزه‌های مختلف اجتماعی (کسری نوری- شانا)		
شناسایی اخبار مهم از نظر مخاطبان (حیدری-ایلنا)	نظرسنجی	
نظرسنجی (رجبی.مهر)		
به سمت مخاطب رفته‌ایم چون مخاطبان آنجا حضور دارند. (جلیلی- ایرنا)	حضور رسانه در محل مخاطب	
مخاطبان برای دریافت آخرین اخبار در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند و به تبع آن خبرگزاری‌ها هم در آن ورود پیدا کرده اند (شریفی-تسنیم)		
رسانه باید برود همانجایی که مخاطب هست (رجبی.مهر)		

<p>رسانه باید جایی باشد که مخاطب هست. وقتی مخاطب به سمت شبکه‌های اجتماعی رفته خبرگزاری‌ها هم به همان سمت می‌روند. (دهقانی-مهر)</p>			
<p>فراگیری مخاطب در شبکه‌های اجتماعی زیاد است (عبداللهی-تسنیم)</p>			
<p>آمار بازدید در شبکه‌های اجتماعی بیشتر از سایت است (مقدم-ایسنا)</p>			
<p>در قبل ایرنا، رسانه رسانه‌ها بوده است. ایرنا محتوا را برای سایر رسانه‌ها تولید می‌کرده است. اما در حال حاضر مدل کار در ایرنا تغییر کرده است و محتوا برای مخاطب نهایی تولید می‌شود و به همین دلیل ایرنا از شبکه‌های اجتماعی استفاده شده است. (جلیلی-ایرنا)</p>	<p>تعامل با مخاطب</p>		
<p>ایجاد تعامل بین رسانه و کاربرد و شکل‌گیری میزگردی در قسمت کامنت مطالب (شریفی-تسنیم)</p>			
<p>تعاملی بودن (معزی-ایسنا)</p>			
<p>تعامل مردم (رجیبی-مهر)</p>			
<p>قابلیت‌های تعاملی شبکه‌های اجتماعی (دهقانی-مهر)</p>			
<p>بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های اجتماعی برای ارتباط آسان و سریع و کم هزینه با مخاطبان خاص و عام (کسری نوری-شانا)</p>			
<p>تعامل، در گذشته باید هزینه‌های زیادی می‌شد تا مخاطب تعامل داشته باشد (عبداللهی-تسنیم)</p>			
<p>دسترسی مخاطب در کسب اطلاعات و به اشتراک گذاری آن در تلگرام راحت تر از سایت است</p>			

<p>تعاملی کردن ارتباط با مخاطب باعث میشود مخاطب بیشتر جذب رسانه شود. البته محدودیت‌هایی رسانه در کامنت‌ها قرار داده است. (مقدم- ایسنا)</p>		
--	--	--

جدول ۴ نشان می‌دهد که مصاحبه‌شوندگان معتقدند که از شبکه‌های اجتماعی برای تعامل با مخاطب، حضور رسانه در محلی که مخاطب وجود دارد، نظر سنجی از مخاطبان، تقویت اثربخشی خبر، مشاکت مخاطبان در روند تولید خبر، افزایش سرعت انتشار اخبار، رقابت با سایر رقبا، تطبیق با شرایط موجود و پیشرفت علم، رند سازی رسانه‌ای، فراگیری شبکه‌های اجتماعی، هزینه کم و ارزان شبکه‌های اجتماعی، واکنش سریع به اخبار منتشر شده، تأثیر زیاد شبکه‌های اجتماعی بر مخاطبان و مقابله با رسانه‌های بیگانه را به عنوان دلایل استفاده در خبرگزاری خود اعلام کرده‌اند.

سؤال دوم تحقیق عبارت بود از: انواع استفاده خبرگزاری‌ها از رسانه‌های اجتماعی چیست؟

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۳۱

جدول ۵- نتایج استخراج شده از مصاحبه با مدیران خبرگزاری‌های اصلی کشور

بخش‌های کدگذاری شده	زیرکد	پا
شبکه‌های اجتماعی نقش کارتابل اداری داخلی هم دارند. (تبادل اطلاعات و اخبار بیا یکدیگر) (حیدری-ایلنا)	دروازه بانی خبر	انواع استفاده
تعامل با دروازه بانی خبر (سرمدبیر، دبیر و...) (معزی- ایسنا)		
برای انتشار اخبار از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود (جلیلی- ایرنا)	انتشار اخبار	
برای توزیع اخبار از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود (حیدری- ایلنا)		
بازنشر و انتشار اخبار (معزی- ایسنا)		
پاسخ به ابهامات و شبهات علیه این صنعت (کسری نوری- شانا)	پاسخ به ابهامات	
خبر خود را دریافت کند. (نعمت الهی- شانا)	تولید خبر	
تولید (یامچی- شانا)		
جریان سازی‌ها به صنعت نفت (کسری نوری- شانا)	جریان سازی	
شبکه‌های اجتماعی ظرفیت جریان سازی را دارد. (مقدم- ایسنا)		
مفید برای رسانه‌ها با گرفتن تبلیغات و لینک‌ها که تشریفات زیادی ندارد (مقدم- ایسنا)	جذب تبلیغات	

ارجاع مخاطبان از شبکه اجتماعی به سایت	از شبکه‌های اجتماعی ارجاع می‌شود به سمت سایت (عبدالهی-تسنیم)	
بازخورد گیری	بازخورد سنجی از اخباری که منتشر می‌شود. (دهقانی-مهر)	
سوژه یابی	قبلا فقط برای انتشار اخبار بوده ولی در حاضر برای رصد موضوعات برجسته و سوژه یابی کمک می‌کند. (دهقانی-مهر)	
	سلیقه مخاطبان. می‌توان فهمید مخاطبان به چه چیزی فکر می‌کنند (عبدالهی-تسنیم)	
	تولیدخبر (مقدم-ایسنا)	
	اطلاع از اخبار (یامچی-شانا)	
ارتباط با مخاطبان خارجی	مخاطب خارجی وجود دارد و برای آنها این مهم است که در ایران چه خبر است (رجبی.مهر)	
	بیشتر استفاده از رسانه‌های اجتماعی در زبان خارجی تویتر است. آنها بیشتر به اصل سایت مراجعه می‌کنند. (یامچی-شانا)	

جدول ۵ نشان می‌دهد که پاسخگویان انواع استفاده خود از شبکه‌های اجتماعی را شامل: ارتباط با مخاطبان خارجی، سوژه یابی، بازخوردگیری، ارجاع مخاطب از شبکه‌های اجتماعی به سایت، جذب تبلیغات، جریان سازی، تولیدخبر، پاسخ به ابهامات، انتشار اخبار و دروازه‌بانی خبر عنوان کرده‌اند.

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۳۳

سؤال سوم تحقیق عبارت بود از: رسانه‌های اجتماعی مورد استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور کدامند؟

جدول ۶- نتایج استخراج شده از مصاحبه با مدیران خبرگزاری‌های کشور در زمینه استفاده از رسانه‌های اجتماعی

بخش‌های کدگذاری شده	زیرکد	کد
اینستاگرام، یوتیوب و فیسبوک، ساندکلوب (جلیلی-ایرنا)	رسانه‌های اجتماعی خارجی	رسانه‌های اجتماعی استفاده شده
توییتر، واتساپ، تلگرام، اینستاگرام (حیدری-ایلنا)		
اینستاگرام و تلگرام (شریفی-تسنیم)		
اینستاگرام و توییتر (رجبی.مهر)		
توییتر، فیس بوک، تلگرام تا قبل از فیلترینگ، اینستاگرام (دهقانی-مهر)		
تلگرام، اینستاگرام، فیس بوک، یوتیوب (عبداللهی-تسنیم)		
تلگرام، توییتر، اینستاگرام (مقدم-ایسنا)		
تلگرام (کانال)، اینستا (عکس و اخبار) و توییتر (فارسی و انگلیسی) (یامچی-شانا)		
آپارات، سروش (جلیلی-ایرنا)		
سروش، ایتا، آی گپ و بله (شریفی-تسنیم)		
بله.سروش.رویکا (رجبی.مهر)		
بله و سروش (دهقانی-مهر)		

سروش، بیتا، گپ، آی گپ (عبدالهی-تسنیم)		
آیگپ (مقدم-ایسنا)		

جدول ۶ نشان می‌دهد که خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی داخلی و خارجی برای انجام فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند. در رسانه‌های اجتماعی داخلی از سروش، بله، گپ، آی گپ، روبیکا، آپارات و بیتا و در رسانه‌های اجتماعی خارجی از تلگرام، اینستاگرام، توئیتر، فیس بوک و ساندکلوب استفاده می‌کنند.

سؤال چهارم تحقیق عبارت بود از: چالش‌های اصلی خبرگزاری‌ها در استفاده از رسانه‌های اجتماعی چیست؟

جدول ۷ - نتایج استخراج شده از مصاحبه با مدیران خبرگزاری‌های اصلی کشور در مورد چالش‌های استفاده از رسانه‌های اجتماعی

بخش‌های کدگذاری شده	زیرکد	کد
<p>۱. امکانات نسبت به خبرگزاری‌های دیگر کمتر است.</p> <p>۲. پرسنل در برابر تغییر مقاوم هستند.</p> <p>۳. خبرگزاری‌های بین‌المللی برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی دستورالعمل دارند ولی در ایران وجود ندارد.</p> <p>۴. ممنوعیت فعالیت در تلگرام (رجبی.مهر)</p>	بلا تکلیفی شبکه‌های اجتماعی	چالش‌ها
<p>تکلیف شبکه‌های اجتماعی مشخص نیست و در این زمینه سردرگمی وجود دارد (حیدری-ایلنا)</p>		

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۳۵

	تعداد رقبا مخاطبان رسانه‌ای ضعف سواد	مخاطبان ضعف سواد رسانه‌ای دارند و این مشکلاتی را ایجاد می‌کند و مطالب را بدون منبع منعکس می‌کند. (شریفی-تسنیم)
	مشکلات فنی	۱. شبکه‌های اجتماعی گاهی قطعی دارند ۲. فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی ۳. پیام رسان‌های داخلی زیرساخت‌های خوبی ندارند. (شریفی-تسنیم)
	کوتاه شدن عمر خبر	خبر دست اول با گذشت زمان خیلی کمی به خبر دست دوم تبدیل می‌شود (معزی- ایسنا)
	نگاه منفی مسئولین	رفتارها در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی سلیقه‌ای و شخصی است بدبینی مسئولین نسبت به شبکه‌های اجتماعی (حیدری-ایلنا) جای پای امنی ندارد (معزی- ایسنا) برخی گمان می‌کنند که چون این رسانه‌ها و منشا ایجاد آنها به طور مشخص آمریکا بوده است پس ابزاری در خدمت دشمنان هستند و لذا باید این رسانه‌ها را کنار گذاشت. در حالی که خود رسانه است که مهم است و نه کشور سازنده که برخی در قبال آن دارند. (نعمت الهی-شانا)
	چالش‌های حقوقی	تولیدکننده خبر چندان پاسخگویی مطالب منتشر شده نیست. (حیدری-ایلنا)

محدودیت‌های حقوقی (کسری نوری - شانا)				
مقابله با شایعات در فضای مجازی سخت است. (شریفی - تسنیم)	مشکل در تکذیب اخبار کذب			
در مواقع انتشار خبر کذب، پاسخ دهی و تکذیب آن بسیار سخت است (یامچی - شانا)		قرار گرفتن رسانه‌های اجتماعی در حافظه کوتاه مدت		
رسانه‌های اجتماعی به شدت در حافظه کوتاه مدت مردم جا پیدا می‌کند. اگر رسانه‌ای به دنبال ماندگاری است نباید فقط در شبکه‌های اجتماعی حضور یابد (یامچی - شانا)	شهروند خبرنگار و غیر حرفه‌ای شدن اخبار			
دردام زردنگاری نیفتیم و استانداردهای شبکه‌های اجتماعی نیفتیم. (جلیلی - ایرنا)		رقابت کاذب بین رسانه‌ها		
ورود افراد غیر متخصص و مغرض در شبکه‌های اجتماعی (حیدری - ایلنا)				
دردروازه بانی خبر نقش نداریم (معزی - ایسنا)				
شهروند خبرنگار و ارائه اخبار اشتباه و غیر حرفه‌ای (مقدم - ایسنا)				
رقابت کاذب بین رسانه‌ها (مقدم - ایسنا)				

دلایل و نوع استفاده خبرگزاری‌های اصلی کشور از رسانه‌های اجتماعی // ۳۷

<p>همسان شدن اخبار رسانه‌ها (کپی رسانه‌ها از یکدیگر) (مقدم- ایسنا)</p>	<p>همسان شدن خبر رسانه‌ها</p>
<p>حضور برندهایی که اثرگذاری آنها از رسانه‌های رسمی بیشتر است. (عبداللهی-تسنیم)</p>	<p>حضور برندهای غیر رسانه‌ای</p>
<p>مرجعیت زدایی از رسانه‌های رسمی (برای همه رسانه‌های دنیا اتفاق افتاده است) (عبداللهی-تسنیم)</p>	<p>مرجعیت زدایی از رسانه‌های جمعی</p>
<p>رواج فیک نیوز و واکنش رسانه‌های رسمی به این فیک نیوزها انجام می‌شود (جلیلی-ایرنا)</p>	<p>پایین آمدن اعتبار خبر و ایجاد شایعه</p>
<p>انبوه اطلاعات ارائه شده در شبکه‌های اجتماعی و غیر قابل اعتماد بودن اخبار (حیدری-ایلنا)</p>	
<p>۱. شایعات و اخبار کذب و دروغ و تقطیع اخبار (بخشی از اخبار منعکس می‌شود) ۲. انتشار اخبار گذشته با تیتیر جدید و ایجاد شایعه. (شریفی-تسنیم)</p>	
<p>وجود اخبار جعلی و سخت بودن تشخیص آنها (معزی-ایسنا)</p>	

<p>اعتبارخبر کاهش می‌یابد (دهقانی-مهر)</p>			
<p>استفاده‌ها از این رسانه‌ها به تقوای استفاده نیاز دارد. در حالی که ما به اعتماد به رسانه نیاز داریم برخی رسانه‌های خلافکار و خرابکار رابطه اعتماد‌آمیز به رسانه‌های اجتماعی را مخدوش می‌کنند و برخی که از اطلاع‌رسانی سریع نگران‌اند این امر را دستاویز کارهای خود قرار می‌دهند (نعمت‌الهی-شانا)</p>			
<p>انتشار خبر کذب (عبدالهی-تسنیم)</p>			
<p>به سرعت شایعه منتشر می‌شود. (مقدم-ایسنا)</p>			
<p>از محتواهای سایر رسانه‌ها در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود (شریفی-تسنیم)</p>	<p>رعایت نکردن کمی رایت</p>		
<p>با فول روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها به عنوان منابع اصلی خبر محسوب می‌شوند ولی شبکه‌های اجتماعی خبر را به نام خودشان منتشر می‌کنند که چالش اصلی خبرگزاری مهر است. (دهقانی-مهر)</p>			
<p>حقوق معنوی ر سازها رعایت نمی‌شود (مقدم-ایسنا)</p>			

بخش‌های کدگذاری شده	زیرکد	کد
<p>بستری برای تولید اطلاعات وجود دارد مانند خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجراهای خوبی برای توزیع اخبار باشند. (حیدری-ایلنا)</p>	<p>رسانه‌های جدید مکمل رسانه‌های قدیم هستند.</p>	<p>آینده رسانه‌های سنتی</p>
<p>شبکه‌های اجتماعی ابزار انتقال پیام هستند و پیام باید در جایی تولید شود پس خبرگزاری‌ها و سایت‌ها نیاز هستند. شبکه‌های اجتماعی باعث شده اند که مردم بیشتر با خبرگزاری‌ها آشنا شوند. شبکه‌های اجتماعی ابزار انتقال خبر خبرگزاری‌ها هستند (شریفی-تسنیم).</p>		
<p>رسانه‌های جدید نمی‌توانند جای رسانه‌های قبلی را بگیرند و ممکن است بتوانند ساختار آن را تغییر دهند (معزی-ایسنا)</p>		
<p>همانطور که رادیو و تلویزیون از بین نرفتند، خبرگزاری‌ها هم از بین نمی‌روند (رجبی.مهر)</p>		
<p>در ابتدا این تصور بود که با ظهور پیام‌رسان‌ها مخاطب در وب کاهش پیدا کند ولی تجربه نشان داد که اینطور نیست. شبکه‌های اجتماعی نمی‌توانند جای رسانه‌های سنتی را بگیرند (دهقانی-مهر)</p>		
<p>طبیعی است که رسانه جدید جای رسانه‌های دیگر را تنگ می‌کند. رسانه جدید کمک می‌کند که بسیاری از ضعف‌های پیشین در کار برطرف شود. برای مثال برای یک روزنامه فرایند پیچیده‌ای طی می‌شد تا روزنامه خبری را به اطلاع عموم برساند. (نعمت الهی-شانا)</p>		
<p>در کوتاه مدت ممکن است رسانه‌های اجتماعی، منابع متنی را دچار چالش کند اما با گذشت زمان، خبرگزاری‌ها و حتی روزنامه‌ها، اثرگذاری خود را خواهند داشت به عبارت دیگر رسانه‌های اجتماعی نمی‌توانند، منابع سنتی دریافت خبر را کاملاً حلقه کنند (کسری نوری-شانا)</p>		
<p>رسانه‌های اجتماعی نمی‌توانند جای منابع سنتی را بگیرند. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به تقویت رسانه‌های رسمی منجر شود. (عبداللهی-تسنیم)</p>		
<p>رسانه‌های اجتماعی جای منابع سنتی را نمی‌توانند بگیرند (مقدم-ایسنا)</p>		

<p>بر اساس به اصل علمی رسانه‌ها جای یکدیگر را نمی‌گیرند بلکه یکدیگر را تکمیل می‌کنند. (یامچی-شانان)</p>		
<p>رسانه‌های اجتماعی می‌توانند جای شبکه‌های بگیرند. (جلیلی-ایرنا)</p>	<p>رسانه‌های جدید جای رسانه‌های قبلی را می‌گیرند</p>	

جدول ۷ نشان می‌دهد که مدیران خبرگزاری‌ها، چالش‌هایی را که در استفاده از شبکه‌های اجتماعی با آنها دست به گریبان هستند را شامل: رعایت نکردن کپی رایت، پایین آمدن اعتبار خبر، مرجعیت زدایی از رسانه‌های سنتی، حضور برندهای غیر رسمی (افراد شاخص و مشهور) هم‌سان شدن خبر رسانه‌های مختلف، رقابت کاذب بین رسانه‌ها، شهروند خبرنگار و غیر حرفه‌ای شدن اخبار، قرار گرفتن رسانه‌های اجتماعی در حافظه کوتاه مدت مخاطبان، مشکل در تکذیب اخبار دروغ، چالش‌های حقوقی، نگاه منفی مسئولین به شبکه‌های اجتماعی، کوتاه شدن عمر خبر، مشکلات فنی، تعدد رقبا، ضعف سواد رسانه‌ای مخاطبان و بلا تکلیفی شبکه‌های اجتماعی مطرح نموده‌اند.

سؤال پنجم تحقیق عبارت بود از: آینده رسانه‌های سنتی و خبرگزاری‌ها با آمدن شبکه‌های اجتماعی چه تغییری خواهد کرد؟

جدول ۸- نتایج استخراج شده از مصاحبه با مدیران خبرگزاری‌ها در مورد آینده رسانه‌های سنتی و خبرگزاری‌ها با آمدن شبکه‌های اجتماعی

جدول ۸ نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان معتقدند که رسانه‌های جدید مکمل رسانه‌های رسمی و سنتی هستند و نمی‌توانند جای آنها را بگیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با مدیران خبرگزاری‌های اصلی کشور نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگزاری‌ها از شبکه‌های اجتماعی برای تعامل با مخاطب استفاده می‌شود. مصاحبه شونده‌گان معتقدند بودند که با آمدن شبکه‌های اجتماعی، فضای تبادل اخبار با مخاطبان حالت تعاملی و دو طرفه به خود گرفت و در لحظه می‌توان بازخورد اخبار منتشر شده را از مخاطبان گرفت همچنین مصاحبه شونده‌گان اعلام کردند که حضور رسانه در محلی که مخاطب وجود دارد باعث شده تا خبرگزاری‌ها که بقای خود را به حضور و وجود مخاطبان وابسته می‌دانند به سلیقه و خواست آنها احترام بگذارند. یکی دیگر از دلایل استفاده خبرگزاری‌ها از شبکه‌های اجتماعی، نظرسنجی از مخاطبان است که امکانات خوبی را برای نظرسنجی از مخاطبان در اختیار خبرگزاری‌ها گذاشته است. مصاحبه شونده‌گان در ادامه، تقویت اثربخشی خبر را یکی از دلایل استفاده از رسانه‌های اجتماعی اعلام نموده‌اند. مدیران خبرگزاری‌ها معتقدند که مشارکت مخاطبان در روند تولید خبر، با استفاده از رسانه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. رقابت با سایر رقبا هم از دلایلی است که خبرگزاری‌ها را واداشته است تا از رسانه‌های اجتماعی استفاده نمایند. رسانه‌های اجتماعی به جهت پوشش و دربرگیری زیاد در بین مخاطبان می‌توانند به برند سازی رسانه‌ای کمک زیادی نمایند. همچنین برخی از مصاحبه شونده‌گان اعلام کرده‌اند که با استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌توان با رسانه‌های بیگانه مقابله نمود. در مجموع می‌توان گفت که تقریباً تمامی خبرگزاری‌ها به اهمیت استفاده از رسانه‌های اجتماعی اذعان دارند و استفاده از این رسانه‌ها را به طور جدی در دستور کار خود قرار داده‌اند. همچنین اولین کاربرد رسانه‌های اجتماعی برای خبرگزاری‌ها، کمک به انجام مرحله دروازه بانی خبر است. خبرنگاران، دبیران سرویس‌ها و سردبیران برای هماهنگی‌های داخلی و تعیین اخبار قابل انتشار و در مجموع دروازه‌بانی خبر از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. دومین کاربرد رسانه‌های اجتماعی، انتشار اخبار است، تقریباً تمامی خبرگزاری‌ها، اعلام کرده‌اند که از شبکه‌های اجتماعی برای نشر و بازنشر اخبار و اطلاعات استفاده می‌کنند. پاسخ به ابهامات، از دلایل دیگری است که

خبرگزاری‌ها در مواقعی که ابهامی در جامعه وجود دارد، با استفاده از رسانه‌های اجتماعی اقدام به پاسخگویی، شفاف‌سازی و روشن‌گری می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که رسانه‌های اجتماعی بخش زیادی از فرایند تولید، توزیع، سوژه‌یابی و بازخوردگیری از مخاطب را برعهده دارند. خبرگزاری‌ها هم به نوعی به رسانه‌های اجتماعی وابسته شده‌اند و اگر رسانه‌های اجتماعی دچار مشکل شوند به نوعی خبرگزاری‌ها هم دچار مشکل می‌شوند.

در مورد رسانه‌های اجتماعی که توسط خبرگزاری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد را می‌توان در دو دسته رسانه‌های اجتماعی داخلی و خارجی تقسیم بندی نمود. در رسانه‌های خارجی، م‌صاحبه شوندگان از اینستاگرام، یوتیوب و فیس‌بوک، ساندکلوب، توئیتر، واتساپ و در رسانه‌های اجتماعی داخلی از آپارات، سروش، بله، بیتا، گپ، آی‌گپ استفاده می‌کنند.

به علاوه، یکی از چالش‌هایی که خبرگزاری‌ها با آن درگیر هستند بلاتکلیفی رسانه‌های اجتماعی است. منظور از بلاتکلیفی، موضوع احتمال فیلتر شدن رسانه‌های اجتماعی است. چالش دوم ضعف سواد رسانه‌ای مخاطبان است. مخاطبان حاضر در شبکه‌های اجتماعی به دلیل پایین بودن سطح سواد رسانه‌ای‌شان، هر پیام و خبر منتشر شده در فضای مجازی را باور می‌کنند و این می‌تواند مشکلات زیادی را در سطح جامعه و در حوزه اطلاع‌رسانی ایجاد کند. سومین چالش عبارت است از مشکلات فنی، مشکلات فنی از نظر مصاحبه‌شوندگان شامل قطعی اینترنت و یا شبکه‌های اجتماعی و نداشتن زیرساخت مناسب رسانه‌های اجتماعی داخلی است. چهارمین چالش نگاه منفی مسئولین به رسانه‌های اجتماعی است. چالش بعدی کوتاه شدن عمر خبر بود. به دلیل سرعت بالای انتقال اخبار و تولید اخبار زیاد و توزیع در شبکه‌های اجتماعی، عمر مفید اخبار کاهش پیدا کرده است و خبر به سرعت به خبر سوخته تبدیل می‌گردد. قرار گرفتن رسانه‌های اجتماعی در حافظه کوتاه مدت هم، موضوعی است که باعث شده است تا چالش‌هایی را برای خبرگزاری‌ها ایجاد نماید. حضور شهروندانی که با استفاده از موبایل هوشمند خود اقدام به تولید خبر و انتشار آن در فضای مجازی می‌کنند باعث شده‌اند تا عرصه تولید خبر از حالت حرفه‌ای

خارج شود و شهروندان بدون رعایت اصول حرفه‌ای و صحیح تولید خبر، اقدام به تولید این مطالب نمایند. حضور اینفلوئنسرها در فضای مجازی و داشتن تعداد مخاطب زیاد، باعث شده است تا آنها بتوانند به راحتی مطلبی را به حجم زیادی از مخاطبان انتقال دهند و گاهی تعداد مخاطبان آنها از مخاطبان خبرگزاری‌ها بیشتر است و این باعث می‌شود تا اثرگذاری آنها از خبرگزاری‌ها بیشتر شود. انتشار اخبار جعلی و شایعات در فضای مجازی باعث شده است تا اعتماد مخاطبان به خبر کاهش پیدا کند. این موضوع باعث شده است تا رابطه اعتماد آمیز مخاطبان با رسانه‌های اجتماعی خدشه دار شود و به مطالب انتشار یافته در کانال‌ها و صفحات مربوط به خبرگزاری‌ها هم با دیده شک نگاه کنند. مالکیت اخبار تولید شده در رسانه‌های اجتماعی می‌تواند مورد تعرض قرار گیرد و افراد با استفاده از اخبار خبرگزاری‌ها و سایت‌های دیگر، مخاطبان خود را افزایش دهند و اخبار را با نام خود منتشر نمایند. در مجموع می‌توان گفت همانطور که استفاده از رسانه‌های اجتماعی کمک زیادی به خبرگزاری‌ها نموده است، چالش‌های زیادی را هم بر سر راه آنان ایجاد نموده است که نیازمند برنامه‌ریزی و دقت بیشتر در استفاده از این رسانه‌ها است.

در نهایت مصاحبه شونده‌گان اعلام نموده‌اند که رسانه‌های اجتماعی، مکمل رسانه‌های سنتی هستند و به آنها در انتشار اخبار کمک می‌کنند و نمی‌توانند جای آنها را بگیرند. مدیران خبرگزاری‌ها معتقد بودند که باید بستری برای تولید اطلاعات وجود داشته باشد مانند خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجراهای خوبی برای توزیع اخبار هستند. همچنین اعتقاد داشتند که ممکن است رسانه‌های اجتماعی بتوانند ساختار آن را تغییر دهند. برخی از پاسخگویان معتقد بودند که همانطور که رادیو و تلویزیون از بین نرفتند، خبرگزاری‌ها هم از بین نمی‌روند. طبیعی است که رسانه جدید جای رسانه‌های دیگر را تنگ می‌کنند. رسانه جدید کمک می‌کند که بسیاری از ضعف‌های پیشین در کار برطرف شود.

پیشنهادات پژوهش:

با عنایت به وجود چالشی با عنوان پایین بودن سواد رسانه‌ای مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی، پیشنهاد می‌گردد خبرگزاری‌ها در کنار انتقال اخبار به مخاطبان،

مطالب و محتوایی را برای بالا بردن سواد رسانه‌ای مخاطبان ارائه نمایند و از این طریق به مرور زمان سواد رسانه‌ای مخاطبان افزایش یابد و رسانه‌های جعلی به راحتی نتوانند از مخاطبان سوء استفاده نمایند و شایعات را در فضای مجازی منتشر نمایند. یکی از چالش‌های مطرح شده در تحقیق، بلا تکلیفی شبکه‌های اجتماعی و احتمال فیلترینگ آنها بود. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد خبرگزاری‌ها به صورت یکجا نامه‌ای را برای وزارت ارشاد ارسال و دغدغه‌های خود را در این زمینه اعلام نمایند و خواستار تعیین تکلیف یکباره رسانه‌های اجتماعی شوند.

نگاه منفی مسئولان، یکی از چالش‌هایی است که مصاحبه‌شوندگان به عنوان چالش فعالیت در رسانه‌های اجتماعی اعلام کرده‌اند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که خبرگزاری‌ها برای تغییر نگاه مسئولین، مجموعه برنامه‌ها و محتوایی را تدارک ببینند و آنها را با توانمندی‌ها و امکانات رسانه‌های اجتماعی آشنا سازند.

حضور شهروند خبرنگاران و غیر حرفه‌ای شدن روند تولید خبر هم یکی از چالش‌های مطرح شده بود که پیشنهاد می‌گردد خبرگزاری‌ها برای تولید اخبار حرفه‌ای، شهروندان را در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی خود آموزش دهند و محتوای مناسب برای یادگیری این آموزش‌ها را در اختیار آنها قرار دهند.

حضور اشخاص و برندهایی که تأثیر آنها از خبرگزاری‌ها در رسانه‌های اجتماعی بیشتر است هم یکی از چالش‌های مطرح شده است که در این زمینه پیشنهاد می‌گردد خبرگزاری‌ها با این افراد وارد مذاکره شوند و بتوانند از پتانسیل آنها در راستای فعالیت‌های خبری خود استفاده نمایند.

منابع و مأخذ

- ۱- افتاده، جواد (۱۳۸۸) کاربران تولیدکننده محتوا بر اساس روابط عمومی ۲ در عصر رسانه‌های اجتماعی، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی روابط عمومی ۲، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس بین المللی روابط عمومی ایران.
- ۲- اکبری، ابوالقاسم و مینا اکبری؛ (۱۳۹۰) آسیب شناسی اجتماعی، تهران: رشد و توسعه
- ۳- امامی رودسری، حسین و عسگری، فیروزه (۱۳۹۲) بررسی نگرش خبرنگاران رسانه‌های آنلاین نسبت به کارکردهای خبری شبکه‌های اجتماعی، رسانه، شماره ۴، ص ۱۱۷-۱۲۹
- ۴- بابازاده مقدم، حامد، اسدی، عباس (۱۳۹۵) مقررات گذاری برای سایت‌های خبری در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۴، ص ۳۵-۹
- ۵- جودی، لیلیا (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی میزان استفاده سردبیران و خبرنگاران خبرگزاری‌های رسمی کشور از شبکه اجتماعی موبایلی به منظور تولید و انتشار اخبار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی
- ۶- خبرگزاری تسنیم، ۲۰ مرداد ۱۳۹۷ (لینک خبر: <https://tn.ai/1799905>).
- ۷- سلطانی فر، محمد و شهناز هاشمی (۱۳۸۲) پوشش خبری، تهران، انتشارات شرق.
- ۸- شمسایی نیا، رامین (۱۳۹۴) آسیب شناسی سیاستگذاری رسانه‌های خبری فضای مجازی در ایران، مدیرین رسانه، شماره ۱۵، ص ۶-۱۳
- ۹- گرانیمایه پور، علی و جیرانی، فروغ (۱۳۹۴) بررسی نقش فیس بوک بر تغییر ماهیت شیوه‌های انتشار اخبار و اطلاعات از دیدگاه روزنامه نگاران تهرانی عضو شبکه اجتماعی فیس بوک، رسانه، شماره ۱، ص ۵۰-۷۴
- ۱۰- محمودی، علی اصغر، محمودی، مجتبی، ترکاشوند، پرویز. (۱۳۹۶). شبکه‌های اجتماعی: ابعاد و مفاهیم. تهران: ساکو.
- ۱۱- مهدیزاده، سیدمحمد (۱۳۸۴) بررسی محتوایی و حرفه ای مطالب هفت خبرگزاری غیردولتی، رسانه، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی و سایل ارتباط جمعی، شماره پیاپی ۶۳، صص ۱۶۳-۱۲۴

- ۱۲- نوش آفرین، علیرضا(۱۳۹۱) بررسی کاربرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در نهاد روابط عمومی از دیدگاه فعالان حوزه روابط عمومی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، چاپ نشده
- ۱۳- ویندال، سون، بنو سیگنایزر، اول سون، جین. (۱۳۷۶). کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

منابع لاتین

1. Hedman, Ulrika (2016). When Journalists Tweet: Disclosure, Participatory, and Personal Transparency. *Journal of Social Media + Society*.
2. Hermida, Alfred(2012). Social Journalism: Exploring How Social Media is Shaping Journalism. *Social Journalism: Exploring How Social Media is Shaping Journalism*.
3. Kalsnes, B. and Larsson, A. O. (2017) Understanding News Sharing Across Social Media. *Journalism Studies*. 3(4), 209–224
4. Khuntia , Jiban & the other. (2016). Sharing News Through Social Networks. *International Journal on Media Management* , Volume 18, 2016 - Issue 1.
5. Mansour, Essam. (2016). The adoption and use of social media as a source of information by Egyptian government journalists. *Journal of Librarianship and Information Science* 50(1).
6. Rogstad, Ingrid Dahlen(2014). Political News Journalists in Social Media Transforming political reporters into political pundits?. *Journalism Practice* .Volume 8- Issue 6.

طراحی مدل تعاملی معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما با دولت

نعیمه مونسى^۱

علی اکبر رزمجو^۲

ابراهیم فتحی^۳

چکیده

رسانه‌ها یکی از ابزارهای مؤثر در آگاهی‌بخشی به مردم و نظارت بر نهادهای جامعه از جمله دولت هستند. بهبود تعامل دولت با رسانه‌ها به هم‌افزایی آن‌ها کمک می‌کند. هدف از پژوهش حاضر نیز طراحی مدل تعاملی سازمان صدا و سیما در بخش معاونت سیاسی با دولت است. بدین منظور این پژوهش با استفاده از روش کیفی انجام شده است. داده‌های به دست آمده از تحقیقات کتابخانه‌ای و مصاحبه با کارشناسان و صاحب‌نظران صدا و سیما و کارشناسان رسانه‌ای با تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته حاصل آمده و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، تجزیه تحلیل و واکاوی صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که دولت و سازمان صدا و سیما در بخش اخبار به سه شکل حمایتی، نظارتی و هدایتی می‌توانند تعامل برقرار کنند. و حمایت سازمان صدا و سیما از دولت باید اولویت نخست باشد تا تعامل به مراحل نظارت و هدایت برسد. هرچند تاکنون به دلیل فقدان قوانین روشن و به‌روز و عدم درک متقابل، دولت و سازمان صدا و سیما نتوانسته‌اند انتظارات خود از یکدیگر را مدیریت کنند. شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما نیز به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار در بهبود این تعامل عملکرد موفق‌تری نداشته است.

کلیدواژه‌ها: مدل، الگوی تعاملی، معاونت سیاسی، دولت

^۱ کارشناس ارشد روزنامه‌نگاری، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

n.munesi91@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران: arazmjoo@iribu.ac.ir

^۳ استادیار گروه ژورنالیسم و خبر، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران: e.fathi@iribu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

رسانه‌ها از ابزارهای مؤثر برای کنترل و جهت‌دهی آشکار و پنهان رفتارهای افراد و گروه‌های اجتماعی هستند که ارباب قدرت و سیاست از آن‌ها برای تحمیل خواست و اراده خود بر عموم بهره می‌برند. امروزه رسانه به یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت سیاسی در جوامع مدرن تبدیل شده است؛ مؤلفه‌ای که به کمک انگاره سازی، جریان قدرت را در جوامع راهبری و در صورت لزوم دچار تغییر می‌کند (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۲۱۰). در میان انواع رسانه‌ها تلویزیون به دلیل تأثیرگذاری بر اکثر قوای ادراکی انسان، از اهمیت زیادی برخوردار است. از جمله کارکردهای مهم تلویزیون، ارائه اخبار و اطلاعات به جامعه است و شیوه پوشش و پخش خبر بر شکل‌گیری افکار عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد. امروزه رسانه‌های خبری با شکست محدودیت‌های زمانی و مکانی سابق و عبور از مرزهای سنتی سیاسی و ملی، می‌توانند اخبار را به صورت لحظه‌ای در اختیار جهانیان بگذارند (گلشنی و جدیدی و اسکندری، ۱۳۹۱: ۵). در شرایط کنونی جامعه ما، پیدایش رسانه‌های جدید مانند فضای مجازی و رسانه‌های الکترونیکی که گاهی نقش ابزاری برای هجمه به دولت را نیز ایفا می‌کنند، اهمیت اطلاع‌رسانی و پوشش خبری تلویزیون را بیش از پیش برجسته می‌سازد؛ چرا که در شکل‌گیری ارتباط میان مردم با مسئولان و مردم با مردم تأثیر دارد. به عبارت دیگر، رسانه‌های جمعی با بیان و هدایت صحیح خواسته‌های مردم و متقابلاً وادار سازی حکومت به پاسخگویی و ارائه مناسب خدمات، نقش واسطه و میانجی را میان افکار عمومی و نظام سیاسی ایفا می‌کنند (درزیان رستمی و قدیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

سازمان صدا و سیما بزرگترین سازمان رسانه‌ای داخلی است که علاوه بر مخاطبان فراوان، جایگاه ویژه‌ای از نظر تأثیرگذاری بر جامعه دارد و به همین دلیل مورد توجه همه دولت‌ها است. افزایش تعامل میان ارکان نظام از جمله دولت (به عنوان بازوی اجرایی حکومت) و رسانه (به عنوان رکن چهارم قدرت)، به دستیابی هرچه بیشتر نظام جمهوری اسلامی به اهداف بلندمدت و کوتاه مدتش کمک می‌کند؛ امری که همواره مورد تأکید رهبر انقلاب نیز بوده است (ن.ک به خامنه‌ای، ۱۳۸۳). هدف

پژوهش حاضر نیز «طراحی مدل تعاملی سازمان صدا و سیما با دولت در حوزه خبر» است. با توجه به جایگاه ویژه رسانه ملی در قانون اساسی و بین مردم و نگاه ویژه دولت‌ها به آن، سعی در طراحی الگویی مناسب برای تعامل بین دولت و سازمان صدا و سیما، می‌تواند اقدامی مفید و مؤثر باشد تا میان مدیریت‌های آینده سازمان صدا و سیما و دولت‌های آینده، الگوی مشخصی برای انتشار اخبار و بالتبع افزایش تعامل وجود داشته باشد. برای این منظور معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما که حوزه خبر زیر مجموعه آن می‌باشد مورد بررسی قرار گرفته است.

معاونت سیاسی به سبب وظایفی که دارد با نهادهای گوناگون در ارتباط است و خبرهای آن‌ها را بسته به درجه اهمیت و ضرورت اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی پوشش می‌دهد. در شرح وظایف رسانه نسبت به دولت در مقدمه قانون اساسی تحت عنوان «وسایل ارتباط جمعی»، نظارت بر عملکرد مسئولان به‌عنوان حق مسلم مردم و در اصل هشتم قانون اساسی، نقد گفتار و رفتار مسئولان یک وظیفه خطیر همگانی قلمداد شده است. اما دولت‌ها در برخی مقاطع از عملکرد معاونت سیاسی سازمان رضایت نداشته‌اند. برخی اوقات انتقادات دولت از معاونت سیاسی به شخص اول نظام نیز رسیده است (ن.ک به خامنه‌ای، ۱۳۹۷). گاه شخص رؤسای جمهور خود شخصا پرچم‌دار بیان این نارضایتی‌ها شده و به‌صراحت از برنامه‌های صدا و سیما در پوشش اخبار دولت انتقاد کرده‌اند (ن.ک به روحانی، ۱۳۹۷). این تنش‌ها محدود به یک دولت خاص نبوده و دولت‌های مختلف کم و بیش با آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند (ن.ک به خبرآنلاین، ۱۳۹۳). در نقطه مقابل مدیران سازمان و معاونت سیاسی نیز در پاره‌ای اوقات از برخی اقدامات رسانه‌ای دولت‌ها گله‌مند بوده‌اند (ن.ک به تسنیم، ۱۳۹۸ و میزان، ۱۳۹۴). این نارضایتی‌ها حاکی از عدم وجود الگویی مشخص برای تعامل معاونت سیاسی با دولت است. لذا این پژوهش بر آن است تا با بررسی میزان و چگونگی پوشش اخبار دولت، ضعف‌ها و کاستی‌های تعامل میان این دو نهاد را بیابد و در نهایت الگویی ارائه دهد که نارضایتی‌های موجود را کمتر و راهبرد سازمان صدا و سیما برای تعامل با همه دولت‌ها را تبیین کند.

مروری بر پیشینه پژوهش

علی‌لو، فرهنگ‌ی و امیری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل تعاملی بهینه صدا و سیما با نظام خط‌مشی تقنینی ایران»، مبتنی بر نظریه داده بنیاد، با مصاحبه از خبرگان حوزه رسانه و قانون‌گذاری و تحلیل داده‌ها نشان داده‌اند که نبود قانون و چارچوب مشخص، جهت‌گیری‌های سیاسی، ضعف ساختارها و فرایندها و غلبه منافع شخصی و حزبی بر منافع ملی مهمترین موانع بر سر راه تعامل بهینه هستند. همچنین شناسایی فرصت‌های بهبود تعامل و ارتقای جایگاه مجلس از طریق رسانه، حفظ استقلال عملکردی صدا و سیما، تغییر رویکرد منفعل صدا و سیما و ایفای نقش تحلیلگر و مشاور برای مجلس، تدوین قانونی جامع و مانع، برنامه‌ریزی منظم و ادواری صدا و سیما برای مطالبه‌گری، از جمله مهم‌ترین راهبردهای تعامل بهینه است.

مانی‌فر (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت، صدا و سیما و حریم حرفه برنامه‌سازی» نشان می‌دهد که عقلانیت و قانون‌گرایی، واقع‌بینی و گفت‌وگوی منطقی، ایفای نقش به مثابه عقل مستقل، کاهش تنش و مهار و هدایت پتانسیل تضاد و دولت‌ستیزی، پرهیز از افتادن به دام دوقطبی‌های ساختگی استعمار و ترسیم دوقطبی قانون اساسی، ترویج نقد غیرمخرب بر مبنای رویکرد عینی - تشریحی در برنامه‌سازی‌ها و مسئولیت‌پذیری در برابر پیام‌گیران، عوامل حفظ استقلال حرفه‌ای در دروازه‌بانی اخبار هستند که همگی می‌تواند در تعامل دولت با صدا و سیما نیز مورد استفاده قرار گیرد. همچنین در بخش دیگری از نتایج آمده است که هرچه نشانه‌های «توهم آگاهی» در رفتار ارتباطی برنامه‌سازان (توهم مخاطب‌پنداری) و نیز عملکرد و رفتار دولتمردان (توهم مارپیچ سکوت) کاهش یابد؛ به همان میزان ایفای این نقش، مطمئن‌تر به نظر می‌رسد و می‌توان از ایفای نقش صدا و سیما به عنوان «میانجی مطمئن» بین دولت و ملت سخن گفت.

اشکانی چنارلق (۱۳۹۷) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، میزان و چگونگی پوشش اخبار قوه قضائیه و دولت در رسانه ملی را در اخبار ۲۱ و اخبار ۲۰:۳۰، به روش تحلیل محتوا بررسی کرده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که هر دو بخش

خبری از نظر رویکرد در بیشتر اخبار خود جهت‌گیری مثبت داشته‌اند. بخش خبری ساعت ۲۱ در بعضی اخبار القای بی‌طرفی نیز کرده است. همچنین تعداد اخبار پخش شده از رئیس‌جمهور، خیلی بیشتر از اخبار رئیس قوه قضائیه بوده است.

ر شیدی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی نقاط قوت و ضعف پوشش خبری اخبار دولت یازدهم از دیدگاه روزنامه‌نگاران، پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌های تحقیق دلالت بر تضاد میان رویکرد دو طیف رسانه‌های منتقد و طرفدار دولت در خصوص فرایند اطلاع‌رسانی دارد. طیف منتقد ضمن تأکید بر وجود نقاط ضعف مشهود در پوشش خبری اخبار دولت، معتقدند که دولت از تاکتیک‌های خبری برای اقناع و فریب مخاطبان استفاده می‌کند و اخبار دولت بازخوردی منفی در سطح جامعه دارد. در حالی که طرفداران دولت اعتقاد دارند استفاده دولت از تاکتیک‌های خبری را در راستای آگاهی‌بخشی است.

واحدی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه تطبیقی میزان پوشش اخبار قوای سه‌گانه در بخش‌های خبری ساعت ۱۶ شبکه یک و رادیو ایران، در سه ماهه نخست سال ۹۴ پرداخته است. این تحقیق با روش تحلیل محتوای کمی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که موازنه‌ای نابرابر میان پوشش خبری سه قوه وجود دارد. قوه مجریه بیش از ۸۰ درصد خبرها را به خود اختصاص داده است. در زمینه اولویت‌بندی و چینش اخبار نیز قوه مجریه در صدر قرار می‌گیرد و قوه قضائیه در انتها. همچنین رسانه ملی در بیشتر موارد فارغ از جهت‌گیری‌های حمایتی یا انتقادی، تنها به اطلاع‌رسانی پرداخته است.

بقایی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی رابطه میزان استفاده از اخبار ۲۰:۳۰ شبکه دوم سیما بر اعتماد به عملکرد دولت»، که با روش پیمایشی انجام شده است، نشان داده است که ۵۷ درصد پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد از اخبار ۲۰:۳۰ استفاده می‌کردند و ۶۱ درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد به آن اعتماد دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اخبار ۲۰:۳۰ باعث اعتماد به عملکرد دولت شده است. آیتم‌هایی مانند اطلاع‌رسانی شفاف و بدون

سانسور، انتقاد از عملکرد مسئولان، پیگیری اخبار و سوژه‌ها و ارائه سبک جدید خبررسانی در اخبار، ۳۰:۲۰ با جلب اعتماد نسبت به عملکرد دولت رابطه معناداری دارند. در این بخش خبری هرچه مطالب انتقادی‌تر بوده، اعتماد مردم بیشتر شده است.

یوکسل (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به تحلیل رابطه بین رسانه و دولت پرداخته است. برای این منظور سیستم‌ها، نظریه‌ها و رویکردهای مختلف رسانه‌ای (مدل آبشار، رویکرد نمایه‌سازی، نظریه تبلیغات و دیدگاه هژمونیک) از نظر روابط رسانه و دولت مورد بحث قرار گرفته‌اند. تحقیق بیان می‌کند که میزان تجاری‌سازی، موازی‌کاری سیاسی و هنجارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در سیستم‌های مختلف رسانه‌ای، بر میزان و ماهیت این رابطه تأثیر می‌گذارد. محققان با در نظر گرفتن این عوامل، نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی را برای تبیین رابطه فوق پیشنهاد داده‌اند. در این میان مدل آبشار تصویر جامع‌تری را ارائه می‌دهد. در این مدل بازیگران سیاسی، رسانه‌ها و عموم مردم در سطوح مختلف و تحت شرایط خاص بر یکدیگر تأثیر گذارند و با هم تعامل می‌کنند. تعامل چهار متغیر مختلف (هم‌خوانی فرهنگی، قدرت، استراتژی و انگیزه) بر ظرفیت دولت برای تعیین دستور کار، گردش چارچوب‌های مورد نظر و توجه و پشتیبانی مردم اثر دارد. همه این متغیرها و نحوه استفاده از آن‌ها در مدیریت اخبار و شعارهای سیاسی در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

مبانی نظری پژوهش

خبر

خبر، اطلاعات تازه و غیرمعمول درباره موضوعی است که توجه عموم را برانگیزد و پیشتر آن را نشنیده باشند. ویژگی‌های مهم خبر تازگی، غیرمعمول و جالب بودن و جلب توجه عموم است (رندال، ۱۳۸۲: ۹۹). در واقع «خبر فرایند ارزش‌گذاری عناصر رویداد عینی با توجه به منافع فرستنده و نیاز مخاطب است» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۴). و فرآیند گردآوری، گزینش و انتشار اخبار، عینی و بیطرفانه نیست، بلکه آمیخته به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است (پدرام و محمدزاده، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۷). اخبار ساختاری اجتماعی دارند. وقایعی که

گزارش می‌شوند، نمایانگر یک سری ملاک‌های پیچیده و تصنعی در گزینش اخبار است. این اخبار گزینش شده، پردازش و رمزگذاری می‌شوند تا بیشترین تأثیر را بر مخاطبان بگذارند (لال، ۱۳۷۹: ۴۵). در هر خبر باید آیت‌هایی همچون تازگی، اهمیت محتوا، جذابیت موضوع و رعایت اختصار در عین جامعیت رعایت شود (دادگران، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

پوشش خبری

پوشش خبری مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که بر روی خبر صورت می‌گیرد تا ارزش یک خبر و جایگاه آن از وضعیت واقعی و در مجاورت با مطالب دیگر، بالاتر یا پایین مطرح شود (سلطانی فر و هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۶). ابوترابی‌ان در تعریف پوشش خبری می‌گوید: پوشش خبری به آرایه‌ها (اضافه کردن‌ها) و پیرایه‌هایی (کم کردن‌ها) گفته می‌شود که به اصل خبر یا حواشی و تفسیرهای آن اضافه و یا کم می‌شود تا قصد و منظور خاصی را به گیرنده القا کند (ابوترابی‌ان، ۱۳۷۹: ۱۲).

خبر تلویزیونی

خبر تلویزیونی آن است که بینندگان و شنوندگان برای دیدن و شنیدنش، در زمان مناسبی طبق زمان‌بندی برنامه‌های تلویزیونی، کانال مورد نظر را انتخاب می‌کنند تا آن را به‌دست بیاورند (امیدی و شریفی، ۱۳۹۷: ۱۰). اخبار تلویزیونی بسیار سریع‌تر از اخبار مطبوعاتی و همراه با تصاویر، فیلم و صدای رویدادها منتشر می‌شود. ضعف و قوت گزارش‌های تلویزیونی بستگی به میزان جذابیت و سندیت تصاویری دارد که گزارشگر تهیه می‌کند. یک خبرنگار یا تهیه‌کننده تلویزیونی زمان بسیار کمتری (نسبت به مطبوعات) برای تهیه گزارش دارد. در اخبار تلویزیون تعداد موضوعات کمتر و گزارش‌ها کوتاه‌تر (از مطبوعات) است؛ چراکه زمان مشخصی برای پخش اخبار در نظر گرفته می‌شود. این نکته باعث می‌شود که مخاطب بعضاً به‌طور کامل از جزئیات اخبار آگاه نشود که این نقطه ضعف اخبار تلویزیونی است (میرفخرایی، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۵). مراجعه به تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که مناقشه سازمان صدا و سیما و دولت‌ها بیشتر متمرکز بر اخبار سیما بوده است؛ از این رو اخبار

تلویزیون در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. منظور از خبر تلویزیونی در این پژوهش، تمام اخباری است که به شیوه‌ها و سبک‌های مختلف در بخش‌های خبری شبکه‌های سیما منتشر شده است.

دولت

دولت اجمالاً ناظر بر مجموعه‌ای مشخص از نهادهای سیاسی واجد اقتدار غیرانتزاعی و پایدار و دارای حق انحصاری به کارگیری قدرت مشروع برای اعمال حاکمیت بر مردم سرزمینی معین و معرف تمامیت سیاسی-اجتماعی آن کشور است (هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). در ادبیات روزمره این واژه گاهی دلالت بر هیئت وزیران یا قوه مجریه یا مجموعه سه قوه می‌کند و به جای کلمه حکومت (government) به کار می‌رود که مجموعه‌ای انسانی و دارای اقتداری ملموس و غیردائم است (وینسنت، ۱۳۹۲: ۵۷). به عبارت دیگر در پاره‌ای از تعاریف، دولت مترادف با حکومت و در برخی تعاریف، صفت مشخص‌کننده و یکی از عناصر آن بیان شده است (عالم، ۱۳۹۴: ۱۳۶). در این مقاله نیز منظور از دولت، قوه مجریه و اجزای آن، شامل وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌هایی است که زیر نظر دولت کار می‌کنند.

مدل/الگو

مدل نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی است (سورین و تانکارد، ۱۳۹۷: ۶۵). الگوها بر اساس واقعیت ساخته می‌شوند و بیشتر توصیف‌کننده هستند و برای تعیین اجزای اصلی یک فرایند یا پدیده به کار می‌روند.

چارچوب نظری پژوهش

نظریه مسئولیت اجتماعی

بر طبق این نظریه، رسانه‌ها در برابر افراد جامعه مسئولند و باید منافع و مصالح عمومی را در نظر بگیرند. مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها ایجاب می‌کند تا آن‌ها با توجه به نقش و کارکرد خود، افراد جامعه را به خیر و سعادت جمعی هدایت کنند و از پرداختن صرف به برخوردها و رسوایی‌ها پرهیز کنند. به میزانی که رسانه‌ها مسئولیت اجتماعی خود را درک کنند و آن را مبنای سیاست‌های عملی خود قرار

دهند، می‌توانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند (گران‌پایه، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۵). چنانچه سازمان‌ها و نهادهایی به وظیفه خود عمل نکنند، رسانه با اعمال نظارت خود می‌تواند تذکرات و انتقادات خود را به آن‌ها گوشزد نماید. رسانه‌های ارتباط جمعی، تا حدی مسئولیت ساخت و رشد اجتماعی، بر اساس پابندی به حقوق دیگران را می‌پذیرد؛ بنابراین آزادی شامل حجم زیادی از مسئولیت اجتماعی می‌شود (بیابانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

خبر هر جا و توسط هر کسی که تولید شود، قدرت می‌آفریند. این فقط به معنای پخش اخبار و اطلاعات سیاسی توسط رسانه‌ها نیست. در هر سیستم سیاسی و هر نظام رسانه‌ای، هر چه رسانه‌ها ظرفیت تولید گفتمان‌ها و مسئولیت‌پذیری خود را بالاتر ببرند و حرفه‌ای‌تر عمل کنند، حاکمیت تمایل بیشتری برای واگذاری مسئولیت‌های بیشتر به رسانه‌ها پیدا می‌کند (خرازی آذر، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۰۰). مسئولیت اجتماعی نه تنها تعهد را با خود به همراه دارد بلکه شامل نوعی کنترل نیز می‌شود که به دو شکل کنترل داخلی (اصول اخلاقی، دستورالعمل‌های مدیریت، وجدان صالح) یا خارجی (تدابیر بازدارنده حکومتی، قوانین مربوط به تهمت و افترا و شورای مطبوعاتی و غیره) تعریف می‌شود (هومن، ۱۳۹۰: ۹۰). رسانه‌ها علاوه بر اطلاع‌رسانی و سرگرمی و فروش، باید موجب تضارب آرا شده و مباحث را رشد دهند. در این نظریه، رسانه به وسیله عمل مصرف‌کننده، عقاید جامعه و اخلاق حرفه‌ای کنترل می‌شود و در بخش پخش، به خاطر محدودیت‌های فنی که در تعداد فرکانس‌ها وجود دارد، توسط مراجع دولتی قابل کنترل است (مک‌کوئیل، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

در این نظریه اصل بر ایجاد پیوند میان «استقلال و آزادی رسانه‌ها» و «وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی» آن‌هاست و تأکید می‌کند رسانه‌ها باید در عین پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، در برابر فعالیت‌های خود مسئولیت داشته باشند و وظایف اجتماعی خود را محدود به گیرندگان پیام یا مالکان رسانه‌ها ندانند. به بیان دیگر آزادی و مسئولیت، دو روی یک سکه هستند. همان‌گونه که رسانه‌ها حق انتقاد از دولت و سایر نهادها را دارند، در قبال مصالح و منافع ملی و پاسخ به نیازهای جامعه نیز مسئولند. مدافعان نظریه مسئولیت اجتماعی معتقدند که تحقق این نظریه باعث

می‌شود که بین سه اصل به ظاهر ناسازگار آزادی فردی و آزادی رسانه‌ها از یک سو و تعهد رسانه‌ها در برابر جامعه از سوی دیگر، سازگاری ایجاد گردد و برای مقابله با تعارض‌های نظریه مطبوعات آزاد در عرصه تجربی، راه حل مناسب پیدا شود. آن‌ها نکات ذیل را حائز اهمیت می‌دانند:

۱. توجه به توسعه نهادهای عمومی و مستقل برای اداره مؤسسات رادیویی و تلویزیونی، برای تأمین عینی‌گرایی و حفظ استقلال آن‌ها در برابر دولت و مؤسسات تجاری و ایفای وظایف خاص این رسانه‌ها در برابر جامعه
۲. حمایت از توسعه حرفه‌ای مطبوعات و رسانه‌های دیگر، از طریق ارتقای کیفی استانداردهای عملی روزنامه‌نگاری و پیشبرد خودساماندهی فعالیت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران (معمدنژاد، ۱۳۸۶: ۲۸۲-۲۸۱).

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش کیفی انجام شده است. داده‌های به دست آمده از تحقیقات کتابخانه‌ای و مصاحبه با کارشناسان و صاحب‌نظران صدا و سیما و کارشناسان رسانه‌ای با تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته حاصل آمده و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، تجزیه تحلیل و واکاوی صورت گرفته است. شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه‌تارنما نشان داده می‌شوند تا ضمن از بین رفتن تصور وجود سلسله مراتب در میان آن‌ها، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تاکید شود. از این شبکه‌ها به‌مثابه ابزاری تصویری برای تفسیر متن استفاده شده است.

برای این منظور در مرحله اول اساسنامه و اسناد بالادستی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و تأکیدات مقام معظم رهبری در مورد رابطه این سازمان با دولت مطالعه شد. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته، محتوای اولیه برای قالب‌بندی چارچوب تحقیق، فیش‌برداری و جمع‌آوری گردید. سپس به‌کمک پرسش‌نامه‌های باز و نیمه ساختاریافته با جامعه آماری تحقیق که کارشناسان و متخصصان حوزه رسانه ملی و دولت بودند، مصاحبه عمیق انجام شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند تا زمان رسیدن به پاسخ همه سؤالات ادامه یافت که نهایتاً با ۱۶ نفر از افراد صاحب‌نظر و

متخصص (سه نفر از معاونت خبر، دو عضو رسانه‌ای دولت، سه استاد دانشگاه، چهار خبرنگار متخصص و سه عضو شورای نظارت بر صدا و سیما) مصاحبه شد. در گام بعدی پس از اتمام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آن‌ها، محتوای جمع‌آوری شده چندین بار مطالعه و نکات مهم‌تر با توجه به اهداف اصلی و فرعی و سؤالات تحقیق شناسایی شد. در نهایت متون مصاحبه‌ها به کمک نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) کدگذاری باز و محوری گردید و نویسندگان کدهای به دست آمده را مورد تحلیل قرار دادند. با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط و انتخاب موارد مشترک در اتحادهای راهبردی، چهار مضمون فراگیر اصلی شناسایی شدند که به ترتیب فراوانی عبارتند از «بررسی تعامل دولت و صدا و سیما»، «بررسی چگونگی انتشار خبر»، «نحوه انتقاد از دولت» و «بررسی الگوهای تعامل». در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

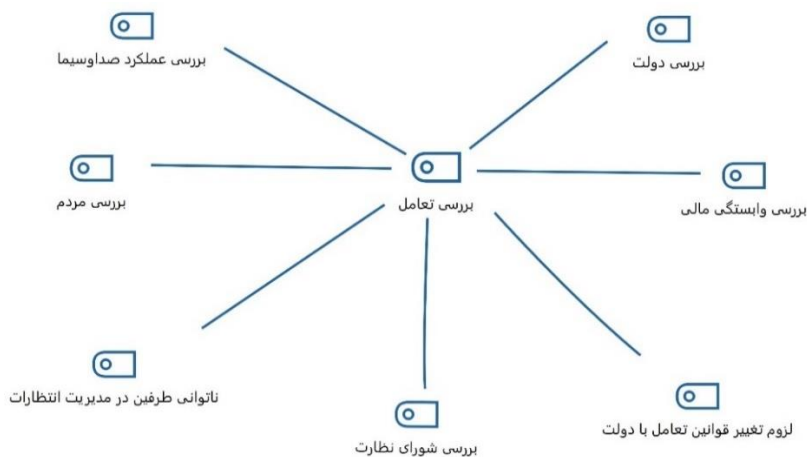
یافته‌های پژوهش

جدول ۱- فراوانی مضامین فراگیر، پایه و سازمان‌یافته پژوهش

مضامین پایه	مضامین سازمان‌یافته	مضامین فراگیر
۷۳	۷	بررسی تعامل دولت و صدا و سیما
۳۵	۴	بررسی چگونگی انتشار خبر
۱۸	۲	نحوه انتقاد از دولت
۱۷	۳	بررسی الگوهای تعامل
۱۴۳	۱۶	مجموع

بررسی تعامل دولت و صدا و سیما

تعامل امری دوسویه است و هر دو طرف باید در حفظ آن بکوشند. بدین منظور عملکرد صدا و سیما و دولت و سپس افراد، نهادها یا ویژگی‌هایی که بر این تعامل مؤثرند، بررسی شده است (شکل ۱).



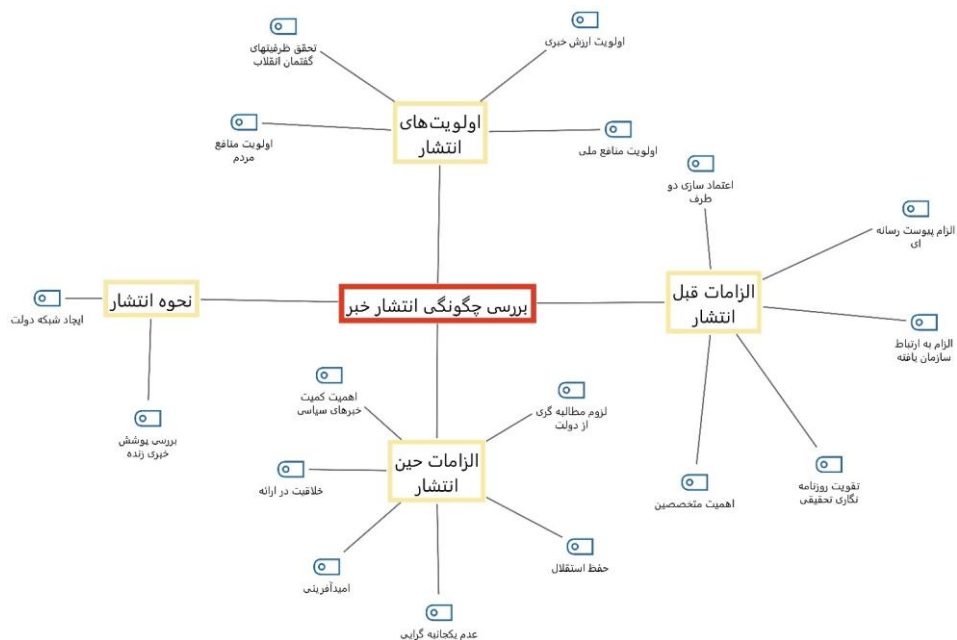
شکل ۱- شبکه مضامین سازمان‌دهنده ذیل مضمون فراگیر «بررسی تعامل دولت و صدا و سیما»

پرفراوانی‌ترین آیتم این بخش «بررسی عملکرد صدا و سیما» است. «عملکرد قابل قبول در بخش خبر»، «عدم انفعال» و «شناساندن راه حل به دولت» سه موردی هستند که صاحب‌ه‌ شونده‌گان از آن‌ها به‌عنوان نقاط قوت سازمان در تعامل با دولت اشاره کرده‌اند.

بررسی چگونگی انتشار خبر

خبر در صدا و سیما می‌تواند به اشکال مختلفی مانند گزارش خبری، خبر کوتاه، خبر تفصیلی، تیتروار، میزگرد خبری، زنده و غیره منتشر شود. انتشار خبرهای دولت یکی از راه‌های تعامل دولت و صدا و سیما است. برای دستیابی به مدل تعاملی دولت و صدا و سیما به بررسی چگونگی انتشار خبر پرداخته شد.

طراحی مدل تعاملی معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما با دولت // ۵۹

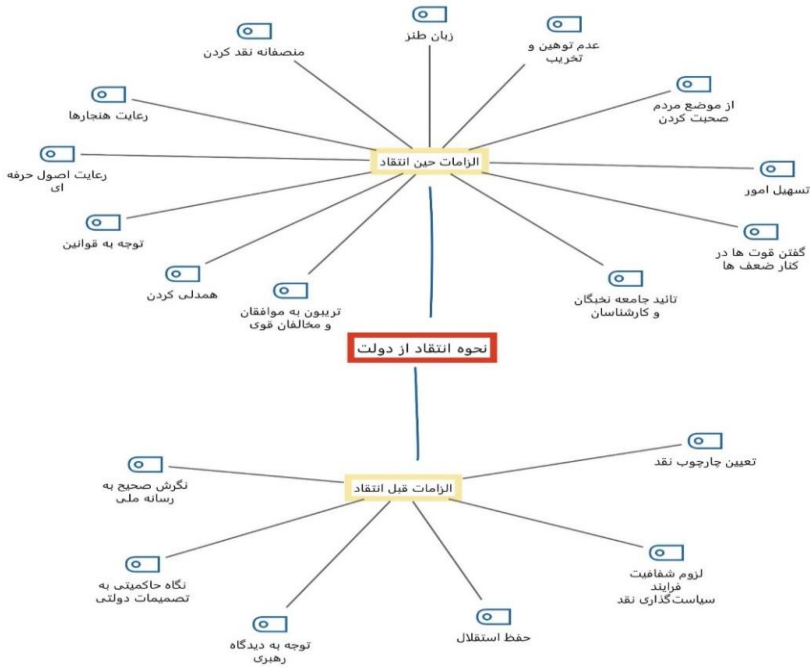


شکل ۲- شبکه مضامین پایه و سازمان‌دهنده ذیل مضمون فراگیر «بررسی چگونگی انتشار

خبر»

نحوه انتقاد از دولت

صدا و سیما برای انتقاد از دولت باید اصولی را رعایت کند و متعادل پیش برود. این مضمون به عنوان یکی از مضامین فراگیر تحقیق، دو مضمون سازمان‌دهنده و ۱۹ مضمون پایه دارد.



شکل ۳- شبکه مضامین پایه و سازمان‌دهنده ذیل مضمون فراگیر «نحوه انتقاد از دولت»

بررسی الگوهای تعامل

هر تعامل دوطرفه‌ای دارای سه شاخص اصلی حمایت، هدایت و نظارت است. تا زمانی که صدا و سیما نتواند از دولت، حمایت و پشتیبانی کند، نمی‌تواند هدایت آن را به دست بگیرد و نظارت کند. لذا اولویت نخست سازمان صدا و سیما باید حمایت باشد و بعد به دنبال هدایت و نظارت بر دولت برود.

الگوی حمایتی

سازمان صدا و سیما برای جلب اعتماد دولت و هدایت و نظارت آسان‌تر بر آن، نخست باید از دولت و اقدامات آن حمایت کند. صدا و سیما به طرق مختلفی می‌تواند از دولت حمایت کند که در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان به پنج مورد آن اشاره شد: «نگاه حاکمیتی به تصمیمات دولت»، «لزوم روابط دوستانه»، «تحقق اسناد بالادستی»، «آگاهی‌رسانی واقعیات» و «علل لزوم حمایت».

الگوی نظارتی

رسانه‌های جمعی به عنوان یک نهاد اجتماعی و مدنی، همواره از عوامل مهم در بحث نظارت بر محیط و حراست از آن از طریق اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و تحلیل و تفسیر و نقد رویدادها بوده‌اند. این کارکرد شفاف‌سازی ارتباطی و اطلاعاتی و انتقاد از انحرافات و قانون‌گریزی‌ها در نظام سیاسی و اجتماعی، سبب اتخاذ تصمیمات درست، تقویت عملکرد، اصلاح اقدامات و رویه‌های مضر و جلوگیری از فسادهای اداری می‌شود. کارکرد نظارتی رسانه زمانی معنا پیدا می‌کند که رسانه در نظارت بر سازمان‌های دولتی آزاد باشد، استقلال حرفه‌ای داشته باشد و آزادی بیان رسانه‌ای از سوی دولت تضمین شده باشد. کارشناسان معتقدند که پس از این که صدا و سیما دولت را حمایت کرد، باید هدایت و نظارت خود را آغاز کند. این الگو شش زیرمجموعه دارد که به ترتیب فراوانی عبارتند از: «تنظیم صدا و سیما با نظام»، «دیدگاه همه جانبه»، «لزوم نمایندگی افکار عمومی»، «تقویت روزنامه‌نگاری تحقیقی»، «اهمیت افکار عمومی» و «شکاف در مدل و اجرا».

الگوی هدایتی

پس از حمایت و نظارت، سازمان صدا و سیما باید بتواند اقدامات دولت را به سمت مطلوب هدایت کند که این یکی از اقدامات ویژه رسانه‌ها است. این مضمون سه زیرمجموعه دارد که عبارتند از: «مطالبه‌گری»، «منافع ملی» و «منافع مردم».

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی بررسی تعامل دولت‌ها با سازمان صدا و سیما در حوزه‌هایی مانند چگونگی انتشار اخبار یا نحوه انتقاد از دولت‌ها و ارائه الگویی برای ارتقا و تعالی این تعامل بوده است. رسانه‌ها به‌عنوان عاملی اثرگذار بر افکار عمومی و حلقه واسط میان مردم و نهادهای دولتی، با انعکاس و نقد ناهنجاری و آموزش هنجارها، بهترین دستگاه کنترل سازمان‌ها و جامعه به حساب می‌آیند. تحقیق حاضر با استفاده از نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها، به طراحی مسئولیت سازمان صدا و سیما در حوزه معاونت سیاسی در برابر دولت پرداخت.

به‌منظور پاسخگویی به سؤالات پژوهش، افزون بر مطالعات کتابخانه‌ای، با برخی صاحب‌نظران این حوزه نیز مصاحبه شد. مصاحبه‌های انجام‌شده پس از پیاده‌سازی به کمک نرم‌افزار مکس کیودا کدگذاری و تحلیل مضمون شد. داده‌ها در سه دسته مضامین فراگیر، سازمان‌یافته و پایه قرار داده شدند که چهار مضمون فراگیر عبارتند از «بررسی تعامل دولت و صدا و سیما»، «چگونگی انتشار خبر»، «نحوه انتقاد از دولت» و «بررسی الگوهای تعامل».

یافته‌های پژوهش نشان داد که تعداد بخش‌های خبری قوه مجریه بسیار بیشتر از قوای دیگر است. بیشتر بودن انتقاد به دولت، به علت فراوانی بیشتر اخبار دولت در سازمان صدا و سیما نسبت به دیگر قوا است. باین حال اکثر اخبار دولت پوششی و فقط تعداد معدودی انتقادی است؛ لذا دولت نمی‌تواند مدعی شود که اخبار سازمان صدا و سیما راجع به دولت، جهت‌گیری منفی دارد. به‌علاوه بازخورد پوشش خبری اخبار دولت در میان روزنامه‌نگاران بسته به گرایش حزبی هر یک، متفاوت است. بدین صورت که معمولاً افراد اصولگرا از سازمان صدا و سیما حمایت می‌کردند و حتی از کمبود انتقادات به دولت، انتقاد می‌کردند. اما اصلاح‌طلبان از تخریب‌های سازمان صدا و سیما علیه دولت شاکی بودند و سازمان صدا و سیما را یکی از عوامل مؤثر در بی‌اعتمادی مردم به دولت می‌دانستند. هر قدر سازمان صدا و سیما با مردم همراه باشد و مردم آن را زبان گویای خود در بیان انتقادات بدانند، اعتماد به نظام و دولت بیشتر می‌شود. بیان نشدن انتقادات و نارضایتی‌های مردم از دولت در سازمان صدا و

سیما و به تبع آن گرایش جامعه به سوی شبکه‌های ماهواره‌ای، می‌تواند برای امنیت کشور هم خطر ساز شود. بنابراین دولت‌ها باید آستانه صبرشان در برابر انتقادات سازمان صدا و سیما را بالا ببرند تا مردم صدای خود را در رسانه خودشان بشنوند. هرچند افزایش سواد رسانه‌ای جامعه و آگاهی از وظایف و اختیارات طرفین، می‌تواند انتظارات از هر دو نهاد را معقولانه‌تر کند. در عین حال کارشناسان عقیده داشتند که سازمان صدا و سیما نتوانسته است، نقش نظارتی خود نسبت به دولت را به نیکی ایفا کند.

از نظر کارشناسان افراط و تفریط در رویکرد سازمان، اعمال سلیقه، انعکاس صرف رویدادها و عدم روایت‌پردازی در اخبار، و نبود رقیب از مهم‌ترین نقاط ضعف سازمان صدا و سیما است که بر تعامل با دولت‌ها مؤثرند. در کنار این موارد می‌توان به فقدان سیاست‌گذاری کلان برای تعامل با قوا، عدم ثبات تعامل با دولت‌ها، ضعف مرکز پژوهش‌های سازمان و برخورد شتاب‌زده سازمان صدا و سیما در برخی اتفاقات، نداشتن نوآوری، عدم آزادی بیان برای مخالفان، عدم ارتباط منسجم بخش‌های خبری و فساد، عدم تخصص و سفارشی بودن خبرنگاران نیز اشاره کرد. در نقطه مقابل پخش اخبار دولت‌ها یکی از حوزه‌هایی است که به‌عنوان نقطه قوت سازمان برشمرده می‌شود. زمانی که تعداد بخش‌های خبری کم بود، صدا و سیما ناچار به پخش محدود بود. اما اکنون با افزایش بخش‌های خبری و تأسیس شبکه خبر، همه اخبار دولت‌ها (افتتاح‌ها، جلسات و غیره) برحسب درجه اهمیت، در بخش‌های مختلف خبری منتشر می‌شود. عدم انفعال سازمان صدا و سیما در برابر دولت‌ها یکی دیگر از نقاط قوت آن است. این‌که سازمان صدا و سیما با همه دولت‌ها به چالش برخورد کرده است، نشان می‌دهد که جناحی عمل نکرده و در برابر جناح‌های مختلف، منفعل نبوده و همه را نقد کرده است. گستردگی انتشار، آرام کردن افکار عمومی، شناساندن راه‌حل به دولت‌ها، داشتن حاشیه امن و حمایت از جانب حاکمیت از جمله دیگر نقاط قوت این سازمان هستند. در مجموع بنا بر آرای کارشناسان نقاط ضعف سازمان صدا و سیما نسبت به نقاط قوت آن بیشتر است و این یعنی عملکرد سازمان نسبت به

دولت‌ها ضعیف بوده است (فراوانی نقاط ضعف عملکرد صدا و سیما ۱۴۳ مورد و فراوانی نقاط قوت آن ۳۵ مورد).

گویی میان دولت و سازمان صدا و سیما سوءتفاهم‌هایی ذهنی وجود دارد که ناشی از عدم آشنایی آن‌ها با وظایف و حقوق یکدیگر است. تفاوت در نحوه نگرش به مسائل، فقدان قوانین مشخص در تنظیم‌گری روابط، عدم انتقادپذیری، توقعات نابجا و زیاد و عدم درک متقابل، دیگر مواردی هستند که به تعامل مابین دو نهاد لطمه وارد می‌کنند. یک‌سان نبودن سیر دولت‌ها در این زمینه بی‌تأثیر نیست. دولت‌ها اکثراً در آغاز خوب عمل می‌کنند. به تدریج که شمار اشتباهات آن‌ها افزایش پیدا می‌کند، میزان انتقادات سازمان صدا و سیما به عملکرد آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. البته برخی معتقدند که میان حجم این نقدها با میزان فاصله دولت‌ها از نظام و حاکمیت، ارتباط مستقیمی وجود دارد و هرچه دولتی از نظام بیشتر فاصله بگیرد، سازمان صدا و سیما انتقادات بیشتری به آن وارد می‌کند. ویژگی‌های فردی و شخصیتی رئیس جمهور نیز بر نوع تعامل دولت مستقر با سازمان صدا و سیما مؤثر است. گاهی کسی بر سر کار است که اهل مدارا و تعامل با رسانه‌ها است و گاه این‌گونه نیست. از آنجایی که هر وزارت‌خانه دارای روابط عمومی مجزایی است، تعامل میان وزرا و اعضای هیأت دولت با سازمان صدا و سیما بیشتر است؛ هرچند این تعاملات هم گهگاه دچار فراز و نشیب‌هایی می‌شود. نگرش منفی دولت به سازمان صدا و سیما موجب شده است که این سازمان در برخی مواقع از اقدامات دولت دیر اطلاع پیدا کند و نتواند فرآیند اقتناع افکار عمومی را پیرامون آن اقدام، به خوبی انجام دهد که این مسئله موجب آسیب زدن به تعامل مابین دو نهاد می‌شود. حوادث سال ۹۸ که در پی افزایش نرخ بنزین رخ داد، نمونه بارز این مسئله است. همچنین از آن‌جا که دولت بودجه سازمان صدا و سیما را تأمین می‌کند، در بزنگاه‌ها و یا زمان‌هایی که از سازمان صدا و سیما راضی نباشد، می‌تواند سازمان را از نظر مالی با مشکلاتی مواجه کند. در واقع حمایت‌های مالی و غیرمالی دولتی بر استقلال ساختاری و محتوایی و مشی نظارتی سازمان صدا و سیما تأثیرگذار است.

شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما که به اختصار شورای نظارت خوانده می‌شود، یکی از نهادهای مؤثر در تعامل دولت و سازمان صدا و سیما است. «عدم ارتقای قانونی» و «عدم تأثیرگذاری» از جمله مهم‌ترین نقاط ضعف این شورا است. قوانین پیرامون شورای نظارت باید تقویت شود تا این شورا مؤثرتر عمل کند. در وضعیت کنونی اگر شورای نظارت بخواهد در بخش اجرایی کاری انجام دهد، تصور می‌شود که مانند شورای سرپرستی، استقلال رئیس را زیر سؤال می‌برد. از دیگر سو سازمان صدا و سیما زیر نظر دفتر رهبری فعالیت می‌کند. دولت و قوای سه‌گانه نمی‌توانند بر نهاد بالادستی خود یعنی رهبری و تشکیلات وابسته به دفتر ایشان، نظارت کنند. نبود نظارت متمرکز، نظارت استطلاعی، عدم کنشگری و کمبود نیرو دیگر نقاط ضعف شورای نظارت هستند. مصاحبه‌شوندگان اکثراً بر نقاط ضعف شورا تمرکز کرده‌اند تا نقاط قوت آن. سامان دادن برخوردها و کاهش تنش‌ها، ارزیابی بی‌طرفانه، خودکنترلی سازمان صدا و سیما، منحصر به فرد بودن شورا و عدم حقوقی شدن تنش‌ها، نقاط قوتی هستند که به آن‌ها اشاره شده است.

«لزوم تغییر قوانین» عامل دیگری است که در تعامل سازمان صدا و سیما و دولت مؤثر است و می‌تواند شامل تکمیل یا به‌روز رسانی قوانین اداره سازمان صدا و سیما، قوانین شورای نظارت، مانیفست و مدل رفتاری سازمان صدا و سیما با دولت‌ها، اسناد بالادستی، آئین‌نامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها، پیوست‌های رسانه‌ای با قوای دیگر، بیانات رهبری راجع به سازمان صدا و سیما در قالب یک منظومه رفتاری و قوانینی برای سیاست‌گذاری مشارکتی باشد. ایجاد شبکه دولت در سازمان صدا و سیما هم می‌تواند تا حد زیادی از تنش‌های بین این دو نهاد بکاهد. چرا که هم دولت می‌تواند بر پخش برنامه‌های مورد نظرش مدیریت کند و هم سازمان صدا و سیما می‌تواند در سایر شبکه‌ها به نقد دولت بپردازد. در صورت ایجاد این شبکه، سردبیری تولید محتوای آن باید با سازمان صدا و سیما باشد؛ در غیر این صورت نوعی آنتن فروشی محسوب می‌شود. پوشش زنده باید مفید و مختصر و منحصر به مواردی باشد که خبر برای همه مردم اهمیت دارد و منتظر شنیدن دستور، اتفاق یا واکنشی از سوی مسئولان

هستند. پوشش زنده بدون اولویت، علاوه بر غیر حرفه‌ای بودن، تأثیرگذاری کافی و بیننده مستقیم نیز ندارد.

در پوشش اخبار دولت، نحوه انتقاد بسیار مهم است. سازمان صدا و سیما در حین پوشش اخبار باید ضمن «حفظ استقلال» به مطالبه‌گری از دولت بپردازد. نقد باید منصفانه، شفاف، با رعایت اصول حرفه‌ای خبر سانی و به دور از توهین و تخریب باشد. تربیون در اختیار موافقان و مخالفان مسائل مختلف قرار گیرد و از نظرات مشورتی کارشناسان بهره لازم برده شود. مواردی مثل سیاسی یا سلیقه‌ای عمل نکردن، بیان نقاط قوت در کنار ضعف‌ها، حرکت در چارچوب اصول، تقویت نیروی انسانی، صحبت کردن از موضع مردم، ثبات و عقلانیت در تعامل، نوآوری و داشتن بیان طنز می‌توانند در رشد و تقویت تحریریه خبر مؤثر باشند. روزنامه‌نگاری تحقیقی برای انتشار خبرهای دولت باید تقویت شود تا بتوان با ارائه روند پیشرفت انجام یک اقدام، قضاوت درست را به‌عهده مردم گذاشت. پیوست رسانه‌ای اقدامات و فعالیت‌های حیاتی دولت هم بایستی الزامی شود تا سازمان صدا و سیما بتواند با اقناع‌سازی مردم به پیشبرد اهداف دولت کمک کند. همچنین اهمیت دادن به متخصصین و اعتمادسازی با جدا کردن خبر از حاشیه، از عواملی است که قبل از انتشار اخبار باید مدنظر قرار گیرد. علاوه بر این باید تعداد خبرهای سیاسی محدودیتی قائل شد و با اخبار سیاسی بیش از حد، مردم را دل‌زده نکرد. رویکرد امیدآفرینی و خلاقیت نیز در اخبار باید رعایت شود. برخی کارشناسان راجع به آینده سازمان صدا و سیما در تعامل با دولت‌ها معتقدند در آینده سازمان صدا و سیما و فضای مجازی به چالش برمی‌خورند و فضای مجازی می‌تواند از سازمان صدا و سیما پیشی بگیرد. اما سازمان صدا و سیما به کمک آرشیو غنی خود می‌تواند تولید محتوای فضای مجازی را در دست بگیرد و بر محتواهای خبری فضای مجازی نظارت کند.

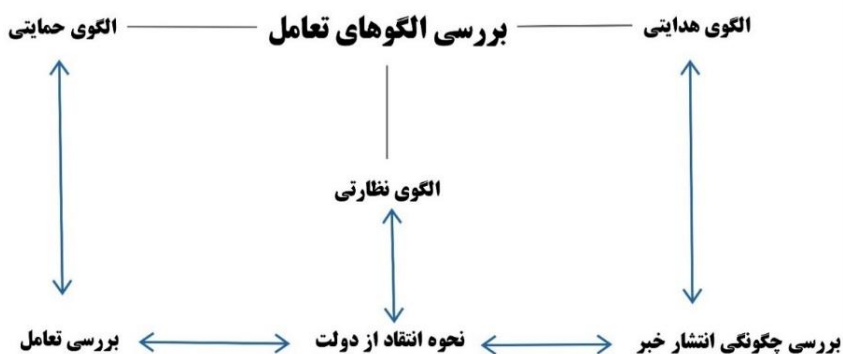
هر تعامل موفق دارای سه بخش حمایت، نظارت و هدایت است. لذا برای دستیابی به الگوی تعاملی خبر سازمان صدا و سیما با دولت‌ها، مضمونی تحت عنوان «بررسی الگوهای تعامل» تعریف شد که خود شامل سه مضمون «الگوی حمایتی»، «الگوی نظارتی» و «الگوی هدایتی» می‌شود.

الگوی حمایتی: برای شروع یک تعامل موفق با هر دولتی، سازمان صدا و سیما باید از آن دولت حمایت کند و این حمایت در نحوه انتشار خبرهای دولت و نقد آن منعکس شود. حمایت از دولت به ایجاد اعتماد میان دو نهاد منتج می‌شود که این مسئله، مقدمه هدایت و نظارت بر دولت را فراهم می‌سازد. رهبری انقلاب نیز همواره بر حمایت دولت‌ها از سوی سازمان صدا و سیما تأکید داشته‌اند. برای برقراری الگوی تعامل حمایتی باید به تصمیمات دولتی به مثابه تصمیمات حاکمیتی نگاه کرد. پیوست رسانه‌ای برای اقدامات دولت الزامی است. سازمان صدا و سیما باید در مورد هر اقدام دولتی از قبل توجیه شود تا بتواند حمایت همه‌جانبه‌ای داشته باشد. در تبیین و تشریح الگوی حمایتی باید به مضامین ذیل «بررسی تعامل دولت و سازمان صدا سیما» توجه داشت.

الگوی نظارتی: نظارت بر دولت‌ها جزء وظایف همه رسانه‌ها، به‌خصوص سازمان صدا و سیما است و می‌تواند به صورت محتوایی (انتقاد از نحوه پاسخگویی دولت) یا اجرایی (مطالبه‌گری از دولت‌ها) باشد. اگر سازمان صدا و سیما نماینده افکار عمومی باشد و تبادل افکار متفاوت در سازمان صدا و سیما بروز یابد، تصمیمات غلط در دولت‌ها کاهش می‌یابد و این سازمان می‌تواند نظارت بهتری بر دولت داشته باشد. سازمان صدا و سیما باید خود را با نظام هماهنگ بداند و براساس سیاست‌های کلی نظام بر دولت نظارت کند. عدم یک‌جانبه‌گرایی، تقویت روزنامه‌نگاری تحقیقی، توجه به نظرات موافق و مخالف و داوری منصفانه نیز از نکاتی هستند که باید در نظارت به آن‌ها توجه شود. در توضیح و تبیین الگوی نظارتی باید از مضامین ذیل «نحوه انتقاد از دولت» بهره برد.

الگوی هدایتی: زمانی که دولت از چارچوب تکالیف قانونی خود فاصله گرفت، باید آن را هدایت کرد. برای رسیدن به الگوی هدایتی بین دولت و سازمان صدا و سیما، باید الگوی حمایتی و نظارتی را تلفیق و از آن‌ها برای اجرای الگوی هدایتی استفاده کرد. الگوهای حمایتی باید در حوزه‌های فرهنگی باشد چرا که سازمان صدا و سیما یک سازمان فرهنگی است و برای تقویت و گسترش فرهنگ، باید دولت را حمایت کند. سازمان صدا و سیما باید با مطالبه درخواست‌های مردمی،

دولت را به سوی برطرف سازی این نیازها هدایت کند؛ باید برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای عمل به وعده‌ها و اقدامات مناسب برای آینده را از دولت بخواهد و آن را در مسیر بهبود این برنامه‌ریزی‌ها هدایت کند. دولت باید به سمت استفاده از پیشنهادات کارشناسان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هدایت شود. نقد منصفانه، پرهیز از توهین و تخریب و به‌کارگیری زبان طنز، در رسیدن به الگوی هدایتی به سازمان صدا و سیما کمک می‌کند. در توضیح و تشریح الگوی هدایتی باید از مضامین ذیل «چگونگی انتشار خبر دولت‌ها» بهره برد



شکل ۵- شبکه مضامین بررسی الگوهای تعاملی

منابع

- ۱- ابوترابیان، حسین (۱۳۷۹). "پوشش خبری". جزوه درسی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲- اشکانی چنارلق، حبیب (۱۳۹۷). "میزان و چگونگی پوشش اخبار قوه قضائیه و دولت در رسانه ملی (بررسی تطبیقی اخبار ۲۱ و اخبار ۳۰:۲۰)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات رسانه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز: تهران.
- ۳- امیدی، افشین و شریفی، سیدمهدی (۱۳۹۷). "ژورنالیسم تلویزیونی؛ معرفت‌شناسی، فلسفه و روش‌ها". تهران: انتشارات تیسرا.
- ۴- بیابانی، غلام‌حسین و سلطانی‌فر، محمد و مظفری، افسانه و ها شمی، شهناز (۱۳۹۶). "بررسی کارکرد نظریه مسئولیت اجتماعی و رسانه". فصل‌نامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق). دوره ۹. ش ۴. صص ۱۶۰-۱۳۵.
- ۵- بقایی، رقیه (۱۳۹۲). "بررسی رابطه میزان استفاده از اخبار ۳۰:۲۰ شبکه دوم سیما بر اعتماد به عملکرد دولت". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قیام‌دشت: تهران.
- ۶- پدرام، مسعود و محمدزاده، مهدی (۱۳۸۳). "ایدئولوژی، هژمونی و سلطه در رسانه‌ها". فصل‌نامه رسانه. دوره ۱۵. ش ۱ (پیاپی ۵۷). صص ۹۴-۷۷.
- ۷- خرازی آذر، رها (۱۳۹۴). "درک مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای: رسانه‌ها به مثابه بازیگران نوین دیپلماتیک". فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی. دوره ۱۱. ش ۳۲. صص ۱۳۵-۱۱۷.
- ۸- دادگران، سیدمحمد (۱۳۸۵). "مبانی ارتباطات جمعی". تهران: انتشارات فیروزه.
- ۹- درزیان رستمی، حسن و قدیمی، مه‌ری (۱۳۹۱). "بررسی تطبیقی مطالب انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در روزنامه کیهان و اعتماد". فصل‌نامه فرهنگ ارتباطات. ش ۷. صص ۱۴۱-۱۲۱.
- ۱۰- رشیدی، عباس (۱۳۹۴). "بررسی تطبیقی نقاط قوت و ضعف پوشش خبری اخبار دولت یازدهم از دیدگاه روزنامه‌نگاران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز: تهران.
- ۱۱- رندال، دیوید (۱۳۹۳). "روزنامه‌نگاری حرفه‌ای". ترجمه علی‌اکبر قاضی‌زاده. چاپ دوم. تهران: انتشارات روزنامه ایران.

- ۱۲- سلطانی فر، محمد و هاشمی، شهناز (۱۳۸۲). "پوشش خبری". تهران: انتشارات سیمای شرق.
- ۱۳- سورین، جی ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۹۷). "نظریه‌های ارتباطات". ترجمه علیرضا دهقان. چاپ نهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۴). "بنیادهای علم سیاست". چاپ بیست و هفتم. تهران: نشر نی.
- ۱۵- علیلو، علی و فرهنگی، علی‌اکبر و امیری، مجتبی (۱۴۰۰). "طراحی مدل تعاملی بهینه صدا و سیما با نظام خط مشی‌گذاری تقنینی ایران". فصل‌نامه مجلس و راهبرد. ش ۱۰۵. صص ۶۸-۴۱.
- ۱۶- گران‌پایه، بهروز (۱۳۷۸). "اخلاق رسانه‌ای: توسعه مطبوعات و اصول اخلاق رسانه‌ای: معنویت‌گرایی توسعه‌گرایی و مردم‌گرایی؛ رویکرد رسانه‌ای مطلوب". فصل‌نامه رسانه. ش ۴۰. صص ۳۸-۳۱.
- ۱۷- گلشنی، علی‌رضا و جدیدی، علی و اسکندری، صالح (۱۳۹۱). نقش رسانه در توسعه سیاسی و اجتماعی با تأکید بر جامعه معناگرای ایران. فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ش ۲. صص ۲۷-۵.
- ۱۸- لال، جیمز (۱۳۷۹). "رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ رهیافتی، جهانی". ترجمه مجید نکودست. تهران: انتشارات ایران.
- ۱۹- مانی‌فر، محمدرضا (۱۳۹۹). "دولت، صدا و سیما و حریم حرفه برنامه‌سازی"، نشریه مدیریت رسانه. ش ۴۷. صص ۹۱-۶۱.
- ۲۰- مسعودی، امید (۱۳۸۳). "مبانی خبرنگاری". تهران: انتشارات اداره کل آموزش صدا و سیما.
- ۲۱- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۶). "وسایل ارتباط جمعی". چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۲- مک‌کوییل، دنیس (۱۳۸۸). "درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی". ترجمه پرویز اجاللی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۲۳- میرفخرایی، تژا (۱۳۸۵). "مفاهیم نظری و عملی خبر تلویزیونی". تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.

۲۴- واحدی، مریم (۱۳۹۴). "مطالعه تطبیقی میزان پوشش اخبار قوای سه گانه جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های خبری ساعت ۱۶ شبکه اول سیما و رادیو ایران در بازه سه ماهه نخست سال ۱۳۹۴". پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات. دانشگاه آزاد اسلامی: تهران.

۲۵- ویلیامز، کوین (۱۳۸۶). "درک تئوری رسانه". ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: انتشارات ساقی.

۲۶- وینسنت، اندرو (۱۳۹۲). "نظریه‌های دولت". ترجمه حسین بشیریه. چاپ نهم. تهران: نشر نی.

۲۷- هاشمی، احمد (۱۳۹۳). "دانشنامه جهان اسلام". ج ۱۸. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

۲۸- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). "راهنمای عملی پژوهش کیفی". تهران: انتشارات سمت.

1. Yüksel, Yusuf (2013). "An analysis of the media and government relationship". Selçuk İletişim. 8. 1. PP: 55-70.

تارنماها:

۱- تسنیم (۱۳۹۸). رئیس صدا و سیما: رسانه ملی در آگاهی تصمیم دولت برای بنزین کوتاهی نکرده است. بازیابی از ۱۲ آذر ۹۸. از سایت [خبرگزاری تسنیم](#).

۲- خامنه‌ای سیدعلی (۱۳۹۷). بیانات در دیدار جمعی از دانش‌جویان. بازیابی از ۷ خرداد ۹۷. از سایت [رهبری](#).

۳- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما با رهبر انقلاب. بازیابی از ۱۱ آذر ۸۳. از سایت [رهبری](#).

۴- خبرآنلاین (۱۳۹۳). رابطه صدا و سیما با دولت هاشمی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی. بازیابی از ۳ شهریور ۹۳. از سایت [خبرآنلاین](#).

۵- روحانی، حسن (۱۳۹۷). رئیس جمهور در دیدار معاونین و مدیران وزارت امور اقتصادی و دارایی. بازیابی از ۱۴ آبان ۹۷. از سایت [پرزیدنت](#).

۶- میزان (۱۳۹۴). اظهارات رییس سازمان صدا و سیما درمورد بودجه رسانه ملی. بازیابی از ۱۷ بهمن ۹۴. از سایت [خبرگزاری میزان](#)

دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بنیادین جدید^۱

ترجمه و تحقیق: حامد بابازاده مقدم^۲

نجمه خدری^۳

چکیده

بحث و گفت‌وگو بر سر به رسمیت شناختن احتمالی استفاده از اینترنت به عنوان حقی انسانی به بلوغ خود رسیده است. مقاله‌ی حاضر در ابتدا به توصیف خطوط کلی استدلال‌هایی می‌پردازد که در موضع موافقت یا مخالفت با به رسمیت شناختن چنین حقی قرار دارند و پس از آن، به تحلیل این مسئله مبادرت می‌ورزد که حقوق بشر کنونی، به‌ویژه آزادی بیان، چگونه به منزله‌ی ابزاری حقوقی برای محافظت از محتوا و اتصال اینترنت در برابر مداخله‌ی غیرقانونی عمل خواهد کرد. سپس مشی تعهدات مثبت دولت‌ها و تعهدات حقوق بشری را به عنوان ابزارهایی زنده مورد توجه قرار می‌دهد و نقش آنها را در حفاظت از محتوا در اینترنت و تضمین اتصال عموم شهروندان به شبکه‌ی جهانی اطلاعات بررسی می‌نماید. نمونه‌ی دستورالعمل خدمات جهانی اتحادیه‌ی اروپا اهمیت منابع حقوقی غیر از موارد برگرفته از مقوله‌ی حقوق اساسی را نشان می‌دهد. بنا بر نتایج حاصل از این مقاله، پیش از آن که حق جدیدی برای استفاده از اینترنت به رسمیت شناخته شود، باید آن چه در حال حاضر حفاظت می‌شود و نیز چگونگی این عمل‌کرد را مدنظر قرار داد. با این وجود،

^۱ این نوشتار، ترجمه مقاله‌ای با عنوان و مشخصات زیر می‌باشد:

Internet (access) as a new fundamental right. Inflating the current rights framework?

Paul De Hert and Dariusz Kloza

European Journal of Law and Technology, 3(3). (2012)

نویسندگان مقاله پائل دهرت و داریز کلوزا از پژوهشگران گروه حقوق، علم، تکنولوژی و جامعه در دانشگاه وریج بروکسل می‌باشند.

^۲ کاندیدای دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Hmoghadam32@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری زبان شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان‌های خارجی، اصفهان، ایران

احتمال بحث و گفت‌وگو در خصوص نیاز به مواردی بیش‌تر از آن‌چه هم‌اکنون در قانون حقوق بشر آمده است وجود دارد.

۱. مقدمه:

بحث در خصوص نقش اساسی اینترنت و دیگر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) در جامعه‌ی امروزی از سال ۲۰۱۱ شدت گرفت. بر اساس نظرسنجی بی بی سی، از هر پنج نفر بزرگ سال، چهار نفر دسترسی به اینترنت را به منزله‌ی حقی اساسی به حساب می‌آورند. ^۵ بهار عربی، که در دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد، به وسیله‌ی فناوری شدت گرفت. ^۶ اواخر سال ۲۰۱۱ شاهد اعتراضاتی در مقابل لایحه‌های توقف سرقت آنلاین (SOPA) و حفاظت از آی پی (PIPA) بوده‌ایم. ^۷ در اوایل سال ۲۰۱۲ حرکت اروپا در برابر طرح توافق تجاری ضد جعل (ACTA) دنبال گردید. ^۸ در ماه مه سال ۲۰۱۱، فرانک لا رو، گزارش‌گر ویژه‌ی ملل متحد (UN) درباره‌ی آزادی بیان، به بررسی چالش‌ها و گرایش‌های اصلی در آزادی بیان از طریق اینترنت پرداخت. گفتنی است گزارش یاد شده نشان‌دهنده‌ی نقطه‌ی عطفی در بحث مورد نظر است. ^۹ لا رو پس از تحلیل تأثیر اینترنت بر دنیای معاصر، بویژه بر اعتراضات

¶ BBC, Internet access is 'a fundamental right, 8 March 2010, <http://news.bbc.co.uk/2/hi/8548190.stm>.

♠ Arab Spring

۶. به ویژه انتشار تصاویر و ویدئوهای اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی تأثیر قابل توجهی در استراتژی مخالفان در برابر دولت‌ها داشت:

R. Stengel, Person of the Year Introduction, Time, 14 December 2011, http://www.time.com/time/specials/packages/article/0,28804,2101745_2102139,00.html also G. Ziccardi, Resistance, Liberation Technology and Human Rights in the Digital Age, Springer, 2013.

∗ J. Wortham, A Political Coming of Age for the Tech Industry, The New York Times, 17 January 2012, <http://www.nytimes.com/2012/01/18/technology/web-wide-protest-over-two-antipiracy-bills.html>

♠ D. Lee, Acta: Europe braced for protests over anti-piracy treaty, BBC, 6 February 2012, <http://www.bbc.co.uk/news/technology-16906086>; Irina Baraliuc, Serge Gutwirth and Sari Depreeuw. Copyright enforcement in Europe after ACTA: What now?, Netherlands Journal of Legal Philosophy, Vol 41(2), 2012, pp 99-104.

¶ Frank La Rue

♣ UN Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression, Frank La Rue, 6 May 2011, http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/17session/A_HRC.17.27_en.pdf.

عربی، به این نتیجه دست یافت که «اینترنت به ابزاری حیاتی برای تحقق انواع حقوق بشر مبدل شده است». بنا بر تأکید او، محدودیت اعمال شده بر جریان اطلاعات به وسیله‌ی اینترنت باید تا حد ممکن بسیار ناچیز و به عبارتی بدون استثنائات متعدد منظور شده در قانون حقوق بشر بین‌الملل باشد. ^{۱۱} به علاوه، لا رو استدلال کرده است که تضمین دسترسی جهانی به اینترنت باید برای همه‌ی دولت‌ها به عنوان یک اولویت محسوب شود. در ۲۹ ژوئن سال ۲۰۱۲، شورای حقوق بشر ملل متحد نظر به گزارش لا رو قطعنامه‌ای صادر کرد که بر اساس آن از دولت‌ها درخواست شد تا «دسترسی به اینترنت و همکاری بین‌المللی با هدف توسعه‌ی رسانه‌ها و اطلاعات و امکانات مربوط به ارتباطات را در همه‌ی دولت‌ها ارتقا دهند و تسهیل کنند». ^{۱۲}

آنچه ذکر شد به توافق عمومی رو به رشدی اشاره دارد که بر مبنای آن اینترنت به خودی خود یک ارزش به حساب می‌آید و از این رو، از حفاظت حقوقی برخوردار خواهد شد. در این پیش‌روی و توسعه، مرحله‌ی بعد درخواست اعطای جایگاه حق اساسی به اینترنت (یا استفاده از آن) است. در چنین موقعیتی می‌توان برای نمونه به کار پیوند حقوق و اصول اینترنتی اشاره کرد که ۱۰ حق و اصل اینترنتی را عرضه کرده است و در حال حاضر، به تنظیم منشور اصول و حقوق بشر برای اینترنت می‌پردازد که در سپتامبر سال ۲۰۱۰ پیشنهاد شد. ^{۱۳} و می‌توان لایحه‌ی حقوق برای اینترنت اندرو موری ^{۱۴} را نیز به خاطر آورد که در سپتامبر سال ۲۰۱۰ پیشنهاد گردید. ^{۱۵} برخی مؤلفان از رویکردهای حقوقی دیگری دفاع می‌کنند، که وقتی با موفقیت همراه شوند، می‌توانند بدون آن که صراحتاً از حق دسترسی به

^{۱۱} UN Human Rights Council, Report ..., op. cit., p 22.

^{۱۲} UN Human Rights Council, [Resolution on the] promotion, protection and enjoyment of human rights on the Internet, A/HRC/20/L.13, 29 June 2012, para 3, <http://daccess-ods.un.org/access.nsf/Get?Open&DS=A/HRC/20/L.13&Lang=E>

^{۱۳} Cf. <http://irpcharter.org/campaign>.

^{۱۴} Cf. <http://irpcharter.org/charter>

^{۱۵} Andrew Murray

^{۱۶} A. Murray, A Bill of Rights for the Internet, 2010, <http://thelawyer.blogspot.com/2010/10/bill-of-rights-for-internet.html>

اینترنت حرف بزنند در حفاظت از اینترنت دخیل باشند. به عنوان مثال، دی هرت و پرینس^{۱۷} به منظور مواجهه با توسعه فناوری حق صریح هویت را پیشنهاد می‌دهند. علاوه بر این، برنال و آندراد^{۱۸} از حق هویت آنلاین می‌گویند. لازم به ذکر است که آندراد، با حمایت از مفهوم‌سازی وسیع‌تر حق هویت شخصی (به عبارتی، در برابر توسعه‌های تکنولوژیکی جدید) که حقوق فرعی حق هویت‌های چندگانه و حق فراموش شدن را در بر می‌گیرد، در دفاع از حق هویت آنلاین فراتر می‌رود.^{۱۹}

ظاهراً سیاست‌گذاران نسبت به برخی از این پیشنهادهای حساس هستند. برزیل مصوبه‌ی حقوقی جامع خود در خصوص حاکمیت اینترنت، شامل حقوق فردی، را در نظر می‌گیرد. آذر سطح سیاست اروپا، برنامه‌ی کار دیجیتال اتحادیه‌ی اروپا (EU) مجموعه‌ی قوانین (تدوین) حقوق آنلاین را پیش‌بینی می‌کند که حقوق کاربر دیجیتال موجود را در اتحادیه‌ی اروپا به صورت آشکار و قابل‌دسترس جمع‌بندی خواهد کرد. آذر ماه مارس سال ۲۰۱۲، شورای اروپا راهبرد حاکمیت اینترنت برای

^{۱۷} De Hert and Prins

^{۱۸} Bernal and Andrade

^{۱۹} P. De Hert, A right to identity to face the information society, in: W. Bruggeman, R. van Eert and A. van Veldhoven (eds.), What's in a name? Identiteitsfraude en -diefstal, Maklu, 2012, pp 117-147; P. De Hert, A right to identity to face the Internet of Things, 2007, http://portal.unesco.org/ci/fr/files/25857/12021328273de_Hert-Paul.pdf/de%2BHert-Paul.pdf. J.E.J. Prins, Een recht op identiteit, Nederlands Juristenblad, Vol 82(14), 2007, p 849. See critically S. Gutwirth, Beyond Identity?, Identity in the Information Society, Vol 1(1), 2009, pp 122-133, <http://www.springerlink.com/content/j4396418218787pm/fulltext.pdf>.

^{۲۰} P. Bernal, A right to an online identity?, conference speech, Human Rights in the Digital Era, Leeds, 16 September 2011, <http://prezi.com/jdszww0kppsd/a-right-to-an-online-identity>. N.N.G. Andrade, Right to Personal Identity. The Challenges of Ambient Intelligence and the Need for a New Legal Conceptualization, in: S. Gutwirth, Y. Pouillet, P. De Hert et al. (eds.), Computers, Privacy and Data Protection: an Element of Choice, Springer, 2011, p 89.

^{۲۱} Cf. <http://diretorio.fgv.br/civilrightsframeworkforinternet>.

۲۲. رجوع کنید به: اقدام ۱۶ دستور کار دیجیتال و استراتژی حاکمیت اینترنت شورای اروپا.

۲۰۱۲-۲۰۱۵ خود را اتخاذ کرده است. این امر در حالی است که شورای اروپا به توسعه‌ی اعلامیه‌ی ۲۰۱۱ اصول حاکمیت اینترنت و توصیه‌نامه‌ی حفاظت و ارتقا عمومیت، تمامیت و آزادبودن اینترنت نیز می‌پردازد.^{۲۵} راهبرد یادشده، در میان دیگر راهبردها، بر روی «بررسی امکانات جهت افزایش دسترسی به اینترنت به منظور ممکن‌ساختن به‌کارگیری کامل حقوق و آزادی‌ها متمرکز می‌شود».^{۲۶}

هدف از مقاله‌ی پیش رو شرکت در این بحث است که آیا استفاده از اینترنت بواسطه‌ی حقوق بشر حفاظت شده است یا باید حفاظت شود. گفتنی است این امر با تلاش جهت درک استدلال‌ها و نیز تلاش برای فهمیدن این که چگونه در حال حاضر اینترنت از طریق حقوق بشر، به‌ویژه از رهگذر آزادی بیان، مورد حفاظت قرار می‌گیرد صورت خواهد گرفت. نوظهوری حاضر با توصیف مختصر استدلال‌های اصلی موافق (بخش ۲) و مخالف با حفاظت ویژه‌ی حقوق بشر از اینترنت (بخش ۳) شروع می‌شود. سپس حقوق فعلی را در نظر می‌گیریم تا از این طریق متوجه‌ی چگونگی حفاظت چنین حقوقی از اینترنت و نیز متوجه‌ی شیوه‌ای شویم که بر مبنای آن محتوا و اتصال_ دو مؤلفه‌ی اصلی اینترنت_ در چارچوب حقوق بشر جاری قرار می‌گیرند.^{۲۷}

<http://eur->

lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=COM:2010:0245:FIN:EN:PDF

^{۲۵} Council of Europe, Internet Governance - Council of Europe Strategy 2012-2015, Strasbourg, 15 March 2012, CM(2011)175 final.

^{۲۶} Council of Europe, Declaration of the Committee of Ministers on Internet governance principles, Strasbourg, 21 September 2011, <https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?id=1835773>.

^{۲۷} Council of Europe, Recommendation of the Committee of Ministers to member states on the protection and promotion of the universality, integrity and openness of the Internet, Strasbourg, 21 September 2011, CM/Rec(2011)8.

^{۲۸} Cf. para 8(b).

۲۷- محتوا و اتصال دو عنصر از چهار عنصر اصلی یا ویژگی‌های کلیدی از معماری اینترنت هستند. محتوا و اتصال منعکس‌کننده ماهیت دوگانه اینترنت است. در حالی که محتوا کاملاً بدیهی می‌باشد، اتصال به معنای تمام زیرساخت‌های لازم برای دسترسی به محتوا است، یعنی هم فیزیکی (سخت افزار، نرم افزار، کابل‌ها و تجهیزات بی سیم) و هم زیرساخت منطقی (پروتکل‌های ارتباطی). واضح است که

بر استدلال ما، آزادی بیان از محتوا و اتصال در برابر مداخله‌ی نابجا حفاظت می‌کند (بخش ۴). حفاظت بیش‌تر، مانند حق حریم خصوصی، بوا سطره‌ی حقوق بشر تأمین می‌شود (بخش ۵). برای درک بهتر توان محافظتی حقوق بشر جاری، نیاز به فهم مشی تعهدات مثبت حقوق بشر (بخش ۶) و ایده‌ی حقوق بشر به عنوان ابزارهای حقوقی زنده (بخش ۷) وجود دارد. با استفاده از پرونده‌های ارو پای می ماند جانکوفسکیس در مقابل لیتوانی،^۸ در صدد فهم عواقب چنین مشی‌هایی هستیم که در خصوص شرایط اینترنت و نیاز آن برای حفاظت شدن اعمال می‌شود. استدلال ما بر این است که موارد یادشده، اگرچه پایه و اساس کافی را جهت تأمین اتصال ایجاد نمی‌کنند، با عرضه‌ی چارچوبی برای محتوا و اتصال اینترنت قوت حفاظت‌کننده‌ی حقوق بشر جاری را تشدید خواهند کرد. از این رو، آیا حقوق جاری اجازه‌ی اتصال به صورت دیجیتال را امکان‌پذیر نمی‌سازد؟ با این وجود، از آن جایی که موقعیت حقوق بشر، با شکل‌گیری در جوامعی خاص و در لحظات خاص زمانی، ترسیم می‌شود، در برخی موقعیت‌ها ممکن است عدم موفقیت در تأمین دسترسی به اینترنت بر خلاف قانون حقوق بشر جاری در نظر گرفته شود. در واقع، چیز بیش‌تری مورد نیاز است. به عبارت دیگر، بهره‌مندی کامل از کاربرد اینترنت نیازمند اقدامات فعالانه ویژه‌ای برای تضمین برقراری سطح اتصال نیز خواهد بود. در نتیجه، مقامات دولتی باید اقدامات مثبتی را برای تضمین اتصال جهانی اتخاذ کنند. برای اصلاح چارچوب حقوق بشر جاری، به منظور آن که چنین امری را به صورت تعهد حقوقی الزام‌آور مورد هدف قرار دهیم، موانعی وجود دارد (بخش ۸). در نهایت، پس از تلاش در جهت ترسیم تصویری از وضعیت کنونی چنین بندی در حفاظت حقوق بشر از اینترنت، استدلال می‌کنیم که باید این تصویر را پیش از آن که هر گونه حق جدیدی به رسمیت شناخته شود در نظر گرفت. این امر کفایت می‌کند، اما احتمالاً برخی موارد دیگر نیز مورد نیاز خواهد بود.

این دو عنصر به یکدیگر وابسته هستند؛ دومی عاملی برای اولی است: در دنیای دیجیتال، هیچ محتوایی بدون اتصال وجود ندارد و اتصال بدون محتوا بی‌فایده است.

۱.۲ استدلال‌های موافق با بهر سمیت شناختن اینترنت به عنوان حقی

انسانی

حالت‌های متفاوتی، مانند موارد غیرحقوقی قدرتمند برای کنترل و حفاظت از فناوری‌ها وجود دارد.^۹ بنابراین، دلیل لازم برای رویکرد حقوق اساسی باید مستحکم شود و نباید با بی‌اعتنایی و بی‌توجهی تقاضای حقوق بشر کرد. با این حال باید توجه داشت، ضرورتی ندارد تا فرد در خصوص حقوق اساسی یا حقوق بشر نیز بیش از حد بنیادگرا باشد. حقوق مذکور مقدس نیستند و ابداً ثابت نخواهند بود. این حقوق متحول می‌شوند و این امر صرفاً به سبب این است که به جای منعکس کردن حقایق فناپذیر یا وضعیت بودن بشر، بازتاب توسعه‌های موجود در جامعه هستند. حفاظت از موجودات غیرانسانی، از جمله اشخاص حقوقی، حیوانات و حتی آب و هوا، غیرقابل تصور نیست. "چنین چیزی مشخص نیست".

نظام فعلی از طریق بسط و توسعه ماهیت حقوق بشر مشخص می‌گردد. از زمانی که برای نخستین بار اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) صادر شد، نظام بین‌المللی حقوق بشر به میزان بسیار زیادی پیشرفت کرده است. از زمان صدور اعلامیه‌ی فوق، فرآیند تدوین و تنظیم با توجه به تعریف حقوق جدید و اصول بین‌المللی جدید ادامه یافته است. باید گفت در قرن ۲۱ این ماهیت در حال توسعه همچنان پیامدها و نتایجی را به وجود می‌آورد. با ماهیت همواره در حال تغییر جامعه، حقوق بشر برای پرداختن به چالش‌های جدید با نیاز به رشد و گسترش متداوم رو به رو می‌شود. حقوق بشر تصویری از حقوق را به دست می‌دهد: این حقوق در جوامع خاص در لحظات زمانی خاص شکل می‌گیرند. بر طبق استدلال براونسورد و

^۹ B. Morgan and K. Yeung, *An Introduction to Law and Regulation*, Cambridge University Press, 2007.

^{۱۰} M. Odello and S. Cavandoli (eds.), *Emerging areas of human rights in the 21st century: the role of the universal declaration of human rights*, Routledge, 2011, p 3.

گودوین،^{۳۲} گر آینده، آن جا که حقوق بشر به عنوان زبان مسلط برای استنتاج اخلاقی باقی می ماند و هرگونه دلیلی برای آن که انتظار چنین عمل کردی را از این حقوق داشته باشیم نیز وجود دارد. احتمال آن می رود که توسعه های تکنولوژیکی به اجبار سبب ایجاد حقوق بشر جدید شوند. برای پذیرفتن و باور به آن چه مؤلفان یادشده به آن اشاره کردند، حق حریم خصوصی ژنتیک، حق هویت یکتا و نیز حق دسترسی به اینترنت از جمله حقوق جدیدی به شمار می آیند که ظاهراً قریب الوقوع هستند.^{۳۳}

فهرست براونسورد و گودوین که بر پایه ی حدس و گمان است غیرواقعی گرایانه نیست.^{۳۴} آخرین حق پیشنهادی آنان اهمیت اینترنت در دنیای کنونی را به سبب ماهیت یکتای شبکه بازنتاب می کند. از آن جایی که اینترنت به رقابت و نوآوری میدان می دهد، برای اقتصاد دانش بنیان امروز امری اساسی است.^{۳۵} به علاوه اینترنت توسعه و شمول اجتماعی را ارتقا می بخشد، باعث پیشرفت مردم سالاری و دیگر حقوق بشر می شود و به ویژه، به دلیل تفاوتش با انواع دیگر رسانه ها، اساساً آزادی بیان را افزایش خواهد داد.^{۳۶} لا رو بر این امر تأکید می کند که اینترنت امکان ارتباط دوطرفه را فراهم

^{۳۲} Broensword and Goodwin

^{۳۳} R. Brownsword and M. Goodwin, *Law and the Technologies of the Twenty-First Century*, Cambridge University Press, 2012, pp 225-245.

^{۳۴} One can ask the question whether a right to identity can cover Internet interest in the digital age, cf. section 5.

^{۳۵} برای مثال، پارلمان اروپا تأکید کرده است که "اینترنت به ابزاری برای بیان آزاد مخالفان سیاسی،

فعالان دموکراسی، مدافعان حقوق بشر و روزنامه نگاران مستقل در سراسر جهان تبدیل شده است."

پارلمان اروپا، آزادی بیان در اینترنت، قطعنامه P6_TA(2006)0324، ۶ ژوئیه ۲۰۰۶.

<http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=TA&reference=P6-TA-2006-0324&language=EN>.

^{۳۶} در همان اوایل سال ۱۹۸۴ پول ادعا کرد که فناوری های مخابراتی موجود در آن زمان پتانسیل تامین

آزادی بیان تضمین شده توسط اسناد حقوق بشر موجود را دارند. او معتقد بود که رسانه های الکترونیکی می توانند دسترسی گسترده تری به دانش بیش از هر زمان دیگری فراهم کنند و بنابراین پتانسیل باز کردن چشم اندازهای جدیدی از آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات و ایده ها را دارند I. De Sola Pool. . فن آوری های آزادی، انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۸۴.

می‌سازد و در عین حال، سبب می‌شود تا کاربر نه تنها یک دریافت‌کننده‌ی منفعل اطلاعات، که یک نشردهنده‌ی فعال نیز باشد. سپس توزیع ارزان هر گونه محتوا را ممکن می‌سازد و از این رو، دسترسی به اطلاعات و دانشی را به دست می‌دهد که پیش‌تر غیرقابل‌دسترس بود. در نهایت، اینترنت ارتباط در زمانی حقیقی را امکان‌پذیر می‌سازد. در نتیجه، باید گفت اینترنت به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بسیاری از افراد تبدیل شده است. افرادی که با شبکه بزرگ شده‌اند "بومیان دیجیتال" _ "به همان آسانی و راحتی که از فرهنگ لغت، کتاب یا تلفن استفاده می‌کنند از شبکه برای انجام تکلیف و وقت آزاد خود بهره می‌برند!"^{۶۷} بنابراین، لا رو در گزارش ۲۰۱۱ خود در زمینه‌های مذکور محدودیت محتوایی که تا حد ممکن بسیار ناچیز باشد و دسترسی به اینترنتی که در محدوده‌ی گسترده‌ای موجود، در دسترس و قابل‌تهیه برای همه‌ی اقشار جامعه است را مورد حمایت قرار می‌دهد.^{۶۷} موری نیز تأثیر مشابهی بر مخاطب می‌گذارد و خاطرنشان می‌سازد: «هیچ قانونی نباید وضع شود که حق فرد برای دسترسی کامل و آزاد به اینترنت را»، یعنی بدون وجود محدودیت‌ها، «طبق اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر محدود کند»^{۶۸} آیده‌ی در نظر گرفتن (دسترسی به) اینترنت به عنوان حقی اساسی به سبب توسعه‌های اخیر در جهت نظارت و سانسور امری بجا و بهنگام است. بیش از گذشته‌ای نه چندان دور، نیاز رو به افزایش به حفظ و نگهداری ماهیت خاص اینترنت وجود دارد. موفق بودن اینترنت عمیقاً به "آزادبودن" ساخت آن، به‌ویژه شبکه‌ی توزیعی و قالب‌های آزاد، مربوط می‌شود.^{۶۹} اینترنت بدون هرگونه قصد و نظری درباره‌ی مرزهای ملی طراحی شد.^{۷۰} به این ترتیب، مفهومی

^{۶۶} J. Naughton, *A Brief History of the Future: the origins of the Internet*, Phoenix, 2000, p xii.

^{۶۷} UN Human Rights Council, Report..., op. cit., p 22.

^{۶۸} A. Murray, *A Bill of Rights for the Internet*, op. cit.

^{۶۹} Cf. J. Bing, *Building cyberspace: a brief history of Internet*, in L.A. Bygrave and J. Bing (eds.) *Internet Governance...*, op. cit., p 47.

^{۷۰} L. Guernsey, *Welcome to the World Wide Web. Passport, Please?*, *The New York Times*, 15 March 2001, <http://www.nytimes.com/2001/03/15/technology/welcome-to-the-web-passport-please.html>.

رمانتیک وجود داشت که بر اساس آن اینترنت به منزله‌ی فضایی مساوات‌طلب و غیرقابل کنترل برای تبادل اطلاعات محسوب می‌شد.^{۴۱} (برای نمونه، بیانیه‌ی هکر ۱۹۸۶ یا اعلامیه‌ی ۱۹۹۶ استقلال فضای سایبری از جان پری بارلو^{۴۲} در نظر بگیرید)^{۴۳}

با این وجود، برخی از مرزهایی که به تازگی به صورت قانونی و غیرقانونی در فضای سایبری ایجاد شده، جریان اطلاعات را محدود کرده است.^{۴۵} بر طبق گفته‌ی لا رو، محدودیت‌های غیرقانونی و غیرمجاز به وجود آمده خود را به صورت فیلترکردن یا مسدودسازی اختیاری (مقایسه کنید با پاراگراف‌های ۳۲-۲۹)، ممنوع کردن بیان مشروع (۳۳-۳۷)، سوء استفاده (بیش از حد) از تعهد واسطه (۳۸-۴۸)، قطع اتصال (شامل معیارهایی نظیر "سه خطا" (۴۹-۵۰)، حملات سایبری (۵۱-۵۲) و حفاظت ناکافی از حریم خصوصی و داده‌های شخصی (۵۳-۵۹) نشان می‌دهند.^{۴۶} ظاهراً

^{۴۱} For the history of the Internet, cf. e.g. J. Naughton, A Brief History of the Future..., op. cit.; J. Goldsmith and T. Wu, Who Controls the Internet? Illusions of a Borderless World, Oxford University Press, 2006; J. Bing, Building cyberspace: a brief history of Internet, in L.A. Bygrave and J. Bing (eds.) Internet Governance. op. cit. A short documentary video is worth attention too: M. Bilgil, The History of the Internet, 2009, <http://www.lonja.de/the-history-of-the-internet>.

^{۴۲} John Perry Barlow

^{۴۳} 'We explore... and you call us criminals. We seek after knowledge... and you call us criminals. We exist without skin color, without nationality, without religious bias... and you call us criminals.' <http://www.mithral.com/~beberg/manifesto.html>.

^{۴۴} 'Governments of the Industrial World ... I ask you of the past to leave us alone. You are not welcome among us. You have no sovereignty where we gather.' <https://projects.eff.org/~barlow/Declaration-Final.html>.

^{۴۵} Goldsmith and Wu argue that the creation of some of the borders in cyberspace was a response to local demands as well as to cultural and linguistic differences. Cf. further J. Goldsmith and T. Wu, Who Controls the Internet?, op. cit., ch 4.

^{۴۶} Cf. Loi n°2009-669 du 12 juin 2009 favorisant la diffusion et la protection de la création sur internet (Loi Hadopi, France), Digital Economy Act 2010 (UK) and the proposed Anti-Counterfeiting Trade Agreement (ACTA).

^{۴۷} UN Human Rights Council, Report..., op. cit., pp 9-26. One could also group these restrictions as targeting either intermediaries or individuals (J. Goldsmiths and T. Wu, Who Controls the Internet, op. cit., ch 5.) or classify them in three

پیشرفت تکنولوژیکی در خصوص اینترنت به نقش‌مندی‌های ازپیش‌تعیین‌شده کمک می‌کند تا نظارت بر آن را به طرز بی‌سابقه‌ای محقق سازد. بر اساس ادعای سرگئی برین^{۴۸}، از بنیان‌گذاران گوگل، تهدیدات متوجه‌ی آزادی اینترنت، جدا از دولت‌هایی که در صدد نظارت بر دسترسی و ارتباطات هستند، از "تلاش صنعت سرگرمی برای جلوگیری از سرقت" و "افزایش Walled Gardenهایی مانند فیس‌بوک و اپل، که به شدت بر امکان نشر نوع برنامه بر روی پلت‌فرم‌هایشان نظارت دارند" نیز سرچشمه می‌گیرد.^{۴۹} گفتنی است فناوری پیشنهادی اخیر مدیریت شبکه (برای مثال مسدودسازی، دراولویت‌قراردادن یا تخریب ترافیک) عامل بحث بر سر بی‌طرفی شبکه شد.^{۵۰} بنابراین، مسئله‌ی انتشار گزارش‌هایی که به طور منظم از سوی سازمان‌های غیردولتی (NGO) درباره‌ی محدودیت‌های آزادی‌های مدنی در فضای سایبری در سرتاسر جهان صورت می‌گیرد مسئله‌ی تعجب‌آوری نیست.^{۵۱}

categories: national firewalls, user-blocking and content-blocking (E. Schweighofer, New Borders in Cyberspace, conference speech, Cyberspace 2009, Brno).

^{۴۸} Sergey Brin

^{۴۹} I. Katz, Web freedom faces greatest threat ever, warns Google's Sergey Brin, Guardian, 15 April 2012, <http://www.guardian.co.uk/technology/2012/apr/15/web-freedom-threat-google-brin>.

^{۵۰} J.P. Sluijs, From Competition to Freedom of Expression: Introducing Art. 10 ECHR in the European Network Neutrality Debate, TILEC Discussion Paper No. 2011-040, p 6, <http://ssrn.com/abstract=1927814>. On 8 May 2012, the Netherlands became the first country in Europe to implement net neutrality in the law. EDRI-gram newsletter, Netherlands - First Country In Europe With Net Neutrality, 9 May 2012, <http://www.edri.org/edriagram/number10.9/net-neutrality-law-netherlands>. Official version: <https://zoek.officielebekendmakingen.nl/kst-32549-29.html>.

^{۵۱} Cf. Committee to Protect Journalists, 10 Most Censored Countries, 2012, <http://www.cpj.org/reports/CPJ.Ten.Most.Censored.5.2.12.pdf>; Reporters sans frontières, Enemies of the Internet & Countries Under Surveillance, report for 2010: http://en.rsf.org/IMG/pdf/Internet_enemies.pdf, for 2011: http://12mars.rsf.org/i/Internet_Enemies.pdf, for 2012: http://en.rsf.org/IMG/pdf/rapport-internet2012_ang.pdf; OpenNet Initiative, West Censoring East: The Use of Western Technologies by Middle East Censors, 2010-

توسعه‌های فوق‌الذکر در جهت کنترل غیرضروری و سانسور همان نقش اولیه‌ی حقوق بشر، یعنی حفاظت از فرد در برابر استفاده‌ی غیرضروری یا سوء استفاده از قدرت توسط یک دولت، را در خاطر قرار می‌دهد. با کنترل غیر ضروری و سانسور که نه تنها در شرق، که در غرب نیز به چشم می‌خورد، دیدن افرادی که به سمت زبان حقوق بشر روی می‌آورند نباید باعث تعجب شود. هر گاه ارزشی مورد تهدید قرار گیرد، درخواست علنی برای به‌میدان آمدن حقوق بشر وجود دارد. حق ویژه‌ی حفاظت از اینترنت سیگنال هشدار مناسبی را ایجاد می‌کند. چنین حقی، که به طرز هوشمندانه پیش‌نویس شده است، می‌تواند مستلزم توجه سیاست‌گذاران در خصوص فقدان دسترسی بسیاری از افراد در سرتاسر جهان باشد که بنا به دلایل فرهنگی یا اقتصادی به وجود آمده است. حق ویژه‌ای که دسترسی جهانی را به رسمیت می‌شناسد به کاهش "شکاف دیجیتالی" یعنی شکاف میان "داراها" و "ندارها"ی تکنولوژیکی در دو بعد جغرافیایی (مناطق شهری در مقابل مناطق روستایی و نواحی پیشرفته در برابر نواحی رشدنیافته) و بعد اجتماعی آن (سواد دیجیتالی، دسترسی برای گروه‌های آسیب‌پذیر یا موانع زبانی) کمک می‌کند.^{۵۳، ۵۴} هنگامی که شکاف جغرافیایی را در نظر می‌گیریم، نیم‌کره‌ی شمالی نسبت به

2011, http://opennet.net/sites/opennet.net/files/ONI_WestCensoringEast.pdf . In 2012, the British daily 'Guardian' took stock of the new battlegrounds for the internet. Cf. <http://www.guardian.co.uk/technology/series/battle-for-the-internet> .

^{۵۳} A. Segura-Serrano, Internet Regulation and the Role of International Law, Max Planck Yearbook of United Nations Law, Vol 10, 2006, pp 264-270.

^{۵۴} به عنوان مثال، اکثر مطالب در شبکه جهانی وب به زبان انگلیسی است، این در حالی است که این

زبان اول اکثر کاربران وب نیست... حقوق بشر و رفاه بشر، جلد ۴، پاراگراف ۲۹-۳۰

<http://www.du.edu/korbel/hrhw/volumes/2004/best-2004.pdf>.

در سال ۲۰۰۹، ICANN نام‌های دامنه بین‌المللی شده (IDN) را معرفی کرد، یعنی نام‌های دامنه‌ای که شامل کاراکترهایی به خط‌های غیر لاتین مانند روسی یا عربی می‌شوند یا ممکن است حاوی حروف لاتین با علائم دیاکریک باشند، همانطور که در زبان‌های اروپایی رایج است. هدف آنها این است که به کاربران اجازه دهند برند بهتری برای خود داشته باشند و بازارهای محلی مورد نظر را به طور مؤثرتری هدف قرار دهند.

نیم‌کره‌ی جنوبی سطح بسیار بالاتری از نفوذ اینترنت را به خود اختصاص می‌دهد.^{۵۴} در حالی که کشورهای اسکانندیناویایی بر حسب اتصال پیش هستند_ ایسلند و نروژ هر یک بیش از ۹۰ درصد از جمعیت دارای دسترسی به اینترنت را در اختیار دارند_ نفوذ اینترنت در شمار بسیاری از کشورها به کم‌تر از پنج درصد و حتی کم‌تر از یک درصد می‌رسد.^{۵۵} به گفته‌ی لا رو، از پیش چندین ابتکار عمل در تلاش برای پرکردن شکاف دیجیتالی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به هدف ۸.F از اهداف توسعه‌ی هزاره (۲۰۰۰) و برنامه‌ی اقدام صادرشده در اجلاس جهانی سران ژنو درباره‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی (۲۰۰۳) اشاره کرد.^{۵۶} به خوبی می‌توان به این مسئله

^{۵۴} در اتحادیه اروپا، سطح دسترسی به اینترنت در تمام کشورهای عضو بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ افزایش یافته است، با این حال تفاوت‌ها همچنان قابل توجه است. در سال ۲۰۱۱ دسترسی خانوارها به اینترنت از ۴۵ درصد در بلغارستان تا ۹۴ درصد در هلند متغیر بود. سهم کسانی که هرگز آنلاین نبوده‌اند بین پنج درصد در سوئد و ۵۴ درصد در رومانی متغیر است.

<http://www.oii.ox.ac.uk/vis/?id=4e3c0200>. For more statistics on the information society in the EU, cf. e.g. Eurostat, Information Society, http://epp.eurostat.ec.europa.eu/portal/page/portal/information_society/information_society/production; European Commission, Digital Agenda Scoreboard 2011, http://ec.europa.eu/information_society/digital-agenda/scoreboard/index_en.htm. Cf. also United Nations, Statistical Yearbook 2009, pp 128-139, http://unstats.un.org/unsd/syb/syb54/SYB54_Final.pdf; International Telecommunication Union, Measuring the Information Society 2011, <http://www.itu.int/ITU-D/ict/publications/idi/index.html>.

^{۵۵} D. Rowland, 'Virtual world, real rights?': Human rights and the Internet, in: M. Odello, S. Cavandoli (eds.), *Emerging areas of human rights in the 21st century...*, op. cit., p 13.

^{۵۶} 'In cooperation with the private sector, make available benefits of new technologies, especially information and communications.' Cf. <http://www.un.org/millenniumgoals>.

^{۵۷} اهداف برنامه اقدام ایجاد یک جامعه اطلاعاتی فراگیر است. قرار دادن پتانسیل دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه؛ ترویج استفاده از اطلاعات و دانش برای دستیابی به اهداف توسعه مورد توافق بین المللی، از جمله موارد مندرج در بیانیه هزاره؛ و برای رسیدگی به چالش‌های جدید جامعه اطلاعاتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین المللی.

http://www.itu.int/dms_pub/itu-s/md/03/wsis/doc/S03-WSIS-DOC-0005!!PDF-E.pdf.

پی برد که چنین تلاش‌هایی کافی نیست و از این رو، می‌توان شاهد درخواست‌هایی در خصوص حق (اساسی) قابل اجرا برای دسترسی به اینترنت بود.^{۵۸}

در سطح بین‌المللی، سه حوزه‌ی قضایی تاکنون در نظام مبتنی بر قانون اساسی خود صریحاً الزامی مثبت را برای تضمین اتصال تأمین کرده‌اند. بر اساس بند ۲) ۵a از قانون اساسی یونان، که در سال ۲۰۰۱ به مجلس برده شد، «تمامی افراد از حق شرکت در جامعه‌ی اطلاعاتی برخوردارند. تسهیل دسترسی به اطلاعات منتقل‌شده به صورت الکترونیکی، و نیز تولید، تبادل و انتشار آن، همواره با رعایت ضمانت‌های بندهای ۹ [حریم خصوصی]، ۹A [داده‌های شخصی] و ۱۹ [ارازداری مکاتبات] یک الزام مربوط به دولت به حساب می‌آید» (عبارات ایتالیک متعلق به ما می‌باشد).^{۵۹} بنا به اعلام دادگاه قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۹، آزادی بیان از «آزادی برای دسترسی به چنین خدماتی»، که در عین حال تا اندازه‌ای در بافت و موقعیتی متفاوت است (یعنی حقوق بشر به عنوان ابزارهای زنده)، حکایت دارد (ر. ک. بخش ۷). در این زمان در خارج از اروپا، دادگاه قانون اساسی کاستاریکا نیز در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد، در موقعیت جامعه‌ی اطلاعاتی، «بر مقامات دولتی تکلیف شده است تا در جهت منفعت حکومت‌شوندگان دسترسی به این فناوری‌های جدید به صورت جهانی ارتقا داده و تضمین شود».^{۶۰}

^{۵۸} Cf. A.P.M. Coomans (ed.). *Justiciability of Economic and Social Rights - Experiences from Domestic Systems*, Intersentia, 2006.

^{۵۹} The Constitution of Greece (as revised by the parliamentary resolution of 6 April 2001 of the VIIth Revisionary Parliament), http://www.nis.gr/npimages/docs/Constitution_EN.pdf.

^{۶۰} Translation unofficial from <http://www.technollama.co.uk/costa-rican-court-declares-the-internet-as-a-fundamental-right>. Original Spanish text: 'En este contexto de la sociedad de la información o del conocimiento, se impone a los poderes públicos, en beneficio de los administrados, promover y garantizar, en forma universal, el acceso a estas nuevas tecnologías.' Sala Constitucional De La Corte Suprema De Justicia, Judgement of 30 July 2010, sentencia: 12790, expediente: 09-013141-0007-CO.

۱.۳ استدلال‌های مخالف با بهر سمیت شناختن اینترنت به عنوان حقی

انسانی

احتمالاً توضیحات و استدلال‌های صفحات پیشین همه‌ی خوانندگان را متقاعد نخواهد کرد. جدا از باور نداشتن به چنین نظام حقوقی، که در غرب نیز این‌گونه است، اُصد استدلال‌هایی در مقابل رویکرد حقوق بشر در کل و استدلال‌هایی در مقابل رویکرد حقوق بشر در این مورد بخصوص وجود دارد. نخستین ضد استدلال اینترنت را صرفاً یک فناوری، نه کم‌تر و نه بیش‌تر از آن، در نظر می‌گیرد. ریک استنجل آژ مجله‌ی تایم در شرح خود بر معترض بهار عربی به عنوان "فردی از سال ۲۰۱۱" این‌گونه استدلال می‌کند که در واقع، فناوری برای اعتراضات عربی اهمیت داشت، اما این امر بهار عربی را به انقلابی تکنولوژیکی مبدل نساخت. شبکه‌های اجتماعی سبب به‌وجود آمدن جنبش‌ها نشد، بلکه آن‌ها را زنده و متصل نگه داشت. طبق اظهار نظر دلانگ-باس^{۶۳} «استفاده از فناوری مدرن و رسانه‌های اجتماعی جدید در را به روی تفکر جدید و خلاق باز کرده است. این نوع تفکر درباره‌ی شیوه‌ی گردآوری، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و راهبردتدبیری فعالیت‌هایی است که از تغییر سیاسی تا تغییر اجتماعی را در بر می‌گیرد و بلافاصله در سطح جهانی انتقال می‌یابد»^{۶۴}. او به این نتیجه می‌رسد که «این یک انقلاب سیمی نیست. یک انقلاب انسانی است، دارای قلب‌ها و اذهان، قدیمی‌ترین فناوری نسبت به همه‌ی آن‌ها»^{۶۵}. فناوری میسرکننده‌ی حقوق است، نه یک حق به خودی خود.

^{۶۱} J. Gibson and Gr. Caldeira, The Legal Cultures of Europe, Law & Society Review, Vol 30(1), 1996, pp 1-55.

^{۶۲} Rick Stengel

^{۶۳} DeLong-Bas

^{۶۴} N.J. DeLong-Bas, The New Social Media and the Arab Spring, Oxford Islamic Studies

Online, http://www.oxfordislamicstudies.com/Public/focus/essay0611_social_media.html.

^{۶۵} R. Stengel, Person of the Year..., op. cit.

مورد دوم، استدلالی در این خصوص است که چه چیزی ارزش سطح حفاظت حقوق بشر را خواهد داشت. وینتون سرف،^{۶۶} طراح مشترک پروتکل کنترل انتقال/پروتکل اینترنت (TCP/IP) نسبت به حفاظت از دسترسی به اینترنت به واسطه‌ی حقوق بشر تردید دارد.^{۶۷} برای این که چیزی به منزله‌ی حقوق بشر در نظر گرفته شود، مانع بزرگی وجود دارد. به اعتقاد او، "ایده‌آل حقوق بشر" غربی مدرن را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: در ظاهر امر، هر فرد از حق مشروع یکسان در خصوص آن دسته از کالاها و منافع مادی و معنوی‌ای برخوردار است که اصلی‌ترین موارد برای رفاه بشر به شمار می‌آیند.^{۶۸} به عبارت دیگر، از نظر گاه کلاسیک، حقوق یادشده ضمانت‌های اخلاقی اساسی تلقی می‌شوند که گفته می‌شود مردم همه‌ی کشورها و فرهنگ‌ها صرفاً به سبب آن که مردم هستند از آن برخوردارند.^{۶۹} برای باور چیزی که سرف به آن معتقد است، باید آن چه حقوق بشر می‌نامیم در میان آن دسته از مواردی باشد که انسان‌ها برای گذران زندگی معنادار و سلامت به آن نیازمندند و به عنوان نمونه می‌توان از آزادی از شکنجه یا آزادی عقیده نام برد. اینترنت به منزله‌ی وسیله‌ای برای رسیدن به هدف دارای ارزش است، اما به خودی خود یک هدف نیست. گفته‌های وینتون سرف با مثالی زیبا خاتمه می‌یابد: «روزگاری اگر اسب نداشتید، امرار معاش مشکل بود، اما حق حائز اهمیت در آن مورد حق تأمین معاش بود، نه حق داشتن یک اسب».^{۷۰} لدر این جا، اگرچه استدلال مشابهی به کار می‌رود، او با حفاظت از دسترسی به اینترنت به وسیله‌ی حقوق مدنی

^{۶۶} Vinton Cerf

^{۶۷} V.G. Cerf, Internet Access Is Not a Human Right, New York Times, 4 January 2012, <http://www.nytimes.com/2012/01/05/opinion/internet-access-is-not-a-human-right.html>.

^{۶۸} S. Greer, The European Convention on Human Rights. Achievements, Problems and Prospects, Cambridge University Press, 2006, p 2.

^{۶۹} J. Nickel, Making Sense of Human Rights: Philosophical Reflections on the Universal Declaration of Human Rights, University of California Press, 1987; cited in A. Fagen, Human Rights, Internet Encyclopaedia of Philosophy, <http://www.iep.utm.edu/hum-rts>.

^{۷۰} V.G. Cerf, Internet Access Is Not a Human Right, op. cit.

موافق تر است. حقوق مدنی با حقوق بشر تفاوت دارد چرا که این حقوق از طریق قانون به ما اعطا می شوند و به این عنوان که انسان هستیم به ما تعلق ندارند و ذاتی نیستند. مفهوم خدمات جهانی می تواند به منزله‌ی نمونه‌ی حفاظت به وسیله‌ی حقوق اعطاشده از طریق قانون مناسب باشد (ر. ک. بخش ۸).

سوم آن که درکل، درباره‌ی افزایش محدوده‌ی حقوق بشر استدلال وجود دارد. برای بیان استدلال مذکور، به خاطر آوردن این موضوع مطلوب می نماید که ایجاب جایگاه حق اساسی برای اینترنت یک مسئله‌ی منحصر به فرد نیست، بلکه برای حوزه‌ی وسیع تر تمام حقوق بشر امری بدیهی و آشکار است. از دیدگاه رسمی، چه دلیلی وجود دارد که افراد منافع را در چارچوب حقوق بشر بیان می کنند؟ یکی از این علت ها به لفاظی مربوط می شود: یک ادعا عملی تر به نظر می رسد. دلیل دیگر اجرایی کردن است: چنانچه حقوق بشر حقوق سخت باشند (مانند دادگاه ها یا کمیته های نظارت بر رعایت قوانین) یا حقوق نرم باشند (مانند نظارت)، اکثر بهر سمیت شناخته شده‌ی آن ها با نوعی مکانیسم اجرایی همراه هستند. با این وجود، مطالبات مبنی بر بهر سمیت شناختن حقوق اساسی جدید باید همواره به دقت مورد بررسی قرار گیرند. اگر این حقوق به طور نسنجیده‌ای پذیرفته شوند، این امر می تواند به تجزیه و افزایش بی وقفه‌ی حقوق بشر منجر شود. هنگام تعبیر گفته های ایستربروک^{۱۱}، با پرداختن بیش از حد به جزئیات، احتمال آن که سر و کار فرد در نهایت به "حق داشتن یک اسب" کشیده شود وجود دارد. سپس، افزایش حقوق می تواند ارزش دیگر حقوق جاری را کاهش دهد. گنجاندن حقوق جدید در چارچوب حقوق بشر فقط در صورتی موجه است که ارزش افزوده‌ی بنیادی برای حفاظت فراهم شده از طریق حقوق جاری موجود باشد و به همین ترتیب، در خصوص ضرورت بسیار سطح بالایی از حفاظت اتفاق نظر وجود داشته باشد. افزون بر این، از آن جا که بهر سمیت شناختن هر حقی مستلزم تدوین و تنظیم است، هر گونه کدگذاری مشکلاتی را برای تعریف حوزه‌ی آن، انتخاب نسل مطلوب یک حق و نیز ابزار حقوقی

^{۱۱}Easterbrook

صحیح جهت نظارت بر آن به همراه دارد و در نهایت خطر منسوخ شدن را خواهد پذیرفت.

برای مثال، لفاظی حقوق بشری به منظور حفاظت از محیط در پاسخ به تخریب پیش‌رونده‌ی آن مورد استفاده قرار گرفته است. محیط پاک و سلامت به عنوان کالایی عمومی به حساب می‌آید که برای زندگی و رفاه جامعه در کل ضروری و حیاتی است. قانون پرونده‌ای گسترده که از طریق دادگاه‌های حقوق بشری و هیئت‌های نظارتی در سطوح منطقه‌ای و جهانی بسط یافت تمایل دارد تا بهر سمیت شناخته شدن بعد محیطی حقوق بشر را نشان دهد. با این وجود، رویکرد یاد شده که از منظر "فردگرایانه" توسعه یافته است در پرداختن به موضوع تخریب محیطی به معنای دقیق کلمه و آثار منتشرشده‌ی چنین تخریبی بر روی جامعه در کل نامناسب به نظر می‌رسد. برای اصلاح این مسئله، فرانسیونی^{۳۲} از خصوص «علم حقوق خلاق و بی‌باکانه‌ای که بعد جمعی حقوق بشر متأثر از تخریب محیطی را در نظر می‌گیرد» استدلال می‌آورد.^{۳۳} با این حال، برخی ابزارهای بین‌المللی بعد جمعی را تصدیق می‌کنند و صریحاً حق محیط را، که با این وجود به صورتی بسیار متفاوت شکل می‌گیرد، در نظر می‌گیرند.^{۳۴} نمونه‌ی دوم به حق متمایز آب و بهداشت عمومی مربوط می‌شود که توسط سازمان ملل متحد (UN) و تعداد کمی از ابزارهای حقوق بشر بین‌الملل به رسمیت شناخته شد.^{۳۵} اگرچه استدلالی مطرح شده است که بر مبنای آن می‌توان چنین حقی را به آسانی از حقوق مسکن و سلامت تعبیر کرد،

^{۳۲} Francioni

^{۳۳} F. Francioni, International Human Rights in an Environmental Horizon, European Journal of International Law, Vol 21, No 1, 3 May 2010, pp 41-55.

^{۳۴} Cf. e.g. Principle 1 of the 1972 Stockholm Declaration on the Human Environment; Arts 16, 21 and 24 of the 1981 African Charter on Human and People's Rights; Art 37 of the EU Charter of Fundamental Rights.

^{۳۵} Cf. UN Economic and Social Council, General Comment No. 15. The right to water (arts. 11 and 12 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights), 20 January 2003, E/C.12/2002/11, [http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/0/a5458d1d1bbd713fc1256cc400389e94/\\$FILE/G0340229.pdf](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/0/a5458d1d1bbd713fc1256cc400389e94/$FILE/G0340229.pdf).

دلایل عدیده‌ای وجود دارد که مورد مذکور در خور به رسمیت شناخته شدن مجزا خواهد بود. نخست آن که آب و بهداشت عمومی از نیازهای اولیه به شمار می‌آید و امروزه هنوز هم افراد بسیاری از فقدان آن در رنج و عذاب هستند. دوم این که حقوق جاری، به‌ویژه حق مسکن و سلامت، تمامی جوانب دسترسی به آب و بهداشت عمومی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. حوزه‌ی بهداشت عمومی تا حد بسیاری از مسئله‌ی جلوگیری از آلودگی ذخایر آب آشامیدنی و تخلیه‌ی آب‌های زائد فراتر می‌رود و در زمینه‌ی تضمین بهداشت و ذخیره‌ی آب سالم نیز ورود پیدا می‌کند.^{۷۴} در سومین مثال، همان‌طور که دارندگان حق جدید ظهور می‌یابند، حقوق منحصر به فردی برای اشخاص دارای معلولیت منظور شده است و بحث و گفت‌وگو بر سر حقوق ویژه‌ی مربوط به سالمندان نیز صورت می‌گیرد چرا که ابزارهای بین‌المللی موجود در پرداختن به نیازهای این دسته از افراد به میزان کافی، ناکام مانده‌اند.^{۷۵} در این جا به عنوان آخرین نمونه، به روند کلی سازمان‌های غیردولتی و دیگر سهام‌داران برای تقاضای مکرر جهت ایجاد حقوق بشر بیشتر اشاره می‌کنیم. باکسی^{۷۶} گروه‌های ذی‌نفع خطوط هوایی بین‌المللی، هتل‌ها و کارگزاران آژانس‌های مسافرتی را به عنوان نمونه مطرح می‌کند که با جدیت سازمان ملل متحد را تحت

^{۷۴} Centre on Housing Rights and Evictions, The human right to water and sanitation: Legal Bases, Practical Rationale and Definition, 2008, p 6, http://www.wsscc.org/sites/default/files/publications/cohre_legal_basis_for_right_to_water_and_sanitation_2008.pdf.

^{۷۵} Cf. the 2006 UN Convention on the Rights of Persons with Disabilities, <http://www.un.org/disabilities/convention/conventionfull.shtml>.

^{۷۶} P. De Hert and E. Mantovani, Specific Human Rights for Older Persons? The inevitable colouring of Human Rights Law, European Human Rights Law Review, Issue 4, 2010, pp 398-418; E. Mordini and P. De Hert (eds.), Ageing and Invisibility, from Ambient Intelligence and Smart Environments, IOS PRESS, 2010; J. Williams, An international convention on the rights of older people? in M. Odello, S. Cavandoli (eds.), Emerging areas of human rights in the 21st century..., op. cit., pp 128-148. Williams explicitly asks 'if children have special protection, why not older people?'

^{۷۷} Baxi

فشار قرار می‌دهند تا حق انسانی جهانی گردشگری را اعلام کنند.^۱ می‌توان حق جدید حفاظت از داده در اتحادیه‌ی اروپا، در بند ۸ منشور اتحادیه‌ی اروپا و بند ۱۶ معاهده‌ی عمل‌کرد اتحادیه‌ی اروپا را متصور شد. این بهر سمیت شناختن را می‌توان دست‌کم به دو دلیل مورد تأیید قرار داد. اول آن که ملاحظات در خصوص مشروعیت چارچوب حفاظت از داده‌ی اتحادیه‌ی اروپا وجود داشت. دستورالعمل حفاظت از داده‌ی ۱۹۹۵ فقط جنبه‌ی بازار داخلی دارد و فاقد توجیه حقوق اساسی است.^۲ باید خاطر نشان کرد که این جنبه همراه با حق اساسی مجزایی برای حفاظت از داده‌ها اضافه شده است. مورد دوم به این امر اشاره دارد که حق جاری حریم خصوصی کفایت نمی‌کند. حفاظت از داده‌ها صریحاً از ارزش‌هایی محافظت می‌کند که در اصل و هسته‌ی حریم خصوصی نیستند و در این مورد می‌توان از نیاز به پردازش عادلانه، رضایت، مشروعیت و عدم تبعیض نام برد. قوانین حفاظت از داده‌ها برای انواع متعددی از منافع، که در برخی موارد تا حد زیادی از تصورات قدیمی مربوط به حریم خصوصی فراتر می‌روند، مناسب است.^۳ آن‌چه در نمونه‌های فوق مشترک است این است که همه‌ی آن‌ها به موضوع حفاظت اهمیت مضاعف داده آن را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، ادعای این موارد ساده‌تر و عملی‌تر است. علاوه بر این، از نظر کارایی، به رسمیت شناختن صریح مسئولیت‌ها و ابزارهای برای تضمین رعایت موارد مربوطه و اعمال نظارت، شامل مکانیسم‌های نرم مانند مانیتورینگ، به وجود خواهد آورد.

بر خلاف مواردی که پیش‌تر به آن اشاره شد، ممکن است استدلال فرد در خصوص استدلال "مورد توجه قرارداد" که پشتیبان به رسمیت شناختن بیش‌تر حقوق بشر است این گونه باشد که چنین استدلالی انعطاف‌پذیری حقوق جاری را در نظر

^۱ U. Baxi, Too many, or too few, Human Rights?, Human Rights Law Review, Vol 1(1), 2001, pp 1-10, cf. footnote 1.

^۲ Directive 95/46/EC of the European Parliament and of the Council of 24 October 1995 on the protection of individuals with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data.

^۳ Cf. P. De Hert and S. Gutwirth, Data Protection in the Case Law of Strasbourg and Luxemburg: Constitutionalisation in Action, in S. Gutwirth (ed.), Reinventing Data Protection, Springer, 2009, pp 3-44.

نمی‌گیرد. پیشرفت‌های تکنولوژیکی اغلب سبب تغییر شیوه‌ای می‌شوند که از طریق آن حقوق و آزادی‌های خود را به کار می‌گیریم و از این رو، حوزه‌ی عملی این حقوق را و وسیع‌تر می‌سازند. امروزه، آزادی حرکت به حرکت کردن و جابجا شدن با اتومبیل، هواپیما و اینترنت گسترش می‌باید و تنها به حرکت کردن با پای پیاده، قایق یا دوچرخه محدود نمی‌شود.^۳ با در نظر گرفتن استدلال انعطاف‌پذیری حقوق جاری به عنوان نقطه‌ی شروع، هم‌اکنون در بخش‌های بعدی به تحلیل روشی می‌پردازیم که چارچوب حقوق بشر کنونی به‌وسیله‌ی آن از کاربرد اینترنت حفاظت می‌کند. در ادامه، بحث خود را با حق سنتی آزادی بیان شروع می‌کنیم. سپس، به گفت‌وگو درباره‌ی برخی دیگر از حقوق باز می‌گردیم.

۴. آزادی بیان از محتوا و اتصال محافظت می‌کند

در تحلیل چگونگی حفاظت نظام حقوق بشر جاری از کاربرد اینترنت، گفت‌وگوی خود را با مبحث آزادی بیان آغاز می‌کنیم چرا که برای بررسی‌های ما مرتبط‌ترین قسمت خواهد بود. آزادی بیان از حق مطلع کردن و مطلع شدن حفاظت می‌کند. بند ۱۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (UDHR، غیرالزام‌آور) و بند ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) حفاظت از محتوای بیان را تأمین می‌کنند. این بندها آزادی "داشتن عقاید" و "جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و نظرات (دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها)" را منظور می‌کنند. به همین ترتیب، بند ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR) نیز "آزادی داشتن عقاید و دریافت و انتقال اطلاعات و نظرات" را در نظر می‌گیرند. از آن جایی که محتوای منتقل‌شده از طریق اینترنت با هر نوع بیان دیگری متفاوت نیست، به‌وسیله‌ی آزادی فوق‌الذکر حفاظت می‌شود.

آزادی بیان از روشی که از طریق آن اطلاعات انتقال داده می‌شود نیز حفاظت می‌کند و این مسئله چندین مشکل را به همراه دارد. برخی ابزارهای حقوق بشر

^۳ J. Harris, *Enhancing Evolution. The Ethical Case for Making Better People*, Princeton University Press, 2007, p 76.

بین‌الملل آشکارا از روش انتقال حفاظت می‌کنند. بند ۱۹ UDHR و بند ۱۹ ICCPR صریحاً حفاظت از شیوه‌ای را منظور می‌کنند که بیان از طریق آن منتقل می‌شود: به ترتیب، «به واسطه‌ی هر نوع رسانه‌ای» و «به صورت چاپ‌شده، نوشته یا شفاهی، به شکل بند یا بوسیله‌ی هر رسانه‌ی دیگر مرتبط با انتخاب فرد». بر اساس استدلال لا رو، بند ۱۹ UDHR و مشابه آن یعنی ICCPR با دوراندیشی جهت گنجاندن و ملحوظ کردن توسعه‌های تکنولوژیکی در آینده پیش‌نویس شدند. او به این نتیجه می‌رسد که بند ۱۹ نیز به فناوری‌های ارتباطی جدید مانند اینترنت مربوط است. مضاف بر این، بر پایه‌ی استدلال مطرح شده به واسطه‌ی شرح جدید سازمان ملل متحد بر بند ۱۹ ICCPR (۲۰۱۱)، مقامات دولتی «باید میزانی را مدنظر قرار دهند که نسبت به آن توسعه‌ها [ICT] اساساً سبب تغییر عمل‌کردهای ارتباطی در سرتاسر جهان شده‌اند». به علاوه، بنا بر نتیجه‌گیری مورد فوق، «احزاب دولتی باید تمامی اقدامات ضروری را برای میدان‌دادن به استقلال این رسانه‌های جدید و تضمین دسترسی افراد به آن اتخاذ کنند» (عبارات ایتالیک متعلق به ما می‌باشد).^{۸۴} جایویکراما^{۸۵} به تعدادی از آراء و نظرات مطرح شده در سرتاسر جهان استناد می‌کند که به تفسیر عبارت "دیگر رسانه‌ها" از بند ۱۹ ICCPR می‌پردازند. دادگاه‌ها پخش برنامه از طریق موج‌های هوایی و کابل (از جمله انتقال مجدد) و تلویزیون را منظور کرده‌اند_ اگرچه ممکن است این موارد مادامی که اهداف خود را محترم می‌شمارند،

^{۸۴} UN Human Rights Committee, General comment No. 34. Article 19: Freedoms of opinion and expression, CCPR/C/GC/34, 21 July 2011, p 4, <http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/docs/gc34.pdf>.

^{۸۵} Jayawickrama

نیازمند مجوز از سوی دولت، پست، تلفن به همراه پیام از پیش ضبط شده، تالارها، سینماها، نهادهای آموزشی و فضاهای عمومی باشند.^{۸۶}

در سطح اروپایی، این مسئله را متذکر می‌شویم که بند ۱۰ ECHR، و نیز بند ۱۱ منشور حقوق اساسی اتحادیه‌ی اروپا، در نظر اول با توجه به اشکال بیان حرفی به میان نمی‌آورند. گفتنی است هیچ عبارتی مشابه "به واسطه‌ی هر نوع رسانه‌ای" وجود ندارد. با این حال، قیود نام‌برده مناسب اشکال متفاوت و روشی است که در آن اطلاعات منتقل و دریافت می‌شود چرا که "هر نوع محدودیت اعمال شده بر روش ضرورتاً مانع حق دریافت و انتقال اطلاعات خواهد شد"^{۸۷}. به ادعای ون دایک^{۸۹} و دیگران، از آن جایی که قانون پرونده‌ای حفاظت گسترده را به بند ۱۰ ECHR نسبت می‌دهد، اینترنت نیز در دامنه‌ی آن قرار می‌گیرد. گنجاندن شیوه‌ی بیان در حوزه‌ی آزادی بیان به دلیل آن که در بند ۱۰ ECHR تعیین می‌شود، به واسطه‌ی قانون پرونده‌ای مورد تأیید قرار می‌گیرد.^{۹۰} برای نمونه، در مسئله‌ی جر سیلد در مقابل

^{۸۶} Art 10(1) ECHR permits for the states to require 'the licensing of broadcasting, television or cinema enterprises'. This provision was determined in 1950s, when the convention was drafted, by two factors: the state of the art in technology (i.e. limited number of available frequencies) and the state's monopoly for broadcasting. As the technology develops, the state's right to license the media companies is now understood as a guarantee of liberty and pluralism of information in order to fulfil public demand. M. Macovei, A guide to the implementation of Article 10 of the European Convention on Human Rights, 2nd ed., Strasbourg, 2004, p 14, <http://echr.coe.int/NR/rdonlyres/C3804E16-817B-46D5-A51F-0AC1A8E0FB8D/0/DG2ENHRHAND022004.pdf>.

^{۸۷} N. Jayawickramama, The Judicial Application of Human Rights Law: National, Regional and International Jurisprudence, Cambridge University Press, 2001, pp 696-697.

^{۸۸} ECtHR, Öztürk v. Turkey, Judgement of 28 September 1999, Application No 22479/93, § 49.

^{۸۹} Van Dijk

^{۹۰} P. van Dijk et al, Theory and Practice of the European Convention on Human Rights, 4th ed., Intersentia, 2006, p 783.

^{۹۱} ECtHR, Factsheet - New Technologies, May 2011, http://www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/CA9986C0-BF79-4E3D-9E36-DCCF1B622B62/0/FICHES_New_technologies_EN.pdf; Council of

دانمارک^{۳۲}(۱۹۹۴)، دادگاه اروپایی حقوق بشر (ECtHR) پس از بررسی نقش مطبوعات در جامعه‌ی دموکرات اعلام کرد: «این اصول اگرچه در وهله‌ی اول درباره‌ی رسانه‌های چاپی مدون شد، بی‌تردید در خصوص رسانه‌های صوتی تصویری نیز منظور می‌شود».^{۳۳} به علاوه دادگاه در مسئله‌ی اوبرشلیک در مقابل اتریش^{۳۴}(۱۹۹۱) و دی‌هس و گیسلس در مقابل بلژیک^{۳۵}(۱۹۹۷) اعلام کرد بند ۱۰ نه تنها از محتوای نظرات و اطلاعات بیان‌شده، که از قالبی که موارد مذکور با آن منتقل می‌شوند نیز حفاظت می‌کند.^{۳۶} آزادی بیان غالباً حقی منفی است. به عبارت دیگر، حفاظت آزادی بیان در مقابل مداخله‌ی توجیه‌ناپذیر و نابجا است. در نمونه‌های ویژه‌ی اخیر، یعنی پرونده‌های اسکارلت در مقابل سابام^{۳۷}(۲۰۱۱) و سابام در مقابل نتلاگ^{۳۸}(۲۰۱۲)، دادگاه عدالت اتحادیه‌ی اروپا (ECJ) با سانسور دیجیتالی شخصی رو به رو شد.^{۳۹} نذر هر دو پرونده دادگاه لوکزامبورگ به بررسی این مسئله پرداخت که آیا حکمی

Europe, Internet: Case-law of the European Court of Human Rights, June 2011, http://www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/E3B11782-7E42-418B-AC04-A29BEDC0400F/0/RAPPORT_RECHERCHE_Internet_Freedom_Expression_E_N.pdf.

^{۳۲}Jersild v. Denmark

^{۳۳} ECtHR, Jersild v. Denmark, Judgement of 23 September 1994, Application No 15890/89, § 31. The Strasbourg Court further explicitly considered the relation between the means of communication and the scope of the protection by stating that 'in considering the 'duties and responsibilities' of a journalist, the potential impact of the medium concerned is an important factor ... The audiovisual media have means of conveying through images meanings which the print media are not able to impart.'

^{۳۴}Oberschlick v. Austria

^{۳۵} ECtHR, Oberschlick v. Austria, Judgement of 23 May 1991, Application No 11662/85, § 57.

^{۳۶}De Haes and Gijssels v. Belgium

^{۳۷} ECtHR, De Haes and Gijssels v. Belgium, Judgement of 24 February 1997, Application No 19983/92, § 48.

^{۳۸}Scarlet v. Sabam

^{۳۹}Sabam v. Netlog

^{۱۰}ECJ, Scarlet v. Sabam, Judgement of 24 November 2011, Case C-70/10.

^{۱۱}ECJ, Sabam v. Netlog, Judgement of 16 February 2012, Case C-360/10.

رسمی مبنی بر لزوم نصب سیستم برای فیلتر ارتباطات الکترونیک جهت جلوگیری از نقض حقوق انحصاری اثر متناسب با قانون اتحادیه‌ی اروپاست یا خیر. چنین سیستمی: (۱) فیلترکننده‌ی همه‌ی ارتباطات الکترونیکی است که از راه سرویس‌های ارائه‌دهنده‌ی واسطه‌ی خدمات (ISP) عبور می‌کنند یا به واسطه‌ی کاربران آن بر روی سرویس‌دهنده ذخیره می‌شوند (۲) بدون تمایز برای همه‌ی مشتریان مربوطه مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ (۳) اقدامی بازدارنده محسوب می‌شود؛ (۴) منحصرأً با هزینه‌ی یک ISP کار می‌کند و (۵) برای دوره‌ای نامحدود به کار گرفته خواهد شد. این سیستم قادر به تشخیص محتوای دارای حق انحصاری و متعاقباً ممانعت از قرارداد آن در اختیار عموم است.

دادگاه تصمیم خود را بر اساس قانون ثانویه‌ی اتحادیه‌ی اروپا (یعنی دستورالعمل‌های مربوطه) و حقوق اساسی (یعنی منشور حقوق بشر اتحادیه‌ی اروپا) اتخاذ کرد و در هر دو پرونده قضاوت پیشین خود را در خصوص پرونده‌ی پروموزیکای^۲ نقل کرد. این امر در حالی بود که دادگاه اعلام کرد «حفاظت از حق اساسی مالکیت، شامل حقوق مربوط به مالکیت فکری، باید در برابر حفاظت از دیگر حقوق اساسی در نظر گرفته و سنجیده شود»^۳. دادگاه متوجه‌ی تضعیف آزادی اداره‌ی کسب و کار، حق حفاظت از داده‌های شخصی و آزادی اطلاعات شد. در پرونده‌ی اسکارلت، دادگاه درباره‌ی آزادی بیان معتقد بود چنین «حکم رسمی می‌تواند به طور بالقوه سبب تنزل آزادی اطلاعات شود چرا که احتمال دارد سیستم مربوطه، همراه با این نتیجه که ارائه‌ی آن ممکن است به مسدود کردن ارتباطات قانونی منجر شود، قادر به قایل شدن تمایز کافی میان محتوای غیرقانونی و قانونی نباشد» (عبارات ایتالیک متعلق به ما می‌باشد)^۴. گفتنی است استدلال مشابهی در

^۱Promusicae

^۲ECJ, Productores de Música de España (Promusicae) v. Telefónica de España SAU, Judgement of 29 January 2008, Case C-275/06.

^۳ECJ, Scarlet v. Sabam, § 44; ECJ, Sabam v Netlog, § 42.

^۴ECJ, Scarlet v. Sabam, § 52.

مورد نتلاگ به کار گرفته شد.^۶ کار نه‌ایت، داد‌گاه لوکزامبورگ در هر دو پرونده امکان صدور حکم رسمی مبنی بر لزوم نصب چنین سیستم‌های فیلترینگ را منتفی دانست. پرونده‌های فوق نشان می‌دهد که حفاظت از اینترنت به میزانی که تحت پوشش آزادی بیان است می‌تواند با تعیین حدود مداخله‌ی مربوط به آن حاصل شود. با این وجود، آزادی بیان، دست‌کم در حکم حقوقی اروپا، یک حق بدون قید و شرط به شمار نمی‌رود.^۷ حقوق بدون قید و شرط مانند حق شکنجه‌زدن شدن حقوقی هستند که باید در هر زمانی محترم شمرده شوند و مراعات گردند و نمی‌توان آن‌ها را حتی به سبب وجود دلایل قاطع و قانع‌کننده محدود کرد. این حقوق در قانون حقوق بشر اروپا استثناء محسوب می‌شوند.^۸ به طور کلی، محدودیت‌ها می‌توانند بر اکثر حقوق بشر و نیز مورد یادشده تحمیل شوند و این امر مادامی که شرایط خاص، مانند مشروعیت، ضرورت و تناسب و قانونی‌بودن مداخله، برآورده شود به قوت خود باقی خواهد ماند.^۹ طبق استدلال لا رو درباره‌ی مسئله‌ی بیان در اینترنت، محدودیت‌ها می‌توانند تنها در موارد محدودی رخ دهند: محتوای سوء استفاده‌ی جنسی از کودک (به زبان گفتاری: پورنوگرافی)، سخنان نفرت‌انگیز، هتک حرمت و حمایت از نژادکشی و قتل عام و نیز طرفداری از تنفر ملی، نژادی یا مذهبی که منجر به تبعیض، خصومت یا خشونت می‌شود: ظاهراً لا رو در صدد یافتن ویژگی مشترک و مشخص کردن

^۶ECJ, Sabam v. Netlog, § 50.

^۷O. de Schutter, *International Human Rights Law*, Cambridge University Press, 2010, pp 257ff.

^۸Ibid., p 323.

^۹Cf. Art 19(3) ICCPR, Arts 8-11 ECHR and Art 52 CFR. Legality means prescription by law of a certain quality; necessity and proportionality - proving necessary in democratic society and limiting only to what is necessary for the fulfilment of that aim; and legitimacy - serving a legitimate aim. With regard to freedom of expression, these legitimate aims are: interests of national security, territorial integrity or public safety; prevention of disorder or crime; protection of health or morals; protection of the reputation or rights of others; preventing the disclosure of information received in confidence, and maintaining the authority and impartiality of the judiciary.

^{۱۰}UN Human Rights Council, Report..., op. cit. p 8.

فهرستی جهانی از محدودیت‌های ممکن است. در حالی که او برای برخی موارد موجود در فهرست خود به توافق نظر بین‌المللی گسترده‌ای دست یافته است (مثلاً محتوای سوء استفاده‌ی جنسی از کودک)، در مورد برخی موارد دیگر به‌ویژه مواردی که گفتار آزادانه را محدود می‌کنند ممکن است با مخالفت رو به رو شود: در میان حدود اختیارات قانونی درباره‌ی این که چه چیزی به عنوان بیان قانونی به حساب می‌آید تفاوت‌هایی وجود دارد. بر اساس نوشته‌ی لسیگ و رسنیک، «آنچه در ایالات متحده به منزله‌ی "گفتار سیاسی" به حساب می‌آید (گفتار نازی) در آلمان ممنوع شده است»^{۱۱۲}.

۵. برخی حقوق دیگر نیز می‌توانند تا اندازه‌ای از اینترنت حفاظت

کنند

به احتمال بسیار می‌توان سطح ویژه‌ای از حفاظت از اینترنت، یعنی حفاظت از محتوا و اتصال آن، را به نسبت حفاظت آزادی بیان از اینترنت از دیگر حقوق نیز به دست آورد. با توجه به شروط و قیود اساسی کنوانسیون اروپایی، این حقوق عبارتند از: حق حریم خصوصی (بند ۸)، آزادی اندیشه، عقیده و مذهب (بند ۹) و آزادی اجتماع و انجمن (بند ۱۱). این حقوق مشترکات بسیاری با حق آزادی بیان دارند. به عبارت دیگر، آن‌ها از شیوه‌ی تحقق‌شان حفاظت می‌کنند، سه مورد از آن‌ها حقوق منفی هستند و همان معیارهای محدودیت مشابه در مورد آن‌ها به کار می‌رود. علاوه بر این، می‌توان موقعیت‌هایی را در نظر گرفت که در آن حقوق بشر زیر می‌توانند ایفاگر یک نقش باشند: حق آموزش (بند ۲ پروتکل الحاقی به ECHR)، حق

^{۱۱۱}Lessig and Resnick

^{۱۱۲}L. Lessig and P. Resnick, Zoning Speech on the Internet: A Legal and Technical Model, Michigan Law Review, Vol 98(2), 1999. Cf. also Tribunal de grande instance, Paris, Ligue contre le racisme et l'antisémitisme et Union des étudiants juifs de France v Yahoo! Inc. et Société Yahoo! France (LICRA v. Yahoo!), 20 November 2000.

مشارکت در حیات فرهنگی (بند ۱۵ ICCPR) و حق استاندارد کافی برای زندگی (بند (۱) ۱۱ کنوانسیون بین‌المللی درباره‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی).

شایان ذکر است بحث در خصوص تمامی حقوق مذکور فراتر از حوزه‌ی این مقاله است. در این میان، حق حریم خصوصی و حق حفاظت از داده‌ها قابل ملاحظه خواهد بود. از آن جا که حفاظت از مکاتبه و ارتباطات در حوزه‌ی حق حریم خصوصی قرار می‌گیرد، می‌توان این گونه استدلال کرد که استفاده از سایت‌های شبکه‌ی اجتماعی و ایمیل نیز حفاظت می‌شوند.^۳ بنا بر استدلالات EJC در دو پرونده‌ی سابام (مقایسه کنید با بخش ۴)، سیستم فیلترینگ مورد بحث تأثیر منفی بر حفاظت از داده‌های شخصی خواهد داشت. در پرونده‌ی اسکارلت، «حکم رسمی ... دربردارنده‌ی بررسی نظام‌مند همه‌ی محتوا و مجموعه و تشخیص آدرس‌های IP کاربران است که محتوای غیرقانونی در شبکه از طریق آن‌ها ارسال شده است»^۴ گفتنی است آدرس‌های IP می‌تواند به منزله‌ی داده‌های شخصی به حساب آید.^۵ لار پرونده‌ی نتلاگ، «حکم رسمی ... تشخیص، بررسی نظام‌مند و پردازش اطلاعات مربوط به پروفایل‌های ایجاد شده در شبکه‌ی اجتماعی بواسطه‌ی کاربران آن را شامل می‌شود»^۶ وقتی صحبت از ابتکار عمل‌ها در خصوص حفاظت از حریم خصوصی در عصر دیجیتال به میان می‌آید، لا رو درباره‌ی حفظ ناشناختگی، بویژه با احتراز از انتخاب سیستم‌های ثبت نام اسم حقیقی، سخن می‌گوید^۷ و موردی به منظور تضمین

^۳I would argue that internet use may also fall within Article 8 ECHR, the right to family and private life, as email, Skype, Facebook and Twitter are now essential tools of interaction between friends and family.' A. Wagner, Is internet access a human right?, Guardian, 11 January 2012, <http://www.guardian.co.uk/law/2012/jan/11/is-internet-access-a-human-right>.

^۴ECJ, *Scarlet v. Sabam*, § 51.

^۵Art 29 Working Party, Opinion 4/2007 on the concept of personal data, 20 June 2007, WP 136, http://ec.europa.eu/justice/policies/privacy/docs/wpdocs/2007/wp136_en.pdf

^۶ECJ, *Sabam v. Netlog*, § 49.

^۷UN Human Rights Council, Report..., op. cit., pp 15, 22.

حریم خصوصی و رازداری ارتباطات، حق به کارگیری فناوری رمزگذاری را علناً درخواست می‌کند.^{۱۸} از آن جا که فناوری معاصر حافظه‌ی تقریباً کاملی را در نظر می‌گیرد، که از حد و مرز ظرفیت حافظه‌ی انسان معمولی فراتر می‌رود، و باید گفت در برخی موارد نامطلوب است، میر-شانبرگر^{۱۹} درخواست علنی احیای "فراموشی" را مطرح می‌کند.^{۱۲}

لا رو با توجه به حقوق جزا به این امر اشاره دارد که دولت‌ها ملزم به حفاظت از افراد در برابر مداخله‌ی اشخاص ثالثی هستند که برخورداری از آزادی بیان را تضعیف می‌کنند.^{۱۹} با این وجود، لا رو خاستگاه این الزام مثبت در قانون حقوق بشر را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. دادگاه استراسبورگ^{۲۰} تاکنون تعدادی الزام مثبت را در زمینه‌ی حقوق جزا ایجاد کرده است.^{۲۱} به احتمال بسیار می‌توان این الزام را نشئت‌یافته از حق محاکمه‌ی عادلانه (بند ۶ ECHR)، اصل عدم مجازات بدون قانون (بند ۷ ECHR)، حق تجدیدنظر در امور کیفری (بند ۲ پروتکل هفتم ECHR) و

^{۱۸}A. Murray, A Bill of Rights for the Internet, op. cit.

^{۱۹}Mayer-Schönberger

^{۲۰}Cf. V. Mayer-Schönberger, Delete - The Virtue of Forgetting in the Digital Age; P. Bernal, A Right to Delete?, European Journal of Law and Technology, Vol 2(2), 2011, <http://ejlt.org/article/view/75/147>; B.-J. Koops, Forgetting Footprints, Shunning Shadows. A Critical Analysis Of The 'Right To Be Forgotten' In Big Data Practice, SCRIPTed, Vol 8(3), 2011, p 229, <http://script-ed.org/?p=43>. The proposed General Data Protection Regulation provides in its Art 17 for the right to be forgotten. Cf. European Commission, Proposal for a Regulation of the European Parliament and of the Council on the protection of individuals with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data (General Data Protection Regulation), Brussels, 25 January 2012, COM(2012) 11 final.

^{۲۱}UN Human Rights Council, Report..., op. cit. p 21, at 81. Cf. also M. Benatar and K. Gombeer, Cyber Sanctions: Exploring a Blind Spot in the Current Legal Debate, European Society of International Law, Conference Paper No 9/2011, <http://ssrn.com/abstract=1989786>.

^{۲۲}The Strasbourg Court

^{۲۳}For more details see N. Mole and C. Harby, Human rights handbook, No. 3, The right to a fair trial. A guide to the implementation of Article 6 of the European Convention on Human Rights, Council of Europe, 2002, <http://www.humanrights.coe.int/aware/GB/publi/materials/1093.pdf>.

حق منع محاکمه یا مجازات مجدد (بند ۴ از پروتکل هفتم ECHR) دانست. در این جا، موردی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است وظیفه‌ی دولت جهت بررسی در ست جرایم است، که اخیراً در پرونده‌ی السکینی^{۱۴} و دیگران در مقابل بریتانیای کبیر (۲۰۱۱) به وضوح بیان شد. لازم به ذکر است در این پرونده، دادگاه موضوع فوق را با توجه به بند ۲ (حق حیات) تفسیر کرد.^{۱۵} دریافت ما از موارد بالا آن است که تکلیف یادشده درباره‌ی جرایم سایبری نیز به کار خواهد رفت.

برطبق استدلال سگورا-سرانو،^{۱۶} می‌توان احتمالاً به حق توسعه، که در پرتو نقش امروز اینترنت تفسیر می‌شود، نیز برای تضمین اتصال جهانی استناد کرد.^{۱۷} حق توسعه در موقعیت دسترسی به اینترنت بویژه برای پرکردن شکاف دیجیتالی جغرافیایی مورد استناد قرار می‌گیرد (ر. ک. بخش ۲). بر اساس ارزیابی یونسکو تا سال ۱۹۹۸، «هر شهروندی باید از حق مشارکت معنادار در جامعه‌ی اطلاعاتی برخوردار باشد»^{۱۸} و اجلاس جهانی سران درباره‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی (WSIS) صریحاً پرکردن شکاف دیجیتال را مطرح کرد.^{۱۹} با این وجود، پرسش مطرح‌شده در

^{۱۴}Al-Skeini

^{۱۵}Nonetheless, the obligation under Article 2 to safeguard life entails that, even in difficult security conditions, all reasonable steps must be taken to ensure that an effective, independent investigation is conducted into alleged breaches of the right to life.' ECtHR, Al-Skeini et al. the UK, Judgement of 7 July 2011, Application 55721/07, § 164. Cf. also further cases quoted therein.

^{۱۶}Segura-Serrano

^{۱۷}A. Segura-Serrano, Internet Regulation..., op. cit., p 267.

^{۱۸} UNESCO, Report of the Experts' Meeting on Cyberspace Law (1998), 22 February 1999, CII/USP/ECY/99/01, <http://unesdoc.unesco.org/images/0011/001163/116300e.pdf>.

^{۱۹}The commitment 'to bridge the digital divide' is reiterated a few times in the text of the Declaration of Principles of the World Summit on the Information Society, WSIS-03/GENEVA/DOC/4-E, Geneva, 12 December 2003, <http://www.itu.int/wsis/docs/geneva/official/dop.html>. This commitment is reaffirmed, also on numerous occasions, by the Tunis Commitment of the WSIS, Tunis, 18 November 2005, WSIS-05/TUNIS/DOC/7-E, <http://www.itu.int/wsis/docs2/tunis/off/7.html>.

این خصوص که آیا حق توسعه به اندازه‌ی کافی به جایگاه حقوقی دست یافته است و این که آیا می‌تواند، نظر به منازعات موجود بر سر محتوا و حوزه‌ی شخصی آن، قابل اجرا باشد یا خیر به قوت خود باقی مانده است. از آن جایی که حق توسعه در واقع تنها الزام مبتنی بر بهترین تلاش است که بر مقامات دولتی تحمیل شده است، پاسخ سؤال بالا خیر (یا تاکنون خیر) خواهد بود. بر پایه‌ی نوشته‌ی کرچمایر،^{۱۳۱} حق توسعه را می‌توان به عنوان حق نرم محسوب کرد: به عبارت دیگر، این حق به طور کلی قابل قبول است، اما به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست.^{۱۳۱}

۶. اتصال و نقش تعهدات مثبت حقوق بشر

در دو بخش قبل نشان داده‌ایم که آزادی بیان (و احتمالاً تعدادی از حقوق دیگر) از اتصال و محتوای اینترنت در مقابل مداخله‌ی غیرقانونی حفاظت می‌کنند. با این حال، به منظور بهره‌مندی کامل از کاربرد اینترنت، حداکثر سطح اتصال باید تضمین گردد. بنابراین، لا رو «همه‌ی دولت‌ها را به یاد تعهد مثبت شان جهت ارتقا یا تسهیل برخورداری از حق آزادی بیان و شیوه‌ی لازم برای استفاده از این حق، شامل اینترنت، می‌اندازد».^{۱۳۲}

می‌توان یکی از ابزارهای موردنیاز برای تضمین حداکثر اتصال را تعهدات مثبت حقوق بشر دانست. در بخش کنونی، به بررسی این مسئله می‌پردازیم که چگونه مشی مذکور در دست‌یابی به هدف موردنظر سهیم خواهد بود و از آن جایی که این مفهوم به میزان کم‌تری در سطح بین‌المللی گسترش یافته است، در ادامه بر روی قانون حقوق بشر اروپا متمرکز خواهیم شد.

^{۱۳۱}Kirchmeier

^{۱۳۱} F. Kirchmeier, The Right to Development - Where do we stand?, <http://library.fes.de/pdf-files/iez/global/50288.pdf>.

^{۱۳۲}UN Human Rights Council, Report..., op. cit., p 19.

^{۱۳۳}For further information on the concept of positive obligations, cf. e.g. A. Mowbray, The Development of Positive Obligations Under the European Convention on Human Rights by the European Court of Human Rights, Hart Publishing, 2004.

در حالی که تعهدات منفی، دولت‌ها را ملزم به عدم دخالت در استفاده از حقوق می‌کند و همواره در کنوانسیون اروپایی به عنوان امری ذاتی تلقی می‌شود، مشابه این موضوع ضرورتاً در خصوص تعهدات مثبت صادق نیست.^{۱۳۴} این کنوانسیون به خودی خود تعهدات مثبت بسیار ناچیزی را منظور می‌کند.^{۱۳۵} از این رو، آن‌ها توسط دادگاه استراسبورگ، بر اساس اصل اثربخشی، نیز بسط یافته‌اند و در عین حال، نیازمند تفسیر به این معنا هستند که به بهترین شکل از افراد محافظت کنند. از آن جایی که دادگاه قادر به حفاظت از حقوقی نیست که اساس‌شان در کنوانسیون نیامده است، لازم است به دنبال یافتن ارتباط با حقوقی باشد که در آن به رسمیت شناخته شده‌اند. دادگاه تعهدات مثبت خاص را بر پایه‌ی حقی ویژه در ECHR و نیز الزام کلی مبنی بر محترم شمردن حقوق بشر حفظ شده در بند ۱ قرار می‌دهد. ECtHR برای نخستین بار مفهوم تعهدات مثبت را در پرونده‌ی زبان‌شناختی بلژیک (۱۹۶۸) مطرح کرد و متعاقباً به توسعه‌ی حوزه‌ی موضوعی پرداخت که در حال حاضر به مشی تعهدات مثبت حقوق بشر مبدل شده است.^{۱۳۷} امروزه، ایده‌ی تعهدات مثبت حقوق بشر بخش بهر سمیت شناخته شده‌ی حقوقی را تشکیل می‌دهند که تضمین شده‌اند و الزاماتی را مراعات می‌کنند که همراه با رعایت

^{۱۳۴}„Negative obligations require member States to refrain from action, positive to take action. The Court has repeatedly stressed that the boundaries between the two types 'do not lend themselves to precise definition.' ECtHR, *Gül v. Switzerland*, Judgement of 19 February 1996, Application No 23218/94, Dissenting Opinion of Judge Martens, at 7.

^{۱۳۵}J.-F. Akandji-Kombe, *Positive obligations under the European Convention on Human Rights. A guide to the implementation of the European Convention on Human Rights*, Human Rights Handbooks, No. 7, Council of Europe, 2007, p 5, <http://www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/1B521F61-A636-43F5-AD56-5F26D46A4F55/0/DG2ENHRHAND072007.pdf>.

^{۱۳۶}E.g. Art 2 ECHR (right to life) or Art 8 ECHR (privacy). States are obliged to 'protect' and 'respect'. Art 6(3) requires the states to provide free legal assistance in criminal cases.

^{۱۳۷}ECtHR, 'Belgian linguistic case', Judgement of 23 July 1968, Applications No 1474/62, 1677/62, 1691/62, 1769/63, 1994/63 and 2126/64; cf. operative part, § 3.

کنوانسیون خواهند بود.^{۳۸} به تازگی، دادگاه در مورد اپلبی^{۳۹} و دیگران در مقابل بریتانیای کبیر (۲۰۰۳) این موضوع را روشن کرد که «استفاده‌ی مؤثر و حقیقی از این آزادی [بیان] صرفاً بسته به وظیفه‌ی دولت برای عدم مداخله نیست، بلکه احتمالاً نیازمند تدابیر مثبت حفاظت، حتی در حوزه‌ی ارتباطات میان افراد، خواهد بود».^{۴۰} در مورد لوپز-آسترا^{۴۱} مقابل اسپانیا (۱۹۹۴) دادگاه مسئله‌ای را روشن کرد که بر اساس آن الزام مثبت مستلزم اتخاذ «تدابیر منطقی و مناسب مقامات دولتی برای ایمن‌سازی و تضمین» حقوق فرد است.^{۴۲} شایان ذکر است این تدابیر می‌توانند از ماهیت حقوقی یا عملی، یا هر دو، برخوردار باشند.

ECtHR هنوز هم دلیلی را برای صدور حکم در خصوص اظهار نارضایتی از دریغ کردن یا محدودیت دسترسی به اینترنت نداشته است.^{۴۳} با این وجود، روی آوردن به مفهوم تعهدات مثبت امکان تشدید، و گاهی بسط، ملزومات اساسی ECHR را برای دادگاه فراهم آورده است.^{۴۴} به‌ویژه، ECtHR در ظاهر تمایل بسیاری دارد تا به منظور بررسی دقیق ضعف و عدم اثربخشی حقوق داخلی، خصوصاً

^{۳۸}J.-F. Akandji-Kombe, Positive obligations..., op. cit., p 4.

^{۳۹}Appleby

^{۴۰}The case concerned a group of environmental activists who wanted to campaign in a shopping centre that was a private property yet they were banned. Having balanced Art 10 with the property rights, the Court did not find that the state failed in any positive obligation to protect the applicants' freedom of expression as they had had alternative means of communicating their views to the public. ECtHR, Appleby et al. v. the UK, Judgement of 6 May 2003, Application No 44306/98, § 39.

^{۴۱}López-Ostra

^{۴۲}ECtHR, López Ostra v. Spain, Judgement of 9 December 1994, Application No 16798/90, § 51.

^{۴۳}Council of Europe, Internet: Case-law of the European Court of Human Rights, June 2011, p 27, http://www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/E3B11782-7E42-418B-AC04-A29BEDC0400F/0/RAPPORT_RECHERCHE_Internet_Freedom_Expression_EN.pdf.

^{۴۴}J.-F. Akandji-Kombe, Positive obligations..., op. cit., p 6.

برای حفاظت از متقاضیان آسیب‌پذیر، به مشی تعهدات مثبت استناد کند.^{۱۴۵} این امر می‌تواند زمینه را برای گنجاندن اقدامات فعالانه جهت تضمین اتصال در حوزه‌ی بند ۱۰ ECHR، اگرچه نه به صورتی که هیچ‌گونه قید و شرطی در کار نباشد، آماده سازد. اگر چنین تعهدات مثبتی به رسمیت شناخته می‌شود، به جای آن که ماهیتی آیین‌نامه‌ای داشته باشد، از ماهیت اساسی برخوردار بود.^{۱۴۶} با این همه، در وضعیت فعلی توسعه‌ی کنوانسیون، این که دادگاه صرفاً به دلیل فقدان اتصال اینترنت متوجه‌ی نقض بند ۱۰ ECHR شود بسیار نامحتمل است. با این حال، در زمانی که دادگاه به پرونده‌های راجع به جنبه‌های کلی‌تر آزادی بیان رسیدگی می‌کند، احتمال این که متوجه‌ی ناکام‌ماندن دولت در محقق‌ساختن الزامش شود وجود دارد. انتظار ما بر این است که چنین پرونده‌هایی در ابتدا به افراد آسیب‌پذیر یا افراد دارنده‌ی ارتباطی خاص با دولت، برای مثال حبس، مربوط شوند.

نخستین نمونه‌ی فرض ما به پرونده‌ی در حال تعلیق جانکوفسکیس در مقابل لیتوانی مربوط می‌شود که درباره‌ی خودداری مقامات زندان از ایجاد دسترسی به اینترنت برای یک زندانی است.^{۱۴۷} گفتنی است متقاضی مذکور قصد ثبت‌نام در دانشگاه از طریق اینترنت را داشته است. او خواستار اطلاعاتی در خصوص وجود چنین امکانی از وزارت آموزش و پرورش شد و متعاقباً مطلع شد که تمام اطلاعات مربوطه به وبسایت ارسال شده است. مقامات به سبب آن که قوانین جاری زندان در مورد آن‌چه ذکر شد بسط نمی‌یافت، از دسترسی او به اینترنت ممانعت کردند. بنا به اظهار نظر دادگاه بدوی، فهرستی از موارد ممنوعه، از جمله تلفن‌ها، به عنوان تدابیری

^{۱۴۵} P. Leach, Positive Obligations from Strasbourg - Where do the Boundaries Lie?, p 9, http://www.londonmet.ac.uk/londonmet/library/e38476_3.pdf.

^{۱۴۶} The criterion underlying the distinction here appears to lie in the substance of the action expected from the state. Substantial obligations are therefore those that require the basic measures needed for full enjoyment of the rights guaranteed. Procedural ones are those that call for the organisation of domestic procedures to ensure better protection. J.-F. Akandji-Kombe, Positive obligations..., op. cit., p 16.

^{۱۴۷} ECHR, Jankovskis v. Lithuania, Application No 21575/08 lodged on 7 January 2008.

برای جلوگیری از جرایم جدید منظور شد. سپس، دادگاه مذکور به این نتیجه رسید که منع اینترنت چنین احتمالاتی را نیز محدود می‌کرده است. در فرجام‌خواهی، دادگاه بالاتر نیز استدلال کرد در حالی که تمام مکاتبات زندانیان تحت نظارت قرار دارد، استفاده از ایمیل هر نوع نظارتی را از بین خواهد برد.

ما معتقدیم دادگاه استراسبورگ فقط در خصوص هدف نهایی‌ای که دسترسی به اینترنت برای رسیدن به آن مورد نیاز بود توانست متوجهی نقض بند شود. اگر درخواست‌های تحصیلی جانکوفسکیس در میان نبود، راحت‌تر می‌شد گفت که منع او از دسترسی به اینترنت متناسب بوده است. چنانچه دادگاه متوجهی نقض بند ۱۰ ECHR شود، به احتمال بسیار بر پایه‌ی این استدلال خواهد بود که مقامات زندان الزام مثبتی در دست داشته‌اند تا از دسترسی جانکوفسکیس به اینترنت که با این وجود محدود بوده است حفاظت کنند.^{۴۸} تقاضای یک زندانی برای ادامه‌دادن تحصیلات دانشگاهی سزاوار قدردانی است، هدف جامعه‌پذیری مجدد را بهبود می‌بخشد و در نتیجه، نباید آن را محدود کرد. از آنجایی که امروزه اکثر مؤسسات آموزشی سطح بالاتر استفاده‌ی گسترده‌ای از ICT دارند، فرایند آموزش احتمالاً بدون اینترنت ناکافی خواهد بود. دسترسی او به اینترنت، با در نظر گرفتن جایگاه خاصش، یعنی زندان، باید به اهداف ویژه‌ای مانند یادگیری محدود گردد و برخی تدابیر اجرایی نیز باید در جهت تضمین رعایت این محدودیت به کار گرفته شود. به لحاظ تکنولوژیکی، می‌توان دسترسی او را محدود کرد، برای مثال فقط محدود به وبسایت دانشگاه و/یا اینترنت آن، و اگر لازم باشد، می‌توان ترافیک اینترنتش را مورد نظارت قرار داد. در این موقعیت خاص، الزام مثبت می‌تواند لزوم توسعه و به‌کارگیری فناوری، برای نمونه

^{۴۸}From a technical viewpoint, the ECtHR applies a two-step test to determine whether there is an unjustified interference with Art 10 ECHR. Firstly, the Court will verify whether there was an interference with the right. Secondly, if so, whether such interference was justified, i.e. if it fulfils these three criteria. If at least one of them is not satisfied, the Court will find a violation of the right in question has occurred. Cf. further A. Mowbray, *Cases, Materials, and Commentary on the European Convention on Human Rights*, 3rd ed., Oxford University Press, 2006, p 20

نرم افزار، به همراه کارآمدی‌های مورد نظر و نیز استخدام کاردر آموزش دیده برای امر نظارت را در پی داشته باشد. به عنوان یک ضداستدلال، دادگاه می‌تواند وجود داشتن یا نداشتن شیوه‌های یادگیری از راه دور که نیازمند استفاده از رایانه‌ها نیستند و با قوانین سخت زندان سازگارند، به‌ویژه این که آیا این روش‌ها آموزش در زمینه‌ای مشابه، با کیفیت یکسان و با زبانی که فرد متقاضی متوجهی آن می‌شود را عرضه کردند یا خیر در نظر بگیرد.

در این جا اشاره به پرونده‌ی بولوا^{۱۴} در مقابل لوکزامبورگ (۲۰۱۰) حائز ارزش است. اگرچه مسئله‌ی اصلی پرونده‌ی یاد شده این بود که آیا حق مرخصی از زندان وجود دارد یا خیر، در این جا یکی از جنبه‌های پرونده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درخواست‌کننده، که تحت بازداشت سیستم نیمه‌زندانی بود، از آزادی موقت محروم شد، که در کنار سایر موارد به دلیل ادامه‌ی تحصیل به آن نیاز داشت. اگرچه دادگاه هدف قانونی متعلق به سیاست یکپارچه‌سازی مجدد اجتماعی ترقی‌خواهانه‌ی مربوط به زندانیان را به رسمیت شناخته است، بر این عقیده بود که آزادی موقت یک امتیاز محسوب می‌شود و در نتیجه یک حق قابل اجرا نیست. مقامات مسئول امور پس از صدور حکم از میزان مشخص اختیارات جهت تصمیم‌گیری مبنی بر این که آیا فرد زندانی سزاوار چنین آزادی هست یا خیر برخوردارند. مقامات مذکور شخصیت زندانی، پیشرفت او و خطر ارتکاب جرم بیشتر، در میان سایرین، را ارزیابی می‌کنند. بنا بر اظهار ما می‌توان اعطای دسترسی به اینترنت به زندانی بویژه به منظور اهداف آموزشی را نیز به منزله‌ی یک امتیاز دانست. از این رو، تصمیم به اعطای نمی‌تواند دارای ماهیت خودکار باشد و می‌توان معیارهای بسته به تشخیص معینی را به کار برد. به این مسئله اشاره می‌کنیم که می‌توان مفهوم الزامات مثبت حقوق بشر را به منظور حفاظت از محتوای اینترنت نیز مورد استفاده قرار داد. برای نمونه، در پرونده‌ی ازگور گوند^{۱۵} در مقابل ترکیه،

^{۱۴}Boulois

^{۱۵} ECtHR, Boulois v. Luxembourg, Application No 37575/04, Judgement (Chamber) of 14 December 2010; Judgement (Grand Chamber) of 3 April 2012.

^{۱۶}Özgür Gündem

روزنامه‌ای هدف خشونت بود که از سوی مقامات دولتی بی‌پاسخ ماند. طبق نظر دادگاه، «دولت، در چنین شرایطی، برای تبعیت از الزام مثبت آن‌ها به منظور حفاظت از [روزنامه] گور گوندیم در به‌کارگیری آزادی بیان آن با عدم موفقیت مواجه شده است». بسیار محتمل است که دادگاه در خصوص ایجاد محتوای اینترنت این مسیر را دنبال کند.^{۱۵۲}

۷. مشی حقوق بشر به عنوان ابزاری زنده و اتصال جهانی

در ژوئن سال ۲۰۱۱ لیدی هیل^{۱۵۳}، قاضی دیوان عالی بریتانیای کبیر، در خصوص ماهیت در حال توسعه‌ی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و محدودیت‌هایی که بر سر راه این توسعه قرار دارند سخنرانی کرد. او در استدلالش به وجود سه ایده‌ی حاکم بر توسعه‌ی ECHR اشاره کرد که به قرار زیرند:

- ۱- اولویت‌دادن به موضوع و هدف کنوانسیون،
- ۲- کنوانسیون به عنوان ابزاری زنده، و
- ۳- حفاظت عملی و مؤثر از حقوق.^{۱۵۴}

در بخشی که در ادامه می‌آید، از استدلال لیدی هیل استفاده خواهیم کرد تا از این طریق نشان دهیم که با این وجود مشی دیگری، این بار مشی حقوق بشر به عنوان ابزاری زنده، را می‌توان در وسیع‌تر کردن دامنه‌ی حقوق جاری، به‌ویژه آزادی بیان، و بسط آن به جنبه‌های اینترنت دخیل دانست.

مشی حقوق اساسی به عنوان ابزارهای زنده مشی گسترده‌ای است و از توانایی توضیح و تبیین دلیلی برخوردار است که می‌توان اینترنت را در کلیت خود، یعنی نه تنها محتوای آن، که ایده‌ی تدابیر غیرمنفعلا نه برای اتصال را نیز، بر پایه‌ی تفسیر

^{۱۵۲}ECtHR, *Özgür Gündem v. Turkey*, Judgement of 16 March 2000, Application no. 23144/93, §§ 43-46.

^{۱۵۳}Lady Hale

^{۱۵۴}Baroness [Brenda] Hale of Richmond, *Beanstalk or Living Instrument? How Tall Can the ECHR Grow?*, Barnard's Inn Reading 2011, http://www.supremecourt.gov.uk/docs/speech_110616.pdf.

حقوق جاری، بویژه آزادی بیان، قرار داد. هیل نقطه نظری تاریخی را اتخاذ می کند و نخست این گونه استدلال می کند که دادگاه در پرونده‌ی گلدرد^{۱۵۵} مقابل بریتانیای کبیر (۱۹۷۵) اولویت را به "موضوع و هدف" کنوانسیون داد^{۱۵۶} مورد مذکور در خصوص ساختار هدفمند زبان مورد استفاده است تا آن که درباره‌ی ساختار دقیق آن حرفی به میان آورد. بر اساس این استدلال، می توان فرض را بر این قرار داد که هدف تضمین بهره‌وری کامل از آزادی بیان است. همان طور که در بخش ۴ بحث شد، بند ۱۰ در صورتی اعمال می شود که بیان در اینترنت یا از طریق اینترنت و/یا هر نوع رسانه‌ی دیگری که در آینده به وجود می آید صورت گیرد. دوم، در سال ۱۹۷۸، در پرونده‌ی تایرر^{۱۵۷} مقابل بریتانیای کبیر، برای اولین بار دادگاه بر این موضوع تأکید داشته است که ECHR_ که در دهه‌ی ۱۹۵۰ پیش نویس شد "ابزاری زنده" است، به عبارت دیگر، "باید نظر به شرایط امروز تفسیر شود" و در میان طرف‌های قرارداد اعمال گردد.^{۱۵۸} با توجه به بازگویی و تعبیر آن چه هیل اظهار داشت، اگر برای بخش اعظم اروپای معاصر (دسترسی به) اینترنت به منزله‌ی جزء لاینفک زندگی به حساب آید، آن گاه مورد یادشده بر تفسیر کنوانسیون تأثیر خواهد گذاشت. در پایان، در پرونده‌ی اری^{۱۵۹} در مقابل ایرلند (۱۹۷۹) دادگاه به روشنی بیان کرد که حقوق حفاظت شده باید به جای "نظری یا غیرواقعی بودن"، "عملی و اثربخش" باشند.^{۱۶۰} چنانچه نتوان در عمل از حق اینترنت بهره برد، هیچ هدفی از برخورداری از اینترنت

^{۱۵۵}Golder

^{۱۵۶}For a historical overview of the concept of living instrument cf. e.g. G. Letsas, The ECHR as a Living Instrument: Its Meaning and its Legitimacy, <http://ssrn.com/abstract=2021836>.

^{۱۵۷}ECTHR, Golder v. the UK. Judgement of 21 February 1975, Application No 4451/70.

^{۱۵۸}Tyrer

^{۱۵۹}ECTHR, Tyrer v. the UK, Judgement of 25 April 1978, Application No 5856/72, § 31.

^{۱۶۰}Airey

^{۱۶۱} ECTHR, Airey v. Ireland, Judgement of 9 October 1979, Application No 6289/73.

وجود نخواهد داشت. در نتیجه، می‌توان ویژگی ترقی طلبانه‌ی قانون پرونده‌ای استراسبورگ را اظهار داشت.^{۶۲} با این وجود، طبق استدلال هیل، برخی محدودیت‌های طبیعی بر سر راه توسعه‌ی کنوانسیون وجود دارد و چنین گسترشی باید قابل‌پیش‌بینی باشد.

با توجه به بخش ۲، در حال حاضر برخی نظام‌های حقوقی ملی برای تضمین اتصال صریحاً در نظام مبتنی بر قانون اساسی خود الزام مثبت را منظور کرده‌اند. به قضاوت ۲۰۰۹ دادگاه قانون اساسی فرانسه نیز اشاره کردیم که بنا بر اعلان آن، آزادی بیان دال بر "آزادی دسترسی به چنین خدماتی" است. در این جا ذکر این نکته بجاست که دادگاه قانون اساسی فرانسه به منظور گنجاندن حفاظت از دسترسی به اینترنت در حوزه‌ی آزادی بیان از مفهوم حقوق بشر به عنوان ابزارهای زنده استفاده کرد. دادگاه پس از بررسی "شرایط فعلی" و بند ۱۱ اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹، که تضمین‌کننده‌ی آزادی بیان است، معتقد بود (۲۰۰۹) «در وضعیت کنونی شیوه‌ی ارتباط و با گسترش همگانی خدمات ارتباط آنلاین عمومی و اهمیت مورد اخیر در جهت مشارکت در امر مردم‌سالاری و بیان عقاید و آراء، این حق حاکی از آزادی دسترسی به چنین خدماتی خواهد بود».^{۶۳} باید گفت بسیار محتمل است که دادگاه استراسبورگ این مسیر را در پیش گیرد.

با این حال، بر پایه‌ی استدلال مورفی و کوپین^{۶۴} (۲۰۱۱)، تلاش برای ترسیم موضع دادگاه استراسبورگ در خصوص فناوری‌های جدید شتابزده خواهد بود. تصمیمات دادگاه در این زمینه به بهترین صورت با عنوان "امور در دست اقدام" در نظر گرفته می‌شوند. آن‌ها در خصوص شکایات فردی دستورالعمل می‌دهند، اما روی هم‌رفته ترسیم کاملی از موضع دادگاه را منظور نمی‌کنند. با این حال، شواهدی مبنی بر روال‌های کلی‌تری از جمله رویکرد گسترده‌ی دادگاه نسبت به منافع

^{۶۲}J.-F. Akandji-Kombe, Positive obligations..., op. cit., p 6.

^{۶۳}... ce droit implique la liberté d'accéder à ces services'. Conseil constitutionnel, Décision n° 2009-580 DC du 10 juin 2009, § 12, <http://www.conseil-constitutionnel.fr/decision/2009/2009580dc.htm>.

^{۶۴}Murphy and Quinn

حفاظت شده به وسیله بند ۸ و توسعه الزامات مثبت آن وجود دارد.^{۴۵} از یک سو، می‌توان استدلال کرد که هرچه فناوری به بخش حیاتی‌تری از زندگی ما مبدل شود، در خور حفاظت بیش‌تری است. از سوی دیگر، هرچه فناوری محسوس‌تر باشد و مزاحمت بیش‌تری ایجاد کند، فرد سزاوار حفاظت بیش‌تر است.

۸. منابع حقوقی دیگری که در حال حاضر تضمین‌کننده‌ی اتصال

هستند

اجازه دهید بررسی چشم‌انداز حقوق بشر را با تحلیل مختصری درباره‌ی ارزش افزوده‌ی ابزارهای حقوقی معمول به پایان ببریم. در بخش ۶ به این مبحث پرداخته‌ایم که لا رو «همه‌ی دولت‌ها را به یاد الزام مثبت‌شان جهت ارتقا یا تسهیل برخورداری از حق آزادی بیان و شیوه‌ی لازم برای استفاده از این حق، شامل اینترنت، می‌اندازد». دولت‌ها باید راه‌بردها و سیاست‌های اثربخش و مشخصی را اتخاذ کنند تا از این طریق اینترنت را به طور گسترده در دسترس و در اختیار همه‌ی افراد قرار دهند.^{۴۶} آن‌چه درباره‌ی لا رو جالب توجه است این است که گزارش او رویکرد حقوق را نشان می‌دهد. با این حال، خواندن دقیق‌تر مطلب حاکی از آن است که او در واقع بر ایجاد حق صریح (دسترسی به) اینترنت تأکید نمی‌کند. در بخش حاضر، به بررسی چندین ابزار در خارج از چارچوب حقوق بشر خواهیم پرداخت. همان‌گونه که لا رو پیش‌بینی می‌کند، این اقدامات غیرمنفعلانه با مفهوم الزامات مثبت که در بخش ۶ مورد بحث قرار گرفت تفاوت دارند.^{۴۷} یکی از نمونه‌های مربوط به چنین اقداماتی الزام خدمات جهانی است. خدمات جهانی مجموعه‌ی حداقلی از خدمات با کیفیت مشخص است که همه‌ی کاربران، با هزینه‌ای قابل‌تهییه نظر به شرایط ملی ویژه، بدون

^{۴۵}T. Murphy, and G. Cuinn, Works in Progress: New Technologies and the European Court of Human Rights, Human Rights Law Review, Vol 10(4), 2010, pp 636-638.

^{۴۶}UN Human Rights Council, Report..., op. cit., p 19.

^{۴۷}Here we simply mean that a general contribution from public authorities is necessary in order to ensure the highest possible level of connectivity, regardless of whether the Strasbourg Court actually recognises such a positive obligation.

وارونه‌جلوه‌دادن رقابت به آن دسترسی دارند.^{۶۸} مورد فوق حق قابل اجرا را منظور می‌کند، اما به منزله‌ی حق اساسی یا حق بشر متصور و به رسمیت شناخته نمی‌شود. این حق، آن جا که به رسمیت شناخته شود، در قانون ثانویه مطرح می‌گردد.

در اتحادیه‌ی اروپا، دستورالعمل خدمات جهانی، بر طبق اصلاح آن از طریق دستورالعمل ۲۰۰۹/۱۳۶، اعلام کرده است «اتصال فراهم شده باید، با در نظر گرفتن فناوری‌های متداول مورد استفاده‌ی اکثریت مشترکان و امکان‌پذیری تکنولوژیکی، آماده‌ی پشتیبانی از ارتباطات داده‌ها، دورنگار و صوت با سرعت انتقال داده‌ای باشد که به منظور ایجاد امکان دسترسی عملی به اینترنت مناسب خواهد بود» (عبارات ایتالیک متعلق به ما می‌باشد).^{۶۹} این مسئله سیاستی را اعمال می‌کند که بر مبنای آن، اگرچه سرعت انتقال خاصی را برای تبعیت دولت‌های عضو تعیین نمی‌کند، دسترسی به تلفن عمومی باید آمادگی تأمین دسترسی به «اینترنت عمومی» با کیفیت مشخص را داشته باشد. بویژه بر اساس اعلام گزارش ۸، «حکم سرعت خاص انتقال بیت یا داده در سطح جمعی مطلوب نیست»: «با این وجود، باید به این نکته اشاره کرد که مطلب فوق به وضعیت در حدود ده سال پیش مربوط می‌شود. از آن جایی که دستورالعمل شامل بند تجدیدنظرشده است، که برای در نظر گرفتن توسعه‌های تکنولوژیکی تصویب شد (بند ۱۵)، فرآیند تجدیدنظر در سال ۲۰۱۰ آغاز شد و مسئله و بحثی را در این خصوص مطرح ساخت که آیا دسترسی به پهن‌بند را باید در الزام خدمات جهانی وارد کرد یا خیر.^{۱۷۱}

^{۶۸} Directive 2002/22/EC of the European Parliament and of the Council of 7 March 2002 on universal service and users' rights relating to electronic communications networks and services (Universal Service Directive).

^{۶۹} Art 4(2) of the Universal Service Directive.

^{۷۰} J. Huntley, N. McKerrel and S. Ashgar Universal Service, the Internet and the Access Deficit, SCRIPTed Vol 1(2), 2004, p 301, <http://www.law.ed.ac.uk/ahrc/script-ed/issue2/broadband.asp>.

^{۷۱} Cf. European Commission, European Broadband: investing in digitally driven growth, Brussels, 20 September 2010, COM(2010) 472, http://ec.europa.eu/information_society/activities/broadband/docs/bb_communication.pdf, BEREC, Report on Universal Service - reflections for the future, BoR (10) 35, June 2010, http://erg.eu.int/doc/berec/bor_10_35_US.pdf. The

در حال حاضر تعدادی از دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا، از جمله استونی، فنلاند و اسپانیا، دسترسی به اینترنت پرسرعت را در الزام خدمات جهانی خود منظور کرده‌اند.^{۲۲۲} سایر دولت‌های عضو (مانند لهستان) و نیز اتحادیه‌ی اروپا خود سیاست‌هایی را به منظور تضمین قابلیت استفاده‌ی جهانی دسترسی به پهن‌بند اتخاذ کرده‌اند.^{۲۲۵} برنامه‌ی کار دیجیتال اتحادیه‌ی اروپا چندین اقدام که باید انجام شود را به منظور دستیابی به اینترنت بسیار سریع در بر می‌گیرد (مقایسه کنید با اقداماتی از ۴۲ تا ۴۹). هدف اتحادیه‌ی اروپا «فراهم کردن پهن‌بند پایه برای همه‌ی اروپاییان تا سال ۲۰۱۳ و تضمین دسترسی آن‌ها به سرعت اینترنت بسیار بالاتر یعنی بالای ۳۰ مگابیت بر ثانیه و نیز اشتراک ۵۰ درصد یا بیش از ۵۰ درصد از خانوارهای اروپایی به اتصال اینترنت بالای ۱۰۰ مگابیت بر ثانیه، تا سال ۲۰۲۰، است». در اکتبر سال ۲۰۱۱، کمیسیون برای تحقق اهداف فوق، صرف هزینه‌ی تقریباً ۹/۲ میلیارد یورو برای پروژه‌های مربوط به شبکه‌های پهن‌بند پرسرعت پان‌اروپایی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ را به عنوان بخشی از تسهیلات اتصال اروپا مطرح کرد. گفتنی است هم‌اکنون پیشنهادی مذکور باید از سوی شورا و پارلمان اروپا پذیرفته شود.^{۲۲۶} اتصال جهانی را می‌توان، علاوه بر حفاظت حقوق بشر و الزام خدمات جهانی، با شیوه‌های گوناگون، نظیر اقدامات سیاست شامل ابزارهای مالی و/یا از طریق کارآمدی بازار، تضمین کرد. چنانچه اثربخشی اقدامات یادشده اثبات شود، می‌توان از کار نکردن با زبان حقوق بشر و اتکای صرف بر سیاست‌های فوق دفاع کرد.

Commission has been publishing data on the number of broadband lines in the Member States gathered in the context of Communications Committee (COCOM) since 2003. For the 2011 report, cf. http://ec.europa.eu/information_society/digital-agenda/scoreboard/docs/pillar/cocom_broadband_july_2011.pdf.

^{۲۲۲}Art 70 of the Electronic Communications Act 2004.

^{۲۲۳}Art 60c(2) of the Communications Market Act 2003.

^{۲۲۴}Art 52 of the Sustainable Economy Act 2011.

^{۲۲۵} Examples include the National Broadband Plan (Narodowy Plan Szerokopasmowy) and the Broadband Network of Eastern Poland (Sieć Szerokopasmowa Polski Wschodniej).

^{۲۲۶}European Commission, A Digital Agenda for Europe, op. cit.

۹. نتیجه‌گیری: چارچوب فعلی حفاظت‌کننده است، اما نه به طور کامل

این مقاله به بررسی شیوه‌ی حفاظت چارچوب حقوق بشر جاری از کاربرد اینترنت می‌پردازد. در این جا نشان داده‌ایم که می‌توان به حق آزادی بیان و احتمالاً چندین حق دیگر (مانند حق حریم شخصی) برای حفاظت از محتوا و اتصال اینترنت در برابر مداخله‌ی غیرقانونی استناد کرد. به همین ترتیب، استدلال کرده‌ایم که می‌توان به مفاهیم الزامات مثبت دولتی و الزامات حقوق بشر به عنوان ابزارهای زنده به منظور استحکام بخشی به حفاظت متوسل شد. چارچوب حقوقی کنونی، به‌ویژه زمانی که با دیگر ابزارهای حقوقی تکمیل شود، ناتوان و فاقد قدرت نیست.

پس از ذکر موارد یادشده، در مقاله‌ی پیش رو اظهار داشتیم که چارچوب حقوق بشر کنونی میزانی از حفاظت از کاربرد اینترنت را تأمین می‌کند، اما به طور تمام و کمال آن را تحت پوشش خود قرار نخواهد داد. مسئله‌ی اصلی که از قلم انداخته‌ایم تضمین اتصال جهانی است، یعنی موضوعی که در اتحادیه‌ی اروپا از طریق قانون ثانویه تحت پوشش قرار داده می‌شود. برای ما این موضوع که آیا یک حق انسانی خاص ابزار مناسبی برای حفاظت از کاربرد اینترنت در کلیت آن است یا خیر بی‌پاسخ مانده است. این امر در حالی است که ترجیح ما بر در نظر گرفتن بیش‌تر مزایای به رسمیت شناختن نسبت به مضرات آن خواهد بود. حقوق بشر موجب سیاست‌گذاری می‌شود، بنابراین چرا این گونه نباشد؟ می‌توان مسائلی با تنوع موضوعاتی که در مقاله‌ی حاضر مشخص گردید از (سانسور) سیاسی گرفته تا (شکاف دیجیتالی) اجتماعی را با فقط یک حق جدید که هوشمندانه پیش‌نویس شده است مورد توجه قرار داد. قطع نظر از پاسخ مورد نیاز، پیش از آن که چنین حق جدیدی برای کاربرد آزادانه‌ی اینترنت به رسمیت شناخته شود، باید این موضوع را در نظر گرفت که چه چیزی هم‌اکنون حفاظت شده و چگونه این مسئله عملی شده است.

فیمینیسیم و حقوق زنان در روزنامه صور اسرافیل

حسن بشیر^۱

چکیده

نظام‌های نوین ارتباطی^۲ همچون مطبوعات در قرن نوزدهم میلادی در پی تماس‌های مستقیم و غیرمستقیم با نوگرایی غربی، در ایران مستقر شد. نقطه‌ی کانونی پژوهش حاضر پی بردن به نقش مطبوعات در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران به ویژه در حوزه فیمینیسیم و حقوق زنان در این دوره است.

به لحاظ تاریخی، سرآغاز این روند را می‌توان به پیش از راه اندازی مطبوعات در ایران احاله کرد. همین زمینه‌ی تاریخی بیانگر این معناست که روند نوسازی مزبور دوره‌های مختلفی از تحول را طی کرد به نحوی که هر کدام تأثیر مشخصی بر کشور گذاشت. اهمیت این تأثیرگذاری‌ها، که در قرن نوزدهم واقع شد، را می‌توان در تاریخ نوین ایران شاهد بود. در این قرن بود که پایه‌های سلطه‌ی غربی و شروع عصر کلاسیک امپریالیسم^۳ در جهان پیریزی شد. تأثیر غرب بر ایران به آغاز قرن نوزدهم بر می‌گردد یعنی دوره‌ای که فشار نظامی روسیه و سپس بریتانیا منجر به پذیرش تحمیلی و تحقیرآمیز برخی معاهده‌ها از جانب ایران گردید.

انتشار نخستین روزنامه ایرانی در سال ۱۲۱۵ هجری شمسی (۱۸۳۷ میلادی) توسط میرزا صالح شیرازی تحولی مهم در کشور ایجاد کرد. راه اندازی نشریات دیگر، از جمله صوراسرافیل، نتیجه اولین اقدام در این زمینه بود.

^۱ استاد دانشگاه امام صادق (ع) bashir@isu.ac.ir

^۲ Modern Communication Systems.

^۳ Classical Age of Imperialism.

پژوهش حاضر در واقع یک بررسی تاریخی کاوشگرانه/تحلیلی^۴، کمی/کیفی^۵ و محتوایی/گفتمانی^۶ از روزنامه صوراسرافیل به ویژه در حوزه حقوق زنان به حساب می آید.

واژگان کلیدی: نو سازی ایران، روزنامه صوراسرافیل، فیمنیسم، حقوق زنان، قرن نوزدهم میلادی

⁴. An Historical Exploratory-Explanatory.

⁵. Quantitative-Qualitative.

⁶. Content and Discourse Analysis.

مقدمه

از روزی که اولین روزنامه ایران در سال ۱۲۱۵ شمسی راه اندازی شد تا پایان دوره قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ شمسی) هیچ روزنامه‌ای قدرتمندتر، انقلابی و انتقادی‌تر از صور اسرافیل وجود نداشت. از طریق این روزنامه و سایر روزنامه‌های خصوصی و مستقل، موضوع‌های جهانی مربوط به سیاست و جامعه به جامعه سنتی و محافظه کار قرن نوزدهم ایران معرفی شدند، جامعه‌ای که تا آن زمان تا حدود زیادی با چنین بحث‌هایی ناآشنا بود.

در میان مفاهیم مختلف سیاسی و اجتماعی، ایده‌ها و مفاهیم آزادی، دموکراسی، فیمینسم (جنبش زنان)، پارلماناریسم (نظام پارلمانی) و مشروطیت در زمره مهم‌ترین‌ها قرار داشتند. طرفداری از حقوق زنان به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه ایران در آن زمان به شمار می‌رفت و روزنامه صور اسرافیل در طرح این موضوع و رنج زنان در ایران قرن نوزدهم در زمانی که تقریباً امکان بحث در مورد این‌گونه موضوع‌ها وجود نداشت، پیشگام بود. در همین زمینه، آنچه که روشنفکران ایرانی مانند میرزا جهانگیرخان شیرازی، بنیانگذار روزنامه صور اسرافیل، کوشیدند انجام دهند این بود که بسیاری از مشکلات اجتماعی مربوط به موقعیت زن در جامعه را مطرح کنند که می‌توان آن را در محدوده‌های اسلامی مورد حل و فصل قرار داد. طرح ایده‌ی فیمینسم در جامعه آن زمان را می‌توان به‌عنوان یک مبحث اجتماعی و نه یک تغییر بنیادین در وضعیت زنان دانست که روزنامه صور اسرافیل تلاش می‌کرد که در جامعه ایرانی مورد توجه قرار دهد.

در این مقاله نمی‌توان ایده فیمینسم و طرفداری از حقوق زنان را بدون توجه به سایر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط دیگر مورد بحث قرار داد. اگر چه سهم این روزنامه در توسعه اجتماعی و سیاسی ایران در قرن نوزدهم صرفاً به اندیشه فیمینسم محدود نمی‌شود و این روزنامه بسیاری از عناصر اجتماعی و سیاسی مدرن دیگر را نیز وارد گفتمان اجتماعی ایران کرد، اما شاید موضوع حقوق زنان و فیمینسم یکی از مهمترین مباحث این روزنامه می‌باشند.

تحلیل شکلی-تاریخی روزنامه صور اسرافیل

روزنامه صور اسرافیل توسط میرزا جهانگیرخان شیرازی در سال ۱۲۸۶ شمسی (۲۰ می ۱۹۰۷ میلادی) در زمان انقلاب مشروطه تأسیس شد و انتشار آن سه روز قبل از به توپ بستن مجلس ایران توسط محمدعلی شاه (۱۲۸۶-۱۲۸۸ شمسی) متوقف شد (صدر هاشمی، ۱۳۳۲/۱۳۳۷). اولین شماره آن توسط چاپخانه پارسیان در تهران در هشت ورق به ابعاد ۲۲ در ۳۴ سانتی متر منتشر شد. به گفته کسروی «کاغذ این روزنامه از نوع مرغوب و برای نوشته‌ها از خط خوش استفاده می‌شد.» (کسروی، ۱۳۵۷، ص ۲۷۷)

در بالای صفحه اول هر شماره نقشی از «فرشته آزادی» وجود داشت که در حال دمیدن در بوق یا شیپور (صور) بود در حالیکه زیر آن گروهی از افراد وجود داشتند که برخی خوابیده و برخی با انگشتان خود به سمتی اشاره می‌کنند. بر فراز «فرشته آزادی» آیه‌ای از قرآن آمده بود: «و ابار دیگر [در صور دمیده می‌شود و به ناگاه از قبرها شتابان به سوی پروردگار خویش روان شوند» (قرآن، سوره ۳۶ آیه ۵۱) (ترجمه ابوالفضل بهرام پور)

در زیر نقاشی آیه دیگری از قرآن آمده است. «پس آنگاه که در صور دمیده شود، دیگر آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارند و از حال یکدیگر نمی‌پرسند» (سوره ۲۳ آیه ۱۰۱). بنری با شعارهای حریت («آزادی»)، مساوات («برابری») و اخوت («برادری») نیز از دهانه‌ی شیپور آویزان شده بود. میان فرشته و مردم نام روزنامه به خط نسخ آمده بود. در زیر نقاشی، کلیه اطلاعات مربوط به روزنامه نوشته شده بود.

- قیمت تک نمره: طهران چهار (۴) شاهی، سایر بلاد ایران پنج (۵) شاهی
- قیمت اشتراک سالیانه: طهران دوازده (۱۲) قران، سایر بلاد ایران هفده (۱۷) قران، ممالک خارجه دو (۲) تومان
- نشانی تماس: عنوان مرسلات - میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی. تهران، خیابان ناصری، کتابخانه‌ی تربیت.
- تاریخ انتشار: به هجری قمری، یزدگردی پارسی (هجری شمسی) و میلادی

-ترتیب انتشار: هفتگی. لازم به تأکید است که اگر چه این نشریه به صورت هفتگی منتشر می‌شد، اما به عنوان روزنامه معروف شده بود .

-نوع نشریه: سیاسی، تاریخی، اخلاقی

-نحوه ارائه مقاله: مقالات و لوایحی که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضاء پذیرفته می‌شود. و در طبع و عدم طبع اداره مختار است. پاکت‌های بدون تمبر قبول نخواهد شد.

این روزنامه در ۳۵ شماره منتشر شد که از این میان سی و دو شماره در ایران و بقیه در سوئیس توسط میرزا علی‌اکبر خان تبریزی، که بعداً به "دهخدا" شهرت یافت، به زیر چاپ رفت. این تغییر نام در جهت تکریم شهادت بنیانگذار روزنامه یعنی میرزا جهانگیرخان شیرازی صورت گرفت. در این بررسی ما بر شماره‌های منتشر شده در ایران تکیه خواهیم داشت .

-روش مشارکت در مقاله: کلیه مقالاتی که مغایر با اصول ما نباشد و دارای امضا باشند پذیرفته می‌شود. با این حال، روزنامه در چاپ یا رد هر مقاله‌ای که انتخاب می‌کند مختار است. همچنین پاکت‌های بدون مهر پذیرفته نمی‌شود.

اگرچه تیراژ صور اسرافیل فقط «تقریباً ۵۰۰۰ تا ۵۵۰۰ بود، اما در واقع موفق شد به مخاطبان بسیار بیشتری نسبت به آنچه این اعداد نشان می‌دهند دست یابد. هر نسخه که در اصل به چند شاهی فروخته می‌شد (بیست شاهی تا یک قران)، سپس به سرعت تا عصر همان روز به چندین قران فروخته می‌شد.

به گفته مستوفی، تیراژ این روزنامه بسیار بیشتر از برآورد آفری بوده و رقم را نزدیک به ۲۴۰۰۰ می‌داند (مستوفی، ۱۳۴۱، جلد ۲، ص ۲۴۹). این سطح از تیراژ در مقایسه با آنچه قبل از پیروزی انقلاب مشروطه وجود داشت، تفاوت آشکاری را بین این دو دوره نشان می‌دهد. اما در دوران انقلاب مشروطه نه تنها تعداد روزنامه‌ها افزایش یافت، بلکه تیراژ آنها نیز افزایش یافت. به گفته رضوانی:

«قبل از انقلاب مشروطه، تیراژ و تعداد خوانندگان روزنامه بسیار محدود بود. بالاترین تیراژ قبل از این انقلاب احتمالاً متعلق به ثریا، حبل‌المتین، نصیری و اختر بود که هیچ‌گاه به بیش از هزار نسخه نرسید. در زمان انقلاب مشروطه تیراژ این

روزنامه‌ها افزایش یافت تا اینکه به دو یا سه هزار نسخه برای هر روزنامه رسید» (رضوانی، ۱۳۶۹، ص ۳۷۳-۳۷۷).

صوراسرافیل همانند بسیاری از روزنامه‌های دیگر توسط مردم تجدید چاپ یا کپی و در سراسر کشور توزیع می‌شدند.

یکی از دلایل استقبال مردم از صوراسرافیل اینکه در تاریخ روزنامه نگاری ایران، صور اسرافیل «یکی از بهترین مقالات فارسی قدیم و جدید» بوده است (Browne, 1914/1983, p.33). این روزنامه «ادبی‌ترین، بهترین نوشته‌شده، بهترین تألیف‌شده و تندترین روزنامه‌ای بود که امروز در ایران منتشر می‌شود. (Revue du Monde Musulman, 1909)

«در مقایسه با سه روزنامه معروف دیگر که در دوران انقلاب مشروطه منتشر می‌شدند (حبل‌المتین، مساوات، ایران نو)، «روزنامه سوسیالیستی «صور اسرافیل» رادیکال‌ترین روزنامه در میان این سه روزنامه، بهترین نوشته را داشت و در عرض چند هفته نیز محبوب‌ترین شد (Afary, 1996, p.117)»

شیوه توزیع صوراسرافیل

توزیع یکی از مسائل مهم مطبوعات است. توزیع نه تنها بر تیراژ تأثیر می‌گذارد، بلکه بر ادامه انتشار مطبوعات نیز تأثیر فراوان دارد. شیوه توزیع بر جذب مردم برای خرید و استفاده از مطبوعات رابطه مستقیم دارد.

در همین راستا، صوراسرافیل سعی داشت شکل دیگری از نظام توزیع را نسبت به روزنامه‌های دولتی همچون روزنامه وقایع اتفاقیه که حوادث روز را انعکاس می‌داد تجربه کند. این نوع روزنامه‌ها عمدتاً به دستور حکومت به دست کارگزاران خودش می‌رسید ولی صوراسرافیل پیشرو ایجاد یک شبکه توزیع به روش جدید گردید و علاوه بر دهکده‌های موجود در مغازه‌ها و ارسال پستی، به وسیله پسر بچه‌های روزنامه‌فروش در خیابان‌ها به دست مردم می‌رسید. به گفته ماهنامه اطلاعات، حتی برخی مردم خرید نسخه‌های صوراسرافیل را همچون نمازهای یومیّه به عنوان امری واجب تلقی می‌کردند (اطلاعات، ۱۳۲۶، سال اول، ش ۱۱). نظر خود روزنامه در خصوص شیوه‌های فروش آن را می‌خوانیم:

«این جریده‌ی ناقابل (چنانکه در ایران معمول است روزنامه‌ها و جراید را بدون اینکه مشترکین بخواهند یا اعلام کنند به خانه‌ها و منازل می‌فرستند) برای هیچکس و به در خانه احدی فرستاده نمی‌شود و به توسط اطفال در مجامع عمومی و کوچه و بازار به فروش می‌رسد هر کس با شتراک سالیانه مایل باشد به کتابخانه‌ی تربیت (خیابان ناصری قرب شمس‌العماره) اطلاع دهد.» (صور اسرافیل، شماره ۱، ص ۸)

اخلاق روزنامه نگاری

اخلاق روزنامه نگاری اگر چه در طی زمان متحول شده است، اما در حقیقت با دو نگاه درون کشوری و فراکشوری یا جهانی مطرح می‌باشد. اخلاق کشوری ریشه در فرهنگ و هویت ملی هر کشور دارد، در حالیکه اخلاق فراکشوری، بر اصول جهانی تکیه دارد که در ساختارهای بین‌المللی و نیز در کنفرانس‌های مربوطه به عنوان «اصول روزنامه نگاری» مطرح و تصمیم‌گیری می‌شوند.

صور اسرافیل از همان روز اول انتشار بر اخلاق روزنامه نگاری تأکید کرده است و این توجه نشان دهنده، اهمیت وافر این نشریه به اصول ملی و فراملی در این زمینه است. صور اسرافیل در همان اولین صفحه نخستین شماره‌اش اصول حرفه‌ای خود را اعلام کرد که مبتنی بود بر "ذکر حقیقت"، "احترام به مردم"، "آزادی" و "شجاعت" در پرداختن به خوبی‌ها و بدی‌های جامعه است.

«ما نیز با عدم لیاقت و بضاعات مزجات، قلم برداشته که بخواست خدا شاید بتوانیم بدین و دولت و وطن و ملت خود خدمتی کنیم و با بنای این آب و خاک موروثی که با خون پدران و نیاکان ما عجین و سرشته است ابراز ارادتی نمائیم. در تکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورای ملی و معاونت روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین امیدواریم تا آخرین نفس ثابت قدم باشیم. و از این نیت مقدس تا زنده‌ایم دست نکشیم. و با صدای رسا می‌گوئیم. که از تهدید و هلاکت بیم و خوفی نداریم. و به زندگی بدون حریت و مساوات و شرف واقعی نمی‌گذاریم. و به جز ذات پروردگار و احکام الهیه و قوانین ملکیه از احدی نمی‌ترسیم. و از این عقیده‌ی راسخ و محکم تخطی نمی‌کنیم. تملق از کسی نمی‌گوئیم. و به رشوه‌گول نمی‌خوریم. قذح و

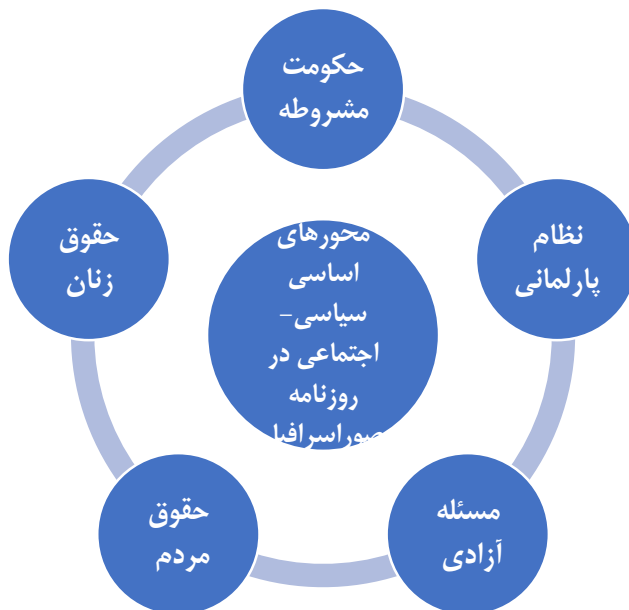
مدح بیجا از هیچکس نمی‌کنیم. و اغراض نفسانی به کار نمی‌بریم. به عبارت آخری بد را بد و خوب را خوب می‌نویسیم. در نگارش این روزنامه انتفاع و سود شخصی را منظور نمی‌نمائیم. و این کار را کسب و شغل خود قرار نمی‌دهیم. و به فریاد بلند به تمام برادران ایرانی و ایرانی نژاد خود عرض می‌کنیم. که اگر خدای نخواستہ از ما نسبت به وطن خلاقی مشاهده فرمایند ما را متنبه نموده و از راه کج باز دارند. و تا خیر آنان را می‌خواهیم ما را از خود دانند. بمنه و کرمه و الصلوات و السلام علی محمد و آل الطاهرین المعصومین. (صوراسرافیل، شماره ۱، صص ۱-۲)

همین اصول در شماره ۶ نیز دوباره مورد تأکید قرار گرفت:

با اینکه مسلک روزنامه‌ی ما صلح و سلم است ولی از مدافعه‌ی خود خاصه وقتی که راجع به دفع ظلم از مظلوم باشد ناگزیریم و تلافی این مختصر خروج از طریقه‌ی خود را به مشترکین عظام وعده می‌دهیم. (صوراسرافیل، شماره ۶، صص ۲-۳)

این رویه تا قبل از انقلاب مشروطیت در هیچ یک از روزنامه‌های ایران دیده نمی‌شد. آزادی به دست آمده پس از پیروزی مشروطیت این مجال را برای روشنفکران فراهم آورد تا به طور عینی و با نیت خدمت به منافع ملت دست به قلم ببرند. صوراسرافیل چهار مرتبه توسط حکومت توقیف شد. دفعه اول به دنبال انتشار شماره ششم بود. این وقفه یک ماه طول کشید و سپس شماره ۷ و ۸ توأمان منتشر شد. دومین وقفه پس از چهاردهمین شماره صورت گرفت که پنجاه روز به درازا کشید. بار سوم پس از شماره نوزدهم و بار چهارم به دنبال شهادت میرزا جهانگیرخان شیرازی چاپ روزنامه متوقف گردید (افشار، ۱۳۵۸). این اتفاق یک بار پس از شماره نوزدهم و دیگر بار پس از شماره بیست و پنجم اما به بهانه‌های دیگر تکرار شد. (اتحادیه، ۱۳۶۰)

به طور کلی دغدغه‌های اصلی صوراسرافیل و محورهای اساسی آن در طرح مسائل سیاسی-اجتماعی را می‌توان در نمودار شماره (۱) مشاهده کرد. در بخش بعدی محتوای این روزنامه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.



روش پژوهش

در این مقاله از دو روش پژوهشی یعنی تحلیل محتوای کمی و تحلیل گفتمان استفاده شده است. هر دو روش به اندازه کافی معروف بوده و نیازمند معرفی مجدد نیست. تنها موردی که در این زمینه می‌توان گفت اینکه تلاش شده است در تحلیل محتوا کلیه مفاهیم اساسی روزنامه صوراسرافیل مشخص و نسبت آنها در همه روزنامه مشخص و تحلیلی با رویکرد کیفی از آنها ارائه گردد. در بخش تحلیل گفتمان، تلاش شده است معناهای گفتمانی مربوط به حوزه حقوق زنان مورد بحث و بررسی قرار گیرند. بدیهی است که در اینجا نیز تلاش شده است که به طور کلی‌تر دال‌های اساسی مطرح شده در این روزنامه مورد توجه قرار گرفته و به اختصار مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

تحلیل محتوای صوراسرافیل

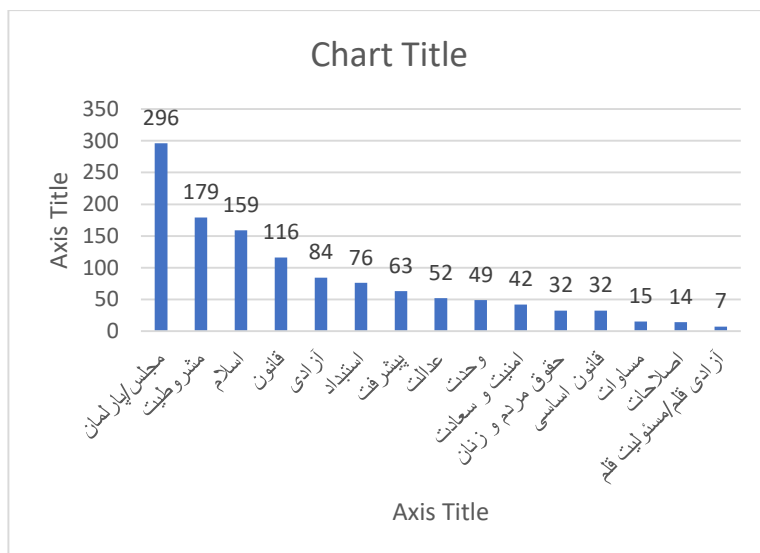
در فاصله بین ۱۲۸۶ الی ۱۲۸۷ شمسی مجموعاً سی و دو شماره از صوراسرافیل به زیر چاپ رفت. تعداد کل صفحات این مجموعه به ۲۵۸ و تعداد واژه‌های آنها حدوداً به ۱۵۰۷۵۰ (یکصد و پنجاه هزار و هفتصد و پنجاه) عدد می‌رسد. در یک تحلیل کمی می‌توان اصطلاحات سیاسی و اجتماعی روزنامه را با توجه به فراوانی آنها دسته‌بندی کرد. (جدول شماره: ۱ و نمودار شماره: ۲)

جدول شماره (۱): اصطلاحات سیاسی - اجتماعی بکار رفته در صور اسرافیل

ردیف	اصطلاح	فراوانی	درصد
۱	مجلس (پارلمان)	۲۹۶	۲۴/۲۴
۲	مشروطیت	۱۷۹	۱۴/۶۶
۳	اسلام	۱۵۶	۱۲/۷۷
۴	قانون	۱۱۶	۹/۵۰
۵	آزادی	۸۴	۶/۸۷
۶	استبداد	۷۶	۶/۲۲
۷	پیشرفت	۶۳	۵/۱۵
۸	عدالت	۵۲	۴/۲۵
۹	وحدت	۴۹	۴/۰۱
۱۰	امنیت و سعادت	۴۲	۳/۴۳
۱۱	حقوق مردم و زنان	۳۲	۲/۶۲

۲/۶۲	۳۲	قانون اساسی	۱۲
۱/۲۲	۱۵	مساوات	۱۳
۱/۱۴	۱۴	اصلاحات	۱۴
۰/۵۷	۷	آزادی قلم (مسئولیت قلم)	۱۵
۰/۳۲	۴	آزادی مطبوعات	۱۶
۰/۱۶	۲	ممیزی (سانسور)	۱۷
۰/۱۶	۲	برادری	۱۸
۱۰۰	۱۲۲۱		جمع

نمودار شماره (۲): اصطلاحات سیاسی - اجتماعی بکار رفته در صور اسرافیل



یافته‌ها و تحلیل محتوا

دغدغه اصلی روزنامه را به وضوح می‌توان در نمودار شماره (۲) مشاهده کرد. مهم‌ترین موضوعات مورد توجه روزنامه و مردم عبارت بودند از: "برقراری مجلس قانونگذاری" و "حکومت مشروطه" به عنوان حوادثی شگرف و بی‌نظیر در طول تاریخ کشور. برای نخستین بار، کشور ایران نظام جدید مبتنی بر آراء مردم را تجربه می‌کرد. و به همین ترتیب اختیار قانونگذاری که قبلاً متعلق به علما به صورت فردی بود به نمایندگان منتخب مردم واگذار گردید. صوراسرافیل به عنوان روزنامه‌ای سیاسی نمی‌توانست در برابر چنین حوادثی سکوت اختیار کند. و بدین گونه است که بیشترین فراوانی از آن دو اصطلاح «مجلس» و «مشروطیت» بود. اولی ۲۹۶ بار (۲۸/۴ درصد) و دومی ۱۷۹ بار (۱۷/۱۸ درصد) تکرار شده‌اند. این اعداد و ارقام هم نشانگر اهمیت این موضوعات به عنوان عناصر جدید سیاسی است و هم بیانگر رواج یافتن گفتمان سیاسی جدید در بین مردم است که روزنامه را شدیداً به خود مشغول کرده بود.

«اسلام» هم به نوبه خود توجه دست‌اندرکاران صور اسرافیل را به خود جلب کرده بود تا حدی که سومین رتبه را از نظر فراوانی کاربرد در روزنامه را به خود اختصاص داده (۱۴/۹۷ درصد) و نشان دهنده قدرت دین در جامعه بوده است. با اینکه فکر حکومت مشروطه برگرفته از مسالک‌های غربی و عرفی‌گرایی بود، روشنفکران ایرانی همگی بر اهمیت برقراری یک رابطه صمیمی با اسلام به دلیل جایگاه احترام‌آمیز آن در بین مردم واقف بودند. علاوه بر این به دلیل حضور علمای عظام در انقلاب، وجهه اسلامی نهضت قابل چشم‌پوشی نبود. کسروی نیز بر این موضوع صحه گذارده ولی در عین حال تأکید داشته که این مشخصه رفته رفته به یک «خصیصه ملی» تبدیل یافت.

«انقلاب مشروطیت از همان آغاز سعی در حفظ وجهه اسلامی داشت ولی این رفته رفته به خصیصه‌ای ملی» (کسروی، ۱۳۷۵) تبدیل شد. این رویه بر روزنامه‌ها

نیز تأثیر گذارد. صوراسرافیل از روز نخست جنبش را پدیده‌ای ملی قلمداد کرد. نویسندگان آن شناخت خوبی از کشورهای اروپایی و تاریخ آنها داشتند. به دلیل همین نگرش بود که روزنامه دشمنان زیادی برای خود به وجود آورد.

با تمام این احوال این مسئله باعث نشد که روزنامه اهمیت اسلام را به عنوان یک اعتقاد ریشه‌دار در بین مردم به بوته فراموشی بسپارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «وجهه اسلامی» انقلاب در باور روزنامه دست کمی از «خصیصه ملی» آن ندارد. اما با وجود چنین موضع متعادل و تعهد نویسندگان به اسلام، علما من حیث‌المجموع دل خوشی از روزنامه نداشتند. زبان انتقادی به کار رفته به‌ویژه در ستون چرند و پرند خشم علما را برانگیخت. چرند و پرند را «بهترین نمونه طنز در زبان فارسی» (کسروی، ۱۳۵۷) قلمداد کرده‌اند و به زعم تربیت در بسیاری موارد این ستون جسورانه و به صراحت به انتقاد از علما و روش سنتی زندگی می‌پرداخت (کسروی، ۱۳۵۷). در واقع مؤسس روزنامه سعی می‌کرد بین ستایش از اسلام و انتقاد از علما نوعی تعادل به‌وجود بیاورد. هدف این بود که از یک طرف احترام ناشرین را به اسلام و از طرف دیگر مردود دانستن برخی رفتارهای علما را که بوی مخالفت با انقلاب می‌داد بیان کنند. چنانچه در شماره ۱۴ صوراسرافیل آمده است:

«بلی نگارنده‌ی صوراسرافیل وقتی قلم در دست گرفت احیاء ملل اسلام را عموماً و مسلمین ایران را خصوصاً در مد نظر نهاد و جان و مال و آنچه را که در حوزه‌ی حقوق شخصی و بشری درآید در کف دست گرفته بمیدان جان بازی درآمد. « (صور اسرافیل، شماره ۱۴، ص ۲)

برخلاف بسیاری از نوشته‌های دوران قاجار، زبان و سبک به کار گرفته شده در صوراسرافیل ساده و روان است زیرا از اصطلاحات عربی کمتری استفاده می‌کرد. مطالب آن شامل شرح وقایع، داستان‌ها، مباحثات و گزارشات می‌گردید اما عنوان‌بندی به‌خصوصی نداشت. ستون چرند و پرند نمونه برجسته‌ای از سبک و سیاق نوشتاری روزنامه به حساب می‌آید.

تا پیش از صوراسرافیل عمده‌ترین دغدغه برخی روزنامه‌ها همچون قانون، ایجاد یک ایدئولوژی جدید در ایران مبتنی بر مفاهیم غربی مثل قانون و آزادی بود،

اما همت اصلی روزنامه صورا سرافیل در جهت برقراری ابزار لازم برای تحقق این نوع ایدئولوژی را دور می‌زند. این نکته را می‌توان از زبان اتخاذ شده توسط روزنامه و نحوه انتقاد آن از رفتار مسئولین کشور دریافت. در واقع این نوع زبان انتقادی نسبت به روزنامه‌های دیگر آن دوران بیشتر در صورا سرافیل به چشم می‌آید. سید جمال‌الدین واعظ سخنور مشهور دوران انقلاب مشروطیت پس از مطالعه روزنامه ارزیابی خود را، که بیانگر میزان تأثیرگذاری زبان اتخاذ شده می‌باشد، چنین بیان داشته است:

به زیارت و مطالعه‌ی روزنامه‌ی مبارک تا نمره‌ی ششم نائل الحق خالی از اغراق به فرمایش ندای وطن اسمی است با مسمی و لفظی است با معنی. صورا سرافیل است یا وحی و تنزیل که ابدان مرده را روح بخشد و اجساد بی‌روح را زنده کند (یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون) و لکن در بعضی نمره‌ها بعضی کلمات درج شده بود که لازم دانستم در عالم محبت و ارادت‌ی که بنوع روزنامه مخصوصاً این روزنامه دارم باین مختصر مزاحم شوم. اهمیت روزنامه در پیشرفت مقاصد مشروطه طلبان و خیرخواهان هر مملکت که غرضشان فقط اشاعه‌ی عدل و داد و انهدام اساس ظلم و استبداد است بر احدی مخفی نیست. به حدی این مطلب واضح است که اصلاً محتاج باقامه‌ی دلیل و فریاد و قال و قیل نیست تا زبان خطبای مملکت و قلم ارباب جراید نگوید و ننویسد دردهای بی‌درمان مملکت را چگونه بزرگان در صدد استعلاج برمی‌آیند. اما آقا جانم جناب‌عالی ما شالله خیلی قلمتان تند است گمانم اینکه قلم صورا سرافیل شعله‌ی آتش است که تر و خشک را با هم می‌سوزد. (صورا سرافیل، شماره ۸-۷، صص ۱۱-۱۰)

سبک و زبان به کار رفته چنان است که «تربیت، به عنوان یکی از مؤلفان کتاب مطبوعات و شعر ایران جدید در کنار براون، به جسارت زبانی روزنامه صورا سرافیل اشاره می‌کند و مواجهه آن با علما را می‌ستاید. (Afary, 1996) ادوارد جی براون نیز آن را «یکی از بهترین روزنامه‌های ایرانی از قدیم تاکنون» (Afary, 1996, p.117) اعلام داشته است. مارتین نیز در خصوص وجدان حرفه‌ای روزنامه چنین می‌گوید «تا پیش از برقراری مشروطیت در ایران به سال ۱۲۸۵ شمسی، هیچ نوع مطبوعات شایسته‌ای وجود نداشت. فقط معدودی

روزنامه‌های رسمی که بیشتر مطالب‌شان صرف مجیزگویی از شاه و مقامات می‌شد تا ذکر اخبار و وقایع فعال بود. (Martin, 1989) «در واقع مارتین صوراسرافیل را جزء لاینفک مطبوعات شایسته‌ای می‌داند که پس از انقلاب فعالیت خود را آغاز کرده بودند. این روزنامه را «محبوب‌ترین و خوش‌نگاشت‌ترین» (Afary, 1996) «نشریه کل دوران قاجاریه دانسته‌اند. کیفیت نوشتار در چرند و پرند به گفته کدی چیزی جز «طنزی شگرف در زمینه سیاسی و در مخالفت با روحانیون توسط نویسندگی جوان به نام دهخدا نبود» (Keddie, 1981)»

دوره انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵-۱۲۹۰ شمسی) با دوره‌های دیگر زمان قاجاریه خیلی تفاوت داشت. پیروزی انقلاب چهره کشور را تغییر داد. تشکیل مجلس و دستیابی مردم به آزادی مهم‌ترین ثمره‌های این انقلاب بود. در چنین محیطی شکوفایی روزنامه‌های آزاد و مستقل دور از انتظار نیست و در واقع این موضوع از ویژگی‌های اساسی آن دوران به شمار می‌رود. به گفته براون بین سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۰ شمسی بیش از دویست نشریه ادواری شروع به فعالیت کردند و بسیاری از آنها به دلیل نوآوری‌های ادبی شهرت پیدا کردند (براون، ۱۳۳۸). این روزنامه‌ها باعث شدند که بسیاری از مفاهیم جدید سیاسی - اجتماعی به درون جامعه راه پیدا کنند. بسیاری از این مفاهیم در عنوان‌بندی روزنامه‌ها می‌آمدند. عناوینی چون "ترقی"، "بیداری"، "آدمیت"، "اتحاد"، "آزاد"، "مساوات"، و "صوراسرافیل" جزء متداول‌ترین آنها بودند. این تغییر و تحولات حداقل به دو دلیل صورت گرفت. دلیل نخست تلاش شگرف به عمل آمده توسط روشنفکران ایرانی در معرفی این عقاید سیاسی جدید به مردم بود که در نتیجه این تلاش‌ها، مردم کم‌کم به منافع حاصل از ترویج این مفاهیم در جامعه پی بردند. دلیل دوم محیط دموکراتیک ایجاد شده پس از انقلاب مشروطیت بود. پس از سال‌ها سکوت تحمیلی اکنون نوبت روشنفکران ایرانی فرا رسیده بود تا «به سمت استفاده از مطبوعات برای ابراز تمامی مکنونات و دانسته‌های جدید سیاسی خود» (Abrahamian, 1982, p. 87) «بشتابند».

در چنین محیطی، روزنامه‌ی صوراسرافیل پا به عرصه فعالیت گذارد. «انقلاب فرصت منحصر به فردی برای بیان آراء در طول تاریخ ایران در اختیار

گذارد. (Afary, 1996) «صو اسرافیل با حسن استفاده از این فرصت، نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌ویژه نظام‌های حکومتی و روحانی را به چالش کشید. پیروزی انقلاب علاوه بر تمهید راه‌های تجربه آزادی این مجال را برای روشنفکران ایرانی فراهم آورد تا آراء خود در زمینه نهادینه‌سازی آزادی و مردم‌سالاری در ایران را ابراز نمایند و طرح‌های خود برای توسعه آتی کشور را ارائه کنند. به گفته آفاری «انقلاب مشروطیت سیلی از عقاید جدید و گفتمان‌های روشنفکری را هم از طریق انجمن‌های رادیکال و هم روزنامه‌های منتشر شده در این دوره به جریان انداخت. (Afary, 1996, p. 116) «بدین ترتیب مهم‌ترین اختلاف این مقطع با دیگر برهه‌های دوران قاجاریه نه تنها در دستیابی به آزادی و حکومت مشروطیت که در شکوفایی عقاید و فیضان اظهار نظرهای عقیدتی، سیاسی و اجتماعی بود.

پیش از انقلاب و به‌ویژه در نیمه اول قرن نوزدهم حکومت، عمده‌ترین نقش را در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ایفا می‌کرد. معهذاً پس از انقلاب این روند تغییر جهت پیدا کرد و مردم نقش مؤثرتر و فعال‌تری در تصمیم‌گیری از خود بروز دادند.

نقش مطبوعات در این فرآیند تغییر و تحول را باید در چارچوب شرایط جدید ارزیابی کرد. این شرایط نیازمند تفسیر عقیدتی - فلسفی مفاهیم جدید سیاسی و اجتماعی نبود بلکه بیشتر پیشنهادات عملی برای به اجرا درآوردن آن مفاهیم را می‌طلبید. به همین منظور بود که صو اسرافیل به هنگام انتقاد از شرایط کشور و ارائه راه حل برای رتق و فتق آن بر وجهه ملی قضیه تأکید می‌کرد.

تحلیل گفتمانی صو اسرافیل

برای تحلیل گفتمانی صو اسرافیل باید با این پرسش آغاز کرد: دال‌های اساسی گفتمان سیاسی - اجتماعی به‌کار گرفته شده در این روزنامه چه بودند؟ این همان پرسش مهمی است که در اینجا به پاسخ آن به اختصار خواهیم پرداخت. با تحلیل این دال‌های اساسی خواهیم توانست به نقاط تمرکز یا توجهات و نیز جهت‌گیری‌های روزنامه و مفصل بندی‌های متنوع آن با مسائل مختلف آن روز پی ببریم. نتایج حاصله باید ما را در برآورد چگونگی مشارکت روزنامه در روند توسعه

سیاسی - اجتماعی و به‌ویژه تطوّر مفهوم حقوق زنان یاری رساند. داده‌های برگرفته از تحلیل محتوایی روزنامه نیز ما را از این بابت کمک خواهد کرد.

فرکلاف (۱۹۹۸) یکی از اندیشمندان تحلیل‌گفتمان، گفتمان‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داده است که با رویکرد ایشان می‌توان برخی از مفاهیم مهم سیاسی - اجتماعی دوران قاجار که به صورت دال‌های اساسی در روزنامه صور اسرافیل مطرح شده‌اند را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

با مراجعه دوباره به جدول شماره (۱)، مفاهیم سیاسی - اجتماعی "نظام پارلمانی"، "مشروطه‌خواهی" و "جنبش زنان" را برای تدقیق بیشتر درباره آنها برمی‌گزینیم. دو مورد اول متداول‌ترین موضوعات مطرح شده در صور اسرافیل است و نشانگر اهتمام آن به معرفی مباحث جدید سیاسی به جامعه ایرانی است. علاوه بر این مسئله زنان، با اینکه بدان کمتر پرداخته شده، به دلیل اهمیتی که دارد در دایره بحث ما خواهد گنجد. بررسی این سه مبحث و مفاهیم مرتبط با آنها میزان نقش‌آفرینی‌شان در فرآیند تحول از طریق برانگیختن و عمومی کردن گفتمان‌های مختلف در جامعه را به ما نشان خواهد داد.

حقوق زنان

فکر حقوق فردی در کنار حقوق مردم یا ملت به طور یقین دست‌آورد غرب برای ایرانیان بود. از جمله مؤثرترین کانال‌های انتقال این افکار همان مطبوعات بودند. در طول انقلاب مشروطیت حقوق فردی به مهم‌ترین دغدغه‌ی روشنفکران تبدیل شد. دولت مشروطه هم در مقام نظر و هم عمل پشتیبانی خود را از فراهم آوردن نظامی که حافظ این حقوق باشد اعلام کرد و تعهد خود به پاسداری از حق عمومی مردم را از راه انتخابات نشان داد. فکر حقوق زنان به معنای جدید کلمه هرگز تا پیش از پیروزی انقلاب مشروطیت به ذهن جامعه راه نیافته بود. در واقع این مفهوم فقط در چارچوب الگوهای سنتی و دیرین مذهبی ظهور و بروز داشت. نگارنده قصد ندارد صحت و سقم تفاسیر سنتی و جدید در این باب را به داوری بنشیند. آنچه مسلم است دین‌نگرش خاص و قابل‌اعتنای خود را در این خصوص داراست. چیزی که در اینجا برای ما اهمیت دارد تفکر جدید مربوط به «حقوق زنان» است که ریشه در

مسلك‌های غربی و طرز تلقی آنان از آزادی و مردم‌سالاری دارد. چنین نگرشی تا پیش از نیمه قرن نوزدهم در ایران به چشم نمی‌آید.

به علاوه در طول انقلاب مشروطیت موضوع حقوق زنان صرفاً صبغۀ نظری نداشت بلکه جهات عملی نیز در آن خصوص قابل مشاهده است. زنان به شرکت در فعالیت‌های انقلابی فراخوانده می‌شدند و همچنان که در بیانات افاری مشاهده می‌شود «ریشه توجه به حقوق زنان به شکل جدید آن را باید در همان انقلاب آغاز قرن جستجو کرد (Afary, 1996, p.116)»

«چندین نفر از روشنفکران مرد شامل روزنامه‌نگاران، شاعران و نمایندگان مجلس در آن دوره به طرفداری پرو پا قرص از حقوق زنان برخاستند. ستون طنز دهخدا در صوراسرافیل (۱۲۸۶-۱۲۸۷ شمسی)، اشعار ایرج میرزا، مقاله‌های مختلف در حبل‌المتین (۱۲۸۶-۱۲۸۸ شمسی)، مساوات (۱۲۸۶-۱۲۸۷ شمسی) و ایران‌نو (۱۲۹۰-۱۲۸۸ شمسی) همگی حمایت‌شان را از حقوق زنان اعلام کردند» (Afary, 1996, p.116)

صوراسرافیل یکی از روزنامه‌های پیشگام در زمینه پرداختن به حقوق زنان در ایران بود ولی نخستین نشریه در دفاع از این موضوع نبود. روزنامه‌هایی چون "قانون" قبلاً فعالیت‌های زیادی از این بابت داشتند و موضوعات مربوطه را به جامعه معرفی کرده بودند. تفاوت صوراسرافیل در نحوه ارائه موضوع و زبان به کار گرفته شده بود. با اتخاذ یک لحن جدید، این روزنامه به انتقاد از وضعیت زنان در ایران پرداخت و در عین حال تلاش می‌کرد راه‌حل تغییر این شرایط را نشان دهد. چیزی که قبلاً در جاهای دیگر سابقه نداشت. در واقع نفس مطرح ساختن موضوع گامی به جلو در جنبش‌های اجتماعی کشور به حساب می‌آمد. نقل قول زیر نمونه‌ای است از موضع‌گیری‌های صوراسرافیل در این خصوص می‌باشد:

«در این سال زن‌های انگلیس درباب تحصیل حقوق سیاسی خود اقدامات مجدانه به عمل آورده اجتماعات بزرگ تشکیل داده قسمت عمده جرائد و نطق خطبا را مشغول خود کردند و برای حقانیت خود مقالات و کتاب‌های متعدد نوشتند.» (صوراسرافیل، شماره ۲۶، ص ۷)

این روزنامه تلویحاً به زنان ایرانی اعلام می‌کرد که راه دیگری جز مطالبه حقوق اجتماعی و سیاسی به منظور کسب هویت و آزادی واقعی اندیشه و بیان برای آنها باقی نمانده بود .

از آنچه تاکنون گفتیم می‌توان اصول سیاسی و اجتماعی زیر را از روزنامه صور اسرافیل استنتاج کرد :

- ۱ - بهترین الگو برای حقوق زنان را باید در غرب یافت.
- ۲ - فعالیت اجتماعی قابل تفکیک از فعالیت سیاسی نیست .
- ۳ - زنان تنها از طریق فعالیت سیاسی و اجتماعی می‌توانند به حقوقشان دست یابند.

۴ - هویت، وابسته به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است.
ذکر چند باره این موضوع شاید زاید باشد که اصطلاحاتی نظیر "حقوق زنان"، "هویت"، "فعالیت‌های سیاسی" و "آزادی بیان"، مفاهیم جدیدی برای ایرانیان دوره‌ی قاجار به حساب می‌آمد. معهداً جمله‌ای که در بالا به نقل از صور اسرافیل در خصوص زنان آمد تا حدودی شامل همه این موارد می‌شود. موضوعات جدید مطرح شده توسط این روزنامه بسیار پیشرفته‌تر از مواردی بود که پیش از انقلاب مشروطیت در مطبوعات دیده می‌شود. در ادامه آن جمله چنین آمده است :

«زن ملامحمد روضه خوان یک شب در قزوین دید که ساعت دو شد بچه‌ها گریه می‌کنند شام می‌خواهند خودش هم خوابش می‌آید مردکه‌ی مهمان شوهرش هم مثل قیر به زمین چسبیده نمی‌رود که نمی‌رود. از این جهت سر یکی از بچه‌ها را روی زانویش گذاشته یک شپش به قدر یک لپه پیدا کرده و پاورچین پاورچین آمد دم اطاق مردانه و انداخت توی کفش مهمان، مهمان مثل اسپندی که روی آتش بریزند همان وقت از جا جسته و هر چه ملا محمد اصرار کرد صبر کنید یک قلیان بکشید نشد. مهمان رفت و ضعیفه به فاصله‌ی دو دقیقه دیزی را خالی کرد.»
(صور اسرافیل، شماره ۲۶، ص ۷)

ماحصل داستان فوق این است که زن ملامحمد بدون هیچ‌گونه هراسی برای حل مشکل خانواده مستقلاً وارد عمل شد. این‌گونه داستان‌ها زنان را ترغیب کرد تا

به طور مستقل بیندیشند و خود تصمیم بگیرند و بدین ترتیب به هویت خویش قوام دهند تا بتوانند به نحو مؤثرتری در برابر مشکلات بایستند .

در خصوص آموزش زنان و راه اندازی مدارس و انجمن‌های جدید برای آنان، صوراسرافیل همچنین علیه مقاومت وزرا در برابر این موضوع فریاد برآورد :

«وکلای و وزرای ما خوب می‌دانند که اگر خانم‌های ایران دور هم جمع شوند، مدرسه باز کنند، انجمن داشته باشند تعلیم و تربیت بشوند کم‌کم خواهند فهمید که دیزی‌های پاک و پاکیزه بهتر از دیزی‌هایی است که دو انگشت دوده در پشت و یک وجب چربی سی‌وپنج ساله در در و دیوارش باشد. و بی شبهه وقتی که این عقیده از مادرها سلب شد، پسرها هم بعدها به آدم با استخوان اعتقاد پیدا نکرده و مثل جناب.. تقی‌زاده پایشان را توی یک کفش می‌کنند و می‌گویند: تا کی باید وزرا رجال و اولیای امور ما از میان یک عده‌ی معین محدود انتخاب شده و اگر هزار دفعه کابینه تغییر کند باز با شکم مشیرالسلطنه، یا آواز حزین نظام السلطنه و یا جبه‌ی آصف‌الدوله زینت افزای هیئت باشد. و البته می‌دانند که به قول ادیب کامل دانشمند فاضل وزیر علوم آتیه‌ی ایران حاجی صدرالسلطنه این رشته سر درازهائی هم دارد. یعنی فردا که این خیال عمومی شد در موقع انتخاب دوره‌ی دویم نوبت وکلا هم خواهد رسید.» (صوراسرافیل، شماره ۳۱، ص ۸)

نتیجه‌ای که از بررسی خود می‌گیریم آن است که ویژگی‌های صوراسرافیل آن را تا حدودی از دیگر روزنامه‌های منتشر شده پیش از انقلاب مشروطیت و حتی حین انقلاب ممتاز می‌کند. این اختلافات در زمینه زبان، سبک نوشتار و مواضع سیاسی نشانگر تغییر وضعیت ایران هم بود. پیروزی انقلاب مشروطیت در واقع پیامد تغییرات گسترده در درک سیاسی مردم و مطالبات آنها بود. شرایط جدید زبان جدید و اصطلاحاتی نو برای بیان تحولات انقلابی و مفاهیم جدید مرتبط با آن را می‌طلبید . یکی دیگر از موضوعات مهم در اینجا جو عمومی آزادی بیان بود که بر روزنامه‌های منتشر شده در نخستین سال انقلاب تأثیر گذارد. شرایط جدید به این روزنامه‌ها اجازه داد تا صدای خود را در جهت انتقاد از حاکمیت و بیان حقوق مردم به کار اندازند. صوراسرافیل یکی از بهترین روزنامه‌های برآمده از این شرایط بود. این

روزنامه توانست از آزادی موجود برای آنچه که به زعم بنیانگذاران، منافع مردم و مبارزه برای ایجاد تحول در نظام حکومتی و مواضع سنتی را در پی داشت بهره لازم را ببرد. با داشتن این پیش زمینه به راحتی می‌توان دریافت که چرا این روزنامه از زبانی رُک و تندوتیز در انتقادات خود استفاده کرد و چرا توانست به عنوان روزنامه‌ای محبوب جلوه‌گر شود .

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش گردید که روزنامه صوراسرافیل که در دوران قاجاریه منتشر گردید و تأثیرات زیادی بر تحولات سیاسی-اجتماعی کشور به ویژه انقلاب مشروطیت داشت مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

صوراسرافیل را می‌توان یکی از بهترین مطبوعات ایران در همه ادوار تاریخی دانست. این روزنامه علیرغم اینکه بدون داشتن تخصص‌های لازم در شیوه‌های روزنامه نگاری، اما از نظر نگارش روان و ساده بدون استفاده از واژه‌های زبان عربی، طرح اخلاق روزنامه نگاری، طرح مفاهیم اساسی، جلوگیری از حاشیه نویسی، تنوع مباحث، توجه به خواسته‌های مخاطبان، نقد سازنده، و امثالهم در سطح بسیار خوب و پیشرفته‌ای قرار دارد.

اگر چه مفاهیم سیاسی-اجتماعی مطرح شده در این روزنامه از تنوع زیادی برخوردار است اما دو مفهوم «مجلس» و «مشروطیت» بود. اولی ۲۹۶ بار (۲۸/۴ در صد) و دومی ۱۷۹ بار (۱۷/۱۸ در صد) بیشترین فراوانی را دارند که نشان دهنده اهمیت این دو مفهوم در تحولات سیاسی-اجتماعی کشور است.

در این پژوهش تلاش شده است که رویکرد و دیدگاه صوراسرافیل درباره فیمینسیم و حقوق زنان مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. توجه این نشریه به حقوق زنان در آن عصر نشان دهنده اهمیت این موضوع برای تحولات سیاسی-اجتماعی کشور است که تا کنون نیز به عنوان یک موضوع اساسی مورد توجه می‌باشد.

صوراسرافیل در طرح موضوع حقوق زنان با بسیاری از مطبوعات از جمله "قانون" تفاوت اساسی داشته است. این تفاوت عمدتاً در نحوه ارائه موضوع و زبان به کار گرفته شده بود. با اتخاذ یک لحن جدید، این روزنامه به انتقاد از وضعیت زنان در ایران پرداخت و در عین حال تلاش می‌کرد راه‌حل تغییر این شرایط را نشان دهد. چیزی که قبلاً در جاهای دیگر سابقه نداشت. در واقع نفس مطرح ساختن موضوع گامی به جلو در جنبش‌های اجتماعی کشور به حساب می‌آمد.

این روزنامه تلویحاً به زنان ایرانی اعلام می‌کرد که راه دیگری جز مطالبه حقوق اجتماعی و سیاسی به منظور کسب هویت و آزادی واقعی اندیشه و بیان برای آنها باقی نمانده بود.

اصول سیاسی و اجتماعی زیر را از روزنامه صور اسرافیل استخراج شده است که اهمیت حقوق زنان از این منظر نشان داده می‌شود.

- ۱- بهترین الگو برای حقوق زنان را باید در غرب یافت.
- ۲- فعالیت اجتماعی قابل تفکیک از فعالیت سیاسی نیست.
- ۳- زنان تنها از طریق فعالیت سیاسی و اجتماعی می‌توانند به حقوقشان دست یابند.

۴- هویت، وابسته به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است.

در تحولات سیاسی-اجتماعی کشور در دوران قاجاریه، نقش مطبوعات در این فرآیند تغییر و تحول را باید در چارچوب شرایط جدید ارزیابی کرد. این شرایط نیازمند تفسیر عقیدتی - فلسفی مفاهیم جدید سیاسی و اجتماعی نبود بلکه بیشتر پیشنهادات عملی برای به اجرا درآوردن آن مفاهیم را می‌طلبید. به همین منظور بود که صور اسرافیل به هنگام انتقاد از شرایط کشور و ارائه راه حل برای رتق و فتق آن بر وجهه ملی قضیه تأکید می‌کرد.

منابع

- ۱- قران کریم
- ۲- قران کریم، ترجمه: ابوالفضل بهرام پور.
- ۳- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۰) مقدمه روزنامه صوراسرافیل؛ مجموعه روزنامه
- ۴- صوراسرافیل، تهران: نشر تاریخ ایران
- ۵- اطلاعات، روزنامه (۱۳۲۷)، تهران
- ۶- افشار (۱۳۵۸) صوراسرافیل، آینده، شماره ۵، صص ۵۰۹-۵۴۷.
- ۷- ایران نو، روزنامه (۱۲۸۸-۱۲۹۰ شمسی)
- ۸- براون، ادوارد (۱۳۳۸) انقلاب ایران، ترجمه: احمد پژوه، تهران: معرفت.
- ۹- جبل‌المتین، روزنامه (۱۲۸۶-۱۲۸۸ شمسی)
- ۱۰- رضوانی، محمد اسماعیل (۱۳۶۹) "تاریخ جراید ایران: از آغاز تا شهریور ۱۳۲۰"، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، ج ۱، شماره ۱، صص ۳۷۳ الی ۳۷۷.
- ۱۱- صدرهانشمی، محمد (۱۳۳۲-۱۳۳۷) تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ جلد، اصفهان: انتشارات کمال.
- ۱۲- صوراسرافیل، روزنامه، میرزا جهانگیر خان شیرازی (۱۳۲۵ ق)، تهران.
- ۱۳- قانون، روزنامه (۱۳۰۷ ق)، چاپ لندن .
- ۱۴- قانون، روزنامه (۱۳۶۹)، تهران: کویر.
- ۱۵- کسروی، احمد (۱۳۵۷) تاریخ مشروطیت ایران، چاپ ۱۸، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۶- مساوات، روزنامه (۱۲۸۶-۱۲۸۷ شمسی)
- ۱۷- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱) تاریخ اجتماعی و اداری ایران، ۳ جلد، تهران: زوار .

منابع لاتین

1. Abrahamian, E. (1982) *Iran Between Two Revolutions*, Princeton University Press.
2. Afary, J. (1996) *The Iranian Constitutional Revolution, 1906-1911: Grassroots Democracy, Social Democracy, and the Origins of Feminism*, Columbia University Press.
3. Browne, E. G. (1914/1983) *The Press and Poetry of Modern Persia* Partly based on the Manuscript Work of Mirza Muhammad Ali Khan "Tarbiyat" of Tabriz, Kalimat Press.

4. Fairclough, N. (1998) "Political Discourse in the Media: An Analytical Framework". in A. Bell and P. Garrett (eds.) *Approaches to Media Discourse*, Blackwell.
5. Keddie, Nikki. R. (1981) *Roots of Revolution: An Interpretative History of Modern Iran*, Yale University Press.
6. Martin, V., (1989) *Islam and Modernism: The Iranian Revolution of 1906*, I. B. Tauris & Co Ltd.
7. *Revue du Monde Musulman (A French Journal)* (1909), 7:362. In J. Afary, 1996.

سیر تاریخی آزادی مطبوعات در غرب (با تأکید بر انقلاب‌های دموکراتیک انگلستان، فرانسه و آمریکا)

احسان علی‌نی^۱
علی اصغر کیا^۲

چکیده

شواهد تاریخی نشان می‌دهند به دلیل نقش و اهمیتی که مطبوعات در کنار سایر وسایل ارتباط جمعی جهت ایجاد فضای تبادل آرا، نقد و گفتگو، تعالی افکار و در یک کلام حفظ و گسترش آزادی بیان و عقیده دارند، همواره از سوی دولت‌ها تحت نظارت شدید قرار می‌گیرند. در مقاله حاضر، با استفاده از روش تحقیق اسنادی (کتب، مقالات و اسناد تاریخی) و تحلیل تاریخی داده‌ها، سیر تاریخی آزادی مطبوعات در سه کشور انگلستان، فرانسه و آمریکا به عنوان پرچم داران تحول در عرصه مطبوعات بررسی می‌شود. تمرکز پژوهش بر دوره‌ای است که در آن انقلاب‌های دموکراتیک در قرون ۱۷ و ۱۸ در کشورهای مذکور رخ دادند؛ چراکه اثرات این رویدادها در زمان خود بر تحول مطبوعات بسیار شگرف بود. بر این مبنای، مرور وضعیت مطبوعات در غرب بر اساس تحولات سیاسی، اجتماعی از سه دوره متفاوت حکایت می‌کند: (۱) مطبوعات استبدادی (۲) مطبوعات عقیدتی و سیاسی (۳) مطبوعات تجاری و خبری. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر «انقلاب‌های دموکراتیک» بر روند جریان آزاد اطلاعات و آزادی مطبوعات از آن رو قابل توجه است که در طول قرن نوزدهم، تمام قوانین اساسی کشورهای اروپایی، آزادی مطبوعات را بر مبنای اصول مندرج در اعلامیه‌های حقوق آمریکا و فرانسه تنظیم کردند. این روند به اشکال مختلف و توسط قوانین بین‌المللی متعدد در طول قرن بیستم ادامه یافت و هنوز هم مدافعان آزادی بیان و رسانه‌های جمعی برای ایجاد و حفظ فضای آزاد اطلاعات و تضمین آن توسط دولت‌ها تلاش می‌کنند.

واژگان کلیدی: آزادی مطبوعات، انقلاب‌های دموکراتیک، انگلستان، فرانسه، آمریکا.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. ehsan.ellini@gmail.com

^۲ استادیار علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی. aliasgharkia@yahoo.com

مقدمه

ریشه‌های درخت تناور «آزادی مطبوعات» به گذشته‌های دور باز می‌گردد، به سالیانی که اوراق و جزوه‌های کوچک دست دردست مردم می‌گشتند تا «آگاهی» را در بین جمع کوچکی که در کنار هم زندگی می‌کردند و اهداف مشترکی داشتند، گسترش دهند. امروزه نیز آزادی مطبوعات در جوامع بزرگ و پرجمعیت هم چنان برای گسترش آگاهی و اطلاع رسانی ضروری است، اما اهداف گوناگون و بعضاً مخالف جریان‌ها و طیف‌های سیاسی، شاخه‌های این درخت تناور را با طوفان‌ها و گردبادهایی درهم می‌پیچد و هر یک خواستار آنند که درخت آزادی مطبوعات به سوی آن‌ها، سر خم کند. به نظر می‌رسد، جوامع بزرگ امروز نیازمند تعریف دوباره بسیاری از مفاهیم قدیمی هستند. در این میان، آشنایی با دریچه‌هایی که از پشت آن‌ها به آزادی و از جمله آزادی مطبوعات نگریسته می‌شود، به تعریف جدید و مورد نیاز جامعه امروز ایران از این مفهوم یاری می‌رساند.

پیشینه تاریخی کشورها نشانگر فراز و فرودهایی است که مطبوعات به عنوان یکی از مجراهای قدرتمند و دیرینه ارتباط جمعی پشت سر گذاشته‌اند (کهن، ۱۳۷۱: ۱۲۳). در این مسیر طولانی و پر نشیب و فراز، گاه با گشوده شده روزنه‌های آزادی، مطبوعات در خدمت روشنفکران و توده‌های مردم قرار گرفتند تا انتقادات، اعتراض‌ها و مطالبات خود را از طریق آن‌ها فریاد کنند و گاه با مسدود شدن هر منفذ و روزنه‌ای که از آن رایحه آزادی به مشام رسیده، جامعه با محرومیت از حضور راستین رکن چهارم دموکراسی به پیکری نیم مرده و بی جان تبدیل شده است. بنا بر این امروز، ضرورت وجود آزادی برای وسایل ارتباط جمعی و از جمله مطبوعات بر هیچ کس پوشیده نیست و "بدون مطبوعات فعال و آزاد، مسئله بسیج و مشارکت مردم در سرنوشت خود که در حال حاضر به صورت یکی از مسائل در تمام حوزه‌ها درآمده است، امکان پذیر نخواهد بود" (اسدی، ۱۳۷۱: ۸۱).

مروری بر تحولات مطبوعات در جهان نشان می‌دهد که در شرق و در جامعه‌ای با مشخصات و ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران، به علت استبداد مزمین و دیرپایی که همواره وجود داشت مطبوعات هم سرنوشتی هم چون

سایر مظاهر تمدن و فرهنگ وارداتی پیدا کردند و جای تعجب نخواهد داشت اگر تجربه روزنامه نگاری در ایران هم مانند همه تلاش‌های فکری دیگری که برای تغییر وضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت به عمل آمد نتوانست از عهده شکستن سدی که در راه پیشرفت ملت وجود داشت، بر آید (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۴۵). و این در حالی است که درخاستگاه اصلی مطبوعات، جایی که روزنامه بر اساس نیازهای واقعی و نه تشریفاتی، تقلیدی، و وارداتی پا گرفت، اصل آزادی مطبوعات دو قرن پس از اختراع چاپ و حدود یک قرن بعد از انتشار نخستین روزنامه‌های چاپی جهان در غرب به دنبال مبارزات طولانی بورژوازی آزادی جوی اروپا و آمریکا، ابتدا در انگلستان (۱۶۹۵) و سپس به طور گسترده‌تر و جامع‌تر در آمریکا و فرانسه به رسمیت شناخته شد و مطبوعات در غرب سرنوشتی بهتر پیدا کردند (معمدنزاد، ۱۳۷۹: ۱۷).

برای آشنایی با مقوله مهم «آزادی مطبوعات»، در پژوهش حاضر به بررسی سیر تاریخی آزادی مطبوعات در غرب که عمدتاً در انقلاب‌های دموکراتیک انگلستان، آمریکا و فرانسه نمود می‌یابد، پرداخته می‌شود. مرور وضعیت مطبوعات در غرب، بر اساس تحولات سیاسی، اجتماعی جوامع غربی از سه دوره متفاوت حکایت می‌کند. مطبوعات استبدادی، حاصل روزگاری است که استبداد برفضای سیاسی و جوامع غربی حاکم بود و منافع و مصالح حکومت‌های استبدادی، حضور سانسور بر عرصه‌های گوناگون زندگی را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. بروز تحولات اجتماعی و به تبع آن تغییرات سیاسی جلوه دیگری از مطبوعات را به نمایش گذاشت که آن را مطبوعات عقیدتی و سیاسی نامیدند که دفاع از توده‌های مردم و بازنشر دیدگاه گروه‌ها و احزاب سیاسی را به عهده داشت و در نهایت برجسته شدن قدرت و ثروت در دنیای غرب به عنوان دو رکن اساسی جامعه، مطبوعات تجاری و خبری را ایجاد کرد که به دنبال نشر ارزش‌ها و اصول دموکراسی، بازار و اقتصاد آزاد و آزادی‌های فردی و اجتماعی بودند. به همین دلیل در دنیای امروز به ویژه نزد کشورهای غربی که در اصول و قوانین خود جایگاه ویژه‌ای برای آزادی انسان‌ها در نظر گرفته‌اند، مطبوعات و رسانه‌های آزاد مورد حمایت قرار می‌گیرند زیرا امکان تحقق آزادی بیان را فراهم می‌کنند. بدون تردید نقش فیلسوفان

سیاسی و متفکرانی که در طول تاریخ از فکر آزادی حمایت کرده‌اند و مروج اندیشه آزادی بوده‌اند، انکار شدنی نیست. همچنین تحولات سیاسی و اجتماعی که در غرب راه را برای استقرار آزادی‌های فردی و اجتماعی گشود و به رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از سازمان‌های پیچیده و مهم جامعه این فرصت را داد تا در نقش واقعی خود و در قالب اطلاع‌رسانی، حراست از محیط، آموزش و تفریح و سرگرمی ظاهر شوند و با نقد کانون‌های قدرت پاسدار آزادی در جامعه باشند (علینی و بیژنی، ۱۴۰۰: ۱۱ - ۱۰).

ضرورت پژوهش حاضر از آن جهت است که با بررسی روندهای تاریخی شکل‌گیری مطبوعات در غرب و سپس تحولاتی که منجر به وضع قوانین مختلف در جهت آزادی بیشتر آن‌ها شد، می‌توان در رابطه با اهمیت وجود مطبوعات آزاد در کشور، تفکر تازه‌ای شکل داد. در این تفکر جدید، مطبوعات تعریف مجددی خواهند شد و جنبه‌های مثبت و مهم آن که می‌تواند نیازهای کنونی جامعه را پوشش دهد، مورد تأکید قرار می‌گیرند. لازم به ذکر این نکته است که تاریخ مطبوعات در غرب، با موانع و گاه پسرفت‌هایی در مقاطع گوناگون رو به رو بوده است؛ این امر به ما یادآوری می‌کند که تحولات حوزه اجتماعی لزوماً خطی و رو به جلو نیست. گاهی بنا بر رخدادهایی که به وقوع می‌پیوندد و یا قدرت‌گیری نیروهای واپس‌گرا، روند تحولات رو به کندی یا حتی توقف می‌گذارد. اما در جوامعی که تحولات فکری و مبنایی بزرگی رخ داده است، پس از مدتی نیروهای ترقی‌خواه جان دوباره‌ای گرفته و می‌توانند بر موانع بر سر راه تو سعه غلبه یابند؛ دقیقاً از همین جهت مطالعه تحولات مربوط به حوزه مطبوعات در مهد آن یعنی غرب، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. شکل‌گیری مطبوعات و تحولات مربوط به آن در سه کشور انگلستان، آمریکا و فرانسه، بررسی می‌شود. هر سه کشور یاد شده به لحاظ تحول در تفکر غربی پیشگام هستند و تأثیرات شگرف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نه تنها بر دنیای غرب، بلکه بر نقاط دیگر جهان نیز به یادگار گذاشته‌اند. به همین جهت، بررسی تحولاتی که در حوزه مطبوعات در این سه کشور رخ داد و تأثیرات آن بر سایر حوزه‌های اجتماعی، می‌تواند ما را در طراحی مسیری نوین در حوزه مطبوعات در کشور یاری رساند و وضعیت

کنونی را به سمت هرچه بهتر شدن آن، هدایت کند. محققین همچنین با بررسی متون مختلف در حوزه مطبوعات، متوجه نبود پژوهش قابل توجهی در حوزه بررسی آزادی مطبوعات در غرب، در فضای علمی کشور شدند؛ در حوزه آزادی مطبوعات به طور کلی نیز اثر قابل توجهی از پژوهش‌گران داخلی یافت نشد؛ همین مسئله ضرورت انجام تحقیق حاضر را دو چندان کرده است.

پیشینه تحقیق

اندرو واکر^۳ (۲۰۰۶) در مقاله «توسعه مطبوعات استانی در انگلستان ۱۹۱۴ - ۱۷۸۰»، به وضعیت شکل‌گیری مطبوعات استانی در انگلستان می‌پردازد. برونداد روزنامه نگاران قرن نوزدهم به طور گسترده توسط مورخان در کاوش در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تحقیقات فرهنگی فزاینده، چه در مناطق شهری و چه در روستاها، مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که در سال‌های اخیر توجه نسبتاً کمی به خود مطبوعات استانی شده است. این مقاله توسعه مطبوعات استانی را از رویکرد «قیچی و خمیر» در قرن ۱۸ تا توسعه مطبوعات محلی با جهت‌گیری فزاینده و حزبی سیاسی در نیمه اول قرن ۱۹ دنبال می‌کند. به تأثیر محسوس مطبوعات استانی، مدیریت و مالکیت روزنامه استانی و رقابت روزنامه‌ها توجه خواهد شد. پیشنهاد می‌شود که اوج شکوفایی مطبوعات استانی قرن نوزدهم را می‌توان در دوره ۳۰ ساله پس از ۱۸۵۵ قرار داد. همچنین واکر در این مقاله به تأثیر «ژورنالیسم جدید» در مطبوعات استانی در سال‌های پایانی قرن نیز به اختصار می‌پردازد (Walker, 2006).

آلد جونز^۵ (۱۹۹۶) در کتاب «قدرت‌های مطبوعات»، به این نکته اشاره می‌کند که قدرت مطبوعات عامه‌پسند همه جوامع مدرن را با مشکلات مواجه می‌کند. با این حال، این مشکلی با تاریخ است: تسلط مطبوعات بر افکار عمومی با فوریت در طول قرن ۱۹ مورد بحث قرار گرفت. جونز در این کتاب به روش‌هایی

³ Andrew Walker

⁴ The Development of the Provincial Press in England c. 1780 – 1914

⁵ Aled Jones

⁶ Powers of the Press

می‌پردازد که افراد، گروه‌های فشار، سازمان‌های سیاسی و دولت به دنبال درک رسانه‌های ارتباط جمعی قرن نوزدهم و استفاده از آنها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و اعمال اصلاحات اخلاقی و اجتماعی بودند. نویسنده با استفاده از سه رویکرد به این مشکل می‌پردازد: ابتدا نظریه‌های قرن نوزدهم تأثیر رسانه‌های ارتباطی بر الگوهای تفکر و رفتار اجتماعی را در نظر می‌گیرد. سپس نگرش به مطبوعات را در فرهنگ عالی و عامه بررسی می‌کند. در نهایت او دنیای اجتماعی و فکری خواننده، مصرف‌کننده مطبوعات را به عنوان یک کالا و همچنین راهبردهای اخلاقی پنهانی که در آن ساخته شده بود را بررسی می‌کند. تنش بین الزامات اخلاقی ویکتوریا و عملکرد بازار آزاد تجاری، مسائلی را به وجود آورد که مورد توجه عمومی قرار گرفت، مانند این که آیا رسانه‌های جمعی باید تحت کنترل خصوصی یا عمومی باشند. این تنش‌ها بر شیوه‌ای که بریتانیا و سایر جوامع غربی درباره رسانه‌های پخش جدیدتر فکر می‌کنند، غالب شده است، اما منشأ آنها قدیمی‌تر و پیچیده‌تر از آن چیزی است که مطالعات رسانه‌های معاصر به آن اذعان می‌کنند (Jones, 1996).

کارل مارکس^۷ (۱۹۷۴) در کتاب «سانسور و آزادی مطبوعات» که از دو مقاله تشکیل شده است، به بحث‌هایی در رابطه با آزادی مطبوعات و سانسور می‌پردازد. نخستین مقاله کتاب، تفسیرهایی درباره‌ی آخرین دستورالعمل سانسور «پروس» است. این مقاله با نقد مقدمه دستورالعمل و سپس تفسیر مواد آن آغاز می‌شود؛ تفسیری موشکافانه و دقیق. سطر به سطر و کلمه به کلمه قانون توسط مارکس کاویده می‌شود تا مقصود قانون‌گذار روشن شود. این تدقیق از معنای کلمات گرفته تا احساس و هیجانی را که هر واژه قانون در خوانندگان و مجریان برمی‌انگیزد در برمی‌گیرد. مقاله دوم با عنوان «صورت‌جلسات دوره‌ی ششم مجلس ایالتی راین» در پی نشست‌های غیر علنی در سال ۱۸۴۱ در دو سلدورف، نوشته شد. نمایندگان از انتشار صورت‌جلسات مجلس بدون سانسور خودداری و به جای قانون مطبوعات، قانون سانسور را تصویب کردند. مارکس ابتدا سخنان نمایندگان مخالف آزادی

⁷ Karl Marx

⁸ On Freedom of the Press and Censorship

مطبوعات را نقد می‌کند و سپس به تحلیل آرای موافقان می‌پردازد. زمانی که نمایندگان طبقه شهسواران (اشراف) شر سانسور را از آزادی مطبوعات کم‌تر می‌دانند، مارکس بی‌درنگ این اعتقاد را به رسوب دیدگاه‌های مکتب تاریخی حقوق نسبت می‌دهد. لبه تیز نقد مارکس تنها متوجه مخالفان مطبوعات آزاد نیست بلکه موافقان ناآگاه و بی‌شور و علاقه را که نابخردانه از آزادی دفاع می‌کنند نیز در بر می‌گیرد (Marx, 1974).

چهارچوب نظری

کارکردهای نظریه‌ها در تحقیق متنوع‌اند، اما یکی از مهمترین کارکردهای نظریه علمی این است که محقق با ارجاع و استناد به نظریه‌ها در واقع پژوهش خود را در مسیری مشخص هدایت و ساماندهی می‌کند. بدون نظریه و تدوین چارچوب نظری، تحقیق سمت و سوی مشخصی نخواهد داشت. به این معنی نظریه علمی، راهنمای نظری و عملی محقق است، با تعیین و تبیین مبانی و چارچوب نظری در واقع پای نظریه‌های مختلف در تحقیق به میان کشیده می‌شود و پشتوانه کار علمی قرار می‌گیرد. با توجه به این تمهیدات، چهارچوب نظری پژوهش به شرح زیر است:

۱. نظریه مطبوعات آزاد

این نظریه که نامی دیگر برای نظریه آزادی خواهی است ریشه در ظهور مطبوعات فارغ از کنترل دولتی در قرن هفدهم دارد و هنوز هم به عنوان اصل اساسی مشروعیت بخش به مطبوعات در دموکراسی‌های لیبرال مورد توجه است. یکی از دایه‌های محوری و مکرر این نظریه این بوده که بیان آزاد و عمومی بهترین راه رسیدن به حقیقت و پرده برداشتن از خطاست. بنابراین مطبوعات آزاد جزء اساسی یک جامعه آزاد و خردگرا انگاشته می‌شود،

نظریه مطبوعات آزاد را می‌توان در قالب اصول زیر خلاصه کرد:

۱- نشریات باید از هر نوع سانسور از پیش توسط هر طرف ثالث آزاد

باشند،

۲- عمل انتشار و توزیع باید بدون نیاز به هیچ مجوزی توسط هر فرد

و یا گروهی آزاد باشد،

- ۳- حمله به حکومت، مقامات یا حزب سیاسی قابل تعقیب نیست حتی بعد از وقوع.
- ۴- برای (نشر هیچ مطلبی)، نباید فشار و اجباری در کار باشد.
- ۵- نشر «نظرات اشتباه» هم درست مثل نشر «حقیقت» در مسائل مربوط به عقیده و باور تحت حمایت قانون قرار دارد
- ۶- هیچ محدودیتی نباید بر گردآوری اطلاعات، از طرق قانونی برای انتشار اعمال شود.
- ۷- هیچ محدودیتی برای صادرات و واردات یا ارسال و دریافت پیام از مرزهای کشور قابل قبول نیست.
- ۸- روزنامه نگاران باید قادر باشند در درون سازمان خودشان از میزان قابل ملاحظه‌ای از استقلال حرفه‌ای برخوردار باشند (McQuail, 1983: 164 - 169).

۲. نظریه مارکس در باب آزادی مطبوعات

پس از جلوس فردریک ویلیام چهارم در سال ۱۸۴۰ بر تخت سلطنت و وضع مقررات جدیدی برای سانسور، مارکس با ارسال مقاله‌ای نقطه نظرات خود را درباره آزادی مطبوعات و سانسور اعلام کرد، این مقاله، در واقع نخستین مقاله سیاسی مارکس در مرحله‌ای از کار روزنامه نگاری اوست و در آن طبق معمول به ریشه قضایا پرداخته شده است. وی در این مقاله ضمن حمله به تظاهر آزادی‌گرایی و لیبرالیسم که از سوی حاکمان از جمله شاه جدید پروس مطرح می‌شود، معتقد است که «قانون به من اجازه نوشتن می‌دهد اما باید به سبکی بنویسم که متعلق به من نیست. می‌توانم چهره معنوی خود را نشان دهم، اما ابتدا باید آن را به شکل از پیش تعیین شده‌ای آرایش کنم. کدام انسان با شرفی از چنین گستاخی دچار شرم نخواهد شد». مارکس همچنین ضمن تفکیک آزادی ظاهری و آزادی واقعی از هم تأکید می‌کند که برای دستیابی به آزادی مطبوعات نباید نوک تیز حمله متوجه سانسور چپان یا بخشی از قانون و مقررات باشد، بلکه باید شیوه تفکر حکومت و دلایل بنیانی سانسور و عدم آزادی مطبوعات را مورد تهاجم قرار داد. او معتقد است که قانونی که گرایش فکری را

مجازات کند، نویسنده را تنها به خاطر آنچه انجام می‌دهد، مجازات نمی‌کند بلکه جدا از اعمال او، او را به خاطر آنچه فکر می‌کند مجازات می‌کند. از این رو چنین قانونی توهینی است به شرف شهروندان و قانونی است زیانبار که هستی نویسندگان و روزنامه نگاران را همواره تهدید می‌کند. (محیط، ۱۳۸۱: ۶).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش اسنادی استفاده شده است؛ در این روش با رجوع به کتب، مقالات و اسناد تاریخی، منابع موجود در رابطه با اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش، گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل این داده‌ها، با بهره‌گیری از تحلیل تاریخی انجام گرفته است. این تحلیل تاریخی مبتنی بر استفاده از اسناد و مدارک معتبر است تا بتوان از طریق آن، ویژگی‌های مشترک و عمومی حوادث و پدیده‌های تاریخی و دلایل بروز آن‌ها را تبیین کرد. از ویژگی‌های این تحلیل می‌توان به عدم حضور محقق در صحنه واقعیت و دسترسی زنده به اطلاعات و مدارک مورد نیاز و نیز با واسطه بودن این نوع بررسی اشاره کرد. در تحقیق حاضر، با بهره‌گیری از روش اسنادی و تحلیل تاریخی داده‌ها، سیر تحول آزادی مطبوعات در سه کشور مورد بحث ارزیابی می‌شود.

یافته‌های تحقیق

تأثیر «انقلاب‌های دموکراتیک» در غرب (انقلاب مشروطیت انگلستان ۸۹-۱۶۸۸، انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ و جنگ‌های استقلال آمریکا ۱۷۷۶) بر تحول مطبوعات و فراهم ساختن فضای آزاد برای آنها به حدی است که در بررسی تاریخ تحول و توسعه آزادی مطبوعات و بررسی زمینه‌های آن، ناگزیر از مروری کوتاه بر آن‌ها هستیم. به همین دلیل با هدف آشنایی و شناخت تأثیر دگرگونی‌ها و شرایطی که در نتیجه انقلاب‌های فوق در عرصه آزادی بیان و عقیده و به تبع آن آزادی مطبوعات روی داده است، به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. آنچه که در اسناد مهمی چون منشور حقوق انقلاب شکوهمند انگلستان، اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیر فرانسه تجلی یافت حاکی از آزادی و برابری انسان‌ها است و هدف جامعه سیاسی حفظ حقوق انسان است این حقوق عبارتند از: آزادی اندیشه و

بیان، مالکیت، امنیت، مقاومت در مقابل ستم و آزادی قدرت انجام دادن هرکاری که به دیگران آسیب نرساند، و در نهایت پذیرش اصلی که طبق آن آزادی مطبوعات دیوار محکمی برای رویش و بالندگی پیدا می‌کند: هیچکس را نمی‌توان به جرم عقیده‌اش آزار داد (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۵).

انگلستان

انگلستان در دوره ۶۰-۱۶۴۰ شاهد انقلابی بود که از آن به مثابه جنبش بزرگی همتای انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ یاد می‌شود. دولت که از نظم کهنه فئودالی حمایت می‌کرد به سختی واژگون شد، قدرت به دست طبقه‌ای نوین افتاد و بدین‌سان امکان تکامل آزادتر سرمایه داری فراهم آمد. جنگ داخلی، جنگ طبقاتی بود که در آن نیروهای ارتجاعی کلیسای مستقر و زمین‌داران بزرگ محافظه‌کار، از استبداد چارلز اول دفاع می‌کردند، پارلمان به چارلز می‌تاخت چراکه نمایندگان عضو آن از حمایت مجدانه طبقات تجاری و صنعتی شهر و روستا، خرده مالکان و اعیان مرفقی و توده‌های گسترده‌تری از جمعیت — که امکان بحث آزاد را داشتند و می‌توانستند مفهوم واقعی مبارزه را درک کنند - برخوردار بودند.

با اینکه فضای حاکم بر سال‌های قبل از شروع انقلاب، فضایی آکنده از محدودیت و اختناق بود اما به رغم سانسور شدید، نشریاتی که از دربار انتقاد می‌کردند، فراوان بودند. «ویلیام پرین»^۹ که یکی از نویسندگان پوریتان «پاک دین» و هدفش اصلاح اخلاق مردم زمان خود بود، رساله‌ای در تنقید از موه‌های بلند که معمول درباریان بود نوشت و آن را بر خلاف احکام دین مسیح اعلام کرد (موروا، ۱۳۶۶: ۳۶۹). در سال ۱۶۳۳ نیز اعلامیه‌ای در مذمت تئاتر و نمایش منتشر ساخت. از سوء تصادف شخص ملکه و ندیمه‌های او در همان زمان یک نمایش کمدی اجرا کردند و دربار این نشریه را حمله‌ای به ملکه تلقی کرد و «پرین» را به ۶۰۰۰ لیره خسارت و بریدن گوش‌ها محکوم ساخت. این مجازات فجیع مانع نوشتن او نشد و در سال ۱۶۳۷ به جرم انتقاد از سراسقف، دوباره او را به قایق بستند و با حضور یک کشیش و یک پزشک باقیمانده گوش‌های او را بریده، صاف کردند و داغ «مفترای

⁹ William Prynne

فتنه‌جو» روی گون‌ه‌های او نهادند (موروا، ۱۳۶۶: ۳۶۹). با این حال به غیر از نویسندگان و روزنامه‌نگاران، سایر طبقات اجتماعی نیز برای جنگیدن بهانه‌های مناسبی داشتند و فقدان آزادی بیان و عقیده، آنان را نیز به قیام در برابر حکومت سرکوبگر واداشته بود. از جمله سپاهیان پارلمان یعنی گروهی که برای آزادی فرد و حقوق وی در برابر حکومت استبدادی می‌جنگیدند. حکومتی که فرد را بدون محاکمه به زندان می‌افکند، بدون رضایت وی به او مالیات می‌بست، مجبورش می‌کرد که نزول سربازان را در خانه‌اش بپذیرد، دارایی‌هایش را به یغما می‌برد و می‌کوشید نهادهای پارلمانی را ویران کند. خاندان «استوارت» سخت می‌کوشید مردم را از تظاهرات و ایجاد جلسه بحث‌های سیاسی باز دارد، کسانی را که از حکومت انتقاد می‌کردند، گوش می‌برید، به میل خود مالیات‌هایی وضع می‌کرد که نسبت به دارایی‌های افراد بسیار غیر عادلانه بود و سعی داشت پارلمان را ببندد و کشور را به وسیله عوامل دست‌نشانده خود اداره کند (Hill, 1987: 15). ترس حکومت از تبعات وجود آزادی بیان حتی دامنگیر مراکز رسمی هم شده بود، حوزه کلیسایی، واحد مهم حکومت محلی بود که مقرری‌های ناچیزی که به فقیران تعلق می‌گرفت، گردآوری و تقسیم می‌کرد. کلیسا احساسات مردم را کنترل می‌کرد. به آن‌ها امر می‌کرد که چه چیز را باور کنند و نیز برایشان سرگرمی و نمایش ترتیب می‌داد، نقشی که بعدها دستگاه‌های خبری و تبلیغاتی به کمک مؤسسات بس‌گوناگون و کارآمد چون بی‌بی‌سی، سینما، کلپ و غیره به عهده گرفتند، در آن زمان از آن کلیسا بود. به همین دلیل مردم به مؤظله کشیشان توجه می‌کردند و حکومت اغلب موضوع وعظ را دقیقاً به واعظان سفارش می‌داد.

در این میان نویسندگان و کسانی که وابسته به حکومت نبودند سر و کار بیشتری با سانسور داشتند. در ۱۳ اوت ۱۶۴۲ یک روحانی به نام «هربرت پامر»^۱ در حین وعظ در برابر پارلمان پیشنهاد کرد که رساله «جان میلتن»^۲ که درباره طلاق بود، در ملا عام سوزانده شود. رساله سوزانده نشد اما شکایت پامر باعث شد شرکت

¹ Stuart 0

¹ Herbert Pammer 1

¹ John Milton 2

(staintioners) که از کتاب‌فروشان انگلیسی تشکیل شده بود به مجلس عوام رجوع کند و خاطر نشان سازد که قانون مربوط به ثبت کتاب‌ها و جزوه‌ها و صدور پروانه برای آن‌ها از طرف شرکت مذکور، به وسیله نویسندگان نقص شده است و میلتن یکی از ناقصان این قانون به شمار می‌رود. قانونی که از دوران سلطنت الیزابت سابقه داشت و در ۱۴ ژوئن ۱۶۴۳ پارلمان آن را با فرمان زیر تقویت کرده بود:

«هیچ کتاب، جزوه، روزنامه یا قسمتی از آن نباید چاپ شود یا به فروش رسد مگر اینکه نخست توسط کسانی که از طرف هر دو مجلس یا یکی از آن دو برای صدور پروانه تعیین شده‌اند، مورد تصویب قرار گیرد و بر طبق رسم قدیم در دفتر شرکت staintioners ثبت شود».

هرگونه نقص مقررات فوق به دستگیری مؤلفان و چاپگران مربوطه منجر می‌شد. با این حال میلتن مرتب در ثبت انتشارات نثری خود اهمال می‌کرد. گرچه کتاب «آیین و انضباط طلاق» دو ماه پس از صدور فرمان از چاپ خارج شد اما همچنان جان میلتن مقررات را نادیده می‌گرفت. شاید او برای پارلمان «عنصر مطلوب» بود، زیرا از وی در برابر شاه و در جریان کشمکش‌هایی که به وجود آمده بود، حمایت کرد. به هر حال پارلمان متعرض او نشد اما آن فرمان هم چنان بر گرد سر میلتن و تمام مؤلفان بریتانیا می‌چرخید. او که حضور چنین سانسور شدیدی را مانع رشد ادبیات می‌دانست، در ۲۴ نوامبر ۱۶۴۳ با شکوه‌ترین اثر منشور خود را بدون ثبت و اجازه با این عنوان منتشر کرد، «آریو پاگیتیا»^۱ سخنرانی جان میلتن خطاب به پارلمان انگلستان در مورد آزادی چاپ غیر مجاز». در این اثر میلتن با نهایت احترام از پارلمان تقاضا می‌کند که سانسور بر مطبوعات را به مثابه مقرراتی که با جلوگیری از فعالیتی که هنوز ممکن است در میدان خرد دینی و مدنی به کشفیاتی منتهی و مردم را از دانش اندوزی دلسرد کند، مجدداً مورد بررسی قرار دهد. میلتن دولت روم قدیم را به خاطر آزادی دادن زیاد به نویسندگان می‌ستاید و بعد رشد سانسور را در روم امپراطوری و کلیسای کاتولیک و صف می‌کند. به نظر او دولت‌ها و مجوز دهندگان لغزش پذیرند و از این رو نباید تمایلات خود را بر مردم تحمیل کنند،

¹ Areopagitica

بلکه باید به مردم اجازه دهند که برگزینند و بیاموزند، ولو اینکه این کار به طریق پر زحمت «آزمایش و خطا» انجام گیرد.

معهد «میلتون» تقاضای آزادی کامل مطبوعات را نداشت. او معتقد بود که الحاد، افترا و نوشته‌های منافی عفت باید غیر قانونی شناخته شوند. وی از روا داری نسبت به مذهب کاتولیک ابا می‌کند، زیرا که آن را دشمن کشور می‌شناسد و می‌گوید که این مذهب ضد تساهل و روا داری است، اما کشوری که از جهات دیگر در حیطه فکر و بیان آزاد باشد، در صورت تساوی سایر شرایط، باید به سوی عظمت گام بردارد. با این حال، نه تنها پارلمان نسبت به گفته‌های میلتون وقعی ننهاد، بلکه بر عکس با شدت بیشتری علیه چاپ بدون اجازه کتاب قوانینی وضع کرد (دورانت، ۱۳۶۹: ۲۷۷ - ۲۷۴). با گذشت زمان به رغم قیام «کرامول»^۱ و برجیده شدن بساط سلطنت چارلز اول، و در حدود سال‌های ۱۶۴۹ سانسور مطبوعات از هر زمان دیگری در تاریخ انگلستان شدیدتر بود و در به کار بستن آن از این قاعده کلی تبعیت می‌شد که سانسور با میزان عدم امنیت دولت افزایش می‌یابد. در زمان پادشاه جدید «چارلز دوم»، جان میلتون مردی که فصیح‌ترین رساله‌ها را به نفع آزادی مطبوعات نوشته بود، اندکی پس از ورود به خدمت تازه خود [منشی لاتینی پادشاه جدید] در از بین بردن نشریات سلطنت طلبان و مساواتیان، به سایر کارمندان شورای دولتی حکومت انقلابی پیوست (دورانت، ۱۳۶۹: ۲۷۸).

در اینجا بد نیست نگاهی کلی به شرایط فرهنگی انگلستان در این سال‌ها داشته باشیم. سخت‌گیری پاک دینان «در زمان چارلز اول» به ناچار جای خود را به لا ابا لیگری و سستی اصول اخلاقی داد. سلطنت طلبان که ۲۰ سال تمام مورد آزار و اذیت بودند چنان وحشتی از اخلاقیات داشتند که به اصطلاح از آن طرفی افتادند. اعیان زادگان سال ۱۶۶۰ آن تربیت صحیحی را که در خور یک خانواده ملاک متحول است. ندیده بودند زیرا هنگامی که پدران آنان به دنبال پرچم پادشاه می‌رفتند آن‌ها با خدمه و مهترها زندگی می‌کردند و بعد هم در بد نام‌ترین محله‌های پاریس و آمستردام سرگردان بودند. میگساری و مستی همه جا رواج داشت. صحنه نمایش نیز

¹ Cromwell

آئینه تمام نمای انحطاط اخلاقی آن زمان بود. نمایش‌های کمدی این عصر به اندازه‌ای جسورانه و بی‌پرده بود که بعدها مردم قرن نوزدهم را دچار بهت و حیرت کرد. اساساً روح پوریتان (پاک دین) هنوز در نهاد انگلیسی‌های آزاد شده عصر چارلز دوم وجود داشت و این نویسندگان کمدی سخت می‌کوشیدند تا آن روح را به تکان در آورند. بسیاری از شعرا که جز سلطنت طلبان بودند دوران تبعید خود را در فرانسه گذرانیدند و با آثار نویسندگانی چون «بوآلو»، «مولیز» و «بوسوئه» آشنا شدند. اشعار و رمان‌های عاشقانه فرانسه به انگلیسی ترجمه شد و اشعار هجو آمیز جانشین اشعار مذهبی گردید. ادبیات این عصر اشرافی بود و تصوف شعرایی چون میلتن در دربار راهی نداشت، زیرا چارلز دوم به خوبی می‌دانست که تصوف چه نوع اصول اخلاقی بر آن تحمیل خواهد کرد. «دکارت» متفکر معروف فرانسوی فیلسوف محبوب آن عصر بود و با آثار او دوران حکومت عقل و منطق آغاز شد. از آنجایی که پادشاه اهل علم بود، زمینه رشد علوم فراهم شد. کشف ستاره دنباله دار «هالی»، فرضیه «نیوتن»، طبقه‌بندی گیاه‌شناسی و فرضیه صوت، در این زمان صورت گرفت. متفکر بزرگ این عصر «توماس هابز» و متفکر بزرگ مذهبی این دوره «ایساک بارو»^۱ بود. شاید از نمای‌شنامه‌ها و یادداشتهایی که راجع به دربار چارلز دوم نوشته شده چنین نتیجه بگیریم که در آن عصر تمام مردم انگلستان فاسق و فاجر بودند، اما «ساموئل پیپس»^۲ که خاطرات او راجع به دوران مورد بحث ما معروفیت دارد، می‌نویسد که هنگام گردش در اطراف لندن چوپانی را دیده بود که برای پسرش کتاب مقدس می‌خواند. کتابخانه‌ها پر از کتاب‌های مذهبی بود و در زمان سلطنت چارلز دوم، خطابه‌های مذهبی بیش از شعر خریدار داشت (موروا، ۱۳۶۶: ۴۳۳ - ۴۲۸).

1 Boileau	5
1 Moliere	6
1 Bossuet	7
1 Descartes	8
1 Hally	9
2 Isac Baro	0
2 Samuel pepys	1

مطبوعات در دوران سلطنت چارلز دوم به دلیل تمایل و توجه پادشاه به ادبیات و هنر نتوانسته بودند امتیازی همانند سایر عرصه‌های ادبیات کسب کنند. «آرپو پاگیتکا» اثر میلتون نتوانسته بود به قانون صدور پروانه که به واسطه آن سانسور در دوران «تئودورها»^۲ و «استوارتها» بر مطبوعات حکومت می‌کرد، پایان دهد و این قانون که در گذشته به نحو بی‌ثباتی امکان اجرا داشت، در دوران استوارتها دوباره تحکیم شد. هفته‌نامه‌ها از سال ۱۶۲۲ به بعد منتشر می‌شدند. کرامول یکی از رجال سیاسی انگلستان تمام روزنامه‌ها را به جز دو تا از بین برد. چارلز دوم به سه تا از آنها، آن هم با نظارت رسمی اجازه انتشار داد. یکی از آنها *Oxford Gazette* ارکان دولت شد و از ۱۶۶۵ به طور مرتب هر دو هفته یا هفته‌ای یک بار منتشر شد. پس از روی کار آمدن «جیمز دوم» و «ویلیام سوم»، تکلیف قانون پروانه انتشار یکسره شد (Hill, 1987: 26). هنگامی که حکومت جیمز دوم به ترساندن ملت آغاز کرد، عده زیادی از رساله‌نویسان از قانون (پروانه) سر باز زدند و مردم را خشنود ساختند. وقتی ویلیام سوم به تخت سلطنت نشست، او و پشتیبانان وی چنان به مطبوعات مدیون بودند که با تجدید قانون پروانه انتشار مخالفت کردند. زمان اعتبار این قانون در سال ۱۶۹۴ منقضی شد و دیگر تمدید نگشت و آزادی مطبوعات به خودی خود برقرار شد. وزیران شاه هنوز می‌توانستند اشخاص را به سبب حمله‌های افراطی به دولت دستگیر کنند و قانون ضد کفر مصوب سال ۱۶۹۷ هنوز جریمه‌های سنگینی برای جرم تشکیک در مبانی ایمان مسیحی تعیین می‌کرد. ویلیام سوم و همسرش نسبت به ادبیات بی‌علاقه بودند اما وزیران آنان چون مصنفان را در عصر روزنامه‌ها و رساله‌ها و قهوه‌خانه‌ها و تبلیغات، مفید می‌دانستند به صاحب‌قلمانی که می‌توانستند به شاه، حزب و شمشیر کمک کنند، کمک مادی می‌کردند. انگلستان از آن پس از یک آزادی ادبی بهره‌مند بود که اگر چه گاه مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت، به پرورش افکار انگلیسی‌ها یاری فراوان رساند. انگلیسی‌ها در این زمان شاهد انتشار روزنامه‌های جدیدی بودند. در ۱۶۹۵ «توری‌ها»^۳ (طرفداران شاه) اولین

² Theodores

2

² Torys

3

روزنامه یومیه انگلیسی به نام «پست بوی»^۲ را منتشر ساختند که فقط چهار روز دوام داشت. «ویگ‌ها»^۲ (مخالفان شاه) به زودی با چاپ روزنامه‌ای به نام «فلایینگ پست»^۲ به مقابله پرداختند و سرانجام در سال ۱۷۰۲ «اینگلیش کُرنت»^۲ اولین روزنامه منظم انگلیسی شد. این روزنامه یک ورقه کوچک بود که فقط یک روی آن چاپ می‌شد و شامل اخبار بود نه نظرات. از این دستپاچی م‌صروعانه، نشریه‌های بزرگ آگهی‌دار امروزی پدید آمدند (Hill, 1987).

در سال ۱۷۰۴ «دانیل دفو»^۲ نشریه جدیدی با موازینی نو تحت عنوان «ریویو»^۲ منتشر ساخت که شامل تفسیر، خبر و داستان‌های دنباله دار بود و تا سال ۱۷۱۳ ادامه داشت. حکومت توری که از مجموع تیراژ مطبوعات (۴۴۰۰) و نفوذ روزنامه‌ها و ماهنامه‌ها به وحشت افتاده بود، برای آن‌ها یک مالیات تمیز وضع کرد (۱۷۱۲) که از نیم پنی تایک پنی بود و هدف از آن ایجاد شرایط سخت ادامه چاپ برای بیشتر هفته نامه‌ها و ماهنامه‌ها بود. یکی از روزنامه‌هایی که بدین طریق از بین رفت «سپکتتر»^۲ بود که کار خود را از سال ۱۷۱۱ آغاز کرده بود. تدریجا قدرت هفته نامه‌ها و ماهنامه‌ها در تشکیل عقاید عمومی برای مقاصد خاص بر نفوذ مواظ مذهبی پیشی گرفت و بدین‌گونه یک قدرت غیر روحانی وارد تاریخ شد (دورانت، ۱۳۶۹: ۳۷۵ – ۳۷۴). آزادی تفکر و پژوهش و اندیشه طی سال‌های بعد نیز همچنان رو به گسترش بود؛ به طوری که در سال ۱۷۶۱ منتسکیو حقوقدان معروف فرانسوی اظهار تعجب می‌کرد از این که یک بنای انگلیسی را در روی سقف خانه مشغول خواندن روزنامه می‌دید. بدین ترتیب تعلیم و تربیت سیاسی ملت انگلیس در گرو آزادی مطبوعات خیلی زودتر از سایر ملل اروپا آغاز شد (موروا، ۱۳۶۶: ۴۱۴).

² Post Boy	4
² Whigs	5
² Flying Post	6
² English Currant	7
² Daniel Defo	8
² Review	9
³ Spectator	0

توسعه مطبوعات در زمان جرج سوم نیز تحت تأثیر حادثه‌ای ادامه یافت، در این رابطه قضیه «ویلکس»^۳ که تقریباً هفت سال طول کشید، (۱۷۶۹-۱۷۶۳) تأثیر زیادی داشت. «ویلکس» نماینده مجلس عوام بود و جریده‌ای به نام «نورث برایتون»^۴ منتشر می‌کرد که اهمیت و مقبولیت زیادی داشت. در سال ۱۷۶۳ وی با عباراتی که به نظر شاه زننده آمد، در جریده خود از نطق وی انتقاد کرد. هیئت وزرا حکم توقیف او را صادر کرد و لی چون این حکم مخالف نظامات جاری بود، دادگاه وی را تبرئه کرد و وزراء و مأمورین مربوطه را به پرداخت جریمه سنگین محکوم ساخت. این کار موجبات خوشحالی بیش از پیش مردم لندن را فراهم کرد برای این که می‌دیدند در این قضیه، حق آزادی، انتقاد و حریت مطبوعات در خطر زوال، و حقوق آن‌ها دست‌خوش استبداد است. پس از آن بارها بین دولت وقت و ویلکس اختلافاتی بروز کرد و مردم همواره از وی به دلیل ارتباط مسائل پیش آمده با آزادی و حقوق اساسی ملت دفاع کردند. هیچانی که از قضیه ویلکس در انگلستان رخ داد، موجب توسعه و تقویت مطبوعات شد. در حین آنکه آتش جدال از دو طرف شعله‌ور بود، مطبوعات از این آب گل‌آلود ماهی بزرگی صید کردند و آن حق درج مذاکرات پارلمانی بود که تا آن زمان حق انتشارش را نداشتند و فقط گاهی مختصراً نتیجه مذاکرات مجلس را درج می‌کردند، آن هم به صورت بسیار پوشیده و به عنوان اخبار واصله از پارلمان. در سال ۱۷۷۱ مجلس عوام که از حدود خود تجاوز کرده بود یکی از مدیران نشریات را به جرم انتشار مذاکرات پارلمانی حبس کرد (موروا، ۱۳۶۶: ۴۱۶).

اما قضات لندن در مقابل، مأمور پارلمان را که بر خلاف رویه موجود به توقیف اقدام کرده بود، حبس نمودند. این واقعه موجب هیجان و شوق عمومی شد. از این تاریخ به بعد ملت انگلیس روز به روز مراقب سیر حوادث بود و از تصمیمات مجلس و دولت آگاهی یافته و فوراً به قضاوت می‌پرداخت و پارلمان را مجبور می‌ساخت که به میل ملت رفتار کند. روزنامه‌های مهمی که در آن زمان منتشر می‌شدند عبارت بودند از: «نورث برایتون» و «مخبر عمومی» که در آن مقالاتی با امضای مستعار بر ضد شاه

³ Wilkes 1

³ North Briton 2

و وزرا منتشر می‌شد و امروز جز اسناد مهم ادبی به‌شمار می‌روند. بعضی از روزنامه‌های بزرگ امروز انگلستان هم مانند «تایمز»^۳، «مورنینگ کرونیکل»^۴، «مورنینگ پست»^۵ و «مورنینگ هرالد»^۶ یادگار آن دوره به‌شمار می‌روند (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴: ۶۲ - ۶۱).

یادآوری وضعیت چاپ در انگلستان نیز از سال ۱۷۱۴ به بعد خالی از فایده نیست. با رفع موانع و مشکلات فرا راه مطبوعات و فراهم شدن فضای نسبی آزادی مطبوعات، فعالیت دامنه‌دار مطبوعاتی که از سال ۱۷۱۴ انگلستان را به جنب و جوش آورده بود، هم چنان ادامه یافت. جمعیت کشور، به‌ویژه در شهرها و بیش از همه در لندن فزونی یافته بود و زندگی در جامعه صنعتی، بازرگانی و شهری شمار با سوادان را افزایش داده بود. بورژوازی نو خاسته، کتاب خواندن را وسیله تمایز و سرگرمی می‌شمرد. زنان به کتاب علاقه پیدا کرده بودند. کتابخانه‌های سیار که نخستین آن‌ها در لندن مورد استفاده قرار گرفت و شمار آن‌ها به زودی در این شهر به ۲۳ رسید، مردم را به خواندن کتاب راغب‌تر می‌ساختند. از سوی دیگر، ناسازگاری شدید «ویگ‌ها» و «توری‌ها» و گرفتاری روز افزون بریتانیا در امور مربوط به اروپا و مستعمرات، اشتیهای مردم بریتانیا را به خواندن اخبار تشدید کردند و روزنامه را قدرتی در تاریخ انگلستان ساختند. تعداد روزنامه‌هایی که در سال ۱۷۱۴ به طور مرتب در لندن منتشر می‌شدند و بیشتر آن‌ها هفتگی بودند از ۱۱ روزنامه به ۱۷ روزنامه در سال ۱۷۳۳ و ۵۳ روزنامه در سال ۱۷۷۶ رسیده بود. بسیاری از آن‌ها کسر هزینه خود را از احزاب سیاسی می‌گرفتند، زیرا اقلیت پولدار روزنامه‌ها را می‌خرید تا صدای خود را در مقابل صدای برخاسته توده مردم در آن‌ها منعکس کند. تقریباً همه روزه روزنامه‌های انگلستان آگهی چاپ می‌کردند (Hill, 1987).

³ The Times	3
³ Morning Chronicle	4
³ Morning Post	5
³ Morning Herald	6

روزنامه «دیلی آدور تایزر»^۳ که در ۱۷۳۰ تأسیس شده بود، در آغاز همه صفحات خود را به آگهی اختصاصی می‌داد ولی پس از چندی مانند روزنامه‌های بزرگ صبح آمریکا، اخباری نیز انتشار داد تا شمار خوانندگان خود را افزایش دهد و بهای آگهی را گران‌تر سازد. جراید - روزانه، هفتگی و ماهنامه - نفوذ مطبوعات را در جامعه بریتانیا گسترش دادند و زندگی بریتانیایی‌ها را تحرک بخشیدند. آزادی نامحدود مطبوعات انگلستان به حدی بود که منتسکیو را دچار شگفتی ساخت، زیرا او در کشوری پرورش یافته بود که مطبوعات آن را دولت هنوز سانسور می‌کرد. یکی از نمایندگان پارلمان در سال ۱۷۳۸ به مجلس عوام چنین شکایت کرد:

"مردم بریتانیا از قدرتی فرمان می‌برند که مانند آن هیچ گاه در هیچ عصر و کشوری دیده نشده است. این قدرت، اراده مطلق شاه، رهبری پارلمان، نیروی ارتش و یا نفوذ روحانیون نیست، بلکه حکومت مطبوعات است. مردم به مطالب مطبوعات بیش از مصوبات پارلمان ارج می‌نهند و نظریه‌های این کاغذ پاره‌ها را زودتر از نظریات بهترین سیاستمداران کشور می‌پذیرند"

در این میان چاپخانه‌ها نیز برای آنکه به تقاضای روز افزون مردم پاسخ گویند، شب و روز فعالیت می‌کردند. در آن زمان در سراسر انگلستان ۳۰۰ چاپخانه وجود داشت که نیمی از آنها در لندن بودند (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۸۳ - ۱۸۲).

بحران مشروطه و درگیری شاه با ملت بار دیگر از سال ۱۷۶۰ در انگلستان آغاز شد و به دلیل اقداماتی که جرج سوم برای تدسیس سلطنت شخصی می‌کرد، پس از ۲۴ سال درنهایت با غلبه حکومت پارلمانی خاتمه یافت. دور نمای صحنه این سال‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، ناشران، کتابخانه‌های دوار (کتابخانه‌هایی که اعضای آن کتاب‌ها را پس از خواندن به یکدیگر رد می‌کنند) و تئاترها قرار داشتند. همه این‌ها به سرعت در حال گسترش بودند و کشمکش‌های احزاب و صاحبان استعدادهای را به اطلاع خوانندگانی که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شد، می‌رساندند. در این هنگام چندین نشریه پا به عرصه وجود گذاشتند، به طوری که به زودی تعداد روزنامه‌های لندن و میزان انتشار آن‌ها دو برابر شد. بیشتر نشریات روزانه تنها با مشتریان محدود به

حیات خویش ادامه می‌دادند. به عنوان مثال تیراژ روزنامه «تایمز» در ۱۷۹۵ تنها ۴۸۰۰ نسخه بود. این نشریات از نظر ابعاد و اندازه ساده‌تر از مطالب خود بودند و معمولاً از چهار صفحه تشکیل می‌شدند که یکی از آن‌ها صرف آگهی می‌شد (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۰۶۶).

مقایسه انگلستان با سایر دولت‌هایی که در آن زمان روی کار بودند نشان دهنده یک تفاوت اساسی است و آن حاکمیت قانون است. در قضیه ویلکس چون پارلمان بر خلاف قانون او را توقیف کرده بود، بی‌درنگ رهایی یافت و وزرای که غیر قانونی عمل کرده بودند به پرداخت جریمه سنگینی محکوم شدند. در حالی که مقارن آن زمان در فرانسه یکی از نجبا «ولتر» فیلسوف معروف را به چوب بست و چون او تقاضای مجازات برای ضارب کرد، خودش را به زندان انداختند. در انگلستان آن زمان، آزادی منطق، تحریر و طبع، حق تجمع و شرکت برقرار بود و بعضی از این حقوق را فرانسویان در اواخر قرن ۱۹ توانستند به دست بیاورند. (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴: ۶۵). به همین دلیل انگلستان در قرن ۱۹ نیز سرآمد کشورهای قرار داشت که در آن برخوردار از آزادی آغاز شده بود. در این قرن، قدرت مطبوعات چون یک عنصر مشخص و برجسته در صحنه حیات انگلستان به چشم می‌خورد. این مطبوعات دیگر وسیله‌ای برای نقد مفاهیم و شیوه‌های ادبی نبودند، بلکه به صورت دریچه‌ای برای آگاهی‌دهندگان و تبلیغ‌کنندگان کالاها و هم‌چنین به صورت ارگان گروه‌های سیاسی درآمدند. از آنجایی که آگاهی‌دهندگان بر حسب تیراژ روزنامه یا مجله مبلغی می‌پرداختند، سردبیران و ناشران ناگزیر بودند که افکار عمومی را در نظر بگیرند و این کار غالباً به هزینه حزبی صورت می‌گرفت که بر سر کار بود از این روست که می‌بینیم مطبوعات انگلستان فرزندان بیکاره و خراج پادشاه را به باد هجو و استهزا می‌گرفتند و این به رغم تمامی کوشش‌های بود که حکومت برای حمایت و سپر بلا شدن آن فرزندان مبذول می‌داشت. به تدریج که قرن نوزدهم به پیش می‌رفت مطبوعات، نخست بدل به ابزاری ضروری شدند و سرانجام به عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده لازم و اجتناب‌ناپذیر دموکراسی در حال رشد درآمدند.

به طور کلی با توجه به تجربیاتی که مطبوعات انگلستان طی چند قرن فعالیت و مبارزه برای دستیابی به آزادی به دست آورده‌اند، می‌توان گفت که نظام آزادی مطبوعات این کشور که تحت تأثیر «حقوق غیر نوشته» قرار دارد، با سایر ممالک غربی که دارای حقوق نوشته هستند، تفاوت دارد. در انگلستان روزنامه‌ها دارای همان حقوقی هستند که برای افراد در نظر گرفته شده و هر روزنامه می‌تواند مسئولیت آنچه را که مفید می‌داند و نسبت به درج آن اقدام می‌کند. به عهده داشته باشد و اگر مطالب تهمت‌آمیز منتشر کرد، تبعات آن را در برابر دادگاه مدنی یا جزایی بپذیرد. محتوای مطبوعات هم شامل مقررات حقوق عام می‌شود. تحریک افراد به عملیات خرابکارانه و طغیان، عدم اطاعت از قانون، لطمه زدن به اخلاق عمومی، اتهامات نادرست یا توهین‌آمیز علیه اشخاص یا مؤسسات عمومی و خصوصی و اتهامات افترا آمیز، مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرند و رسیدگی به این گونه جرایم در صلاحیت دادگاه‌ها و با حضور هیأت منصفه قرار دارد. در انگلستان در صورتی که نویسنده، مسئولیت نوشته خود را به عهده بگیرد، مجازاتی برای ناشر و موزع روزنامه و یا چاپخانه اعمال نمی‌شود. انتشار اسرار دولتی و پخش، فروش، انتقال و توزیع متن‌ها و تصویرهای مستهجن از جمله جرائم مطبوعاتی به شمار می‌رود. از سال ۱۷۷۶ تاکنون هیچ نشریه‌ای در انگلستان جز در مواردی که قانوناً مقصر شناخته شود، توقیف نشده است. به دلیل فضای آزاد مطبوعات، از اواسط قرن ۱۹ گرایش به اعمال یک نظام ویژه خصوصی برای مطبوعات رو به فزونی گذاشته است، از جمله قوانینی که در عرصه فعالیت مطبوعات انگلستان تحول بزرگی ایجاد کرد، می‌توان به قانون مصوب ۱۸۴۳ اشاره داشت که مصونیت روزنامه را برای اتهامات افترا آمیز در راه منافع عمومی و در صورتی که دلیل موجهی ارائه دهد، پیش بینی کرده است. در این کشور، روزنامه‌نگار مادامی که منافع عمومی را مد نظر قرار می‌دهد، برای درج مطالب و حتی افترا به اشخاص از آزادی عمل برخوردار است (معمدنزاد، ۱۳۷۹: ۱۹۰ - ۱۸۸)

فرانسه

انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) که لقب ریشه‌دارترین و گسترده‌ترین انقلاب آزادی‌خواهی و دموکراسی طلبی غربی را به خود اختصاص داده است، توجه مردمی

را به آزادی‌های فردی و حقوق طبیعی خود جلب کرد که به نظر برخی از صاحب نظران، آزادی را از یاد برده بودند. آزادی سیاسی چندان در فرانسه ناپدید شده بود که مردم تقریباً یکسره فراموش کرده بودند که این آزادی به چه معناست و کارکردش چیست. اندک آثاری که از این آزادی بر جا مانده بودند و نیز نهادهایی که به ظاهر برای جایگزینی آن‌ها آفریده شده بودند، برداشت ناخوشایندی از کل فکر آزادی سیاسی و لوازم آن پدید آورده بودند (Tocqueville, 1983: 296). آنچه در جریان انقلاب فرانسه تحقق یافت، یکی از اصول دموکراسی بود که حاکی از اندیشه حاکمیت مردم و نشأت گرفتن قدرت از اراده عامه است. بر اساس این اندیشه قدرت مؤسس متعلق به مردم است و از طریق ساز و کارهایی چون نظام نمایندگی و اصل اکثریت اعمال می‌شود. منظور از قدرت مؤسس این است که مردم حق دارند از طریق نمایندگان خود قانون اساسی دولت و جامعه خود را که همه قوانین از آن ناشی می‌شود، رأی و وضع کنند بدون آنکه ضرورتاً مقید به سنن و قواعدی باشند که خود در وضع آن‌ها نقشی نداشته‌اند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۲۶). هر چند که ماحصل انقلاب فرانسه در یک کلام، دموکراسی و تثبیت جنبه‌های مثبت و مطلوب آن است، با این حال فرانسه در گذر زمان از شرایط و ویژگی‌هایی برخوردار بود که در نتیجه تغییر و دگرگونی، ثمره آن در سال ۱۷۸۹ بار نشست. مروری کوتاه بر این شرایط، زمینه آشنایی با جامعه فرانسه و به خصوص جایگاه آزادی‌های مدنی در آن را فراهم می‌کند (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۱۲).

در زمان «لویی پانزدهم»، نشریات بیشتر با محتوای انتقاد و اعتراض نسبت به حکام و دربار منتشر می‌شدند. خانواده سلطنتی طی سال ۱۷۵۱، ۶۸ میلیون لیور یا در حدود یک چهارم درآمده دولت را خرج کرد. مردم شکایت می‌کردند ولی بیشتر این شکایت‌ها بدون نام بود. هر سال صدها جزوه، اعلان مصور و آوازهای هجو آمیز، عدم وجهه پادشاه را نشان می‌داد. در یک جزوه گفته شده بود: «لویی اگر تو زمانی مورد علاقه ما بودی به این علت بود که هنوز مفاسد تو بر ما آشکار نشده بود. در این کشور که به خاطر تو خالی از سکنه شده و به صورت طعمه تحویل شیادان و حقه بازانی شده است که با تو حکومت می‌کنند، اگر هنوز فرانسویانی باقی مانده‌اند، برای

این است که از تو نفرت داشته باشند». زمانی که سلطنت به لویی شانزدهم رسید، جرقه‌های بیداری در اذهان مردم درخشیدن گرفت. این بار پادشاهی بر سر کار بود که با کتاب و اندیشه بیگانگی نداشت. او کتاب را بسیار دوست داشت و علاقه خاصی به «فنون»^۳ نویسنده فرانسوی پیدا کرده بود و هنگامی که دوازده ساله بود با نصب یک دستگاه چاپ در کاخ ورسای به کمک برادرانش حروف یک کتاب کوچک را چید که در سال ۱۷۶۶ تحت عنوان «گفته‌های اخلاقی و سیاسی مقتبس از تلماک»^۴ (نام کتابی از فنلون) منتشر شد (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۱۵).

از سوی دیگر اگرچه اوضاع اجتماعی فرانسه در قرن ۱۸ و در سال‌های نزدیک به انقلاب چندان تفاوتی با قبل نکرده بود و مردم از همان مشکلات قدیمی رنج می‌بردند، اما طرز فکر مردم دچار تحول عمیقی شد. فلاسفه و حکمایی همچون منتسیکو، روسو، ولتر، و مؤلفین دایره المعارف، مانند «دالامبر»^۴ و «دیدرو»^۴ مفاهیم جدید آزادی، عدم تعصب دینی و مساوات را منتشر ساختند، به نحوی که آثار این نویسندگان مقدمات انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه را فراهم ساخت (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴: ۲۶۷). ادبیات فرانسه در سده هجدهم به شدت با جامعه شناسی آمیخته بود و از منظر آن به جهان می‌نگریست. اگر نگاهی به زرد ورق‌های باز مانده از روزنامه‌نگاری فرانسه سده هجدهم بیندازیم و اگر بحث‌های تالارها و با شگانه‌های آن زمان را باز زنده کنیم، همان سرود دسته جمعی گلایه و انتقاد از نهادهای موجود را خواهیم شناخت» (Brinton, 1965: 52).

روزنامه‌نگاری نیز در این دوران به دلیل دیدگاه منفی حاکمیت به آن، با فراز و فرودهایی همراه بود. اگرچه روزنامه‌های سده هجدهم بیشتر حاوی مقالات سبک بودند تا بحث‌های جدی، اما باز حکومت از نفوذ آن‌ها دل خوشی نداشت، حتی اگر این نفوذ بسیار ناچیز بوده باشد. اگرچه حکومت نسبت به کتاب‌نگرشی مدارا جویانه داشت، اما بر روزنامه‌ها نظارت دقیقی اعمال می‌کرد و اگر نمی‌توانست آنها را به کلی

³ Fenelon	8
³ Telemaque	9
⁴ Dalambeve	0
⁴ Diderot	1

خفه سازد، می‌کوشید تا آن‌ها را به خدمت خویش در آورد. در سال ۱۷۶۱ دولت طی بخشنامه‌ای به همه استانداران کشور اعلام داشت که شاه [لویی پانزدهم] تصمیم گرفته است که از این پس روزنامه «گازت دو فرانس»^۴ را تحت سرپرستی مستقیم دولت در آورد (Tocqueville, 1983: 131).

علاوه بر نگرش حکومتی نسبت به مطبوعات، متولیان مذهبی نیز به عنوان تصمیم‌گیرندگان سخت‌گیر درباره آن‌ها اعمال نظر می‌کردند. کلیسا کماکان خواهان نظارت بر مطبوعات بود. در سال ۱۷۷۰ اسقف‌ها یادداشتی درباره «عواقب خطرناک آزادی فکر و چاپ» برای پادشاه فرستادند. دخالت کلیسا همچنان ادامه داشت و تا زمان انقلاب هیچگاه از سیطره مذهب بر مطبوعات کاسته نشد. به طوری که در سال ۱۷۸۱ چاپ دوم «تاریخ فلسفی دو هندوستان» اثر «رنال»^۴ کشیش فرانسوی به دستور پارلمان سوزانده شد و نویسنده‌اش را از فرانسه تبعید کردند. «بوفون»^۴ به خاطر اینکه مطالبی درباره تکامل طبیعی زندگی نگاشته بود، مورد حمله دستگاه نظارت و سانسور مستقر در دانشگاه «سوربون»^۴ قرار گرفت (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۲۲۴ - ۱۲۲۳).

زمانی که لویی شانزدهم پایه‌های سلطنت خود را محکم کرده بود، بازهم مذهب به عنوان عامل محدودکننده فضای آزاد مطبوعات و کتاب‌عرض اندام می‌کرد. او دستور داد که هر نویسنده‌ای را که کتاب یا مقاله «ضد مذهبی» انتشار دهد به مرگ محکوم کنند و این سرنوشت نه تنها شامل حال ناشران چنین آثاری می‌شد، بلکه کتاب‌فروشان و فروشندگان دوره‌گردی را که این کتاب‌ها را به مردم می‌فروختند نیز، در بر می‌گرفت؛ اما انتخاب مردم چیز دیگری بود، زیرا در همان زمان «ولتر» به عنوان مشعل دار ادبیات فرانسه در همه جا مورد استقبال قرار می‌گرفت (Tocqueville, 1983: 136).

4 Gazech de France	2
4 Ranal	3
4 Buffon	4
4 Sorbonne	5

در این دوران نفوذ کلیسا هم دست‌خوش بی‌توجهی و بی‌تفاوتی پادشاهان فرانسه قرار داشت، زیرا اگر چه آنها خود را "پسران ارشد" کلیسا می‌خواندند، اما وظایف فرزندیشان را به سستی انجام می‌دادند و بیشتر در پی حفظ برتری خود بودند تا دفاع از کلیسا. درست است که آنان حمله مستقیم به کلیسا را ممنوع داشته بودند اما اجازه می‌دادند که کلیسا در معرض یک نوع جنگ چریکی گسترده قرار گیرد. اقدام‌های حمایتی غیرپیگیرانه شاهان از کلیسا، نه تنها قدرت دشمنان آن را تضعیف نمی‌کردند، بلکه به آتش آن نیز دامن می‌زد؛ زیرا اگر چه در دورانی از تاریخ، نظارت دولت بر کار نویسندگان می‌تواند همه اندیشه‌های پیشرو را مهار سازد، اما دوران دیگری نیز هست که نظارت دولتی دقیقاً اثر معکوس دارد.

به هر روی، هرگز پیش نیامده بود که سیاست تحدید آزادی انتشارات، این چنین توانسته باشد نفوذ انتشارات را صد برابر کند. آزار و تعقیب نویسندگان تنها برای آن‌ها همدردی فراهم می‌کرد و هرگز به آن اندازه نبود که بتواند در آنان هراسی واقعی برانگیزاند. آنان در واقع تحت چنان آزارها و فشارهای کوچکی قرار می‌گرفتند که معمولاً انسان‌ها را به شورش برمی‌انگیزانند، اما چندان پیگیرانه نیستند که روحیه افراد را درهم بشکنند. اقدام‌های قانونی که علیه نویسندگان فرانسوی انجام می‌گرفتند، غالباً سست بودند و گرچه در بوق و کرنا گذاشته می‌شدند، اما تأثیر چندانی نداشتند. این اقدام‌ها به جای آنکه آنان را از نوشتن باز دارند، در واقع نویسندگان را به نوشتن بیشتر ترغیب می‌کردند. کوتاه سخن، حتی آزادی کامل انتشارات نیز برای کلیسا به اندازه اقدام‌های نیمه کاره زیانبار نبود (Tocqueville, 1983: 280).

سفر به کشورهای مختلف و شناخت نظام‌های حاکم بر آن‌ها عامل دیگری بود که به خصوص برای نویسندگان، طبل تهی حکومت را بیش از پیش رسوا می‌کرد و در این میان انگلستان که مبارزه برای آزادی بیان و مطبوعات را بسیار زودتر از فرانسه آغاز کرده بود، جایگاه خاصی داشت. در سفری که "ولتر" دگر اندیش فرانسوی به این کشور داشت نظام سیاسی انگلیس چندان او را به خود جذب نکرده بود. در میان نامه‌هایی که او درباره انگلستان نوشته بود سخنی از پارلمان به میان آورده نمی‌شد.

به‌راستی که او بیشتر از همه به آزادی نوشتن در انگلستان و علاقمندی انگلیس‌ها به این آزادی رشک می‌برد. حال آنکه نسبت به آزادی سیاسی آنان بی تفاوت مانده بود و به هیچ روی تشخیص نداده بود که بدون آزادی سیاسی، آزادی نوشتن نمی‌تواند مدت زمان درازی بپاید (Tocqueville, 1983: 290).

در زمانی که آزادی بیان و مطبوعات در انگلستان برای متفکران، نویسندگان و اندیشمندان سایر کشورها کعبه آمال بود، در فرانسه هنوز کتاب‌هایی مانند «امیل»^۴ اثر معروف ژان ژاک روسو منع و سوزانده می‌شدند ولی خاکستر آنها به گسترش اندیشه‌های نویسندگانشان کمک می‌کرد. هر چند که هنوز تعقیب و آزار و اذیت نویسندگان از سوی کلیسا ادامه داشت، ولی در سال‌های نزدیک به انقلاب، سانسور مذهبی روبه نقصان گذارد تا اینکه به طور تلویحی به شکست اعتراف کرد. بدون تردید ۹۹ جلد کتابی که از سوی "ولتر" انتشار یافت و تلاش سایر افرادی که همانند او به تحول فکر و اندیشه مردم فرانسه علاقمند بودند، مایه الهام و تشویق کسانی قرار گرفت که مبارزه به خاطر آزادی‌ها از جمله آزادی اندیشه را در سال ۱۷۸۹ آغاز کردند. هر چه زمان به سال‌های انقلاب نزدیک‌تر می‌شد، نشریات و روزنامه‌های بیشتری وارد عرصه مبارزه می‌شدند. در مدت کوتاه میان ۱۷۸۹-۱۷۷۴، روزنامه‌ها از لحاظ تعداد، اندازه و نفوذ رو به افزایش بودند. نشریه قدیمی «گازت دو فرانس» که در سال ۱۶۳۱ دایر شده بود هنوز فراهم کننده رسمی و مورد اعتماد اخبار سیاسی بود. نشریه «مرکور دو فرانس»^۴ که در ۱۶۷۲ به عنوان «مرکور گالان»^۴ آغاز به کار کرده بود. در سال ۱۷۹۰ در ۱۳ هزار نسخه منتشر می‌شد و این رقم بسیار قابل توجه بود (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۱۹۷).

«میر آبو»^۴ [خطیب معروف فرانسوی] آن را با کفایت ترین روزنامه فرانسه می‌خواند. نشریه «ژورنال دوپاری»^۵ نخستین نشریه روزانه فرانسه در سال ۱۷۷۷

4 Emill	6
4 Mercure de France	7
4 Mercure Galant	8
4 Mirabeau	9
5 Journal de Paris	0

انتشار خود را آغاز کرد. نشریه مشهورتر از آن به نام «مونیتور»^۵ در ۲۴ نوامبر ۱۷۸۹ انتشار یافت. روزنامه‌های ایالتی متعددی نیز وجود داشتند مانند «کورریه دوپروانس»^۵ که سردبیر آن «میر آبی» پسر بود. جزوات نیز به طور سیل آسا منتشر می شدند و سرانجام آنچه را که در سر راهشان بود با خود بردند. در آخرین ماه‌های ۱۷۸۸ حدود ۲۶۰۰ جزوه در فرانسه منتشر می شد. بعضی از آن‌ها اثری تاریخی داشتند مانند جزوه «آ به سیس» (اندیشمند فرانسوی) به نام «طبقه سوم چیست» یا فرانسه آزاد اثر «کامی دمولن»^۵ تا ژوئیه ۱۷۸۹ قوی ترین نیرو در مطبوعات فرانسه بود. «نکر»^۵ [یکی از دولتمردان فرانسوی] در سال ۱۷۸۴ مطبوعات را چنین توصیف کرد: «قدرت نامرئی که هر چند بدون ثروت، بدون سلاح و بدون ارتش است، به شهرنشینان و درباریان و حتی در کاخ‌های سلاطین یکسان تحکم می کند» (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۲۴۱).

از جمله حوادثی که در آستانه انقلاب باعث تشویق بیشتر روزنامه‌ها به فعالیت گسترده تر و افزایش تعداد خوانندگان آن‌ها شد، تصرف قلعه باستیل زندان بزرگ پاریس بود که پارسی‌ها را به هیجان آورد. در برابر این حادثه عظیم که سدهای حکومت را از هم گسست و سیلاب اراده مردم را جاری ساخت، روزنامه‌های ثابت و قدیمی مانند: «گازت دوفرانس»، «مرکور دوفرانس» و «ژورنال دوپاری» توانستند واکنش متعادلی از خود نشان دهند، اما روزنامه‌های جدیدی که پا به عرصه گذاشته بودند مانند «انقلاب پاریس» تو سطر «لو ستالو»^۵، «مهرین پر ست فران سوی تو سطر» «بر سیو»^۵، «دو ست مردم» تو سطر «مارا»^۵ و «انقلاب فرانسه» تو سطر «دمون» درکناره ۱۰ تا ۱۲ جزوه یا رساله‌ای که هر روز منتشر می شده هیاهوی بسیار آفریدند که با بی بند و

⁵ Le Moniteur	1
⁵ Courier de provence	2
⁵ Demoulins	3
⁵ Necker	4
⁵ Loustait	5
⁵ Birssot	6
⁵ Marat	7

باری حاصل از آزادی مطبوعات، بت‌های تازه‌ای می‌تراشیدند و آوازه‌های دیرین را از بین می‌بردند.

در سال‌های نزدیک به انقلاب آرزوی تحقق مطبوعات آزاد و مستقل، به یکی از خواسته‌های اساسی روشنفکران تبدیل شده بود. «کوندورسه»^۵ فیلسوف و انقلابی فرانسوی یکی از افرادی بود که قبل از انقلاب از کاهش قدرت کلیسا و گسترش دموکراسی طرفداری می‌کرد. او می‌گفت که معصیت و جنایت نتیجه جهل است و معتقد بود که زمانی خواهد رسید که خورشید تنها بر افرادی آزاد که جز عقل خود اربابی نمی‌شناسند، خواهد تابید. او وفور نعمتی را که در قرون نوزدهم و بیستم از تلاش‌های قرن هجدهم حاصل خواهد شد، مجسم می‌کرد: آموزش و پرورش همگانی، آزادی فکر و بیان، آزادی مستعمرات، برابری در مقابل قانون و توزیع مجدد ثروت. او با اینکه مدت‌ها تحت تعقیب قرار داشت هرگز از تلاش برای تحقق آرزوهایش دست برنداشت: مطرح شدن حرفه روزنامه‌نگاری به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از ظلم و ستم دولتی، تکوین یک کشور مرفه از طریق بیمه ملی، تحرک فرهنگ از طریق آزادی و... (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۲۱۵).

با اوج‌گیری اعتراض مردم نسبت به حکومت، موج کسانی که برای بیان عقاید و دیدگاه‌های خود روزنامه‌نگاری و انتشار یک نشریه را انتخاب می‌کردند، بیش از پیش فزونی می‌گرفت. از جمله «مارا» روزنامه نگار و انقلابی فرانسوی در سال ۱۷۸۹ ما لامال از رشک و بیزاری نسبت به هرچیز مستقر و آبرومند در فرانسه بود و به زودی روزنامه نویسی انقلابی به او میدان گسترده‌ای برای خودنمایی داد. او سگ پاسبان انقلاب شد. سگ پاسبانی که در روزنامه‌اش «دوست مردم» پیوسته توطئه‌هایی علیه مردم را بو می‌کشید و همیشه از افرادی که قدرت را در دست داشتند، بیزار بود (Brinton, 1965: 130). آزادی خواهی، طبقه اشراف فرانسه را هم در بر گرفت. در آستانه انقلاب نجیب زادگان فرانسه لویج طبقه اشراف را به مجلس عموم طبقات ارائه کردند که آزادی مطبوعات و مصونیت نامه‌های پستی هم، در آن مورد توجه قرار گرفته بود. لویج تنظیم شده از سوی طبقات سه گانه جامعه

⁵ Condorcet

فرانسه در سال ۱۷۸۹ به وسیله هر یک از نمایندگان طبقات فوق تهیه شده بود و محصول بحث‌های طولانی طرف‌های ذینفع و نتیجه غور و بررسی نویسندگان آن‌ها بود. در لوایح اشراف درخواست شده بود که باید آزادی مطبوعات تأمین شود و قانون محدودیت‌هایی را که مطبوعات باید به خاطر مصلحت عمومی به آن‌ها تن در دهند، از پیش مشخص سازد. به جز نوشته‌های مذهبی که محتوای آن‌ها درباره آیین مذهبی حاکم است، هیچ نوشته‌ای را نباید در معرض سانسور مقامات کلیسایی قرار داد. در موارد دیگر تنها نام نویسنده و ناشر کافی است، هر گونه اعلام جرم علیه مطبوعات باید به وسیله هیئت منصفه مورد بررسی قرار گیرد (Tocqueville, 1983: 465).

پس از پیروزی انقلاب، آزادی مطبوعات مورد توجه بسیار قرار گرفت. موج انسان دوستی و حمایت تمامی طبقات جامعه در اوایل پیروزی انقلاب، به اندازه‌ای ادامه یافت که به تنظیم سند تاریخی مهمی که اعلامیه «حقوق بشر و شهروند فرانسه» نام گرفت، منتهی شد. این اعلامیه را ژنرال فرانسوی «لافایت»^۵ که هنوز تحت تأثیر اعلامیه استقلال و اعلامیه حقوق برخی از ایالات آمریکا قرار داشت، پیشنهاد کرد. نمایندگان بورژوا از اینکه همه چیز جامعه در انحصار اشرافیت باشد و از تسلط آن‌ها بر مناصب و مقامات کشوری و لشکری خشمگین بودند و تقریباً همه آن‌ها مطالب «روسو» را درباره اراده ملت خوانده بودند، مقاومت در مورد نوشتن مقدمه‌ای بر قانون اساسی جدید نکردند و این مقدمه عبارت از اعلامیه‌ای بود که ظاهراً موجب تکمیل انقلاب می‌شد (دورانت، ۱۳۷۰: ۳۰ - ۲۹).

اهمیت «اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیر فرانسه» از آن روست که در آن برای اولین بار تعریف‌های حقوقی دقیقی از آزادی به معنای اعم و هم‌چنین «آزادی ارتباطات» به صورت عام و «آزادی مطبوعات» به صورت خاص ارائه و حدود آن‌ها مشخص شده است.

در اینجا برخی از مواد این اعلامیه را که ضامن آزادی، برابری و برادری شناخته شده است، مرور می‌کنیم:

⁵ La Fayette

— ماده یک: افراد بشر آزاد متولد شده‌اند و همیشه هم آزاد خواهند بود و در حقوق با یکدیگر مساوی هستند (دورانت، ۱۳۷۰: ۳۰).

— ماده چهار: آزادی عبارت است از انجام هرکاری که به دیگری لطمه وارد نسازد. بنا براین اعمال حقوق طبیعی هر شخص محدودیتی جز آنچه برای تأمین حقوق طبیعی اعضای دیگر جامعه در نظر گرفته شده است ندارد و این محدودیت‌ها را فقط قانون معین می‌کند.

— ماده ۱۰: هیچ‌کس را نمی‌توان به سبب عقاید وی، حتی عقیده مذهبی مورد تعقیب قرار داد، به شرط این که ابراز این عقیده، مخل نظم عمومی نگردد (معمدنژاد، ۱۳۷۹: ۱۹۵).

— ماده ۱۱: آزادی فکر و عقیده یکی از حقوق گرانبهای بشری است. پس هر شهروند مجاز است که آزادانه هر چه بخواهد بگوید، بنویسد و چاپ کند مگر این که از آزادی سوء استفاده کند که در این صورت به نحوی که قانون معین کرده است، مسئول خواهد بود (دورانت، ۱۳۷۰: ۳۰).

همانطور که مشاهده می‌شود، در ماده ۱۱ این اعلامیه یک نظام تنبیهی برای مشخص کردن مواردی پی‌ریزی شده است که مطبوعات با سوءاستفاده از آزادی آن را به وجود می‌آورند. بر مبنای این ماده، آزادی اصولاً بر قانون استوار است و موجودیت و حراست آن نیز به وسیله قانون تأمین می‌شود و بنابراین بین اندیشه مسئولیت و اندیشه آزادی ارتباط عمیقی وجود دارد (معمدنژاد، ۱۳۷۹: ۱۹۶).

انتخابات مجلس انقلابی دوم، پس از پیروزی انقلاب زمان دیگری بود که حضور مؤثر روزنامه‌نگاران و مطبوعات را بار دیگر نشان داد. این انتخابات با ذوق و شوق و تحت نظارت روزنامه‌نگاران انجام گرفت. از آنجا که سانسور مطبوعات تقریباً از بین رفته بود، روزنامه‌نگاران در سیاست مردم نفوذ زیادی یافته بودند، افرادی مانند: «بریسو»، «لوستالو»، «مارا»، «دمول»، «فررون» و «لاکلو» هر یک روزنامه‌ای برای

⁶ Freron

0

⁶ Lacos

1

دفاع از خود داشتند. پاریس به تنهایی در ۱۷۹۰، ۱۳۳ روزنامه داشت و صدها روزنامه هم در شهرستان‌ها انتشار می‌یافتند که تقریباً همه آن‌ها سیاستی افراطی داشتند. «میرابو» به شاه گفته بود که اگر بخواهد تخت یاسر خود را حفظ کند باید تعدادی از روزنامه‌های مردم پسند را بخرد. بعدها «ناپلئون»^۶ گفته بود: «اشراف دیرین اگر توانسته بودند بر مطبوعات و انتشارات مسلط شوند، بر سر کار باقی می‌ماندند... اختراع توپ به نظام ملوک الطوائفی پایان داد، قلم روش جدید را از میان خواهد برد» (دورانت، ۱۳۷۰: ۴۳).

سال ۱۷۹۳ به دلیل وقوع حاکمیت دوره وحشت، سال اعمال محدودیت و سازسور بر مطبوعات بود. درطول دوره ترور که از ۱۷ سپتامبر ۱۷۹۳ آغاز شد و تا ژوئیه ۱۷۹۴ و زمان اعدام «روبسپیر»^۶ (انقلابی معروف فرانسه) ادامه یافت، روزنامه‌هایی که به افراد و جناح‌های مختلف تعلق داشتند یا در مقام مخالفت با وحشت حاکم بر می‌آمدند و یا از طرفداران آن بودند. روبسپیر به عنوان یک رهبر انقلابی به بهانه آنکه دولت هنوز گرفتار خیانت، توطئه و فساد است تلاش خود را معطوف به گسترش دامنه ترور و وحشت می‌کرد و از سوی دیگر «کامی دمون»^۶ روزنامه‌نگاری که روزگاری منشی انقلابی معروف «دانتون»^۶ بود، روزنامه خود را به نام «کورد لیئه پیر»^۶ سخنگوی افراد با گذشت و یا صلح جویانی کرده بود که خواهان پایان دادن به دوره وحشت بودند (دورانت، ۱۳۷۰: ۹۷). در گیرودار جنگ قدرت بین دو تن از رهبران انقلاب یعنی روبسپیر و دانتون، قرعه فال به نام دانتون افتاد تا به نفع حریف از عرصه قدرت حذف شود. اعدام دانتون و روزنامه‌نگارانی چون «دمولن»^۶ صرف نظر از تأثیراتی که بر موازنه قدرت داشت، بار دیگر وحشت را بر همه جا حکم فرما ساخت و مطبوعات و تماشاخانه‌ها تحت نظارت شدید قرار گرفتند (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۰۱). سیر تاریخی آزادی مطبوعات فرانسه در فاصله سال‌های ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۴ نشان می‌دهد با وجود آنکه در اوایل انقلاب بر اثر آزادی قلم، جراید

⁶ Napoleon	2
⁶ Robespierre	3
⁶ Danton	4
⁶ Leveau Condelier	5

بسیاری ظهور کردند و تأثیر زیادی بر مردم داشتند، اما فضای مناسبی که در اوایل دوره کنوانسیون (مجلس سوم ۱۷۹۲) به حد اعلی رسیده بود، در دوره ترور به کلی منسوخ شد و جز جراید یکی از احزاب به نام «مونتا نیار»^۶ هیچ روزنامه‌ای حق مداخله در سیاست را نداشت (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴: ۴۷۱).

پس از مدتی دوران احتضار کنوانسیون در ۱۷۹۵ فرا رسید. در این دوره، قانون اساسی دیگری تدوین شد که تفاوت‌های زیادی با قانون اساسی دمکراتیک ۱۷۹۳ داشت. طبق قانون اساسی جدید، اعلامیه حقوق بشر و شهروند (۱۷۸۹) مورد تجدید قرار گرفت تا جلوی افکار و عقاید مردم درباره قدرت گرفته شود. در این قانون تأکید شده بود که آزادی مذهبی و آزادی مطبوعات تا حدود اطمینان بخش بر قرار خواهد شد (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۱۱ - ۱۱۰).

بار دیگر در تاریخ سیاسی فرانسه و این بار بعد از انقلاب، دوره‌ای فرا رسید که آزادی مطبوعات همچون گذشته کمرنگ شد. در ۲ نوامبر ۱۷۹۵ دولت جدیدی روی کار آمد که مرکب از پنج هیئت بود. قوه مجریه توسط هیئت مدیره (دیرکتوار) اداره می‌شد که به زودی به صورت شاخه مهم حکومت درآمد. در دوران فعالیت این هیئت که تا ۹ نوامبر ۱۷۹۹ به طول انجامید، رسماً ۴۵ روزنامه توقیف شدند و با دستگیری و توقیف چند روزنامه‌نگار، آزادی مطبوعات به مدت یکسال الغا شد (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۱۳).

زمانی که ناپلئون بناپارت بر اریکه قدرت نشست و رهبری فرانسه را به عهده گرفت آزادی مطبوعات همچون دوران ترور و دوران حاکمیت هیئت مدیره رفته رفته کاهش یافت. در آغاز دوره قنسولی ناپلئون در اواخر سال ۱۷۸۹، ضربتی بر جراید وارد آمد. از ۷۳ روزنامه‌ای که در پاریس منتشر می‌شد در روز کودتای «برومر» ۶۰ جریده توقیف شدند و از ۱۳ جریده‌ای که باقی ماند در سال ۱۸۱۱ فقط چهار روزنامه اجازه انتشار داشتند که عبارت بودند از: روزنامه امپراطوری که سابقاً جریده «دبا»^۷ نام داشت و دارای ۳۲ هزار مشترک بود. «گازت دو فرانس»، «مونتپور» و روزنامه «پاریس»

⁶ Montagnard

6

⁶ Deba

7

که سردبیر آن‌ها را امپراطور معین می‌کرد و هیچ مقاله‌ای بدون اجازه ممیز اداره نظمیّه منتشر نمی‌شد. در ژوئیه ۱۸۰۸ روزنامه "گازت دو فرانس"، مکتوبی را که از آلمان رسیده بود و در آن نسبت به صمیمیت اتحاد فرانسه و پروس تردیدی ابراز شده بود، منتشر کرد. به دستور ناپلئون مدیر آن پس از انفصال از خدمت یک ماه حبس شد. در شهرهای دیگر نیز جز چند روزنامه معین هیچ جریده‌ای حق انتشار نداشت و هر شهر معتبری جز یک جریده نمی‌توانست داشته باشد و مندرجات آن هم تحت تفتیش و نظارت حاکم بود و جز اطلاعات و اخبار جاری و خبر عروسی و عید و عزا چیزی را منتشر نمی‌ساخت.

برخورد ناپلئون با مؤلفین کتاب هم بر همین منوال بود. در سال ۱۸۱۰ از انتشار ترجمه "مزامیر داوود" جلوگیری شد. در دوران او عده طبع کنندگان هم تقلیل یافت. هیچ‌کس بی جواز حق نداشت به شغل حروف چینی اشتغال یابد و هیچ‌کس بدون اجازه مخصوص، حق دایر کردن مطبعه نداشت. به نظر ناپلئون فقط معتمدین دولت حق مداخله در کار چاپ را داشتند (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴: ۵۵۹).

دوران امپراطوری ناپلئون سرشار از حوادث و رویدادهایی بود که سرنوشت فرانسه را برای سال‌های بعد رقم زد. با مطالعه انقلاب فرانسه و سال‌های پس از آن، در می‌یابیم که در فاصله زمانی طولانی پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه و برقراری جمهوری سوم در این کشور که در اوایل دهه ۱۸۷۰ صورت گرفت، آزادی مطبوعات وضع ثابتی نداشت. در طول چند دهه به دنبال سقوط سلطنت و ایجاد جمهوری اول (۱۷۹۱)، روی کار آمدن ناپلئون بناپارت و تأسیس امپراطوری اول (۱۸۱۴ - ۱۷۹۹)، بازگشت سلطنت و پادشاهی سه پادشاه در فاصله ۱۸۴۸ - ۱۸۱۴، برقراری جمهوری دوم در تاریخ قدرت یافتن لویی بناپارت و ایجاد امپراطوری دوم (۱۸۷۰ - ۱۸۵۱)، چندین اعلامیه حقوق و قانون اساسی و قانون و فرمان و تصویب نامه مطبوعاتی منتشر شد اما در تمام این دوره‌ها آزادی مطبوعات متزلزل بود، قانون اساسی ۱۸۷۵ جمهوری سوم فرانسه، در مورد آزادی مطبوعات ساکت بود. در این قانون هیچ اعلامیه حقوقی درج نشده بود و حتی به اعلامیه‌های حقوقی قبلی هم اشاره نشده بود. در عین حال یکی از نخستین قوانین مهم جمهوری سوم فرانسه، قانون آزادی

مطبوعات بود که در ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ به تصویب رسید. این قانون که به «بنای آزادی گرای» معروف شده است و هم اکنون نیز در این کشور اجرا می شود، جانشین ۴۲ قانون، فرمان و تصویب نامه قبلی شد. هدف اصلی قانونگذاران فرانسه از تصویب آن، تأمین حداکثر آزادی روزنامه‌ها و ایجاد یک نظام «مسئولیت مطبوعاتی» بود، چنان نظامی که حکومت‌ها به هیچ وجه نتوانند آن را برای مقید ساختن مطبوعات دست‌آویز قرار دهند.

دردوره بعد از جنگ جهانی دوم در قانون اساسی جمهوری چهارم (۱۹۴۶) بر خلاف قانون اساسی جمهوری فرانسه که به اعلامیه «حقوق بشر و شهروند انقلاب» ۱۷۸۹ بی توجه مانده بود، این اعلامیه مقدمه قانون مذکور قرار گرفت و در مورد قانون اساسی جمهوری پنجم این کشور (مصوب ۱۹۵۸) هم این رویه تکرار شد. به همین لحاظ در حال حاضر ماده ۱۱ اعلامیه یاد شده درباره آزادی ارتباطات و مطبوعات، مبنای حقوقی اصلی این آزادی محسوب می‌شود (معتدنزاد، ۱۳۷۹: ۲۰۰ - ۱۹۷).

آمریکا

رویداد دیگری که زمینه آزادی مطبوعات را در غرب بیش از پیش فراهم کرد و به همین دلیل توجه به آن در بررسی تاریخی آزادی و سائل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات ضروری است، انقلاب آمریکا است. نخستین انقلابی که به دست عده‌ای از افراد بشر برای حفظ حقوق خود در مقابل استعمار و حکومت استبدادی ناشی از آن که در آن زمان بر جهان حکم‌فرما بود، عملی و به استقرار حکومت جمهوری منجر شد و با صدور اعلامیه استقلال چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ به دنیا نشان داد که افراد جامعه دارای حقوق اجتماعی و آزادی فردی هستند و دیگر اصول حقوق الهی سلطنت طرفداری ندارد و باید جای خود را به اصول حقوق طبیعی و قرار داد اجتماعی که از طرف فلاسفه بزرگ مانند لاک و منتسکیو پیشنهاد شده، تسلیم کند؛ زیرا حکومتی قابل دوام است که اختیارات خود را از قاطبه ملت دریافت کند (شیبانی، ۱۳۳۸: ۱). برای بررسی ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا در زمان پیش از انقلاب که به عنوان یکی از مستعمره‌های انگلستان در جهت منافع و مصالح استعمارگر بزرگ تاریخ مورد بهره‌کشی قرار داشت، نگاه کوتاهی به این کشور در آستانه انقلاب

می‌اندازیم. زمره‌های انقلاب آمریکا در زمانی شنیده شد که از نظر اوضاع سیاسی هر یک از ۱۳ مستعمره، دارای استقلال داخلی خاصی بودند و این استقلال از طرف پادشاه انگلستان به هنگام تأسیس مستعمره به موجب فرمانی تضمین می‌شد. در ۹ مستعمره فرماندار و اعضای هیئت دولت از طرف پادشاه تعیین می‌شد و در ۴ مستعمره دیگر فرماندار و دستگاه حاکمه را خود اهالی انتخاب می‌کردند، ولی در همه مستعمرات نمایندگان مجلس ملی از طرف اهالی انتخاب می‌شدند و از وظایف اصلی مجالس ملی و وضع مالیات و اجاره مخارج کشور بود. قضاات نیز از طرف اهالی تعیین می‌شدند؛ به همین دلیل از نظر اداری و سیاسی مستعمرات انگلستان در آمریکا دارای نوعی آزادی و استقلال داخلی نسبی بودند، منتهی وجود استقلال داخلی مانع از این می‌شد که با یکدیگر متحد شوند و تمام کوشش‌هایی که برای وحدت مستعمرات بکار می‌رفت مانند تشکیل اتحادیه انگلستان جدید در قرن هفدهم، به جایی نمی‌رسید.

از نظر اجتماعی نیز عواملی وجود داشت که مانع از اتحاد ایالات بود. مهم‌ترین این عوامل نخست عدم و سایل ارتباطی بین مستعمرات مانند فقدان و سایل نقلیه و خرابی راه‌ها بود که مسافرت را کاری بسیار دشوار ساخته بود و دیگر وجود اختلافات دائمی مرزی بین مستعمرات بود؛ به نحوی که در هر مستعمره برای واردات از سایر مستعمره‌ها حقوق گمرکی وضع شده بود. هم چنین می‌توان به وجود اختلافات شدید طبقاتی بین مالکان بزرگ و عموم مردم از یک سو و روشنفکران و مردم عادی از سوی دیگر اشاره کرد. از نظر مذهبی نیز اختلافات گسترده‌ای بین مستعمرات وجود داشت. بر خلاف انگلستان که در آن مذهب «انگلیکان» نفوذ زیادی داشت، در آمریکا مذاهب مختلفی دیده می‌شد و در حالی که روحانیون انگلستان اطاعت از هیأت حاکمه را توصیه می‌کردند، مخالفین آن‌ها طرفدار تئوری قرار داد اجتماعی بودند (شیبانی، ۱۳۳۸: ۵۳ - ۵۱).

جرقه‌های انقلاب از زمانی آغاز شد که انگلستان به وضع قوانین جدیدی پرداخت که حیطة عمل و اختیار ۱۳ مستعمره آمریکا را محدود می‌کرد. از جمله این قوانین می‌توان به مقررات گمرکی اشاره کرد که برای تثبیت اوضاع بازرگانی و

به کارگیری انواع مالیات‌های مختلف وضع شد و اعتراض بازرگانان آمریکایی را برانگیخت. اما حرکت دیگری که در سال ۱۷۶۵ از سوی انگلستان زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب را تشدید کرد، وضع «مالیات تمبر»^۶ بود که اعتراض دسته جمعی مستعمرات را به همراه داشت. به موجب این قانون هر حکمی که از دادگاه‌های مرکز و مستملکات صادر می‌شد و هم چنین برات‌های تجارتهای باید در روی کاغذ با نشان مخصوص دولتی نوشته می‌شد و منافع حاصله از فروش این نوع کاغذی‌های تمبردار که از طرف دولت منتشر می‌شد به خزانه آن واریز می‌گردید (شیبانی، ۱۳۳۸: ۵۹).

یکی از موارد ده‌گانه وضع عوارض به شکل تمبر پست، انتشارات از جمله کتاب بود. بدین ترتیب که هر کس در مستعمره‌های آمریکایی کتاب چاپ می‌کرد، باید مبلغی تمبر به آن می‌چسباند و آن تمبر به وسیله مأمور وصول عوارض باطل می‌شد. به طوری که در سال ۱۷۶۵، مأمورین وصول عوارض به شکل تمبر پست، از یک کتاب انجیل که به تازگی در آمریکا چاپ شده بود عوارض کلانی دریافت کردند (مشیری، ۱۳۴۹: ۴۹). واکنش مخالفت‌آمیز از سوی اکثریت جمعیت آمریکا نسبت به این قانون به حدی بود که به محض انتشار قانون تمبر در آمریکا، تمام طبقات حتی آنهایی که طرفدار جدی انگلستان بودند برضد آن قیام کردند. به عقیده مخالفین با وضع مالیات جدید، انگلستان رسماً اصول قانون اساسی کشور را پایمال کرده بود (شیبانی، ۱۳۳۸: ۵۹).

اعتراض و مخالفت همگانی، سقوط کابینه انگلستان در سال ۱۷۶۵ را به دنبال داشت و هر چند که نخست وزیر جدید «روکینگ هام»^۶ توانست زمینه لغو قانون تمبر را در سال ۱۷۶۶ توسط پارلمان انگلیس فراهم کند، اما انگلستان در سال ۱۷۶۷ مالیات جدیدی برای واردات کاغذ، شیشه و چای وضع کرد و برای دریافت آن مأمورین گمرکی به بنادر آمریکا از جمله بندر «بوستون»^۷ اعزام شدند و پس از مدتی برخورد‌های خشونت‌آمیز بین دو کشور آغاز شد (شیبانی، ۱۳۳۸: ۵۳ - ۵۱).

6 Stamp Act	8
6 Rociingham	9
7 Boston	0

از زمان مخالفت آمریکا با قانون مالیات تمبر، فکر کسب استقلال کامل در بین روشن‌فکران و توده مردم آمریکا رخنه کرد و درگیری‌ها و مخالفت‌ها تا بدان جا پیش رفت که سرانجام اعلامیه استقلال از طرف ۱۲ مستعمره آمریکا در مقابل یک رأی مخالف در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ به تصویب رسید و بدین ترتیب استقلال آمریکا رسماً اعلام شد (شیبانی، ۱۳۳۸: ۷۲ - ۷۰). هم‌زمان با این پیروزی و استقلال یکی از مهم‌ترین مستعمره‌های انگلستان، آزادی مطبوعات در ایالات متحده به عنوان یک حق طبیعی مورد توجه قرار گرفت. در اصل ۱۲ اعلامیه حقوق ایالت ویرجینیا مصوبه ۱۷۷۶ برای نخستین بار در جهان آزادی مطبوعات رسماً تضمین شد. طبق این اصل «آزادی مطبوعات یکی از مستحکم‌ترین سنگرهای آزادی است و هرگز جز به وسیله حکومت‌های استبدادی محدود نمی‌شود» (معتدنازاد، ۱۳۷۹: ۱۹۱ - ۱۹۰).

در خلال جنگ‌های استقلال، همه طبقات اجتماعی از جمله روزنامه‌نگاران و به تبع آنان مطبوعات نقش مؤثری به عهده داشتند. در این زمینه می‌توان به نقش «توماس پین»^۷ شاعر گمنام انگلیسی اشاره کرد که با انتشار نشریه‌ای به نام «عقل سلیم»^۷ که زبان بسیار ساده‌ای داشت، انقلابی در آمریکا به پا کرد. او بیانی ساده و قلم بی‌پروایی داشت و با انتشار مقالاتی آتشین احساسات مردم را به جنبش در می‌آورد (مشیری، ۱۳۴۹: ۷۴).

با این حال به رغم حضور مؤثر مطبوعات، در اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و قانون اساسی این کشور (۱۷۸۷) اشاره‌ای به آزادی مطبوعات نشده بود؛ و به دلیل وجود پاره‌ای از نقائص از جمله بی‌توجهی به اصل آزادی مطبوعات بود که در سال ۱۷۹۱ نخستین اصلاحیه این قانون که ۱۹ الحاقیه جدید به قانون اساسی می‌افزود، تصویب شد. در میان نکاتی که به فوریت به قانون اساسی اضافه شد و در حقیقت جز قانون اساسی همیشگی در آمد، آزادی فردی، آزادی مطبوعات و منع کنگره از انتخاب یک مذهب رسمی دیده می‌شد (شیبانی، ۱۳۳۸: ۹۹) و بدین ترتیب با تلاش‌های

⁷ Thomas Paine 1
⁷ Common Sense 2

«جیمز مدیسون»^۷ نویسنده اصلاحیه قانون اساسی، در لایحه مطول حقوق مدنی اصول آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و اجتماعات و امنیت قضایی برای مردم آمریکا تأمین شد و راه برخورداری از آزادی‌های بیشتر در عرصه‌های مختلف زندگی هموار گشت (مشیری، ۱۳۴۹: ۷۵). ماده یک نخستین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا تأکید داشت که کنگره هیچ‌گونه قانونی را که شامل برقراری یک مذهب و یا منع مردم از پیروی آزادانه یک مذهب و یا تحدید آزادی و نطق و بیان و مطبوعات و یا سلب حق تجمع مسالمت‌آمیز مردم و یا سلب حق مردم از تظلم به دولت و احقاق حق خویش باشد، تصویب نخواهد کرد (شیبانی، ۱۳۳۸: ۱۵۰). از سوی دیگر برمبنای اصل دوم قانون اساسی که در آن موضوع استقلال ملت در قبال حکومت فدرال مورد توجه قرار گرفته، این حکومت از بخشی از اختیارات از جمله جلوگیری از آزادی نطق، قلم و مذهب در مورد ایالات محروم شده و اجازه دخالت در آن‌ها را ندارد (مشیری، ۱۳۴۹: ۷۶).

فراهم شدن زمینه مساعد برای فعالیت مطبوعات از طریق قوانینی که به آن اشاره شد، باعث گردید که پس از استقلال هم مطبوعات نقش مؤثری به عهده داشته باشند. از جمله پس از ریاست جمهوری «واشنگتن»^۷ و تشکیل کابینه و در زمانی که بین دو تن از نزدیکان رئیس جمهور یعنی «جفرسون»^۷ و «هامیلتون»^۷ اختلاف نظر به وجود آمد، مطبوعات عرصه را برای تاخت و تاز مناسب تشخیص دادند. فدرالیست‌ها [طرفداران هامیلتون] مهم‌ترین روزنامه «فیلا دلفیا» موسوم به «ایالات متحده»^۷ را در اختیار داشتند و جمهوری خواهان [طرفداران جفرسون]، «روزنامه ملی»^۷ را منتشر می‌کردند که چندی بعد روزنامه «اوروا»^۷ جای آن را گرفت و روزنامه جمهوری خواهان شد. هر دو طرف در مطبوعات خود حملات شدیدی به

7 James Medison	3
7 Washington	4
7 Jefferson	5
7 Hamilton	6
7 Gazetle Of Unitted States	7
7 National Gazetle	8
7 Aurore	9

یکدیگر می‌کردند، چنان که در مطبوعات جمهوری خواهان، فدرالیست‌ها را حزب انگلیسی و در مطبوعات رقیب، جمهوری خواهان را حزب فرانسه می‌نامیدند (شیبانی، ۱۳۳۸: ۱۱۹). در این دوران مطبوعات به میزانی بر افکار عمومی تأثیر گذار بودند که مانع از به قدرت رسیدن برخی از چهره‌های سرشناس سیاسی می‌شدند. از جمله، سیاست حزبی «وا شنگتن» و استفاده از فدرالیست‌ها در کابینه موجب شد که در خاتمه دوران ریاست جمهوری در سال ۱۷۹۷ مورد حملات شدید مطبوعات جمهوری خواه قرار بگیرد. به طوری که مجبور شد انصراف خود را از نامزدی ریاست جمهوری اعلام دارد (شیبانی، ۱۳۳۸: ۱۲۰). مطبوعات جمهوری خواه بار دیگر در زمان ریاست جمهوری «جان آدامز»^۸ به هیاهو پرداختند. پس از انتخاب وی به ریاست جمهوری و بروز اختلافات و ناآرامی‌هایی در سطح داخلی و خارجی قوانین جدیدی وضع شد. از جمله به موجب «قانون عصیان»^۹ هر فردی که بر ضد تصمیم دولت به تحریک افراد می‌پرداخت، محکوم به حبس و جریمه می‌شد و انتشار هرگونه مقاله توهین آمیز نسبت به کنگره، رئیس‌جمهور و یا کشور به منظور تحریک بیگانگان به جنگ، قابل تعقیب بود و نویسنده آن محکوم به حبس و جریمه می‌شد. وضع این قانون رسماً تخطی از قانون اساسی بود چون به موجب آن کنگره حق وضع هیچ گونه قانونی که آزادی گفتار و مطبوعات را محدود سازد نداشت. جمهوری خواهان این بار از موقعیت استفاده کردند و دولت را متهم به استبداد نمودند و بر ضد محدودیت آزادی فردی، مطبوعات و حقوق کشور اعتراض کردند (شیبانی، ۱۳۳۸: ۱۲۲ - ۱۲۱).

با گسترش زمینه آزاد فعالیت برای مطبوعات آمریکایی، حضور پر رنگ مطبوعات در اجتماع روز به روز بیشتر شد، به نحوی که در سال‌های اخیر یک آمریکایی بلافاصله پس از این که به عنوان نامزد ریاست جمهوری مطرح می‌شود باید رنج حملات مخالفین خود را که به وسیله رادیو، مطبوعات و تلویزیون متوجه او خواهد شد، تحمل کند؛ بدون شک در این جریان هیچ یک از جنبه‌های زندگی خصوصی او

⁸ John Adams 0
⁸ Sedition Act 1

از نظر تیزبین مخالفین مخفی نمی ماند و یا کارهای اجتماعی، نوع قضاوت ها و وعده های او فراموش نمی شود (مشیری، ۱۳۴۹: ۱۱۰). تاریخ مطبوعات آمریکا نشان می دهد که در این کشور برای اندیشه های آزادی گرایي که در ممالک قاره اروپا در طول قرن ۱۹ با موانع متعددی برخورد داشتند، زمینه کاملاً مساعدی وجود داشت. به همین جهت اصول آزادی گرایي از همان زمان استقلال رو به پیشرفت گذاشت. قوانین اساسی آمریکا در عین حال که آزادی مطبوعات را تضمین کرده اند، مواردی را که با سو استفاده از این آزادی را هم مشخص کرده اند. به همین دلیل محدودیت های آزادی بیان و مطبوعات که مخالف قانون اساسی نیستند، چهار زمینه مهم را در بر می گیرند: ۱- حمایت افراد علیه افترا و اهانت ۲- حمایت جامعه علیه اشاعه مطالب مستهجن ۳- حمایت دولت علیه تشنجات داخلی ۴- حمایت دولت علیه تجاوزات خارجی. در ادامه باید از تصویب چهاردهمین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا در سال ۱۸۶۸ یاد کنیم که بر اساس آن دولت های ایالتی از وضع یا اجرای هرگونه قوانین محدود کننده مزایا و مصونیت شهروندان آمریکایی، منع شده اند تا سنگ بنای آزادی مطبوعات بیش از پیش استوار شود (معتدنزاد، ۱۳۷۹: ۱۹۳ - ۱۹۲). سنگ بنایی که برای اولین بار پایه های آن قبل از انقلاب آمریکا در ۱۳ مستعمره آن تحکیم شد. در واقع می توان گفت جوهر و کیفیت هر چه که امروز از آثار دموکراسی در آمریکا دیده می شود همان است که در ۱۳ کوچ نشین اولیه به وجود آمد. در این کوچ نشین ها روش دموکراسی از طرف اکثریت مردم پذیرفته شد و در تمام مستعمرات کسی نبود که به برقراری و حفظ دموکراسی علاقه نداشته باشد (مشیری، ۱۳۴۹: ۳۸).

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، خاستگاه آزادی مطبوعات در غرب مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین تحولاتی که در سه کشور انگلستان، فرانسه و آمریکا به عنوان مهد شکوفایی مطبوعات آزاد مطالعه و تحلیل شد و برآیند این تحولات که در وضع قوانین حامی آزادی مطبوعات خود را نشان داد، مورد ارزیابی قرار گرفت. در این بررسی‌ها با استفاده از روش تحقیق تاریخی، سیر تغییر و تحولات جوامع مورد بحث در طول دوره‌هایی از رخ دادن وقایع مهمی چون انقلاب‌های دموکراتیک، مورد مطالعه قرار گرفت؛ به نظر می‌رسد با توجه به یافته‌های تحقیق، این انقلاب‌های دموکراتیک و ساز و کارهایی که منجر به آن شدند، تأثیر بسزایی در آزادتر شدن فعالیت‌های مطبوعاتی در غرب گذاشتند. البته دوره‌هایی از توقف و یا حتی پسرفت در این عرصه قابل مشاهده است اما روند کلی مثبت و رو به جلو بوده است.

مرور و وضعیت مطبوعات در غرب، بر اساس تحولات سیاسی، اجتماعی جوامع غربی از سه دوره متفاوت حکایت می‌کند. مطبوعات استبدادی، حاصل روزگاری است که استبداد بر فضای سیاسی و جوامع غربی حاکم بود و منافع و مصالح حکومت‌های استبدادی، حضور سانسور بر عرصه‌های گوناگون زندگی را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. بروز تحولات اجتماعی و به تبع آن تغییرات سیاسی جلوه دیگری از مطبوعات را به نمایش گذاشت که آن را مطبوعات عقیدتی و سیاسی نامیدند که دفاع از توده‌های مردم و بازنشر دیدگاه گروه‌ها و احزاب سیاسی را به عهده داشت و در نهایت برجسته شدن قدرت و ثروت در دنیای غرب به عنوان دو رکن اساسی جامعه، مطبوعات تجاری و خبری را ایجاد کرد که به دنبال نشر ارزش‌ها و اصول دموکراسی، بازار و اقتصاد آزاد و آزادی‌های فردی و اجتماعی بودند. به همین دلیل در دنیای امروز به‌ویژه نزد کشورهای غربی که در اصول و قوانین خود جایگاه ویژه‌ای برای آزادی انسان‌ها در نظر گرفته‌اند، مطبوعات و رسانه‌های آزاد مورد حمایت قرار می‌گیرند زیرا امکان تحقق آزادی بیان را فراهم می‌کنند. بدون تردید نقش فیلسوفان سیاسی و متفکرانی که در طول تاریخ از فکر آزادی حمایت کرده‌اند و مروج اندیشه آزادی بوده‌اند، انکارشدنی نیست. همچنین تحولات سیاسی و اجتماعی که در غرب راه را برای استقرار

آزادی‌های فردی و اجتماعی گشود و به رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از سازمان‌های پیچیده و مهم جامعه این فرصت را داد تا در نقش واقعی خود و در قالب اطلاع‌رسانی، حراست از محیط، آموزش و تفریح و سرگرمی ظاهر شوند و با نقد کانون‌های قدرت پاسدار آزادی در جامعه باشند.

در پایان باتوجه به مطالبی که ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت تأثیر «انقلاب‌های دموکراتیک» بر روند جریان آزاد اطلاعات و آزادی مطبوعات از آن رو قابل توجه است که در طول قرن نوزدهم، تمام قوانین اساسی کشورهای اروپایی، آزادی مطبوعات را بر مبنای اصول مندرج در اعلامیه‌های حقوق ایالات متحده آمریکا و فرانسه و اغلب با عباراتی شبیه ماده ۱۱ «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» انقلاب کبیر ۱۷۸۹ به رسمیت شناختند. این روند به اشکال مختلف و توسط قوانین بین‌المللی متعدد در طول قرن بیستم ادامه یافت و هنوز هم مدافعان آزادی بیان و رسانه‌های جمعی برای ایجاد و حفظ فضای آزاد اطلاعات و تضمین آن توسط دولت‌ها تلاش می‌کنند.

منابع

- ۱- اسدی، علی (۱۳۷۱). «تنگناهای مطبوعات ایران». مجموعه مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۲- بدیعی دزفولی، مینو (۱۳۷۱). «بررسی مسائل مدیریتی و تخصصی و آموزشی در مطبوعات ایران». مجموعه مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۳- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، ج ۲. چاپ دوم. تهران: نشرنی.
- ۴- دورانت، ویل (۱۳۶۹). تاریخ تمدن، ج ۸، عصر لویی چهاردهم. ترجمه پرویز مرزبان، ابوطالب صارمی. عبدالحسین شریفیان. چاپ دوم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۵- دورانت، ویل (۱۳۷۰). تاریخ تمدن، ج ۹. عصر ولتر. ترجمه سهیل آذری. چاپ سوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۶- دورانت، ویل (۱۳۷۰). تاریخ تمدن، ج ۱۰، روسو و انقلاب (بخش دوم). ترجمه ضیاء الدین طباطبایی. چاپ دوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۷- دورانت، ویل (۱۳۷۰). تاریخ تمدن، ج ۱۱، عصر ناپلئون. ترجمه اسماعیل دولتشاهی، علی اصغر بهرام بیگی. چاپ سوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۸- ریگین، چارلز، (۱۳۸۸). روش تطبیقی (فراسوی راهبرد های کمی و کیفی) ترجمه محمد فاضلی. چاپ اول. تهران: نشر آگه.
- ۹- شیبانی، مجیر (۱۳۳۸). انقلاب و استقلال آمریکا. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- علینی، احسان و بیژنی، مریم (۱۴۰۰). خاستگاه آزادی مطبوعات در غرب. چاپ اول. تهران: مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان.
- ۱۱- کهن، گوئل (۱۳۷۱). «شناخت جایگاه مطبوعات کنونی ایران در بستر نظریه پردازی‌های مطبوعاتی و فرآیند رشد و توسعه ملی». مجموعه مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- ۱۲- ماله، آلبر و ایزاک، ژول (۱۳۶۴). تاریخ قرن هجدهم: انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون. ترجمه رشید یاسمی. چاپ ششم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۱۳- محیط، مرتضی (۱۳۸۱). «دیدگاه‌های مارکس درباره مطبوعات و سانسور». روزنامه همشهری. دوشنبه ۲۶ اسفند.
- ۱۴- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات بعثت.
- ۱۵- مشیری، ابوالقاسم (۱۳۴۹). تاریخ سیاسی آمریکا. چاپ اول. تهران: انتشارات اشرفی.
- ۱۶- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۶۸). روزنامه نگاری با فصلی جدید در بازنگری روزنامه نگاری معاصر. چاپ سوم. تهران: نشر سپهر.
- ۱۷- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۹). حقوق مطبوعات، ج ۱. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۸- موروا، آندره (۱۳۶۶). تاریخ انگلستان؛ از آغاز تا امروز. ترجمه: عنایت الله شکیبائی پور. چاپ دوم. تهران: انتشارات جمهوری.

منابع لاتین

1. Brinton, Crane (1965). *The Anatomy of Revolution*. New York: Vintage Books.
2. Hill, Christopher (1987). *The English Revolution, 1640*. New Edition. London: Lawrence & Wishart Ltd.
3. Jones, Aled (1996). *Powers of the Press*. London: Routledge.
4. Marx, Karl (1974). *On Freedom of the Press and Censorship*. New York: Mcgraw-hill Inc
5. McQuail, Denis (1983). *Mass Communication Theory: An Introduction*. First Edition. New York: SAGE Publications.
6. Tocqueville, Alexis de (1983). *The Old Regime and the French Revolution*. New York: Anchor Books.
7. Walker, Andrew (2006). "The Development of the Provincial Press in England c. 1780 – 1914". *Journalism Studies*. Vol. 7 (3): 373 – 386.

داریست‌های سیاسی - رسانه‌های طبقه متوسط جدید در راستای
ساخت یا تسخیر دولت تسهیل‌گر در ایران (۱۳۷۶-۱۳۹۶)
فاضل کُرد^۱

چکیده

فرایند دولت‌سازی و هویت‌دولت در ایران (۷۶-۹۶) روندی متمایز از دیگر کشورها داشته است. از آنجا که ساخت و ساز دولت رویه‌ای در کنترل سیاسی است، بنابراین طبقات اجتماعی و از جمله طبقه متوسط جدید برای تسخیر یا دسترسی به دولت، اقدام به داریست‌سازی سیاسی می‌کنند. شکل‌گیری داریست‌های سیاسی برای تسخیر دولت، گاه ناشی از الگو برداری از دولت‌های توسعه‌گرا و گاه ناشی از ایده‌های آرمانی و انقلابی بوده است. در سه دهه اخیر پسا انقلاب، فرصتی اجتماعی- سیاسی برای طبقه متوسط جدید به وجود آمد که اثربخشی خود را بر سازه‌های دولت نشان دهد. منظور از طبقه متوسط جدید، طبقه‌ای دین‌گرا و یا عرف‌گرا، با نگرش‌های سیاسی و فرهنگی و علمی است که بخش بزرگی از بافت اجتماعی ایران را تشکیل داده است. سؤال پژوهش آن است که داریست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در راستای ساخت و یا تسخیر دولت تسهیل‌گر کدامند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که طبقه متوسط جدید از طریق داریست‌های سیاسی همچون مشارکت و رقابت سیاسی در مردم سالاری، رسانه‌های گروهی و همگانی، احزاب و جریان‌های سیاسی، فرهنگ سیاسی، رهبری سیاسی و تکنوکراسی در بوروکراسی، دست به بسیج منابع رأی‌دهی در مشارکت سیاسی و در جهت خلق دولت می‌زند. چارچوب نظری برای تحلیل موضوع، نظریات نوسازی با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با روش تاریخی است.

واژگان کلیدی: طبقه متوسط جدید - مشارکت سیاسی، رسانه‌های گروهی، جریان‌های سیاسی، فرهنگ و رهبری سیاسی، تکنوکراسی در بوروکراسی، دولت حداقل و تسهیل‌گر

۱ - مقدمه

طبقه متوسط جدید در این پژوهش، نیروی اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اداری، مدنی و مشارکت جویی است که در یک پروسه شکل‌گیری از مشروطه تا کنون در بدنه دولت یا خارج از بدنه دولت رشد و ظهور یافته است. این طبقه با تولیدات فکری و دموکراسی خواهی از دیگر طبقات اجتماعی متمایز شده و حجم عظیمی از بافت اجتماعی ایران را تشکیل داده است. طبقه‌ای که در برخورد با نظم سیاسی، رفتارها و جهت‌گیری‌های متنوعی را بر اساس فرصت‌های سیاسی - اجتماعی از خود نشان داده، و شامل روشنفکران، دانشگاهیان و فرهنگیان، مدیران سیاسی و اداری، روزنامه نگاران، نویسندگان و حوزه اندیشه است. تخصص‌گرایی، باسوادی، تحول خواهی، کنش جمعی، و ائتلاف سیاسی از شاخص‌های فکری این طبقه به شمار می‌روند.

با جایگزینی نظم سیاسی در ایران پس از انقلاب، نیروهای نوپدید و نخبگان سیاسی - فکری برای کنترل سیاسی وارد فاز دولت‌سازی به سبک خود شدند. در این فرایند، نیروهای سنت‌گرا با نیروهای طبقه متوسط جدید اعم از دین‌گرا و عرف‌گرا، دست به ائتلاف اولیه زد و ساختار حکومت و دولت را در دستور کار قرار دادند. با گذشت زمان، و با نگرش تاریخی، نزاع برای بقاء میان نیروهای سنت‌گرا و نوگرا، بر سر چگونگی اداره کشور (سیاست داخلی و سیاست خارجی و نحوه توزیع قدرت سیاسی)، به تعارض سنت و مدرنیته دامن زد، و به تسلط نیروهای اسلام‌گرای سنتی منجر گردید. سیاست‌های اقتصادی یک جانبه در دولت نوساز، عدم توسعه سیاسی، رشد باسوادی، رشد شهرگرایی و رشد رسانه‌های گروهی، منجر به باز شدن نسبی فضای سیاسی و فرهنگی و رشد محسوس طبقه متوسط جدید دانشگاهی در دهه هفتاد گردید. مناسبات میان شهروندان عادی با طبقه متوسط جدید و با دولت و در جهت خلق دولت شکل تازه‌ای به خود گرفت. طبقه تحصیل کرده، بروکرات و تکنوکرات، با نگاهی تخصصی بر داریست‌های دولت، مناسبات میان دولت و گروه‌های اجتماعی را بر هم زد، چرا که بخش بزرگی از شاخص‌هایی همچون قانون‌گرایی، شایسته‌سالاری، تخصص‌گرایی، پاسخگویی و شفافیت، جامعه مدنی، از شعارهای

مرتبط با نحله گفتمانی طبقه متوسط جدید و کیفیت دولت سازی بود. با این وجود، تجربیات عینی و عملیاتی در سه دهه اخیر (۹۶-۷۶) حکایت از آن دارد که طبقه متوسط جدید با داربست‌های سیاسی مشخص برای رسیدن به دولت مطلوب و تسهیل‌گر با ناکامی مواجه شده است، در این میان، عناصر مداخله‌گری همچون استقلال دولت از بسترهای اجتماعی، عدم تخصص‌گرایی، ضعف نهادهای مدنی، عدم فرصت‌های برابر اجتماعی، شاخص‌های پوپولیستی و رانتیری، فرایند دولت سازی را سلیقه‌ای کرده بود. بنابراین طبقه متوسط جدید با در نظر گرفتن گشایش گفتگو با نخبگان ابرزاری و با تقویت داربست‌های سیاسی در تلاش بوده است که اثربخشی خود را بر ساخت دولت حداقل و تسهیل‌گر و یا تسخیر آن نشان دهد.

۲- پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش حاضر به عنوان داربست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید و اثربخشی آنها بر ساخت دولت تسهیل‌گر در ایران پس از انقلاب (۷۶-۹۶) تا کنون پژوهشی با این عنوان به نوشتار در نیامده است، بلکه عمده پژوهش‌های صورت گرفته مربوط به رابطه دولت با طبقه متوسط جدید، رویکردهای دولت به طبقه متوسط جدید، ویژگی‌های ساختاری دولت و پژوهش‌های مرتبط با دولت‌های توسعه‌گرا بوده است. حسن مجیدی و محمد رستم پور (۱۳۹۶) به رویکرد دولت به طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند، محور پژوهش آنان مناسبات دولت با طبقه متوسط جدید در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، ویژگی‌های شخصیتی رؤسای دولت و تأثیرپذیری از تحولات جهانی بوده است. در این اثر، دولت تحصیل دار و شخصی شدن قدرت از کلید واژه‌های مهم تحقیق آنان است. نویسندگان مقاله، رویکرد دولت به طبقه متوسط جدید را متأثر از درآمدهای نفتی دولت، ویژگی‌های شخصی و منش رفتاری روسای دولت و شرایط بین‌المللی دانسته‌اند. حسن خواجه (۱۳۹۶) در مقاله میراث‌هاشمی در حوزه اجتماعی- سیاسی، با بررسی گسترش طبقه متوسط جدید، نوسازی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی، دولت نوساز را عامل رشد این طبقه دانسته است. نویسندگان مقاله باور دارند که دولت نوساز سازندگی با نوسازی یک جانبه اقتصادی، پایه‌های رشد طبقه متوسط جدید را

رقم زده است. او معتقد است که رشد طبقه متوسط جدید، بانی روی کار آمدن دولت اصلاحات و انفعال این طبقه، بانی ایجاد دولت اصول‌گرا در سال ۱۳۸۴ بوده است. حیدر شهریاری (۱۳۹۸) در مقاله ویژگی‌های ساختاری دولت در ایران، به ویژگی‌های ساختاری دولت در پس از انقلاب پرداخته و به رابطه بین رشد طبقه متوسط جدید و روند توسعه مردم سالاری اشاره کرده است. یافته‌های تحقیق وی نشان داده است که دولت در ایران پسا انقلاب، دارای ویژگی‌هایی همچون رانتیر و ایدئولوژیک بوده، و با وجود رشد طبقه متوسط جدید، روند مردم سالاری به همان میزان رشد نکرده است. غلامرضا جمشیدی‌ها و سید رحیم تیموری (۱۳۹۶) در مقاله روند تاریخی ظهور دولت توسعه‌گرا در ایران با تأکید بر دوره زمانی پس از جنگ تحمیلی بر این باورند که روند تغییر محیط اقتصادی و اجتماعی، دامنه جغرافیا، تنوع کارکردی بیشتری به دولت توسعه‌گرا بخشیده و سنخ‌های متفاوتی از دولت‌های توسعه‌گرا را در میان مناطق جغرافیایی به وجود آورده است. آنان بر این باورند که اگر چه ایران فاقد اصلی‌ترین ویژگی‌های دولت توسعه‌گرای جدید است، اما به مانند سایر کشورهای هم‌نوع در یک بستر تاریخی شکل و تکوین یافته است.

علیرضا ازغندی، حمید ملک پور، مسعود مطلبی (۱۳۹۷) در مقاله بررسی رابطه دولت و طبقه متوسط جدید (۸۴ - ۷۶) بر این فرضیه تکیه داشته‌اند که رشد طبقه متوسط جدید دارای رشد مؤلفه‌هایی هم چون آزادی سیاسی، وضعیت زنان، و پاسخگویی بوده و دولت اصلاحات در ایران نیز تلاش کرده است تا در راستای سیاست‌های معطوف به توسعه سیاسی و از جمله آزادی‌های مدنی، مطبوعات، مبارزه با فساد و کاهش اندازه دولت، در راستای نظرات بخشی از طبقه متوسط جدید حرکت نماید. مسعود غفاری و افسانه ایگدر (۱۳۹۶) در مقاله دولت توسعه‌گرا پیش نیاز حکمرانی خوب، باور دارند که نظریه دولت توسعه‌گرا و ایده حکمرانی خوب، هیچگونه منافاتی با هم نداشته و دولت توسعه‌گرا پیش نیاز حکمرانی خوب است. کار ویژه اصلی این پژوهش، مقایسه دیدگاه‌های عمده در توسعه (توسعه دولت‌گرا و توسعه برآمده از حکمرانی خوب) است. آنان با مقایسه دولت‌هایی همچون کره جنوبی و ژاپن بر این عقیده‌اند که توسعه کشورها، وابسته به مبارزه با فساد، مبارزه با بی قانونی،

اقدام در جهت شفافیت و استفاده از سرمایه‌های جهانی، کنترل اقتصادی، امید به زندگی و خلق نوآوری‌ها بوده است. دلفروز، محمد تقی (۱۳۹۳) عدم اجماع نخبگان در ایران به معنای چرخش‌های پی در پی گفتمانی در دولت‌های ایران بعد از جنگ تحمیلی را مانع شکل‌گیری وفاق بر سر مفهوم توسعه و کنش‌گری دولت توسعه‌گرا می‌داند. او پنج ویژگی نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت‌ها، قدرت دیوانسالاری دولت، جامعه مدنی ضعیف و بستر بین‌المللی مساعد میان ایران و هسته مرکزی دولت‌های توسعه‌گرا در شرق آسیا (سنگاپور، تایوان، کره جنوبی، مالزی) را با هم مقایسه می‌کند. فتاح شریف زاده- رحمت الله قلی پور (۱۳۸۲) در مقاله حکمرانی خوب و نقش دولت، نظریه حکمرانی خوب را با ویژگی‌هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی و اثربخشی و حاکمیت قانون دانسته‌اند. که در آن الگوی برای توسعه پایدار انسانی با سازوکارهای تعاملی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. الگویی که به دنبال نقش حداقل دولت، توانمندسازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی است. آنان بر این باورند که دولت می‌بایستی نقش هماهنگ کننده و تنظیم کننده داشته باشد و بجای تصدی‌گری به تنظیم و تسهیل پردازد، بنابراین برای عملیاتی شدن این الگو، مفاهیم مشارکت، عدالت محوری و پاسخگویی را پیشنهاد می‌کنند. مسعود غفاری- فریبا ترجمان (۱۳۹۴) در مقاله بوروکراسی دولتی و خروج برخی نیروهای متخصص از ایران، به نقش دولت در توسعه پرداخته‌اند و به دیدگاه‌های مربوط به دولت حداقل (تأکید بر جامعه و نقش آنان) و دولت حداکثر (دولت کارگزار توسعه) توجه داشته‌اند. به عبارت دیگر، در پی مفهوم کارآمدی و ناکارآمدی دولت بوده و علت ناکارآمدی دولت‌ها را خروج نیروهای متخصص از کشور می‌دانند. از نگاه آنان، دولت می‌تواند با کاستن از نقش خود و جذب نیروهای متخصص از ناکارآمدی خارج و به دولت کارآمد نزدیک شود. فقیهی، واعظی، عسل‌غاز (۱۳۹۸) در مقاله تاملی بر تعامل بوروکراسی و فرهنگ در ایران به مطالعه ساختار بوروکراسی ایران از منظر فرهنگی می‌پردازند. رویکرد آنان یک نوع بوروکراسی نهادی با ویژگی‌های ساختاری است. نتایج پژوهش آنان نشان از آن دارد که ساختار بوروکراسی ایران با الگوی عقلایی سنتی متفاوت است، ساختاری که از نظر وجود

سلسله مراتب اختیار و تقسیم کار به الگوی عقلایی نزدیک بوده، اما از لحاظ پیروی از قوانین و مقررات و بها دادن به تخصص و نظارت و شایستگی با این الگو فاصله دارد. آنان همچنین باور دارند که عوامل فرهنگی بر ساختار بوروکراسی ایران اثربخش، و توجه به عقلانیت در آن می‌تواند اثربخشی خوبی بر بوروکراسی داشته باشد.

۳- چارچوب نظری و روش پژوهش

در این قسمت از نوشتار به نظریه‌های مربوط نو سازی و رابطه طبقه متوسط جدید و دولت بر اساس این مدل توجه شده است. بر اساس الگوهای مطرح شده توسط اندیشمندان حوزه اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی، عوامل مختلفی بر ساخت دولت مؤثر می‌باشند. یکی از این نظریه‌ها که این عوامل را بر اساس مؤلفه‌های مشترک به هم پیوند می‌زند نظریه‌های نوسازی است.

نظریه نوسازی به مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی، دموکراسی و دولت توسعه‌گرا نگاهی تک خطی دارد. این نظریه مدعی است که با گسترش مدرنیزاسیون، سطح درآمد و سطح با سواد و ارزش گذاری آزادی، افزایش یافته که موجب دموکراتیزه شدن یک جامعه و نهادهای آن خواهد شد (چن و همکاران، ۲۰۱۱، ۷۰۶) بر این اساس، گسترش مدرنیزاسیون، باسواد و آزادی در مشارکت سیاسی، به فرجه شدن طبقه متوسط جدید و کنش جمعی منجر خواهد شد. به عبارت دیگر میان نوسازی اقتصادی و نوسازی سیاسی با رشد طبقه متوسط جدید رابطه معناداری وجود دارد، به این معنا که هر چه سطح مداخله و قدرت نفوذ گذاری طبقه متوسط جدید در بدنه دولت افزایش می‌یابد، دولت توسعه‌گرای سیاسی حالتی عملیاتی بخود می‌گیرد. نظریه نوسازی مدعی است که توسعه یافتگی تقویت کننده مشارکت سیاسی و پایه تغییرات اجتماعی و سیاسی است که منافع طبقه متوسط جدید را در حوزه‌های مدنی، رسانه‌ای، و احزاب سیاسی را تضمین می‌کند. اکثریت تئوری پردازان نظریه نوسازی بر این باورند که صنعتی شدن، شهری شدن، باسواد و توسعه رسانه‌ای به توسعه یافتگی و رشد طبقه متوسط جدید کمک می‌کند. در این میان مهمترین نظریه پردازان نوسازی ساموئل هانتینگتون، دانیل لرنر و مارتین لیپست می‌باشند.

هانتیگتون بر عوامل مختلف و مؤثر در دموکراسی شدن تمرکز می‌کند که در آن توسعه اقتصادی نقش مهم و تأثیر گذاری را بازی می‌کند (هانتیگتون، ۱۳۷۳: ۶۹) او در موج سوم دموکراسی تلاش دارد که زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی را با بازیگران سیاسی و اجتماعی ترکیب نماید و نظریه تلفیقی ارائه دهد (همان) به باور وی توسعه اقتصادی به گسترش طبقه متوسط جدید و کاهش نابرابری می‌انجامد و شکاف اقتصادی را کمتر می‌کند. او معتقد است که تحقق دموکراسی نیازمند نخبگان حاکم منعطف در ساخت قدرت سیاسی است. به طور کلی در نظریه هانتیگتون ترکیبی از زمینه‌های ساختاری (توسعه اقتصادی) - ظهور طبقه متوسط جدید (کارگزاران اجتماعی (نیروهای برخاسته از طبقه متوسط جدید) و سیاسی (نخبگان حاکم) عوامل اصلی گذار به دموکراسی تلقی می‌شوند.

دانیل لرنر نیز مسائل سیاسی- اجتماعی جوامع خاورمیانه‌ای و از جمله ایران را نو سازی و الگوی خطی مبتنی بر تجربه غرب می‌داند. او بر این باور است که رشد شهرنشینی منجر به افزایش سواد و افزایش این دو به افزایش کارایی رسانه‌ای و در نهایت به مشارکت سیاسی می‌انجامد. وی بر این باور است که اکثر مردم کشورها به دلیل الگوی نو سازی سه گانه (شهرنشینی، باسوادی، گسترش رسانه‌های گروهی و همگانی) واجد حس مشارکت جویی می‌باشند (لرنر، ۱۹۵۸) نظریه لرنر از آن جهت دارای اهمیت است که تجربه کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران را با خود به همراه دارد.

مارتین لیپست نیز بر این باور است که پیشرفت و توسعه سرمایه داری، پیش شرط دموکراسی و ثروت اقتصادی موجب توسعه آموزشی، گسترش شهرنشینی، ارتقاء سطح سواد و تقویت رسانه‌های جمعی می‌گردد. وی معتقد است که توسعه اقتصادی به ظهور طبقه متوسط جدید و به تقویت جامعه مدنی و تضعیف دولت منجر می‌شود (لیپست، ۱۳۸۱ : ۱۴). بنابراین، لیپست سرمایه داری را سبب ارتقاء طبقه متوسط جدید و گامی در جهت دموکراسی می‌داند.

روش پژوهش: روش تاریخی با رویکرد توصیفی است که علاوه بر توصیف و تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی و داده‌های تاریخی، بر این امر استوار است که

ماهیت و ابعاد پدیده‌های اجتماعی بر اساس درک روابط، منابع شاهد، یافته‌های مورد مشاهده، تجربیات نوشتاری، در قالب سیر تحول زنجیره‌ای خواهد بود. بنابراین روش تاریخی (HiStorical) شامل مطالعه، درک و شرح رویدادهای گذشته و رسیدن به نتایج مربوط به علل، اثربخشی یا روند رویدادهای گذشته است، چرا که با روشن شدن رویدادهای کنونی به پیش بینی وقایع آینده کمک خواهد کرد. به عبارت دیگر برای رسیدن به واقعیت‌های موجود در پی یافتن داده‌های موجود در یک پژوهش و رسیدن به نتایج قابل دفاع در زمینه‌های تحقیق است. این نوع روش تحقیق با بررسی کتابخانه‌ای بر فهم عمل و کنش جمعی، قابلیت بازسازی عینی و نقش عنصر آگاهی و اخلاقی در یک پژوهش اجتماعی تأکید خواهد داشت.

۴-۴) داربست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در راستای ساخت یا

تسخیر دولت حداقل و تسهیل‌گر در ایران پسا انقلاب

داربست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در این پژوهش، و در راستای ساخت و یا تسخیر دولت تسهیل‌گر، رقابت و مشارکت سیاسی، رسانه‌های گروهی و همگانی، جریان‌های سیاسی، رهبری سیاسی و تکنوکراسی در بوروکراسی می‌باشند.

۱- ۴) مشارکت سیاسی

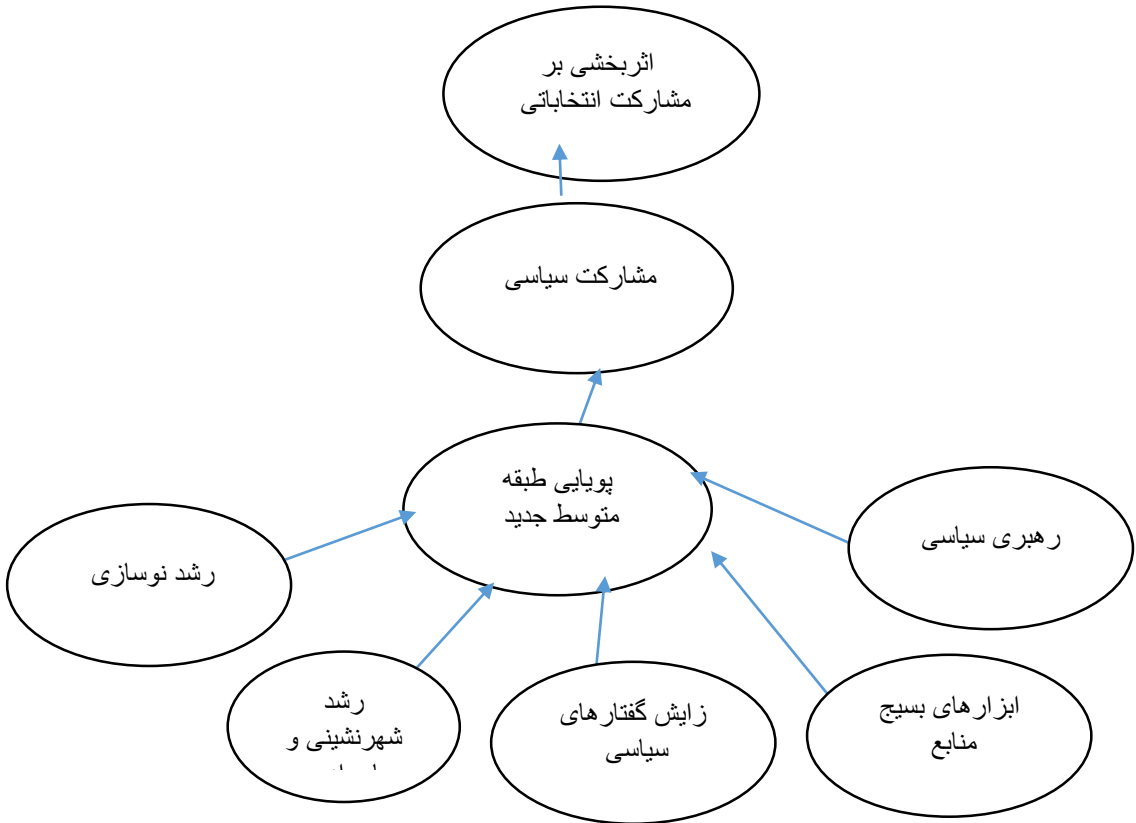
مشارکت و رقابت سیاسی، یکی از داربست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در راستای ساخت یا تسخیر دولت حداقل و تسهیل‌گر در ایران پسا انقلاب بوده است، چرا که نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد اجتماعی و اراده عمومی استوار بوده و مشروعیت و استمرار هر نظم سیاسی وابسته به مشارکت سیاسی مردم در سرنوشت خود، و انتخاب فرمانروایان و حکام در قالب ساخت حکمرانی دولت است. بر این روال مشارکت سیاسی شهروندان برای استقرار مردم سالاری و ساخت دولت امری حیاتی است. در این میان عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از جمله گشایش‌های گفتاری و نوشتاری و فرصت‌های سیاسی، رشد و آزادی رسانه‌ها و احزاب سیاسی ابزارهای مؤثر طبقه متوسط جدید در مشارکت سیاسی و ساخت دولت بوده‌اند. مشارکت سیاسی و رفتار سیاسی از نشانه‌های مردم سالاری و دال مرکزی تصمیم سازی و

ارزش‌گذاری عمومی و افزایش تقاضا برای سهمیم شدن در قدرت سیاسی است، که از این طریق میزان اثربخشی گروه‌ها و طبقات اجتماعی و از جمله طبقه متوسط جدید روشن می‌شود. بر این روال هانتیگتون در نظریه‌نوسازی خود، مشارکت سیاسی را فعالیت شهروندان به منظور تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی دولت می‌داند (هانتیگتون، ۱۳۹۰، ۷۷). در حقیقت مشارکت سیاسی یک نوع تعهد فردی و اجتماعی است که شامل مشارکت در رأی‌دهی در قالب انتخابات و همه‌پرسی و هدایت آن توسط آگاهان سیاسی و اجتماعی در قالب احزاب و جریان‌های سیاسی است. در این میان، مشارکت انتخاباتی، آشکارترین پیوند مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، و دسترسی شهروندان به حقوق دموکراتیک در قالب کنش جمعی و اظهارنظر عمومی بر سیاست‌های عمومی است. از آنجا که محدودیت مشارکت سیاسی و ناکارآمدی دولت‌ها به مشروعیت سیاسی لطمه وارد می‌کند، بنابراین طبقه متوسط جدید نوپا، با صورت‌بندی و هدایت و آرایش نیروهای سیاسی و اجتماعی، به خلق مشارکت سیاسی و ساخت دولت و ثبات مشروعیت سیاسی کمک می‌کند. شکاف نیروهای اسلام‌گرای سنتی با نیروی‌های سکولار در سال‌های اولیه پس‌انقلاب، نوعی رویارویی اسلام‌گرایان فقهی و سنتی با بلوک سکولار (جبهه ملی و نهضت آزادی) بود، با به حاشیه رفتن نیروهای ملی‌گرا، عرف‌گرا و سکولار، حزب جمهوری اسلامی به دال مرکز سیاسی اسلام‌گرایان فقه محور تبدیل گردید. نزاع سیاسی میان اسلام‌گرایان در مورد چگونگی اداره اقتصاد و سیاست خارجی و گاه اختلاف در مسائل دینی بالا گرفت. در این میان دسته‌بندی جدیدی در بستر سیاسی و اجتماعی با نام اسلام‌گرایان چپ مدار و اسلام‌گرایان راست مدار خلق گردید، در ادامه این فرایند سیاسی و با نزدیکی به دهه هفتاد و مصادف با دولت نوساز، منازعات سیاسی شکاف جدیدی را خلق نمود و جریان‌های سیاسی علاوه بر چپ‌گرایی و راست‌گرایی، جریان کارگزاران سازندگی با نام راست مدرن و تکنوکرات، از درون اسلام‌گرایان راست‌گرا زایش نمود، نتیجه آنکه با ائتلاف تکنوکرات‌های دولتی با چپ‌گرایان دینی و نزدیکی به پایگاه اجتماعی طبقه متوسط جدید، مشارکت سیاسی دوم خرداد خلق، و به تقویت نهادهای مدنی منجر گردید.

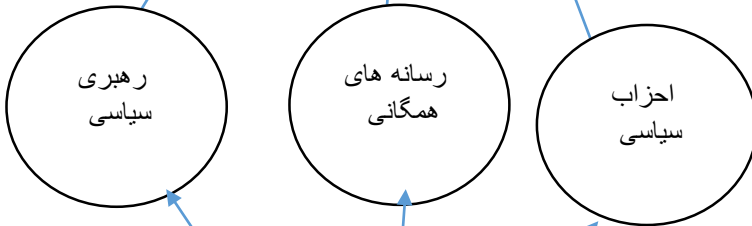
یکی از ملاک‌ها و معیارهای سنجش مردم‌سالاری در جوامع مختلف، مقوله انتخابات و سهمیم شدن مردم در قدرت سیاسی است. در این میان تشریح نقش و گسترش طبقه متوسط جدید و اثربخشی آن در فرایند مردم‌سالاری، مقوله‌ای پذیرفته شده در ایران پسا انقلاب است. اگر نگرش‌ها و گرایش‌های فکری طبقه متوسط جدید را در راستای مفاهیمی همچون حفظ و وضع موجود، منتقد و یا تغییر وضع موجود، توجیه‌گری وضع موجود، و یا رسیدن به وضع مطلوب بدانیم، روشنفکران، دانشگاهیان، مدیران، معلمان، روزنامه نگاران و نویسندگان با عنوان طبقه متوسط جدید، چالشگران و مدعیان رهبری و هدایت‌گری جامعه بوده‌اند. این طبقه بر اساس فرصت‌های سیاسی و اجتماعی به سمت دیگر طبقات اجتماعی مانند فرادست و یا فرودست در جهت بسیج منابع رأی‌دهی تمایل داشته است، چرا که منافع طبقه متوسط جدید در راستای جامعه مدنی (رابطه میان مردم و حاکمیت) توسعه سیاسی (دگرگونی در وضع موجود، نیل به آزادی با ملزومات قانون‌گرایی، تکثر مطبوعات، آزادی رسانه‌ای، فعالیت احزاب و جریانات سیاسی، مشارکت و رقابت سیاسی) و مردم‌سالاری است. طبقه متوسط جدید در ایران پسا انقلاب دارای اولویت‌های اجتماعی (مبارزه با فساد، مقابله با نا امنی اجتماعی، گسترش تأمین اجتماعی) سیاسی (پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، قانون‌گرایی) فرهنگی (گسترش فرهنگ گفتگو و گشایش گفتگو، پرهیز از خشونت، تقویت جایگاه مدنی و علمی) بوده است. بر همین اساس، رشد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این طبقه، رقابت سیاسی را جایگزین تنش سیاسی کرده است

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که نوسازی یک جانبه اقتصادی و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در سال‌های منتهی به دهه هفتاد، سبب رشد آموزش دانشگاه، رشد با سواد و تحصیلات، رشد دیوانسالاری اداری، رشد شهرنشینی و رشد رسانه‌ها گردیده است. در این میان، افزایش و رشد مؤلفه‌های فوق، بانی رشد و ظهور طبقه متوسط جدید با خواسته و مطالبات معین و مشخص در راستای ساخت و ساز دولت بوده است. به عبارت ساده، رشد یک جانبه اقتصادی، بدون توجه به توسعه همه جانبه، به ظهور طبقه متوسط جدید و زایش توسعه

سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی و رفتن به سمت عدالت اجتماعی بوده است، چرا که موتور و محرکه اصلی مشارکت سیاسی و مردم سالاری و اصلاحات سیاسی و اجتماعی، طبقه متوسط جدید است. در ادامه فرایند رشد طبقه متوسط جدید و اثربخشی آن بر ساخت دولت، یافته‌های آماری حکایت از آن دارد که نرخ رشد با سواد در آخرین مرحله سرشماری در سال ۱۳۹۸ به ۹۶ درصد رسیده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۸ / ۱۱ / ۱۵) همچنین تعداد دانشجویان در سال ۱۳۸۵ به ۸۲۹/۲ هزار نفر، که این تعداد در سال ۱۳۹۷ به حدود سه میلیون و هفتصد نود چهار هزار و چهارصد بیست نفر (۳۷۹۴۴۲) رسیده است. همین آمار نشان می‌دهد که از این تعداد در حدود یک میلیون دویست و شصت هزار زن و در حدود دو میلیون نفر مرد بوده‌اند (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۹ / ۳ / ۱۳۹۷). رشد جمعیت شهری نیز در سال ۱۳۶۵ از ۴۷ درصد به قریب ۷۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۵). در این میان، تعداد زنان با سواد کشور از ۱/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۹/۴۵ درصد در سال ۱۳۷۵ و در سال ۱۳۹۰ به حدود این رقم رسیده است. بر اساس گزارش مؤسسه پژوهشی وزارت علوم در ایران، ۲۵۶۹ دانشگاه در کشور وجود داشته است که از این تعداد ۵۳۰ واحد سهم دانشگاه آزاد، ۳۰۹ مؤسسه غیر انتفاعی، ۱۷۰ مرکز فنی و حرفه‌ای، ۴۶۶ مرکز پیام نور، ۹۵۳ واحد علمی- کاربردی و ۱۴۱ دانشگاه دولتی (وزارت علوم و تحقیقات و فن اوری) به چشم می‌خورد (خبرگزاری دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸). بر اساس مرکز آمار ایران، از مجموع سه میلیون ۷۹۴ هزار نفر دانشجو، یک میلیون ۲۶۹ هزار در دانشگاه آزاد، در حدود ۲۴۰ هزار دانشجوی غیر انتفاعی، حدود ۱۹۷ هزار فنی و حرفه‌ای، ۴۷۰ هزار علمی و کاربردی، و در حدود ۵۴۷ هزار پیام نور و ۶۸۷ هزار مربوط به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده‌اند (خبرگزاری دانشجویان، ۱۳۹۷).



اثر بخشی و مداخله‌گری در جهت دهی به مشارکت انتخاباتی



ابزارها و شیوه‌های بسیج منابع طبقه متوسط جدید

داریست‌های سیاسی- رسانه‌ای طبقه متوسط جدید در راستای ساخت یا.../۱۹۹

سیر رشد شهرنشینی و روستانشینی (۹۰-۷۰)

سال	کل جمعیت	شهرنشینی	روستانشینی	درصد شهرنشینی	درصد روستانشینی
1375	6005548	3681778	23026292	3/61	7/38
1385	7047286	4825996	22227771	46/68	54/31
1390	7514966	5364666	21446783	38/71	53/38
1395	7992627	5914684	20730625	00/74	00/26

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)

آمار دانشجویان و اعضای هیئت علمی در ایران (۸۷-۷۵)

سال	تعداد دانشجویان	تعداد کل اعضای هیئت علمی وزارت علوم	تعداد کل هیئت علمی تمام وقت
1375	1192329	11526	19906
1379	15166732	12444	33244
1383	2117471	13750	42625
1387	3581070	18219	63289

مرکز آمار ایران (گزارش‌های وزارت علوم)

برآوردهای آماری نشان می‌دهد که تعداد رشد مؤلفه‌های فوق، حاکی از رشد مردم سالاری و گرایش به سمت فرهنگ سیاسی بوده است. از نگاه دیگر رشد تحصیل کردگان طبقه متوسط جدید، وزن سیاسی و اجتماعی آنان را نسبت به دیگر اقشار اجتماعی در عرصه مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. شاخص‌های مشخصی همچون فقر، تورم، عدم توزیع مناسب قدرت سیاسی، شکاف فکری و فرهنگی و قومی را بیشتر، و خود را به صورت جنبش‌های مدنی با هدایت‌گری طبقه متوسط جدید نشان داده است. هر چند که شکاف میان دولت و طبقه متوسط جدید (فرهنگی و سیاسی)

و عدم توجه به خواسته‌های سیاسی و مطالبات مدنی، به انفعال سیاسی و گاه به بازتولید فکری منجر گردیده است.

۲-۴) رسانه‌های گروهی و همگانی

رسانه‌های گروهی و همگانی به عنوان یکی دیگر از داربست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در ساخت دولت تسهیل‌گر مورد توجه پژوهشگران جامعه‌شناسی سیاسی قرار گرفته است. در این فرایند، آگاهی سیاسی و اجتماعی عمده‌ترین عامل مشارکت فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی است، در واقع یک نوع آگاه‌سازی مردم توسط طبقه متوسط جدید بر پایه نظام ارزش‌ها، جامعه و حکومت خواهد بود. انتقال آگاهی‌های سیاسی در جامعه از طریق جامعه مدنی نوگرا، از طریق کانال‌های رسانه‌ای و همگانی توسط طبقه متوسط جدید است. بنابراین رسانه‌های گروهی و همگانی و شبکه‌های اجتماعی، داربست اساسی و مهمی برای طبقه متوسط جدید در راه ساخت دولت و یا تسخیر دولت تسهیل‌گر خواهند بود. مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که رسانه‌های دیداری و شنیداری و شبکه‌های اجتماعی به عنوان رکن چهارم دموکراسی، موتور محرکه مردم‌سالاری هستند که نگرش شهروندان را نسبت به واقعیت‌های جامعه آشکار می‌کنند. از نگاه دیگر، پیش فرض مشارکت سیاسی برای رسیدن به دولت تسهیل‌گر، وجود شهروندان آگاه در حوزه عمومی است. از نگاه هابرماس حوزه عمومی یک نوع قلمرو اجتماعی است که در آن افکار عمومی و تبادل افکار شکل می‌گیرند، در این روند، رسانه‌های همگانی و گروهی و احزاب و نهادهای مدنی به اشاعه و تبادل افکار می‌پردازند. به باور هابرماس، بدون شکل‌گیری و نهادینه شدن چنین حوزه عمومی، مشارکت آگاهانه و هدفمند شهروندان به شکل مطلوب صورت نخواهد گرفت. رسانه‌ها با انعکاس اخبار و اطلاعات سبب شکل‌گیری تصورات شهروندان از پویای سیاسی و حوادث سیاسی و اجتماعی می‌شوند. در این میان، هر اندازه تصور شهروندان در معرض نوسازی قرار بگیرد، وابستگی مخاطبان به رسانه‌های گروهی بیشتر خواهد شد. واقعیت آن است که رسانه‌های دیداری، شنیداری، سنتی و مدرن نقش مهم و اثربخشی در جهت‌دهی افکار عمومی و در راستای مشارکت سیاسی، و شکل دادن به رفتار سیاسی و مردم

سالاری بوده‌اند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها از طریق تسهیل و تسریع ارتباطات میان جامعه و نخبگان (فکری و ابزاری)، نقش شتاب دهنده در مشارکت سیاسی و با هدایت طبقه متوسط جدید خواهند داشت.

در جوامع امروزی، رفتار سیاسی شهروندان در دولت‌سازی و مشارکت سیاسی، تحت تأثیر رسانه‌های همگانی دیداری و شنیداری، از نوع سنتی و فناوری‌های جدید ارتباطی مانند فیسبوک، تلگرام، واتساپ، و اینترنت و دیگر شبکه‌های اجتماعی است. بنابر این از این نگاه، رابطه معنا داری میان شهروندان و ساخت دولت، و میان رسانه‌ها و مشارکت سیاسی وجود دارد. رسانه‌های گروهی و اجتماعی بر چگونگی رفتار رأی‌دهی در یک مشارکت سیاسی نقشی اثربخش را بازی می‌کنند، چرا که رسانه‌های همگانی بخش جدایی ناپذیری از زندگی عادی اجتماعی و سیاسی مردم را تشکیل داده و تأثیر رسانه‌ها در امر زندگی اجتماعی به حدی است که اولویت ذهنی و حتی رفتار افراد را تعیین می‌کنند (دادگران، ۱۳۸۵، ۱۲۶) از آنجا که شبکه‌های اجتماعی منبع کنش جمعی به حساب می‌آیند، لذا با تفسیرهای خاص، بستر مناسبی برای ظهور کنش‌های سیاسی در راستای تسخیر دولت دلخواه فراهم می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که رسانه جمعی و شبکه‌های اجتماعی بر نگرش سیاسی مخاطبان اثربخش بوده و مبنای شکل‌گیری باورهای سیاسی را تشکیل می‌دهند. رسانه‌های گروهی بر ایجاد فضاهای انتخاباتی و جلب توجه مردم و افزایش مشارکت و کسب اطلاع از نامزدهای انتخاباتی، و همچنین برجسته کردن موضوعات سیاسی، مهمترین ابزار طبقه متوسط جدید، در امر بسیج رأی‌دهی به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها به عنوان یکی از راه‌ها و داربست‌های دسترسی به قدرت سیاسی و رسیدن به دولت با مدل فکری طبقه متوسط جدید، هم راستا می‌باشند. شبکه‌های اجتماعی به عنوان متغیر مداخله‌گر در امر مشارکت سیاسی زمینه ساز تقویت پروسه مردم سالاری از طریق احیا حوزه عمومی‌اند. بر همین اساس و طی سه دهه اخیر پسا انقلاب، فرصتی برای طبقه متوسط جدید فراهم شد تا با ابزار رسانه در راستای مطالبات و خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود عمل نماید. این طبقه نوظهور با وحدت بخشی به منابع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از طریق رسانه، نقش

حامل و عامل توسعه سیاسی و مشارکت انتخاباتی را بازی نموده است. از رهگذر گسترش رسانه‌های همگانی و توسعه آنان در ایران پسا انقلاب می‌توان به ارتباط و سایل همگانی با طبقه متوسط جدید و مشارکت سیاسی برای رسیدن به دولت مطلوب و تسهیل‌گر پی برد. به نظر می‌رسد که طبقه متوسط جدید بیشترین کاربران استفاده کننده از روزنامه، مطبوعات، کتب، رسانه‌های دیداری و شنیداری، همچون رادیو، تلویزیون، برنامه‌های هنری، ورزشی و خبری بوده‌اند. امروزه اغلب متخصصین ارتباطات سیاسی بر این باورند که رسانه‌های جمعی به درجات و شیوه‌های گوناگون بر شناخت نگرش‌های سیاسی مخاطبان اثر می‌گذارند و بیشتر مردم اطلاعات و دانش سیاسی خود را از رسانه‌های جمعی به دست می‌آورند. اطلاعات به دست آمده از رسانه‌ها پس از تحلیل توسط مخاطبان و یا رهبران فکری آنان، مبنای شکل‌گیری باورها و دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و رفتار سیاسی می‌گردد. اهمیت رسانه‌های جمعی دیداری و شنیداری در مشارکت‌های سیاسی و انتخاباتی به حدی است که مبالغه‌ناگفته‌ی صرف تبلیغات انتخاباتی در نشریات، روزنامه‌ها و تلویزیون می‌شود و تبلیغات رسانه‌ای به عنوان یکی از عوامل بسیج سیاسی به منظور امتناع مخاطبان برای رأی دادن به نامزدهای مطلوب طراحی می‌شوند. شاید بتوان گفت که برگزاری انتخابات در ایران پسا انقلاب نقطه عطفی در نقش‌آفرینی رسانه‌های همگانی در سرنوشت انتخاباتی بوده که در آن فیلم‌های تلویزیونی و میزگردها، مناظره‌ها و مصاحبه‌ها سهم مهمی در معرفی نامزدها و دیدگاه‌های آنان داشته‌اند. رسانه‌های جمعی بر ایجاد فضای انتخاباتی و جلب توجه مردم و افزایش مشارکت و کسب اطلاع از نامزدهای انتخاباتی، مهمترین ابزار در امر بسیج رأی‌دهی بوده، و موضوعات انتخابات را برجسته می‌کنند. بنابراین رسانه‌های جمعی و گروهی بر نگرش سیاسی و به‌ویژه آرا و برداشت‌های رأی‌دهندگان تأثیرگذار، و در واقع به نوعی ارتباط‌گیری سیاسی را پررنگ و زمینه را برای جمع‌آوری اخبار و مناظره‌های مردم فراهم می‌آورد. رسانه‌های همگانی و شبکه‌های اجتماعی جدید، بویژه شبکه‌های اینترنت، عرصه‌های تازه‌ای را در بستر اجتماعی گشوده است، گسترش روزافزون وابستگی مردم جوامع مختلف به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی کامپیوتری باعث کوشش‌های نظری بسیاری برای

دربست‌های سیاسی- رسانه‌ای طبقه متوسط جدید در راستای ساخت یا.../۲۰۳

مطالعه اینترنت و ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن گردیده است، نوشتار فوق بر آن بود تا جایگاه رسانه را به دلیل توانایی در جذب مخاطب و مشارکت در فرآیند شکل‌دهی به افکار عمومی و بسیج طیف گسترده مردم، در تحولات و کشمکش‌های سیاسی- اجتماعی را نشان دهد.

بر مبنای آمار و ارقام موجود، وسایل ارتباط جمعی در ایران پسا انقلاب (۷۶ تا ۹۶) رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. در این فرایند نوشتاری، تعداد نشریه‌ها و روزنامه‌ها و مطبوعات و کتاب بر اساس جداول ذیل و بر اساس رشد سالانه نشان داده شده است.

چکیده یافته‌های سرشماری واحدهای عرصه مطبوعات و خبرگزاری‌ها نشان از آن دارد که تعداد ۷۶۰۴ و حد دفتر مطبوعات، خبرگزاری، نمایندگی توزیع مطبوعات و دکه فروشی نشریات در سراسر کشور فعالیت می‌کنند که ۳۰۱۹۸ نفر در این واحدها مشغول به کار بوده و در مجموع ۱۷۸۷ واحد دفتر مطبوعاتی، ۳۴۳ واحد خبرگزاری داخلی و خارجی، ۱۱۱۹ واحد نمایندگی و پخش مطبوعات و ۴۳۵۵ مرکز فروش نشریات بوده و یک پای ثابت استفاده از آنان طبقه متوسط جدید در نشر افکار و در مشارکت سیاسی بوده‌اند. در این میان تعداد نمایندگی رسانه‌های خارجی در ایران نیز در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۹ سیری صعودی داشته است، مثلاً رقم نمایندگی این رسانه ۳۶ نمایندگی در سال ۱۳۷۶، به ۱۰۶ نمایندگی در سال ۱۳۸۲، تعداد نمایندگی در سال ۱۳۸۶ به ۱۱۱ و تعداد آنان در فاصله ۸۷-۸۹ به ترتیب به ۱۲۶ و ۱۲۷ مورد رسیده است (فتحی، ۱۳۹۱).

وضعیت شاخص‌های بخش مطبوعاتی (روزنامه و نشریات بین سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۸۶)

سال	تعداد روزنامه	تعداد نشریه
1376	35	850-799
1378	89	699
1380	98	953
1382	123	1472
1384	137	1705
1386	145	2160

معاونت امور مطبوعاتی منتشر شده تا سال ۱۳۸۶، دستاوردهای فرهنگی سی ساله برر سی و وضعیت شاخص‌های بخش مطبوعات طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۹، حاکی از آن است که این بخش نیز علاوه بر اینکه ابزار طبقه متوسط جدید در راستای مشارکت سیاسی و ساخت دولت بوده است، روندی صعودی را سپری کرده است مثلاً در حالیکه تعداد عناوین نشریات منتشر شده در سال ۱۳۷۶ به تعداد ۷۹۹ مورد بوده است، این رقم در سال ۱۳۸۹ به ۲۲۸۶ رسیده که رشدی سالانه در حدود ۳۳/۱۶ داشته است. بر اساس منابع موجود رقم افزایش در فاصله سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۸ و طی یک دهه به ترتیب ۹۰۳-۹۹۳-۱۰۱۸-۹۰۰-۱۲۱۰-۱۲۹۰-۱۷۸۰-۱۹۶۰-۲۱۴۰-۲۱۶۰-۲۲۰۰-۳۹۲۶ بوده است. بر همین روال و طی سالهای فوق تعداد نشریات محلی و منطقه‌ای نیز در سال ۷۶ و از ۳۸۶ مورد به ۱۳۰۱ مورد در سال ۱۳۸۹ رسیده است که رشد سالانه آن در حدود ۱۴/۱۰ بوده است. به طور نمونه این تعداد در سال ۱۳۷۷-۱۳۷۹ به ترتیب ۴۱۶ و ۵۰۰ مورد و در سال‌های ۱۳۸۷ به ۱۱۷۹ و در ۱۳۸۸ به ۱۲۳۰ مورد رسیده است

وضعیت شاخص‌های بخش کتاب و انتشار کتاب طی سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۸۸

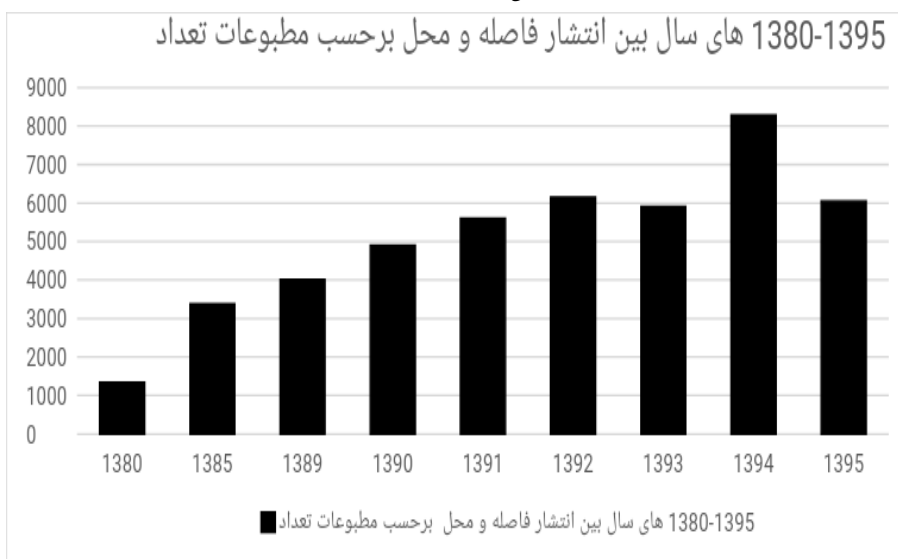
ردیف	عناوین شاخص	واحد اندازه‌گیری	1380	1382	1384	1386	1388	رشد سالانه
1	عناوین کتابهای منتشر شده	عنوان	31660	37859	53570	56653	60710	15/12
2	شمارگان کتابهای منتشر شده	هزار نسخه	165110	174406	227924	217309	205812	1/20
3	تعداد ناشران	نفر	5545	4879	5749	6174	6705	38/12

داریست‌های سیاسی- رسانه‌ای طبقه متوسط جدید در راستای ساخت یا...//۲۰۵

4	تعداد کتابخانه‌های عمومی	باب	1502	1577	1641	1758	2073	6.5
---	--------------------------	-----	------	------	------	------	------	-----

منبع، دستاوردهای فرهنگی سی ساله (۵۸-۸۹).

تعداد مطبوعات بر حسب محل و فاصله انتشار بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۵ به شکل منحنی ذیل خواهد بود



بر اساس یافته‌ها و نظر سنجی‌های انجام گرفته، رقم استفاده از تلویزیون در سال ۱۳۷۴ به حدود ۸۰ درصد و میزان استفاده از مطبوعات به حدود ۴۳ درصد افزایش یافته است. (به نقل از محسنی ۱۳۷۹، ۲۲۰ و ۱۵۹ و همچنین شهریاری ۱۳۹۳) در این روند، اینترنت و تلفن همراه نیز رشد چشمگیری در میان طبقه متوسط جدید داشته و کاربرد آنها در امر بسیج منابع و بسیج سیاسی و در امر مشارکت سیاسی و ساخت دولت ملموس است. بر مبنای سالنامه آماری، طبقه متوسط جدید با تحصیلات عالی به نسبت به دیگر طبقات اجتماعی با سطح پایین تحصیلی از اینترنت بیشتری استفاده کرده است. بنابر ارقام آماری، رشد و گسترش

وسایل ارتباط جمعی نسبت به گذشته فرصتی را برای طبقه متوسط به وجود آورده تا سبک زندگی، نوع نگرش در حوزه اندیشه و رفتار خود را به موازات چنین تغییراتی تغییر دهند. همچنین گسترش و وسایل ارتباط جمعی کمک نموده تا به طور مستقیم اندیشه‌ها و نگرش‌های دموکراتیک در ایران نیز گسترش یابد، امری که اندیشمندانی همچون کاستلز، دیوید هلد و... نیز به این امر اذعان داشته‌اند، که رشد وسایل ارتباط جمعی تلقی جدیدی از انسان نسبت به جهان اجتماعی، سیاست و جامعه را به وجود آورده است. لذا در جهانی که جایگاه اجتماعی هر فرد بر اساس قدرت وی در دستیابی به اطلاعات جدید مشخص می‌شود، وسایل ارتباط جمعی ابزاری مؤثر برای ایجاد روابط دو طرفه میان افراد و گروه‌هایی بوده است که در نهایت تحکیم جامعه مدنی و بسترسازی را برای مردم سالاری مهیا کرده‌اند.

رسانه‌های جمعی با ایجاد فضا سازی انتخاباتی و تشویق افراد به رأی‌دهی، عمده‌ترین تحول در حوزه عمومی و رأی‌دهی اجتماعی محسوب می‌شوند. این گونه رسانه‌ها به دلیل توانایی در جذب مخاطب و شکل دهی به افکار عمومی و بسیج منابع، فرصت‌ها و موقعیت‌های پیش آمده در بستر اجتماعی می‌باشند که به عنوان عنصر مداخله‌گر در امر مشارکت سیاسی و اجتماعی دخیل می‌باشند. رسانه‌های جمعی علاوه بر نقش رسانه‌ای و سازماندهی و جهت‌دهی دیدگاه‌ها، منبع کنش جمعی و اجتماعی نیز بوده‌اند. بر همین پایه، طبقه متوسط جدید در فضای مجازی بستر مناسبی برای ظهور کنش‌های سیاسی است که از طریق بحث و گفتگو و تعامل پیرامون مسایل و موضوعات مورد علاقه در عرصه مشارکت سیاسی و انتخاباتی شدت خود را نشان می‌دهند. با توجه به نقش تأثیر رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی در کردار سیاسی افراد، شبکه‌های اجتماعی مجازی علاوه بر نقش رسانه سنتی خود، از مخاطب نیز تأثیر می‌پذیرند، شبکه‌های اجتماعی مجازی فرصت‌های هستند که در آنها افراد موقعیت‌هایی پیدا می‌کنند تا خود را معرفی کرده، ویژگی‌های شخصیتی خود را بروز داده و با سایرین ارتباط مستمر برقرار کنند. دولت-پارلمان-انتخابات، دموکراسی و آزادی بیان، احزاب، گروه‌ها و مطالبات آنها در زمره مشخصات سیاست مدرن به شمار رفته که امروز متأثر از پدیده رسانه (شبکه‌های اجتماعی

مجازی) می‌باشند. یکی از امتیازات ویژه‌ای که شبکه‌های اجتماعی را متعهد به نقش آفرینی در تحولات سیاسی اجتماعی و فرهنگی می‌کند، اشتغال وسیع کاربران اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی است، لذا قدرت بسیج عمومی رسانه است که رفتار اجتماعی را در حوزه‌های مختلف به سمت تلاش جمعی و رسیدن به اهداف هدایت می‌کند. از نگاه دیگر فیلم‌های تبلیغاتی در واقع طرح گفتمان‌های مختلف است که می‌تواند ساختار فکری جدیدی را در جامعه مطرح و افکار عمومی را به سمت و سو مشخص هدایت نماید و بر رفتار انتخاباتی تأثیرگذار باشد. فیلم‌های تبلیغاتی می‌تواند گفتمانی را مسلط و یا گفتمانی را به حاشیه ببرند و گاه ممکن است باعث تقابل گفتمانی شوند. بنابراین تبلیغات تا حدودی زیاد محورهای گفتمانی را تعیین می‌کند و به عنوان ابزار بسیج منابع مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایجاد انجمن‌ها و احزاب و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص، میتینگ‌های عمومی، راهپیمایی‌ها، تظاهرات، صدور بیانیه‌ها، رسانه‌های جمعی، چاپ جزوات، انتشار روزنامه‌ها و مجلات و استفاده از رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های گروهی، سخنرانی‌ها، مناظره‌های تلویزیونی، ستادهای انتخاباتی، از چننه یا خزانه جنبش احتمالی یا کنش جمعی محسوب می‌شوند.

از این نگاه، یکی از عوامل مهم بیداری و بسیج رأی‌دهی، در جریان شکل‌گیری مشارکت سیاسی ۱۳۷۶ روزنامه‌ها و رسانه‌های جمعی وابسته به طبقه متوسط جدید بودند. این رسانه‌ها موجب تحول ژرف اندیشه در ایران گردیدند و به عنوان ابزار و شیوه بسیج نقش مهمی را در برانگیختن توده‌ها در مشارکت سیاسی داشته‌اند، چرا که با سرازیر کردن اطلاعات و اخبار جامعه، اذهان عمومی را آماده پرداختن به مسائل جامعه می‌کردند و آنها را از حالت انفعالی بیرون کشیده و فضای اندیشه جامعه را به پویایی و کنکاش وا می‌داشتند. این رسانه‌ها با تیردهی به گفتمان‌های خلق شده، اقشار عمومی را در راستای مشارکت سیاسی و جهت دهی سیاسی بسیج می‌نمودند. بنابراین رسانه‌های جمعی مهمترین پل ارتباطی طبقه متوسط جدید و توسعه سیاسی با توده‌های مردم و هوادار آنان به شمار می‌رفتند. یکی دیگر از ابزارهای بسیج منابع در راستای توسعه سیاسی، مطبوعات و انتشارات و مجلات، روزنامه‌ها و کتب بوده

است. مطبوعات رکن اساسی توسعه سیاسی و جامعه مدنی به شمار رفته و از آن به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود. اطلاع رسانی، بیان صادقانه خواسته‌ها و مطالبات مردمی، نقدهای سازنده و راهکارهای مفید از کارکردهای مثبت جامعه مطبوعاتی توسعه یافته است. (امیری، ۱۳۸۶: ۱۸۹) از مجلات و روزنامه‌هایی که اغلب در دوره توسعه سیاسی (۱۳۸۰-۱۳۷۶) مورد استفاده گفتار سیاسی اصلاحات و به عنوان بسیج منابع فکری مورد استفاده قرار گرفت، روزنامه‌های جامعه، توس، خرداد، صبح امروز، آفتاب امروز، نشاط و مشارکت را می‌توان نام برد که به ادعای مسئولین این روزنامه‌ها بخشی از فرهنگ سازی در جامعه را برعهده داشته‌اند. این روزنامه‌ها، شعارهایی همچون حاکمیت قانون، جامعه مدنی، پاسداشت آزادی، حقوق شهروندی را ترویج می‌کردند.

۳ - ۴) احزاب و جریان‌های سیاسی

احزاب و تشکلهای و جریان‌های سیاسی یکی دیگر از داربست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در راستای ساخت یا تسخیر دولت در ایران پس از انقلاب بوده است. برخی از اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی سیاسی باور دارند که زمینه تبدیل مشارکت‌های عمومی به مشارکت‌های تخصصی و فعال در گرو تشکیل احزاب سیاسی است، چرا که فعالیت احزاب و تشکلهای و جریان‌های سیاسی، به افزایش مشارکت سیاسی در حوزه مردم‌سالاری منجر می‌گردد. در نبود احزاب سیاسی مقتدر و نهادینه شده، جریان‌ها و جناح‌های سیاسی بازیگر مشارکت سیاسی و رابط شهروند با دولت و حاکمیت می‌شوند. با همین روند، جریان‌های سیاسی با همراهی برخی از احزاب وابسته به بلوک قدرت، فضای انتخاباتی و مشارکتی و مناظره‌های گفتمانی را شکل می‌دهند و شهروندان بی تفاوت را به شهروندان فعال تبدیل می‌کنند. مک‌ایور، حزب سیاسی را گردهمایی سازمان یافته برای حمایت از برخی اصول یا سیاست‌هایی می‌داند که از طریق قانونی می‌کوشند حکومت را به دست‌گیرند (عالم، ۱۳۸۲: ۳۳۴) در این فرایند، احزاب و تشکلهای سیاسی و سایر جریان‌های سیاسی، فرصت‌های ائتلافی برای صاحبان قدرت بوده که نقش بسیج‌کننده را دارا می‌باشند (کلایو اسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۶-۳۰۵) به عبارت دیگر احزاب می‌توانند به شکل سازنده و به

عنوان ابزارهای نهادی در راستای مشارکت سیاسی عمل نمایند (بدیع، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۹۴) بنابراین این جریان‌ها و احزاب و تشکلهای سیاسی وابسته به طبقه متوسط جدید، اعم از دین‌گرا و عرف‌گرا، با تنظیم روابط شهروندان و رقابت سیاسی، داربستی برای این طبقه، در جهت رسیدن به ساخت دولت و یا تسخیر آن از طریق مشارکت سیاسی خواهند بود.

فرایند شکل‌گیری احزاب و تشکلهای سیاسی، دارای زمینه‌های تاریخی بوده، که بسترهای فرهنگی و سیاسی مردم را در جهت ساخت دولت فراهم کرده‌اند، در ایران پیشا انقلاب، جریان‌های سیاسی خود را با نماد ملی‌گرایی، کمونیستی و اسلام‌گرایی نشان داده‌اند. صف بندی جریان‌ها و تشکلهای احزاب سیاسی در ایران پسا انقلاب فراز و فرودهای زیادی در ساخت دولت داشته‌اند. بنابراین شناخت جریان‌های سیاسی، با ملاک‌هایی همچون باورها، ارزش‌ها، منافع مشترک، شکل سازماندهی و پیوندهای قومی و طبقاتی، پیش‌نیاز فعالیت‌های سیاسی بوده‌اند. همگام با ظهور گفتمان اسلام سیاسی در ایران پسا انقلاب، شاهد رشد جریان‌های سیاسی دین‌گرا و عرف‌گرا در بدنه دولت یا خارج از بدنه دولت بوده‌ایم. چرا که در میدان نظری و گاه عملیاتی، شاهد شکاف میان حوزه فکری اسلام‌گرایان سنتی با نگاه تجددگرایی و نوگرایی از یک سو، و شکاف میان نگاه اقتصاد دولتی با نگاه اقتصاد آزاد از سوی دیگر بوده‌ایم. بر همین اساس، جریان‌های سیاسی خود را در قالب گروه‌های سنتی، گروه‌های محافظ کار، و چپ‌گرایان اسلام‌گرا با نگاه رفرمیسم نشان داده‌اند. بنابراین ساخت دولت یا تسخیر دولت با فضای رقابت سیاسی و با نگاه جدید، مورد توجه طبقه متوسط جدید اعم از دین‌گرا یا عرف‌گرا بوده است. در این میان و در دهه اول پسا انقلاب، مهمترین تشکل سیاسی در دایره روحانیون اسلام‌گرا، حزب جمهوری اسلامی، و در صف بندی مقابل نهضت آزادی و جریان ملی‌گراها قرار داشته‌اند. در همان دهه اول انقلاب، رویارویی اشکاری میان اسلام‌گرایان سنتی و طبقه متوسط عرف‌گرا در راستای تسخیر و یا ساخت دولت در جریان بود. یک نوع نزاع برای بقاء میان مدعیان قدرت که مبنای اختلاف، ساخت نظم سیاسی و قانون اساسی بود. با به حاشیه رفتن جریان سیاسی نیمه لیبرال، منازعات سیاسی در درون

بلوک قدرت و در درون اسلام‌گرایان سنتی شکل تازه‌ای یافت. به این معنا که درز شکاف فکری بر سر چگونگی اداره کشور و چگونگی نگاه به اقتصاد خود را نشان می‌دهد و اسلام‌گرایان به شاخه‌های چپ‌گرا و راست‌گرا تقسیم می‌شوند. بنابراین در فاصله زمانی اول انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی، میان دو جریان اسلام‌گرای چپ و راست برای تسخیر دولت و یا مداخله در امر دولت‌سازی، منازعات سیاسی نماد بیشتری یافته بود. با ظهور طبقه متوسط جدید، معادلات سیاسی وارد فاز و ادبیات جدیدی می‌شود. دولت راست‌گرای اسلامی با نام دولت‌سازندگی با سیاست تعدیل اقتصادی و توسعه اقتصادی یک جانبه، نارضایتی اقتصادی و اجتماعی را رقم زد. ظهور کارگزاران دست راستی از دل راست‌گرایان اسلام‌گرا، فضای تخصص‌گرایی را به سمت بورکراسی اداری هدایت نمود. نوسازی آموزشی و اجتماعی و فرهنگی، منجر به خواسته‌ها و مطالبات جدید طبقه متوسط جدید از نوع جامعه مدنی، آزادی و توسعه سیاسی و فضای باز مطبوعاتی گردید. در واقع با ظهور طبقه متوسط جدید، اسلام‌گرایان چپ‌گرا و کارگزاران سازندگی که مترصد فرصت برای رسیدن به قدرت بودند، به حمایت از اقدامات مدنی این طبقه برآمدند و خواسته‌های آنان را بازتاب می‌دادند. بنابراین روند شکل‌گیری دولت در ایران پسا انقلاب در دهه هفتاد شکل جدیدی یافت، به این معنا که شکاف میان اسلام‌گرایان راست و چپ و پس از آن شکاف میان اسلام‌گرایان دست راستی (سنت‌گرا و شبه مدرن) منجر به مشارکت سیاسی - انتخاباتی ۱۳۷۶ و تولد دولت توسعه‌گرای سیاسی با رهبری فکری طبقه متوسط جدید و دانشگاهی گردید. در واقع مشارکت سیاسی ۱۳۷۶، نوعی ترمیم مشارکت سیاسی در سال‌های پیش از آن بود. احزاب و جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی و مدنی که به صورت ائتلاف، نتیجه انتخابات ۷۶ را رقم زدند، و در ساخت دولت سهیم بودند، عبارت است از، مجمع روحانیون اسلام‌گرا که در سال ۱۳۶۷ از جامعه روحانیت اسلام‌گرا جدا شدند و در مجلس شورای اسلامی جناح سیاسی مسلط را تشکیل می‌دادند، احزاب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان، حزب اسلامی کارگزاران سازندگی، از دیگر جریان‌های اسلام‌گرا بودند که توسط روشنفکران وابسته به دانشگاه و طبقه متوسط

جدید دانشگاهی هدایت سیاسی و فکری می‌شدند. چرا که پس از ساخت دولت توسعه‌گرای سیاسی و عدم ورود آنان به دایره قدرت دولتی و بوروکراسی اداری دست به انفعال سیاسی زدند و زمینه روی کار آمدن دولت هماهنگ با تهیدستان و محرومان طبقه تحتانی را فراهم کردند. طبقه متوسط جدید در مشارکت سیاسی- انتخاباتی ۱۳۸۸ جهت‌گیری تازه‌ای یافت که در واقع نزاعی تازه و تقابل جهت‌گیری‌های ارزشی و سنتی با ارزش‌های عرف‌گرا بود. انتخابات ۱۳۸۸ در واقع رقابت میان افراد حکومتی در درون دولت نبود، بلکه رقابت میان گفتمان طبقه متوسط جدید دانشگاهی با گفتارهای سیاسی نخبگان ابزاری در دولت بود. که ریشه نزاع فکری و منازعات سیاسی، حاصل شکاف‌های فرهنگی و سیاسی و قومی و ارزشی، ضعف احزاب سیاسی و ضعف جامعه مدنی بود. در واقع نوعی رقابت میان ارزش‌های عرف‌گرا و ارزش‌مدار اسلام‌گرا بود. در ادامه این روند و نقش جریان‌ها و احزاب سیاسی در ساخت دولت، احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته به طبقه متوسط جدید در مشارکت سیاسی ۱۳۹۲، مانند جریان‌های وابسته به رفرمیست اسلامی و اصلاحی، حزب اعتدال و توسعه، حزب کارگزاران سازندگی و... با رهبری مجدد طبقه متوسط جدید و پنهان دانشگاهی دست به دولت‌سازی جدید زدند که حاصل آن ساخت دولت توسعه‌محور و اعتدال‌گرا با محوریت جناح میانه رو، و عدم ورود طبقه تحصیل کرده در دایره قدرت دولتی بود. احزاب و تشکل‌ها و جریان‌های سیاسی که در ساخت دولت در ایران پسا انقلاب و بر پایه رابطه دین و سیاست، بر پایه سیاست و مردم سالاری، بر پایه اقتصاد (آزاد و مختلط) و بر پایه رویکرد محافظه کاری و یا تحول خواهی در تلاش بوده‌اند و سعی در تسخیر دولت با نام طبقه متوسط جدید داشته‌اند را می‌توان به احزاب وابسته به بخشی از طبقه متوسط جدید فرهنگی و سیاسی، با نام توسعه‌گرایان سیاسی، اصول‌گرایان سیاسی- ارزشی و سایر گروه‌ها، تحت عنوان نهضت آزادی، تحکیم وحدت، ملی - مذهبی‌ها تقسیم بندی نمود.

صورت بندی گفتارهای سیاسی-اجتماعی طبقه متوسط جدید و جریان‌های حامی (۱۳۹۲-۱۳۷۶)

کنش‌ها و جنبش‌های سیاسی	جریان‌های سیاسی	گفتمان سیاسی	قشرهای اجتماعی	
عدم تمایل به جنبش جامعه مدنی	حزب مؤتلفه جامعه روحانیت تشکل‌های همسو	سنت‌گرایی ایدئولوژیک	سستی	بالا
همراهی با قشرهای متوسط جدید	حزب کارگزاران سازندگی	دموکراسی (لیبرالیسم)	جدی د	
حمایت از جناح حاکم	جمعیت مؤتلفه تشکل‌های همسو انصار حزب الله	سنت‌گرایی ایدئولوژیک	سستی و دهق انی	متوسط
جنبش جامعه مدنی - قانون مداری - مبارزه برای دموکراسی - تأکید بر مردم و حقوق بشر	نهضت آزادی - سازمان مجاهدیان انقلاب اسلامی - جبهه مشارکت - تحکیم وحدت	دموکراسی (اصلاحات)	جدی د	
حمایت از حاکمیت	احزاب حاکم و گروه‌های جبهه پایداری - حزب الله - آبادگران - جبهه متحد اصول‌گرایی	اصول‌گرایی (سنت‌گرایی ایدئولوژیک)		
همراه با قشرهای متوسط جدید	احزاب اصلاح طلب - حزب اعتدال و توسعه و گروه‌های میانه رو	اعتدال‌گرایی (تعادل سیاسی)		

۴ - ۴) تکنوکراسی در بوروکراسی

تخصص‌گرایی در بوروکراسی اداری، یکی دیگر از داریست‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در راه ساخت یا دسترسی به دولت یا تسخیر دولت بوده است. تکنوکراسی یا فن‌سالاری شیوه‌ای فنی و علمی برای اداره حکومت و دولت است. تکنوکراسی در اصطلاح به نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اطلاق می‌شود که در آن نفوذ یا اقتدار صاحبان فنون، و علم و تکنیک، بر عقاید سیاسی و صفات سیاستمداران اثربخش است. به بیان دیگر، تکنوکراسی به معنای حاکمیت و سایل فنی بر انسان و حاکمیت صاحبان فنون به‌کار رفته است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۱۲-۸۱۳) تکنوکراسی مفهوم جدیدی است که با پیشرفت علوم و فنون و نقش روز افزون دانش و تخصص در امر حکمرانی به وجود آمده است. میان بوروکراسی اداری و تخصص و یا میان بوروکراسی و چگونگی ساخت دولت رابطه معنا داری وجود دارد، چرا که توسعه بوروکراسی با ساخت دولت تسهیل‌گر و تخصص تحصیل‌کردگان گره خورده است. از نگاه دیگر، دولت‌های کارآمد با افزایش نقش و جذب نیروهای متخصص و تکیه بر توانمندی آنان به مدارجی از توسعه و کاردانی خواهند رسید. لذا دولت‌ها در راستای افزایش کارآمدی و توسعه همه‌جانبه، نیازمند نگاه سازمانی به نیروهای متخصص است، که این امر به نوبه خود به رابطه دولت با جامعه و شکل‌گیری ساخت دولت توسط طبقه متوسط جدید قابل توضیح است. از آنجا که ویژگی‌های یک دولت کارآمد و تسهیل‌گر و حداقل و توسعه‌گرا، در گرو عملیاتی شدن واژه‌های پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شایسته‌سالاری، قانون‌گرایی، شفافیت، مناسبات اجتماعی مستحکم و ارزش‌گذاری به منافع ملی و عدم تصدی‌گری دولت‌ها است، بنابراین اثربخشی طبقه متوسط جدید و متخصص بر ساخت دولت تسهیل‌گر، امری غیرقابل اجتناب است. ایجاد مکانیزم شایسته‌گزینی در بوروکراسی با توجه به منبع عقلانیت و به دور از خویشاوندگرایی و روابط غیر رسمی، بخشی از حوزه فکری طبقه متوسط جدید از نوع فرهنگی و سیاسی در ایران پسا انقلاب بوده است. در واقع تکنوکراسی در بوروکراسی یک مفهوم مدیریتی مبتنی بر اهمیت دانش تخصصی و تولید عقلانیت در تعیین صلاحیت افراد است. از آنجا که حکمرانی خوب با شیوه

جلب مشارکت افراد و نیروهای اجتماعی از طریق بوروکراسی کارآمد و حول برنامه‌های رشد اقتصادی و اجتماعی می‌چرخد، لذا مکانیزم به‌کارگیری شایسته سالاری و تخصص‌گرایی به یک مسئله چالشی میان طبقه متوسط جدید با نگرشی‌های ارزشی تبدیل شده است. از نگاه دیگر، صورت‌بندی سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و تمدنی به مداخله‌گری طبقه متوسط جدید وابسته است، و نقش آنان در اثربخشی بر دولت امری روشن است، چرا که این طبقه، یکی از مهمترین طبقات اجتماعی در یک صد ساله اخیر است که تنها ابزار آن در بستر بوروکراسی اداری و اجتماعی تخصص‌گرا بوده است، بنابراین رفتار سیاسی این طبقه و کنش و واکنش آن در ساخت دولت و در حیات سیاسی امری قابل تأمل است. طبقه متوسط جدید علاوه بر ساخت و سازهای فن‌سالارانه و مهندسی اجتماعی، دارای ساخت فرهنگی و فکری بوده که وجه غالب آن نوآوری و تعامل فرهنگی و اجتماعی است. نتیجه آنکه طبقه متوسط جدید علاوه بر توجه عینی به تکنولوژی و فناوری و پروژه نوسازی اقتصادی و توسعه اقتصادی، نگاهی کلی به توسعه سیاسی و توسعه همه‌جانبه دارد. این طبقه در ایران پسا انقلاب، با تأکید بر چگونگی ساخت دولت و تسخیر دولت از طریق ابزار تخصص، در پی عملیاتی کردن واژه‌های تخصصی در متن دولت بوده است. طبقه متوسط جدید باور دارد که یک بوروکراسی قدرتمند در تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های صنعتی لازمه تشکیل یک حکمرانی خوب است، لذا وجود مدیران و کارکنان شایسته و متخصص در درون دولت و همکاری با سایر بخش‌های خصوصی و عمومی امری پذیرفته شده در نگاه آنان است. در واقع ارتباط نظام مند با نیروهای اجتماعی مؤثر بر توسعه همه‌جانبه، نیازمند روشنفکران و نویسندگان، حقوق دانان، جامعه‌شناسان، سیاست‌مداران قدر و قدرتمند خواهد بود. در این میان تکنوکرات‌های وابسته به طبقه متوسط جدید بر این باورند که باید ذهنیت تکنوکراسی به سمت بوروکراسی اداری هدایت شود و تکنوکراسی زمانی موفق خواهد شد که قدرت سیاسی موجود به آنها میدان عمل سیاسی بدهد.

در ایران پسا انقلاب، بخشی از تکنوکرات‌های وابسته به طبقه متوسط جدید عرف‌گرا، با نگاه جامعه‌شناسانه، مسائل سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را از

منظر دیگری دیده و بجای الگو برداری از دولت‌های توسعه‌گرا در غرب به توسعه درون‌زا و همه‌جانبه‌گرا داشتند. بنابراین با ائتلافی ملی و مذهبی با سنت‌گرایان دینی درباره ساخت دولت موقت به تفاهم سیاسی رسیدند. طبقه متوسط جدید عرف‌گرا، با به حاشیه رفتن دولت بازرگان، به سمت توافق با نخبگان ابزاری پیش رفتند و پایان جنگ تحمیلی و شروع دولت نوساز، اولین جرقه عملیاتی آنان در راه ساخت دولت و یا اثربخشی بر بوروکراسی دولتی بود، چرا که عملیاتی شدن برنامه‌های نوسازی نیازمند تخصص‌گرایی در حوزه اقتصاد و سیاست بود. رشد کمی دانشگاه‌ها و ورودی و خروجی دانشگاه‌ها، بانی رشد باسوادی، بوروکراسی و طبقه متوسط جدید، و بازیگری این طبقه در امر دولت‌سازی شد.

فرایند دولت‌سازی در ایران پس از انقلاب با اثربخشی و ظهور طبقه متوسط جدید در دهه هفتاد، با الگوی دولت نوساز در ایران خود را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر ساخت دولت در ایران پس از دهه هفتاد، دارای بسترهای سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، ناشی از رشد طبقه متوسط جدید با ابزار تخصص‌گرایی بود. دولت‌سازی در این مقطع زمانی، به تغییر و دگرگونی در ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منجر گردید و نوع نگرش‌ها را تغییر داد. این نوع دگرگونی‌ها، گروه‌کنشگر اصلی (طبقه متوسط جدید) را به کنش و واکنش در راه ساخت دولت و یا تسخیر دولت وا داشت. با روی کار آمدن دولت‌سازندگی با نگرش توسعه اقتصادی یک‌جانبه، صورت‌بندی اجتماعی تغییر نمود و طبقه متوسط جدید در درون دولت زایش دوباره یافت. پژوهشگران باور دارند که عقب‌ماندگی نهادهای سیاسی - مدنی از دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای تجمع‌های سیاسی و افزایش نهادهای جدید هموار می‌کند. به این معنا که دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، راه را برای مشارکت سیاسی طبقه متوسط جدید از نوع تحصیل‌کرده، شهرگرا و مشارکت‌جو آماده نمود، چرا که نوسازی ناقص و یک‌جانبه، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی را برای بخش بزرگی از طبقه متوسط جدید، اعم از دین‌گرا و عرف‌گرا و دیگر گروه‌های نوساز به وجود می‌آورد. شهرنشینی و بالا رفتن سطح کمی و کیفی دانشگاه‌ها، باعث شکل‌گیری لایه‌های

اجتماعی با توقعات و مطالبات و خواسته‌های جدید گردید و نوع نگاه‌ها را در افکار عمومی تغییر داد. بنابراین تحول در خواسته‌ها، سبب آشنایی حاشیه نشین‌ها با مظاهر فرهنگ، و ایجاد فرصت‌های اجتماعی و سیاسی برای آنان و طبقه متوسط جدید در راه ساخت دولت گردید. دفتر تحکیم وحدت و سایر جریان‌های سیاسی چپ‌گرا از درون اسلام‌گرایان، که از زایش طبقه متوسط جدید دانشگاهی به وجود آمده بودند، با تجدید نظر در گفتمان درون گروهی، با طرح مباحث روشنفکری مانند پلورالیسم سیاسی، آزادی، قانون‌گرایی، توسعه‌گرایی سیاسی، موضعی مدرن به خود گرفته و راه را برای توسعه سیاسی فراهم نمودند. با فعال شدن بخش بزرگی از طبقه متوسط جدید، چالش جدی میان گفتمان سنت‌گرای ایدئولوژی و گفتمان طالب دموکراسی یا گذار به دموکراسی شکل گرفت، که در پی دولت‌سازی به سبک خود با نگرش تکنوکراسی در بوروکراسی بود. با زمینه‌سازی طبقه متوسط جدید در جهت دولت تسهیل‌گر و توسعه‌گرا، نیروهای سیاسی خارج از بلوک قدرت که طی شکاف‌های عقیدتی و کشور داری از بدنه قدرت دور بودند به کنش جمعی وادار شدند و به نگرش توزیع قدرت سیاسی، قرائت‌های تازه از دین و تقویت نهادهای مدنی باور یافتند. طبقه متوسط جدید با این نگرش و با ابزار مشارکت و رقابت سیاسی در پی اثربخشی بر دیوان‌سالاری و ساخت دولت تسهیل‌گر و اثربخش بود. بنابراین می‌توان گفت که اگر چه طبقه متوسط جدید در دهه اول انقلاب، به علت جنگ تحمیلی و تثبیت قدرت سیاسی حالت مبهمی داشت، اما نوع نگرش به اداره کشور، طبقه متوسط جدید را به سمت و سوی رهبری فکری جریان‌های سیاسی و جناح بندی‌های سیاسی کشاند. طبقه متوسط جدید با هدایت فکری جریان‌های سیاسی، بازیگری پر رنگ و مداخله‌گر در امر مشارکت سیاسی و ساخت دولت و چینش نیروهای بوروکراسی در درون دولت را پی‌گیری می‌کرد. طبقه متوسط جدید که بخشی از آن، زاییده گفتمان دولت بود، به سرعت رشد نمود و خواسته‌های سیاسی آنها به دال مرکزی حوزه رقابت تبدیل گردید. نتیجه آنکه ظهور و رشد طبقه متوسط جدید، زمینه‌های رشد دولت تسهیل‌گر و توسعه‌گرا را فراهم کرد و هدف طبقه متوسط جدید، اثربخشی بر بوروکراسی اداری از طریق تکنوکراسی روز بود. رشد

کارمندان دولتی و رشد تحصیلات آنان در بدنه دولت، به ابزار و داریستی سیاسی برای ساخت و ساز دولت گردید. در حالی که در سال ۱۳۶۲ تعداد ۱۲۱۷۳۰۰ نفر در دستگاه‌های دولتی مشغول به کار بوده‌اند، تعداد این افراد مشغول به کار در سال ۱۳۷۰ به ۱۷۸۳۱۱۳ نفر و در سال ۱۳۸۰ به ۲۳۲۸۶۳۵ نفر رسیده بود. اگر آمار تعداد حقوق بگیران وزارت دفاع و نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی را به این آمار اضافه نماییم، کل جمعیت حقوق بگیران دولتی به سه و نیم میلیون نفر خواهد رسید (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۳۲) علاوه بر آمار شاغلین دستگاه‌های اداری، تعداد رشد تحصیل کردگان دانشگاه در بدنه دولت نیز به صورت شفاف دیده می‌شود، در سال ۱۳۷۰ در حدود ۱۸۰۲۰ نفر از کارکنان دولت درجه دکتری، ۱۵۸۸۶ نفر فوق لیسانس، ۱۵۰۸۳ لیسانس بوده‌اند که رشد این مدارک در سال ۱۳۸۰ به ترتیب به ۳۶۱۹۹ - ۵۴۱۷۸ - ۵۷۰۱۶۵ نفر افزایش یافته است، که بیشترین تعداد مربوط به وزارتخانه آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی، وزارت علوم و وزارت بهداشت بوده‌اند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۳۲) بنابراین بر اساس مرکز آمار ایران (سالنامه آماری کشور) بخش نیروی انسانی، در سال ۱۳۹۱، توزیع کارکنان دولت بر اساس رشد تقریبی در صد مدرک تحصیلی، دکترا ۵/۲٪ فوق لیسانس ۲/۵٪ لیسانس ۸/۴۱٪ فوق دیپلم ۳/۲۰٪ دیپلم ۲/۲۰٪ و کمتر از دیپلم ۵/۹٪ بوده است

سال	1368	1370	1372	1374	1376	1378	1380	1382	1384	1385
نفر	9948	1783	1192	1955	2129	2141	2213	3177	2180	2147
	79	114	677	083	448	454	303	654	173	195

کارمندان تابع قانون استخدامی

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۸)

۵- رهبری سیاسی

پژوهشگران اجتماعی و سیاسی باور دارند که بسیج منابع و بسیج سیاسی نیازمند رهبری سیاسی است، چرا که اهداف جنبش را روشن می‌کند، وضع موجود را بر اساس ایدئولوژی بسیج تحلیل می‌کند و جامعه مطلوب را ترسیم می‌نماید.

تولیدکنندگان گفتمان، هواداران خود را در جهت امید به آینده متقاعد می‌کند و به نوعی سازماندهی و ایجاد هماهنگی را بر عهده دارند. احتمال پیدایش رهبران بسیج‌گر زمانی پیش می‌آید که شکاف‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی خود را بیشتر نشان می‌دهند و یا میان بخش سنتی جامعه و بخش نوآور جامعه شکاف ایجاد شده و هر یک از بخش‌های اجتماعی هویت خاصی را پیدا می‌کنند. (بشیریه، ۱۳۸۲) بنابراین آنچه ظهور رهبر بسیج‌گر را ضروری می‌کند، پیدایش فرصت‌های سیاسی - اجتماعی است که آنان بتوانند مهارت در تحریک مردم به عمل سیاسی را با بیان گفتاری و روش مسالمت‌آمیز و معطوف به منفعت دنبال نمایند. کامیابی و ناکامی جنبش‌های مدنی و کنش جمعی، به مجموع‌هایی از عوامل ذهنی و عینی از جمله رهبری و هدایت‌گری، سازماندهی و بسیج مردمی، ایدئولوژی، ساختار سیاسی، وضعیت اقتصادی و تأثیرپذیری خارجی بر می‌گردد در این میان یکی از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در امر بسیج سیاسی، نقش رهبران و هدایت‌گران در کنش‌های جمعی، مشارکت‌های انتخاباتی و جنبش‌های مدنی است، نقش رهبری و هدایت‌گر در جنبش‌های مدنی و کنش جمعی، جنبه حیاتی و نوعی مشوق بوده که ضمن تدوین راهبرد، خواسته‌ها و مطالبات را بیان می‌کنند و بر نتایج امور تأثیرگذار می‌باشند. رهبری سیاسی و هدایت‌گر سیاسی در کنش جمعی، محصول کنش متقابل اجتماعی است، هدایت‌گران برای بسیج جنبش‌های مدنی و کنش جمعی، ابزار و تاکتیک‌های تشکیلاتی ارائه می‌کنند که در به وجود آمدن یک هویت جمعی تأثیرگذار خواهد بود. رهبران با کردار اجتماعی بر توانایی خود اتکا نموده و برای پیشبرد موفقیت‌آمیز کنش‌های جمعی، نیازمند تشخیص ضرورت تاریخی، شجاعت در تصمیم‌گیری، توان پیش‌بینی، و توان درک احساسات مردم و تحلیل دقیق علمی می‌باشند. (احمدزاده بیانی، ۱۳۸۲: ۱۵۸) هر گفتار سیاسی ناشی از تراوش فکری رهبران برای شناسایی توسعه سیاسی و گفتار مرتبط با آن است، بنابراین باید به این نکته توجه نمود که تولیدکنندگان و رهبران این گفتار سیاسی چه کسانی بوده‌اند؟ از چه موضوعاتی سخن رانده‌اند؟ کنش جمعی آنان چگونه بوده است؟ و مخاطبان آن چه کسانی بوده‌اند؟ آنچه از متون نوشتاری و پژوهش‌های انجام گرفته برمی‌آید، هدایت‌گران

توسعه سیاسی در ایران پسا انقلاب، هر یک به نوعی از پشتیبانی فکری طبقه متوسط جدید دانشگاهی برخوردار بوده‌اند. به باور آنان از نگاه اسلام سیاسی، منظور از اصلاحات سیاسی یا توسعه سیاسی، نه ساختارشکنی، بلکه محقق ساختن بخش‌های معطل مانده از قانون اساسی است که با مفاهیمی همچون جامعه مدنی، قانون‌مداری، نواندیشی دینی و تکیه بر طبقه متوسط جدید همراه بوده است. اندیشه توسعه سیاسی و تأثیرپذیری رهبران گفتمانی آن، نشأت گرفته از اندیشه‌های بخشی از طبقه متوسط جدید دین‌گرا همچون آیت الله طالقانی، شریعتی، بازرگان و برخی افراد مانند پیمان، نظریه‌های قبض و بسط سروش، کدیور، سبحانی، اشکوری، شبستری و نشر گفتمان جامعه شناسی سیاسی حسین بشیریه سرچشمه گرفته بود. آنچه از مفاهیم توسعه سیاسی بر می‌آید آن است که اساساً چرایی سخن گفتن رهبران اصلاحات و توسعه سیاسی، گرفته شده از شرایط اجتماعی ایران بوده که در این پروسه گفتمانی و شکل‌گیری گفتار سیاسی، رویدادهای داخلی و اوضاع و احوال جهانی نقش داشته‌اند. در واقع روشنفکران و اصلاح طلبان دینی به رویدادهای بیرون از حوزه دینی بی‌اعتنا و به مسائل فکری مدرن بی‌علاقه نبوده‌اند. آنان در عین آنکه به ایمان دینی خود پایبند بوده‌اند، از رویدادهای زمانه و تحولات جهان نیز اثر پذیر بوده‌اند (سروش، ۱۳۷۶: ۴۸) رهبران توسعه سیاسی عقیده داشته که برای رسیدن به این مهم، حکومت موظف است فضای امنی برای برخورد اندیشه‌ها و آرا در چارچوب ضوابطی که اسلام و قانون اساسی مشخص کرده است فراهم سازد. دولت باید ظرفیت و فرهنگ مشارکت‌پذیری و نقد و اصلاح را در جامعه گسترش دهد و خود پیشگام و سر مشق عمل و جلب مشارکت باشد. (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۷) بر آنچه گذشت، در محتوای توسعه اصلاحات و توسعه سیاسی و بیان گفتمانی آن، مفاهیمی همچون آزادی، جامعه مدنی، دموکراسی دینی، تثبیت قانون اساسی، قانون‌مداری، در رأس شعارهای تبلیغاتی مشارکت انتخاباتی و در راستای توسعه سیاسی ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ بوده است. رهبران کنش جمعی مطالبات و خواسته‌ها و نارضایتی‌های مردمی را تعیین کرده و به شکل جنبش‌های مدنی و کنش‌های جمعی سامان می‌دهند. چرا که بدون جمع‌آوری تفسیرهای مرتبط و فرایندهای گفتمانی شکل‌گیری بسیج منابع با

دشواری خواهد بود. به عبارت دیگر رهبران کنش جمعی توده‌ها و طبقات اجتماعی را در ماندن یا رفتن در حوزه جنبش تشویق و ترغیب می‌نمایند بنابراین یکی از مهمترین نقش‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی، شکل دادن به همین فرآیند تفسیری است که حامیان جنبش، انگیزه حرکت پیدا می‌کنند و عمل جمعی برای حل مسئله شکل می‌دهند. رهبری و هدایت‌گری بسیج انتخاباتی در طی یک فرآیند مشارکت و در یک دوره معین، مسیرهای آمادگی در انتخابات تا مناظره انتخاباتی را طی می‌نمایند و چارچوب بندی گفتمانی خود را بیان می‌کنند. در این راستا وضعیت اقتصادی و مشکلات معیشتی و دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی در برنامه‌های آنان شکل جدی به خود می‌گیرد. و در مراحل بعدی، رهبران کنش جمعی، چگونگی کارکردهای دولت در بستر اجتماعی و نهادهای دولتی، محور اصلی توصیف وضع موجود در نزد رهبران قرار می‌گیرد، در این مرحله است که مطالبات سیاسی مردم نقش پررنگی پیدا می‌کند و مسائلی مانند حریم خصوصی اهمیت می‌یابد، در ادامه این فرآیند، چارچوب فکری رهبران رنگ دموکراسی خواهی و آزادی خواهی و عدالت‌گرایی به خود می‌گیرد. در ادامه روند توسعه سیاسی و در مشارکت سیاسی، شاهد مبارزه و رقابت بین دو گفتمان یا گفتار سیاسی هستیم که در شعارهای انتخاباتی هواداران نمود خیابانی می‌گیرد. تجربه رخدادهای پس از هر مشارکت انتخاباتی در ایران نشان می‌دهد که جنبش‌های اجتماعی در طول حیات خود با به دست آوردن تجربه‌های جدید راه و رسم جدید می‌آموزند و به بلوغ می‌رسند و متناسب با همین حرکت، رهبران جنبش‌ها نیز در طول حرکت جمعی تغییر می‌کنند. بنابراین ادبیات سیاسی ایران در این دوره‌های تاریخی نشان از شکافی در بستر جامعه ایران داشته که سرمنشأ بسیاری از تحولات در بستر اجتماعی بوده است. زمینه چنین تحولی را می‌توان در تعارض بین سنت و مدرن در فضای سیاسی اجتماعی ایران دانست (حاضری، ۱۳۹۰: ۳) که در این میان شکاف میان‌گرایی‌های جدید معرفت‌شناسی، تمایل به غرب و گرایش در تئوری مرکزیت محوری در اسلام را نیز می‌توان اختلاف دیرینه میان سنت و تجدد دانست.

نتیجه‌گیری

فرایند دولت‌سازی و هویت‌دولت در ایران روندی متمایز از دیگر کشورها داشته است. از آنجا که ساخت و ساز دولت در ایران پسا انقلاب اقدامی فوری در جهت کنترل سیاسی بوده است، لذا طبقه متوسط جدید اعم از دین‌گرا و عرف‌گرا برای تسخیر دولت یا دسترسی به دولت، اقدام به داربست‌سازی سیاسی می‌کنند. شکل‌گیری داربست‌های سیاسی برای دسترسی به دولت، گاه ناشی از مدل برداری از دولت‌های توسعه‌گرای غربی و شرقی و گاه ناشی از ایده‌های آرمانی و انقلابی بوده است. بنابراین در سه دهه اخیر و در ایران (۷۶-۹۶) فرصتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای طبقه متوسط جدید و بر اساس رشد شهرنشینی، باسوادی، دیوانسالاری اداری به وجود آمد، تا اثربخشی خود را بر رویه دولت‌سازی از نوع دولت تسهیل‌گر نشان دهد. منظور از طبقه متوسط جدید در این پژوهش، طبقه‌ای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، شامل دانشگاهیان، معلمان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، و دیگر اهل قلم است که بخش بزرگی از بافت اجتماعی ایران را تشکیل داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که طبقه متوسط جدید از طریق داربست‌های سیاسی همچون مشارکت سیاسی، رسانه‌های گروهی، جریان‌های سیاسی، رهبری سیاسی و تکنوکراسی در بوروکراسی، در پی ساخت دولت تسهیل‌گر و اثربخش بوده است. با جایگزینی نظم سیاسی در ایران پسا انقلاب، نیروهای نوبنیاد و نخبگان سیاسی و فکری، برای کنترل سیاسی وارد فاز دولت‌سازی به سبک خود شدند، در این فرایند، نیروی‌های سنت‌گرای اسلامی با نیروی‌های طبقه متوسط جدید اعم از دین‌گرا و عرف‌گرا، دست به ائتلاف سیاسی زده و جرعه دولت‌سازی را رقم زدند. با گذشت زمان نزاع برای بقاء میان نیروی‌های سنت‌گرا و نوگرا (طبقه متوسط جدید) بالا گرفت و به تعارض سنت و تجدد دامن زد، در ادامه این روند و بالا گرفتن اختلاف میان اسلام‌گرایان بر چگونگی اداره کشور در زمینه داخلی و سیاست خارجی، شاخه‌هایی با نام چپ‌گرایی و راست‌گرایی در دل اسلام‌گرایان زایش نمود و تا اوایل دهه هفتاد ادامه یافت. با پایان جنگ تحمیلی و روند نو سازی، توسعه اقتصادی یک جانبه محور کار دولت‌سازندگی قرار گرفت، افزایش شهرنشینی، افزایش باسوادی،

افزایش بوروکراسی اداری، بانی رشد طبقه متوسط جدید و فضای باز نسبی در حوزه مشارکت گردید و با تبانی طبقه متوسط جدید و تخصص‌گرایان تکنوکرات در بدنه دولت، به خلق دولت توسعه‌گرای سیاسی منجر گردید. از آنجا که نظم‌های سیاسی بر پایه اعتماد اجتماعی استوار بوده و مشروعیت نظم سیاسی وابسته به مشارکت سیاسی است، بنابراین مشارکت سیاسی، افزایش تقاضا برای سهیم شدن در قدرت سیاسی را به دنبال خواهد داشت. طبقه متوسط جدید مشارکت سیاسی را به عنوان داریست سیاسی در جهت ساخت دولت و یا تسخیر دولت انتخاب نمود. به عبارت دیگر طبقه متوسط جدید با شاخص‌هایی همچون رهبری سیاسی، ابزارهای بسیج منابع، گفتارهای سیاسی، رشد شهرنشینی و با سواد، و رشد نو سازی به پویایی رسید و با ابزار مشارکت سیاسی اثربخشی خود را بر مشارکت‌های انتخابی و ساخت دولت تسهیل‌گر به کار برده است، از نگاه دیگر طبقه متوسط جدید با وحدت بخشی به منابع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از طریق رسانه‌های گروهی نقش حامل و عامل توسعه همه جانبه را در ساخت دولت تسهیل‌گر نشان داده است، چرا که رسانه‌ها به عنوان یک داریست سیاسی، وظیفه باز کردن فضای مشارکت سیاسی و جلب توجه مردم و آگاهی دهی دیداری و نوشتاری، دسترسی به قدرت سیاسی را تسهیل می‌کنند. از آنجا که زمینه تبدیل مشارکت‌های عمومی به مشارکت‌های تخصصی از وظایف احزاب سیاسی و نیروهای تخصصی و تکنوکرات در بدنه بوروکراسی اداری است، بنابراین جریان‌ها و احزاب سیاسی وابسته به طبقه متوسط جدید نیز با تنظیم روابط شهروندان و رقابت سیاسی، داریستی برای این طبقه در جهت رسیدن به ساخت دولت تسهیل‌گر از طریق مشارکت سیاسی بوده‌اند.

منابع

- ۱- ازغندی، ملک پور، مطلبی (۱۳۹۷) بررسی رابطه دولت و طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴.
- ۲- بدیع، برتران (۱۳۹۷) توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران نشر قومس.
- ۳- جم‌شیدیه‌ها، تیموری (۱۳۹۶) روند تاریخی ظهور دولت توسعه‌گرا در ایران با تأکید بر دوره زمانی بعد از جنگ تحمیلی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد، سال چهاردهم، بهار و تابستان، شماره یک، صص ۱۱۳-۱۵۵.
- ۴- حسینی و دیگران (۱۳۹۴) نظارت بر پویایی شهر نشینی در ایران معاصر، با استفاده از تصاویر چند زمانه، DMSP/OLS، اطلاعات جغرافیایی، ۲۴ (۹۶): ۲۲-۳۷.
- ۵- خواجه، حسن (۱۳۹۶) میراث‌ها شمی در حوزه سیاسی- اجتماعی (گسترش طبقه متوسط جدید) فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات سیاسی بین‌المللی، شماره چهارم، سال دوم.
- ۶- دادگران، محمد (۱۳۸۵) مبانی ارتباطات جمعی، تهران، مروارید، چاپ نهم.
- ۷- دلفروز، محمد تقی (۱۳۹۳) رانت نفتی، بحران مالی و دموکراسی در خاورمیانه، در دموکراسی و جامعه مدنی در خاورمیانه، تهران، انتشارات سلام، ۷۵-۴۴.
- ۸- ساروخانی (۱۳۷۰) دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، صص ۸۱۳-۸۱۲.
- ۹- شریف زاده، قلی پور (۱۳۸۲) حکمرانی خوب و نقش دولت، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال اول، شماره ۲، ۵۶-۴۸.
- ۱۰- شهریاری (۱۳۹۸) ویژگی‌های ساختاری دولت در ایران بعد از انقلاب، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۸، صص ۹۶-۳۹.
- ۱۱- عالم (۱۳۸۲) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
- ۱۲- غفاری، مسعود، الگدر، افسانه (۱۳۹۶) دولت توسعه‌گرا پیش‌نیاز تحقق حکمرانی خوب، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای علوم انسانی، ۱۰ (۱) ۱۲۴-۱۰۳.
- ۱۳- غفاری، ترجمان (۱۳۹۴) بوروکراسی دولتی و خروج برخی نیروهای متخصص از ایران، فصلنامه دولت پژوهی، تابستان ۹۴ سال اول شماره ۲.

- ۱۴- فقیهی، واعظی، عسل آغاز (۱۳۹۸) تاملی بر تعامل دموکراسی و فرهنگ در ایران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۸، صص ۳۱-۱.
- ۱۵- فتحی، بهروز (۱۳۹۱) دستاوردهای فرهنگی سی ساله (۱۳۵۸ - ۱۳۸۹) مرکز مطالعات راهبردی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۱۶- کلایو اسمیت، برایان (۱۳۸۰) فهم سیاست جهان سوم، ترجمه امیر محمد حاج یوسفی، محمد سعید قائنی نجفی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۷- لپست، مارتین (۱۳۸۱) دایره المعارف دموکراسی، ترجمه گروه مترجمان، به سرپرستی کامران فانی // نورالله مرادی، تهران کتابخانه تخصصی وزارت خارجه، جلد یک.
- ۱۸- مجیدی، حسن، رستم پور، محمد (۱۳۹۶) رویکرد دولت به طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۴-۱۳۶۸) فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال دوم، شماره ۸.
- ۱۹- هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۳) موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهما، تهران روزنه، همان (۱۳۹۰).

منابع لاتین

1. Lorner. D (1958) the passing of traditional societg modernizing the middL East New york free press
2. ChEN. gieandlu. Chunlong (2011)

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی «دیوید برلو»

حسین رهنمایی^۱

مهديه محسنی^۲

چکیده:

پژوهش حاضر تلاشی است در جهت تبیین سیره تبلیغی پیامبر(ص) برای نشر و گسترش معارف اسلامی. این پژوهش که از نوع توصیفی - تحلیلی است، با بررسی اسناد تاریخی، تبیین و تحلیل شیوه‌هایی که پیامبر(ص) در دوران زندگی خود از آن‌ها در جهت تبلیغ دین اسلام استفاده کرد را به عنوان مسأله اصلی خود قرار داده است. امکان سنجی کاربست شیوه‌های تبلیغی پیامبر(ص) در دوران نبوت خود (قبل و بعد از هجرت) برای تبلیغ در دنیای معاصر مبتنی بر نظریه‌های رسانه‌ای جدید، از مسائلی است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است. شیوه‌های تبلیغی پیامبر(ص) با نظریات ارتباطی مطرح معاصر به ویژه دیدگاه‌های دیوید برلو مورد تحلیل قرار گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد که تکنیک‌های تبلیغی به کار بسته شده توسط پیامبر(ص) از برخی جهات با نظریات معاصر رسانه‌ای و تبلیغی همخوانی دارد. هر چند هیچ یک از نظریات مطرح ارتباطی قدرت تبیین همه ابعاد آن را ندارند. شیوه‌های تبلیغ نبوی در روزگار ما نیز به خوبی قابلیت به کارگیری توسط مبلغین اسلامی را دارا هستند.

واژگان کلیدی: تبلیغ، پیامبر(ص)، ارتباط، مخاطب شناسی، مبلغ، اسلام

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران h_rahnamaei@ut.ac.ir

۱- کارشناس ارشد ارتباطات، دانشگاه سوره m.mahdis22@yahoo.com

مقدمه :

قرآن کریم همه انبیا را علیرغم تفاوت در مقام و مرتبه، دارای شأن تبلیغی و حامل پیام الهی برای مردم می‌داند (بقره: ۲۵۳). تا با بشارت و انداز، نوع نگاه آدمیان را به سه مقوله ایمان به خدا و جهان غیب (مبدأ شناسی)، باور به ارتباط خدا با انسان (نبوت و کتب الهی) و استمرار زندگی پس از مرگ (معادشناسی) و تغییر دهند. وجه تمایز دعوت پیامبران نه در محورهای یاد شده بلکه در کیفیت بیان آن محورها و تبیین مسائل فرعی مطابق فهم و شعور مخاطبان است. « إِنَّا مَعَا شِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عُقُولِهِمْ » ما پیامبران با هر کس به اندازه توان عقلی او سخن گوئیم (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ۱/۶۵) مسأله اصلی این مقاله، تبیین و تحلیل شیوه‌های تبلیغ دین اسلام در دوران زندگی پر برکت پیامبر(ص) و تطبیق این شیوه‌ها با برخی از الگوهای ارتباطی در عصر حاضر می‌باشد.

از آنجا که پذیرش دین بالاجبار امکان پذیر نیست (بقره: ۲۵۶) و ورود به آن از مسیر ایمان و پذیرش و متقاعد شدن مخاطب است، درمی‌یابیم که اولین و اصلی‌ترین ابزار پیامبران، برای رساندن پیام الهی، مؤلفه تبلیغ بوده است. و اساساً کار اصلی آنها چیزی جز رساندن پیام الهی به مردمان نبوده است (جن: ۲۸) و سایر فعالیت‌های آنان ذیل همین عنوان و در راستای تحقق همین عنوان انجام گرفته است. دین اسلام با ویژگی جاودانگی رسالت، همگانی بودن تعالیم دعوت و تبلیغ را به یک مؤلفه اصیل در نظر دارد. دعوت و تبلیغ، گذشته از آن که جوهره تمامی ادیان و مسئولیت همه پیامبران بوده است، جایگاه ویژه‌ای در دین اسلام دارد. چندانکه ابلاغ نکردن برخی از پیام‌های الهی به معنی عدم انجام مأموریت رسالت پیامبر اسلام دانسته شده است (مائده: ۶۷)، این نوشتار با هدف تألیف و عرضه خلاصه‌ای مدون، منسجم و سهل‌الوصول در خصوص تطبیق شیوه‌های تبلیغی پیامبر(ص) در قبل و پس از هجرت، با برخی از نظریه‌های ارتباطی در عصر حاضر، به ویژه دیدگاه‌های دیوید برلو، نظریه پرداز دانش ارتباطات، نگاشته شده که در نهایت با بررسی و شناخت دقیق این شیوه‌ها و با توجه به شرایط جامعه می‌توان از آنها برای تربیت مبلغین اسلامی استفاده نمود. هدف این پژوهش، توصیف دو مقطع مهم تاریخ زندگی پیامبر(ص)،

تبيين و تحليل الكوى تبليغى پيامبر اكرم (ص) با توجه به نظريه فراگرد ارتباطى.../۲۲۷

يعنى از زمان بعثت تا هجرت (دوران حضور در مكه) و از هجرت تا رحلت ايشان (دوران حضور در مدينه) از دريچه‌ى علم ارتباطات است. اين امر نيازمند غور در تاريخ و طبقه‌بندى رفتار ايشان بر مبنای دیدگاه‌های ارتباطی است. پس می‌توان آن را نوعی مطالعه‌ی تاریخی تصور کرد که به این پرسش پاسخ می‌دهد که امر تاریخی ملحوظ (سیره تبليغى و مخاطب‌شناسى پيامبر(ص)) در چه شرايط و بستر تاريخى، با چه شكل و صورت و چه مشخصاتى رخ داده است. اين موضوع همان است که ساروخانى در كتاب روش‌هاى تحقيق در علوم اجتماعى آن را اين‌گونه تشریح می‌کند: «شناخت تاريخى با زندگى اميران و حاکمان زمان به انجام نمی‌رسد بلکه حیات آنان نیز درون مجموعه‌ای تام به نام جامعه، شناخته و تحليل می‌شود.» (ساروخانى، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۵۷) پيامبر اسلام(ص) موفق به ايجاد يك جريان قدرتمند فکرى و فرهنگى در عصر خود شد، بنابراین باید پذیرفت که آن حضرت با شناخت بسترهاى اجتماعى و فرهنگى دوران خود، اقدامات تبليغى و تبیینى خود را انجام می‌داد. این، همان مرحله‌ای است که در مطالعات روش‌شناسی دینی تحت عنوان آغازشناسی یا بسترشناسی از آن یاد می‌شود. (قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۷۶).

مرحله دوم پس از بسترشناسی، پرسش از چگونگی شیوه‌های تبليغ پيامبر(ص) و مخاطب‌شناسی ايشان در دو زمان قبل و پس از هجرت می‌باشد. عمده ابزار در این‌گونه مطالعات، اسناد، منابع و اطلاعات است. روش اسنادی مهم‌ترین و عمده‌ترین روش تحقیقی در مطالعات تاريخى است. (دلاور، ۱۳۷۳: ۲۲۹-۲۲۸)

ادبيات پژوهش:

جستجوی نگارندگان نشان می‌دهد که علیرغم آثار فراوانی که به تاريخ و سیره پيامبر اكرم(ص) اختصاص داده شده است، هیچ‌یک به صورت تخصصی از دريچه‌ى علم ارتباطات به سیره تبليغى پيامبر(ص) نگاه نداشته‌اند. معدود پژوهش‌هاى ناظر به سیره‌ى تبليغى پيامبر(ص)، که تاکنون منتشر شده‌اند، نگاهی غیر ارتباطی داشته و عمدتاً توسط اندیشمندان رشته الهیات یا رشته‌های مرتبط با آن، نگاشته شده است. «پژوهشی در سیره تبليغى پيامبر اعظم(ص)» پایان نامه محمدرضا جواهری، در سال ۱۳۹۱ با راهنمایی فهیمه عطار رئوف، «راهکارهای تبليغى انبياء در قرآن» پایان

نامه کارشناسی ارشد خانم جوادی در سال ۱۳۸۷ با راهنمایی محمد امین احمدی و نظایر آنها اگرچه به راهکارهای تبلیغی پیامبر (ص) پرداخته‌اند اما هیچ‌کدام در تحلیل خود مبتنی بر دیدگاه‌های نظریه پردازان رسانه نمی‌باشند و عموماً فاقد چارچوب نظری خاص بوده و صرفاً به روایت تاریخ بسنده کرده‌اند. از این روی، خلاء پژوهش‌های تحلیلی تاریخ اسلام با رویکرد علوم اجتماعی و ارتباطی، کاملاً محسوس است.

۲-۱-۲. مفهوم شناسی:

۱-۱-۲-۱-۲. الگو:

الگوی معنای مدل، انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش در نظر گرفته شده است (بريجانين، ۱۹۹۰: ۴۱۹). در تعریفی ساده می‌توان گفت؛ الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می‌باشد. سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۶۵.

۱-۱-۲-۲. شیوه:

از آن جهت که الگوها مبین شیوه‌ای خاص می‌باشند، لازم است تا به تعریف واژه شیوه نیز بپردازیم. شیوه در لغت، به معنای "طور و طرز عمل، روش و قاعده انجام" (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۱: ۲۲۹) تعریف شده است. برخی شیوه را زیر مجموعه‌ی جزئی از روش^۳ می‌دانند. اما در این تحقیق با استناد بر تعریفی که از روش در لغت نامه دهخدا آمده است: «طرز، راه، هنجار، شیوه، اسلوب» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۶: ۱۶۲) شیوه و روش به یک معنا در نظر گرفته می‌شود.

۱-۱-۳-۲. تبلیغ:

کلمه تبلیغ از ریشه «ب.ل.غ» در لغت به معنی رساندن و در اصطلاح اسلامی به معنای رساندن پیام و دعوت کسی به دین، عقیده، مذهب و مسلک و یا جذب کردن کسی به راهی که خواست مبلّغ است ترجمه می‌شود. اصطلاح پروپاگاندا^۵ معادل

³ -Pattern

⁴ - Method

⁵ - Propaganda

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی.../۲۲۹

انگلیسی تبلیغ و به معنای تحت تأثیر قرار دادن دیگران است (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۶۸). واژه تبلیغ، در اصطلاح، رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست و بر سه عنصر اصلی: پیام دهنده، پیام گیرنده و پیام استوار می‌باشد. در تبلیغ تنها رسانیدن یک ایده به مخاطب مراد نمی‌باشد، بلکه اقناع یا ترغیب او مد نظر است. (رهبر، ۱۳۷۱: ۸۰)

۱-۳-۲- مؤلفه‌های تبلیغ

مؤلفه‌هایی که مفهوم تبلیغ را عینیت می‌بخشند عبارتند از "پیام‌دهنده، پیام گیرنده و پیام" که بدون این‌ها فرایند انتقال پیام تحقق نمی‌پذیرد.

الف) پیام گیرنده: از ارکان مهم تبلیغ، پیام‌گیرنده است که با وجود او تبلیغ معنی پیدا می‌کند. علم و آگاهی، باورها، سن، جنس، جایگاه اجتماعی از موارد مهمی است که در ارائه پیام باید مورد توجه قرار گیرد.

ب) پیام: پیام، اعتقاد، اندیشه یا گرایشی است که پیام‌دهنده قصد انتقال آن به پیام‌گیرنده را دارد و ممکن است بار سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، علمی و مانند آن داشته باشد. پیام هرچه از محتوا، جذابیت و کارایی لازم و درک فرهنگ زمان بیشتری برخوردار باشد، اهمیت بیشتری دارد. (نگارش و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۵)

ج) پیام‌گزار دینی (مبلّغ): پیام‌گزار در لغت به معنی رسول، پیغام‌آور و مانند آن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۵: ۲۳۵). از منابع دینی استفاده می‌شود که پیام‌گزار دین، کسی است که پیام دینی را با دلسوزانه و از سرخیراندیشی به مردم می‌رساند (اعراف: ۶۲) و از کسی جز خدا واهمه ندارد و اجر و پاداش کوشش‌های تبلیغی خود را نیز تنها از او انتظار دارد (احزاب: ۳۹).

۴-۱-۲- پیامبر :

در لغت نامه دهخدا در تعریف واژه پیامبر چنین آمده است: پیغامبر؛ پیغمبر؛ پیمبر؛ و خورشور؛ نبی؛ رسول؛ آنکه واسطه‌ی ابلاغ سخنی از کسی به دیگری، خواه به زبان و خواه به نامه باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۱: ۲۳۰). در این جا منظور از پیامبر، معنای اصطلاحی آن یعنی دریافت‌کننده و بیان‌کننده وحی الهی است.

۵-۱-۲- سیره :

واژه «سیره» در زبان عربی از کلمه «سیر» برگرفته شده است. سیر، به معنای حرکت، رفتن و راه رفتن، و «سیره» به معنای نوع راه رفتن می‌باشد. پس "سیر" یعنی رفتار و "سیره" یعنی نوع و سبک رفتار (مطهری، ۱۳۶۸، ۴۸).

۶-۱-۲- دیوید برلو:

دیوید کنت برلو، رئیس و بنیانگذار دپارتمان ارتباطات در دانشگاه ایالتی میشیگان و نظریه‌پرداز مشهور ارتباطات، به سال ۱۹۲۹ متولد شد. او از سال ۱۹۵۸ به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه میشیگان آمریکا مشغول به کار شد. برلو در سال ۱۹۶۰، نظریه معروف خود در مورد اجزاء و مدل انتقال پیام که مبتنی بر چهار مؤلفه فرستنده-پیام-کانال-گیرنده (SMCR) بود را ارائه کرد. سال ۱۹۷۱ ریاست هیئت مدیره دانشکده ارتباطات میشیگان را بر عهده گرفت و به دانشگاه ایلینویز رفت. او مدارج ترقی را تا ریاست دانشگاه ایالتی ایلینویز طی کرد و موفق شد از سال ۱۹۶۹ به مدت چهار سال بر صندلی ریاست آنجا تکیه زند. در طول همین دوره بود که کتاب درسی «فرآیند ارتباطات» را نگاشت. برلو سال‌های آخر عمر کاری خود را در ایالت فلوریدای آمریکا به عنوان مشاور در یک مجموعه صنعتی سپری نمود. وی در ۲۳ فوریه ۱۹۹۶ در سن ۶۷ سالگی درگذشت.

۳- مبانی نظری:

تبلیغ و ارتباطات با حفظ ضوابط و اصول آن به دور از استعمار و استثمار فکری و عاطفی و خالی از هرگونه سوء استفاده و مسخ افکار مخاطب باید در نظر گرفته شود. هدف این نوشتار، پرداختن به فرایند ارتباط پیامبر(ص) و گزارش موارد جزئی نیست، بلکه برآن است تا با استناد به برخی موارد، اصول و قواعد شیوه‌های ارتباطی آن حضرت کشف شود.

به طور کلی مکاتب آکادمیک ارتباطات، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- "مکتب فرایند انتقال"، که ارتباطات را انتقال پیام‌ها می‌داند و به این می‌پردازد که فرستندگان و گیرندگان، چگونه رمزگذاری و رمزگشایی

6- David Kenneth Berlo

7- sender-message-channel-receiver

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی.../۲۳۱

می‌کنند و انتقال‌دهندگان، مجراها و رسانه‌های ارتباطی را چگونه به کار می‌گیرند؛ و در اصل ارتباط را روندی می‌داند که شخص از راه آن بر رفتار یا ذهنیت دیگری اثر می‌گذارد (فیسک، جان؛ ۱۳۸۶: ۱۰).

۲- "مکتب نشانه‌شناسی و تبادل معنا" که ارتباط را تولید و تبادل معنا می‌داند و معتقد است که پیام چیز نیست که فرستنده، همه مقاصد خود را در آن قرار می‌دهد (همان، ص ۱۱).

دیدگاه نظری دیگری نیز مطرح است که به ارتباطات به مثابه آئین می‌نگرد و ارتباط را بیش از اینکه دارای ابعاد انتقالی بداند واجد ابعاد آیینی می‌داند. که به حفظ نظم اجتماعی جامعه توجه می‌کند (کری، ۱۳۷۶: ۶۷). این رویکرد مدعی است که ارتباطات، کاری برای اطلاع‌رسانی نبوده بلکه این الگو نوعی مراسم مقدس برای نزدیک‌تر کردن افراد با تکیه بر نقاط مشترک و به بیان دیگر نمادی از اعتقادات مشترک است تا انسان‌ها وابستگی و پیوستگی فرهنگی و معنایی خود را به یک گروه بزرگ‌تر اعلام کنند (رودنبولر، ۱۳۸۷: ۷۰).

در این مقاله ما تنها از منظر مدل ارتباطی فراگرد ارتباط که به وسیله دیوید برلو طراحی شده خواهیم پرداخت و مطابق با این نظریه، به شیوه‌های تبلیغی رسول اکرم نگاهی دوباره خواهیم داشت.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- شرایط اجتماعی فرهنگی زمان پیامبر

از نظر زمانی، دوران قبل از بعثت رسول خدا(ص) را، تا حدود ۱۵۰ و حداکثر ۲۰۰ سال، دوران جاهلی می‌نامند (فروخ، ج ۱: ۳۸). با دقت در استعمالات واژه جاهلیت در قرآن در می‌یابیم که این کلمه در مقابل علم و دانش به معنای دانش تجربی به کار نرفته است، هر چند که می‌دانیم اعراب در آن زمان از لحاظ دانش در مرحله‌ی بسیار پستی قرار داشتند، بلکه ناظر به حیات مردمی که نسبت به خدا و شرایع آسمانی جاهل بوده و با تفاخر به آباء و اجداد و با کبر و غرور زندگی می‌کردند (جعفریان، ۱۳۸۲: ۵۹).

۲-۴- ویژگی‌های تبلیغی پیامبر(ص)

ویژگی‌های فردی پیامبر(ص) از مهم‌ترین عوامل توفیق حضرت به شمار می‌آید. تأثیر هیچ تبلیغی بالاتر از عمل مبلغ به گفتار خود و نوع رفتار او نیست. ویژگی‌هایی مانند آگاهی و تبلیغ عالمانه، باور و ایمان، عمل به گفتار، مدارا و ملایمت در ابلاغ، تواضع، پشتکار و اراده و صبر و سعه صدر از عمده‌ترین ویژگی‌های تبلیغی حضرت می‌باشد.

۳-۴- مدل فراگرد ارتباط

مدل ارتباطی برلو، به تفصیل درباره‌ی فراگرد ارتباطات انسانی توضیح می‌دهد. این مدل حاوی چهار عنصر، منبع، پیام، کانال و گیرنده است (برلو، ۱۹۶۰: ۱۷۳). برلو که به شدت تحت تأثیر نظریه محرک - پاسخ در روانشناسی بود، فرایند یادگیری و تفسیر را بررسی کرد. او نشان داد که چگونه فرد، همواره هم‌گیرنده است و هم منبع. بنابراین یادگیری، مشتمل بر فرایند تفسیر محرک - پاسخ و عمل بر مبنای پیامدهای پاسخ است. او می‌گوید تکرار و تواتر ممکن است پیوندهای محرک - پاسخ را محکم‌تر یا سست‌تر کند. بنابراین وقتی یک پاسخ، با پاداش رو به رو می‌شود، آن عادت تقویت شده و وقتی پاداش نمی‌گیرد، تضعیف شده و در نهایت از بین می‌رود.

در نظر برلو، مفهوم "قصد" ارتباطی، برای برقرار شدن ارتباط مؤثر و آشکار، نقش مهمی دارد. برلو معتقد است که هدف تمام رفتارهای ارتباطی آن است که پاسخی خاص، از جانب فرد یا گروهی خاص را برانگیزد و ارتباط، هنگامی مؤثر خواهد بود، که گیرنده با تلاش کم‌تری پاسخ مطلوب را ارائه دهد. او با بیان اینکه معنی‌ها در پیام‌ها و چیزهای قابل کشف نیستند و در واقع کلمات در نهایت هیچ معنایی نمی‌دهند؛ اظهار می‌کند که معنی‌ها فقط در آدم‌ها هستند، که مسبب پاسخ‌ها می‌شوند. به تعبیر برلو معناها آموخته می‌شوند و آنها در ما هستند نه در پیام. کسانی که با یکدیگر تشابه معنایی دارند، می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند و اگر فاقد این تشابه باشند، قادر به ارتباط با یکدیگر نیستند. اگر معنی‌ها، در پیام‌ها بودند به این مفهوم بود که همه می‌توانستند با هر زبانی و با هر کدی با یکدیگر ارتباط برقرار

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی.../۲۳۳

کنند. در نتیجه عناصر و ساخت زبان، فقط نماد بودند و بس (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۵).

قصد ارتباطی در مسیر تبلیغ پیامبر(ص) کاملاً روشن بود و ایشان در صدد آن بود که جامعه‌ای متحجر را به سوی جامعه‌ای آرمانی هدایت کند. آنان را از آلودگی شرک و بت‌پرستی پاک سازد و جامعه‌ی جاهلی را به سوی رشد و شکوفایی جهت دهد. چنین رویکردی با فرهنگ حاکم در دو نقطهٔ مقابل قرار داشت و اکثریت مردم به راحتی نمی‌توانستند از عادت‌ها و آداب و رسوم سنتی - هرچند خرافی و جاهلانه- روی برگردانند؛ از این رو پیامبر(ص) در عصر مکه تلاش نمود تا با تقویت باورهای توحیدی زمینهٔ تخلّق به اخلاق الهی و ترک عادات جاهلی را آسان نماید.

مطابق با نظریه برلو، تلاش‌های پیامبر در راه تبلیغ را می‌توان یک فراگرد به شمار آورد. فراگردها رویدادهایی هستند که بیانگر و نشانهٔ عملی ممتد باشند و تبلیغ دین پیامبر از قرن‌ها پیش آغاز شده و پویایی خود را تا به امروز حفظ کرده است. اجزای فراگرد ارتباطی پیامبر نیز دارای کنش و تأثیر متقابل بر یکدیگر هستند. لازم به توضیح است که یک منبع ارتباط بعد از تعیین روشی که می‌خواهد با آن روی گیرنده‌اش تأثیر بگذارد، پیامی را به قصد تولید هدف دلخواهش رمزگذاری می‌کند.

۱-۳-۴- منبع - رمزگذار (The Source-Encoder)

براساس مدل ارائه برلو، حداقل چهار عامل باعث افزایش کارایی منبع در ارسال پیام می‌شوند:

- ۱- مهارت‌های ارتباطی،
- ۲- نگرش،
- ۳- سطح دانش
- ۴- موقعیت منبع در سیستم اجتماعی-فرهنگی‌ای که پیام در آن

ارسال می‌شود.

در همین راستا، ویژگی‌های تبلیغی پیامبر(ص) به عنوان منبع پیام را در مؤلفه‌های زیر می‌توان جستجو نمود:

الف) آگاهی و تبلیغ عالمانه

پیامبر(ص) برای تبلیغ اسلام وحی الهی را می‌شناخت و به تمام زوایای آن آگاهی داشت. بدون تکیه بر این و آن، سخنانش را می‌گفت و هیچ‌گاه از ظن و گمان‌های پوچ پیروی نمی‌کرد. این ویژگی خصلت سایر پیامبران الهی نیز بوده است. هود هنگام معرفی خود می‌گوید: واعلم من الله ما لا تعلمون () که گویای اشراف اطلاعاتی او به مبدأ ربوبی و در نتیجه به محتوای پیامی است که از جانب خداوند مامور به ابلاغ آن است.

ب) باور و ایمان

آنچه در تمام مراحل تبلیغ مددکار حضرت بود، باور قلبی او به هدفی بود که در سر داشت. ایمان شگرف رسول خدا به رسالت خود باعث استقامت و سخت‌کوشی آن حضرت در برابر مصائب و مشکلات بود تا آنجا که قرآن به وی تذکر می‌دهد که مراقب باش خویشتن را برای تبلیغ رسالت خودت به مشقت بی اندازه دچار نکنی (ما انزالناه الیک لتشقی). (طه، ۲).

ج) عمل به گفتار

پیامبر(ص) همواره، بیش از همه به دستورات دینی که آن را ابلاغ می‌فرمود، عمل می‌کرد. با این روش هم اطمینان و اعتماد مخاطب را جلب می‌کرد و هم ثابت می‌نمود که عمل به دستورات دینی کار مشکلی نیست. او در عبادت سرآمد عصر خویش بود، در زهد و ساده‌زیستی آنچنان متعهد بود که همسران او طاققت همراهی با زندگانی این چنینی را نداشتند. در بخشش و انفاق گاه خویشتن را به سختی می‌انداخت، در جهاد و مبارزه مقدم از همه نیروهای خود در قلب میدان جنگ می‌جنگید (سیدر ضی، ۵۲۰). و کلا در هر عرصه‌ای که بدان دعوت می‌نمود پیشتاز بود.

د) پشتکار و صبر

از خصایص بارز پیامبر(ص) استقامت و پشتکار و پایبندی به امر تبلیغ دین تا آخرین لحظه بود. استقامت به همراه تداوم آموزش و نظارت مستمر او بر اجرای

منویات دینی در جامعه نبوی باعث موفقیت آن حضرت شد. او در تمام لحظات زندگی لحظه‌ای از تأکید بر رسالت خویش غافل نشد.

صبر برمشکلات و تحمل شدائد باعث شد تا پیام او به مرور ایام در جامعه بسط یابد. صبر و شکیبایی گذشته از آن که از ویژگی‌های روحی پیامبر بود، در استمرار توصیه‌های الهی نیز بود. آنجا که پیامبر خود را همانند پیامبران اولوالعزم قبلی به صبر و شکیبایی در راه اهداف بلندش ترغیب می‌کند:

فاصبر كما صبر الوالعزم من الرسل (احقاف: ۳۵).

پس صبر کن همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند،

۵) مهرورزی

در آن دوران که خشونت، برخوردهای غیرانسانی و به دور از مهربانی و مهرورزی و برهنه از هرگونه محبت، به ویژه بالادستان نسبت به زیردستان، امری عادی بود و اختلاف طبقاتی و نگرش تبعیض‌آمیز به بردگان و قشار پایین جامعه رایج بود، رسول گرامی اسلام، مهربانانه، با یکایک مردم برخورد می‌کرد و به آنان مهر می‌ورزید. ایشان نه تنها با همه یاران و نزدیکان، که حتی با مخالفان مهربانانه رفتار می‌کرد. از این روی خداوند در قرآن کریم، آن حضرت را پیامبر رحمت خوانده است:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء: ۱۰۷)

و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم

و) هماهنگی رفتار با گفتار

هماهنگی و یکی بودن دل با زبان از عناصر بسیار مهم در جذب مخاطبان است. دل و زبان رسول خدا(ص) همواره با هم هماهنگ بودند و پیش از آن که مردم را به کاری بخواند، آن را انجام می‌داد و هیچ‌گاه از مردم چیزی نمی‌خواست و آنان را به چیزی امر نمی‌کرد که خود آن را انجام نداده باشد. عمل او همیشه پیش از گفتارش بروز و ظهور می‌یافت. از یاران هم می‌خواست هیچ‌گاه مردم را به کاری که خودشان آن را انجام نداده‌اند، نخوانند. زیرا این توصیه قرآن است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف: ۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید

۲-۱-۳-۴- نگرش منبع پیام (پیامبر(ص)):

مطابق با نظریه برلو نگرش در تحلیل پیام نقش جدی دارد. منظور از نگرش، پیش‌آمدگی، تمایل و آرزو برای نزدیک شدن یا دور شدن فردی، از فرد دیگر می‌باشد. برلو فراگرد ارتباط را در چند عامل شناسایی می‌کند: نگرش نسبت به خود؛ نگرش نسبت به مطلب خود؛ نگرش نسبت به گیرنده.

پیامبر(ص) به خود و دیگران نگرش مثبت داشت و تکیه‌گاه این نگرش اعتماد به ذات «الله» بود. ایشان همه عالم را جلوه الهی می‌پنداشت و هیچ مخلوقی را زاید و خارج از حکمت تلقی نمی‌کرد؛ از این رو به مثابه ایمانش، مثبت‌اندیش‌ترین مرد عالم بود. آموزه‌هایی همانند «حسن ظن»، «توکل»، «امید»، «انتظار»، «کتمان سر» و «تفأل به خیر» در مکتب پیامبر(ص) حکایت از مثبت‌گرایی پیامبراسلام دارد. همه سیره‌نگاران و بررسی‌کنندگان سیره و رفتار پیامبر(ص)، در این مسأله اتفاق نظر دارند که حضرت کرامت‌انسان‌ها را در حد اعلا پاس می‌داشت. اصلی که فراموش شده بود. توجه عمیق پیامبر به این اصل و پاس داشت کرامت‌انسانی افراد و توصیه به آن از جمله عوامل گرایش مردم به آن حضرت برشمرده می‌شود.

۳-۱-۳-۴- سطح دانش منبع پیام:

برلو معتقد است، مقدار دانش منبع پیام درباره موضوعش، بر پیام او تأثیر خواهد گذاشت. یک شخص، درباره چیزی که نمی‌داند، نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. از سوی دیگر اگر منبع، تخصص خیلی بالایی داشته و خیلی زیاد بداند، ممکن است در مهارت‌های ارتباط ویژه‌اش چنان رفتار تکنیکی به کار برد، که گیرنده پیام او نتواند آن را درک کند. برلو می‌گوید یک معلم موفق هم باید دانش کافی داشته باشد و هم این که بداند چگونه آموزش دهد و تدریس کند؛ تا بتواند ارتباط لازم را برای یاد دادن برقرار کند. از آنجا که ارتباطات در جامعه‌ای صورت می‌گیرد که در آن افراد مختلف با باورها و ارزش‌های متفاوت زندگی می‌کنند، منبع باید از فرهنگ، مذهب، اعتقادات و ارزش‌های گیرنده پیام آگاه باشد (توراگا، ۲۰۱۶، ۵۶-۶۵).

از دیگر رمز و رازهای گسترش دعوت پیامبر(ص) و جذب مردم مان به زیبایی‌های سخن و سیرت آن حضرت، پاسخ‌های منطقی، مستدل و دقیق ایشان، به

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی.../۲۳۷

پرسش‌ها و شبهه‌هایی است که به ذهن‌ها راه می‌یافته و بر سر زبان‌ها می‌افتاده است. در قرآن و تاریخ، پرسش‌ها و شبهه‌ها و پاسخ‌های حضرت بازتاب یافته است. در سیره آن حضرت آمده است: گاه مطلبی را به گونه پرسش مطرح می‌کرد، چون حاضران فکر خود را برای پاسخ‌گویی به کار می‌انداختند و زمینه لازم برای دریافت پاسخ درست فراهم می‌شد، حضرت پاسخ نهایی را خود ارائه می‌داد (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۲۵).

پیامبر(ص) روشن سخن می‌گفت، همگان می‌فهمیدند و هر کس، به اندازه ظرفیت خود از آن بهره می‌گرفت. پیامبر(ص) در نزد قوم عرب، به خاطر فصاحت و بلاغت و رسایی زبان، بسیار زیبا جلوه می‌کرد، از این‌جا می‌توان به رمز نفوذ ژرف و جاودانه‌ی سخن رسول خدا در دل‌ها و توانایی‌های ایشان در انتقال مفاهیم به مخاطبان پی برد.

۴-۳-۱-۴- موقعیت منبع پیام یا پیامبر(ص) :

هیچ منبعی به عنوان یک فرد آزاد و بدون تأثیر از شرایط اجتماعی - فرهنگی، نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. بدیهی است که در مورد منبع عوامل مشخصی چون مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها و دانش او، در نظر خواهد بود؛ اما ما به بیش از این‌ها نیاز داریم. مثلاً ما نیاز داریم که بدانیم او در آن سیستم اجتماعی - فرهنگی چه جایگاهی دارد، چگونه عمل می‌کند، چه نقشی ایفا می‌کند، کارکردهایی که خواستار انجامش هست، پرستیژی که او در مقابل دیگران دارد، زمینه فرهنگی که او در آن ارتباط برقرار می‌کند و باورها و ارزش‌هایی که بر او حاکم است، چیست؟ شکل‌های رفتاری مورد قبول و شکل‌های رفتاری غیرقابل قبول در فرهنگ او کدامند؟ نیاز داریم که درباره انتظارات شخصی او و انتظارات دیگران درباره او آگاه شویم.

مهاجرت و عزیمت پیامبراعظم(ص) به یثرب یکی از نقاط عطف تاریخ اسلام است، زیرا یثرب با دارا بودن ساختاری متفاوت از مکه به زودی کانون تحولات فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی عصر پیامبر(ص) گردید به گونه‌ای که توفیقات چشمگیر پیامبراعظم(ص) در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی در مدینه سریع‌تر به وقوع پیوست. یکی از بهترین رخدادهای سیاسی که زمینه‌ساز تحولات فرهنگی این عصر به شمار می‌رود، تشکیل نظام سیاسی در مدینه بود. تأسیس دولت می‌توانست عاملی

تعیین کننده در ایجاد دگرگونی‌های فرهنگی، باشد و به کنترل اجتماعی کمک شایان توجهی بنماید. داشتن مشروعیت الهی «إن الحكم إلا لله» و دارا بودن حمایت‌های مردمی و مقبولیت عامه از امتیازات دولت سیا سی پیامبر(ص) محسوب می‌شود. بنابراین با فراهم شدن نظام کارزمایی به رهبری پیامبر(ص) و تشکیل پایه‌های قدرت در مدینه، جد و جهد رهبری جامعه برای تقویت بنیاد نظامی و در نهایت سامان‌دهی بخش تبلیغاتی — تعلیماتی، با هدف گسترش و حاکمیت بخشیدن اسلام آغاز شد.

پیامبر در دوران قدرت و حاکمیت، سخت جاذبه آفرین بود. بسیاری در این دوران جذب شدند، چون که می‌دیدند با این که در اوج قدرت است، اما رفتاری بسیار نیک، مهربان، مردمی و فروتنانه دارد و بسان پایین‌ترین فرد جامعه زندگی می‌کند! مردم، نه شنیده و نه دیده بودند که حاکمان چنین رفتاری داشته باشند. آنان از حکومت‌گران هر چه دیده و یا شنیده بودند، خود محوری، غرور، نادیده‌انگاری مردم، زورگویی، ستم، فاصله‌گیری از مردم، عیش و نوش، مال‌اندوزی و ... بود و از حاکم انتظاری جز این گونه رفتارها را نداشتند، اما به یکباره دیدند حاکمی با همه نفوذ، جایگاه و محبوبیتی که در دل‌ها دارد و یاران سخت‌فدایی و از جان گذشته و پشتیبانان استوار، اما این همه فروتنانه با مردم نشست و برخاست می‌کند و از قدرت نمایی‌ها و خود به رخ کشیدن‌ها در وی خبری نیست، جذب او می‌شدند و حکومتی را که او بنیان‌گذارده بود، از خود می‌دانستند، زیرا که می‌دیدند این حکومت بسان دیگر حکومت‌ها نیست که شماری اندک به همه چیز برسند و بار خود را ببندند و اکثر مردم در فقر و فاقه نگهداشته شوند، بلکه حکومتی است که بر دوش مستضعفان و پابرهنگان در حرکت است و برای رشد فکری و مادی مردمان عقب نگهداشته شده سازمان یافته است.

۲-۳-۴- گیرنده - رمزخوان^۸

برلو درباره این جزء از مدل خود می‌نویسد: «شخصی که در یک سوی فراگرد ارتباط قرار دارد، با شخصی که در سوی دیگر این فراگرد ایستاده، از نظر عواملی که

^۸- Decoder-Receiver(

ذکر شد، تفاوتی ندارد. یکی از دشواری‌های صحبت درباره فراگرد، این است که وقتی ما با ارتباط درون شخصی رو به رو هستیم، فرستنده و گیرنده، هردو، یک نفرند و ما به ناچار در یک سو، منبع و در سوی دیگر، گیرنده را قرار می‌دهیم. در واقع، برای تجزیه و تحلیل فراگرد، منبع و گیرنده را به طور مجزا بررسی می‌کنیم و این، دلالت بر آن دارد که برای یک لحظه، پویایی فراگرد را متوقف کرده‌ایم.

اگر پیامبر(ص) تمام مطالب را یکباره با مخاطبان خود در میان می‌گذاشت هرگز نمی‌توانست انتظار نتیجه‌ای داشته باشد. ایشان همواره می‌فرمودند که نمی‌توان در وهله‌ی نخست تکالیف بزرگ را بردوش مخاطبان نهاد زیرا شخصی که به انجام عملی عادت پیدا کرده است، عادتش به طور آنی و دفعی به وجود نیامده است و اگر بخواهد آن عادت را ترک نماید، نیاز به زمان دارد، تا عادت خود را ترک کند (فضل الله، ۱۳۵۹: ۶۰). تبلیغ پیامبر(ص)، از دعوت به توحید در مکه آغاز می‌شود و مرحله به مرحله پیش می‌رود. تبلیغ اصول عقاید، در مکه انجام می‌گیرد و مسائل حکومتی در مدینه مطرح می‌شود. تبلیغ احکام نیز همانند سایر مسائل به صورت گام به گام صورت گرفته است.

پیامبر(ص) در دعوت مردم به اسلام، در گام نخست، به بیدارگری عقلانی پرداخت. برای این امر مهم برنامه ریخت. با دعوت به خردورزی، تفکر در پدیده‌ها، آفرینش، آسمان‌ها و زمین، خورشید و ماه، گردش شب و روز، آغاز و انجام اقوام و تمدن‌ها و... کسب آگاهی و دانش، پرهیز از عوامل جمودآفرین و نادانی‌گستر، مانند باورهای خرافی، شرک‌آمیز و... کاری کرد که مردم بیندیشند و اندیشیدن را در سرلوحه کارهای روزانه خود قرار دهند و هیچ‌از آن دوری نگزینند، چرا که راهی برای برون رفت از لجه‌های جهل، جز "اندیشیدن" وجود ندارد. آنگاه که اندیشیدن مرام شد و در درون افراد نهادینه گردید، زمینه برای گرایش به حق فراهم می‌شود. چون انسان جز با اندیشیدن به حق نمی‌رسد.

پیامبر(ص) به خوبی می‌دانست از ابزارهای کلام، عمل، مساعدت، هدیه، مهرورزی و... چگونه بهره گیرد و بر روش‌های بیانی و عملی دعوت تسلط داشت. برقراری ارتباط‌هایی با صحت بالا توسط پیامبر(ص) به توان مخاطب‌شناسی حضرت

مربوط می‌شود که متناسب با حال و درک مخاطب، پیام‌های خویش را تعدیل و سازگار می‌کردند. این امر اصل مهمی در ارتباطات میان فردی است و می‌توان آن را قابلیت درک و فهم‌پذیری پیام نیز نامید.

از دیگر رفتار جاذبه‌آفرین رسول خدا و عامل مهم در جذب و گرایش مردم به اسلام، همنشینی و همدردی آن حضرت با محرومان و تهی‌دستان بود. سطح زندگی حضرت در سطح زندگی پایین‌ترین افراد جامعه بود. مردم، رسول خدا را از خود می‌دانستند، زیرا که می‌دیدند آن بزرگوار مانند فقیرترین مردمان زندگی می‌کند و با آنان نشست و برخاست دارد. سران قریش، به خاطر ثروت و مکتب، خود را از دیگران برتر می‌دیدند. رسول خدا برای مبارزه با این پندار واهی جاهلی، با تهیدستان و محرومان همنشینی و همدردی می‌کرد، تا هم تفکر جاهلی را ریشه کن سازد و هم به محرومان قوت قلب بدهد و غبار یأس را از چهره‌شان بزدايد. سیره و رفتار کسانی که در مکتب فکری، اخلاقی پیامبر(ص) رشد کرده بودند نیز، از عوامل مهم جذب افراد به دین اسلام است. اخلاق و رفتار پیامبر(ص) در زمانی کوتاه دگرگونی ژرفی را در بسیاری از (روح‌ها) و (روان)ها پدید آورد.

مردمی که در برابر امور بسیار ناچیز، خون یکدیگر را می‌ریختند، در پرتو اسلام به جایی رسیدند که حاضر نبودند کوچک‌ترین حقی از دیگری را پامال کنند و یا نادیده بیانگارند. در سیره پیامبر(ص)، جوانان فصل روشنی دارند. تعامل و برخوردهای مهربانانه، هدایت‌گرانه و منطقی و زندگی‌ساز پیامبر با جوانان، آغازی برای دگرگونی‌های ژرف در مردم آن روزگار به‌شمار رفته است. فطرت پاک آنان در رو به رو شدن با فطرت رخشان و بی‌آلایش پیامبر، خیلی زود نور وجود آن حضرت را در خود بازتاب می‌داد و همین سبب جذب این گروه بس اثرگذار و دگرگون‌آفرین شد که نکته‌های شگفت آن در تاریخ بازتاب یافته است. جوانان زودتر و بهنگام‌تر از دیگران در سخنان، پیام و سیره و منش پیامبر(ص)، نیاز خود را دریافتند و این موج و گرایش شگفت‌آفرین جوانان به آیین جدید، سبب گردید که سران قریش، خیلی زود در برابر این پدیده عکس‌العمل نشان دهند و با تندی و خشم با پیامبر(ص) و گروه‌پدیدگان به وی برخورد کنند. فشار و شکنجه‌هایی که سران قریش با جوانانی

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی...//۲۴۱

همچون عمار یاسر، مصعب بن زبیر و بلال حبشی روا داشتند هیچگاه از حافظه تاریخ پاک نخواهد شد (سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۱).

۳-۳-۴- پیام^۹

برلو سومین جزء از مدل خود را به پیام، اختصاص داده و اجزای پیام را به رمز، محتوا و نحوه ارائه، تقسیم کرده است.

۳-۳-۴-۱- رمز و محتوا

قرآن، پیام اصلی اسلام است، که حتی رمزگذاری آن نیز به وسیله خداوند متعال انجام شده است و به عبارتی دیگر محتوای پیام اسلام، همان محتوای قرآن است که خداوند متعال، محتوای آن را با نماد الفاظ از طریق جبرئیل بر حضرت محمد(ص) نازل فرموده است. اما مسئله مهم در اینجا این است که انتقال پیام خداوند، با دریافت پیامبر(ص) به پایان نمی‌رسد و همین که پیامبر این پیام را دریافت نمود، باید خود به فرستنده و ابلاغ کننده‌ای تبدیل شود و این پیام را به دیگران منتقل سازد و پیامبر اکرم(ص) نیز نسبت به الفاظ و در محتوای قرآن، هیچ دخل و تصرفی انجام نمی‌داد و قرآن را آنگونه که بر او نازل می‌شد، به دیگران منتقل می‌نمود (خندان، ۱۳۷۴: ۱۸۵—۱۸۴). خداوند که منبع اصلی پیام دین به طور اعم است، پیام‌های خود را با رمزهایی که خود به آن‌ها "آیه" می‌گوید، برای بشر فرستاده است و محتوای پیام تبلیغی اسلام و دعوت اسلام، همان محتوای قرآن است (خندان، ۱۳۷۴: ۲۱۲-۲۰۸).

عربی که شیفته فصاحت و بلاغت بود و در برابر سخن شیوا و رسا زانو می‌زد و زبان به ستایش می‌گشود و صاحب سخن را گرمی می‌داشت، حال و روزش در برابر سخن شیوا، با محتوا و بس سرشار و دگرگون‌آفرین رسول خدا روشن است و اینکه چگونه در برابر آن سخنور توانا و سخنان فصیح و بلیغ، سر فرود آورده و به هیجان آمده و لذت برده و دل بسته است و سر از پا ناشناخته و به سوی صاحب سخن به حرکت در آمده است، بحثی قابل تأمل می‌باشد. بنابراین، نخستین عامل اساسی در ایجاد تحولات بنیادین اسلامی در جزیره العرب، قرآن کریم است که در نهایت اعجاز

^۹- message

با محتوایی فوق بشری و دلنشین، همه انسان‌ها را به خدایی واحد فرا خواند و با القای نگرش توحیدی بتان زشت و ناتوان مصنوع دست و فکر بشری را به سخره گرفت و عقل سلیم آدمی را به تفکر واداشت. آموزه‌های شگرف این کتاب آسمانی و شیوه نزول آن، یکی از عوامل مؤثر در تعمیق فرهنگ جدید اسلامی و تغییر نگرش فرهنگی بود و توانست در باروری، شکوفایی و توسعه فرهنگی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۳۵۳).

علاوه بر نزول آیات، تلاش‌های طاقت‌فرسای رسول اکرم(ص)، با طرح برنامه‌های اخلاقی و آموزش روابط نظام‌مند اجتماعی و فرهنگ‌سازی قرآنی نیز در فراهم کردن زمینه تغییرات اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم و تعیین‌کننده بود. با این ملاحظه می‌توان به درستی دریافت که عامل مؤثر دیگر در ایجاد دگرگونی اجتماعی و فرهنگی و هنجارسازی اسلامی، سیره و سنت شخص رسول اکرم(ص) و مجموعه‌ی قول، رفتار و عملکرد آن حضرت بوده است. متناسب با این اهمیت، سنت نبی مکرم اسلام(ص) منشأ الهی برای تمسک مسلمانان به حبل‌المتین قرآن کریم گردید. بدین ترتیب مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار پیامبر(ص) برای ایجاد تحول فکری و خلق نظام ارزشی جدید، قرآن کریم و کلام الهی بود.

آموزه‌ها و برنامه‌های قرآن کریم موجب شد تا موانع اساسی فرهنگ‌پذیری نظیر جمود، خودبینی، کبر، سست‌اعتقادی، رفع، و به جای آن تفکر، تعقل و تدبیر جایگزین شود(نصیری، ۱۳۹۳: ۳۹). مهم‌ترین دستاورد چنین تلاشی، مذموم دانستن افکار تقلیدی، نفی وابستگی‌های قومی و قبیله‌ای و ترک بت‌پرستی بود. گسترش ارزش‌های غائی قرآنی در مکه به دلیل تعمیق باورهای جاهلی و خلاء اعتقادات راستین و البته حاکمیت قریش و تنگ‌نظری قبیله‌ای، به کندی سپری شد. وجود این موانع سخت و دشوار پیامبراعظم(ص) را مجبور کرد تا علاوه بر سفرهای تبلیغاتی مانند سفر به طائف و یا اجرای گردهمایی‌های فرهنگی نظیر عقبه اول و دوم مباردت و رزد (جعفریان، ۱۳۸۲: ۱۶-۸) و نقیبانی کارآمد تربیت نماید و آنان را به نواحی یثرب و یمن اعزام نماید و یا در اقدامی تبلیغی و تدافعی دستور به مهاجرت به سمت حبشه و یا یثرب را صادر نماید. (ابوزهره، ۱۳۷۳: ۶۱۹)

۲-۳-۳-۴- نحوه ارائه پیام

شیوه‌های ارائه و اقدامات تبلیغی پیامبر(ص) به دو بخش قبل از هجرت و پس از هجرت تقسیم می‌گردد؛ که ذیلاً به صورت مختصر به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۲-۳-۴- تبلیغ قبل از هجرت :

أ- تبلیغ پنهانی

در ابتدا دعوت پیامبر(ص) به صورت مخفی انجام می‌گرفت. دوران تبلیغ مخفیانه به مدت سه سال ادامه یافت.(جعفریان، ۱۳۸۲: ۴۵) باید توجه داشت که دعوت پنهانی در دو مرحله انجام گرفته است:

مرحله اول: دعوت از اهل خانه

اولین اقدام تبلیغی پیامبر دعوت همسرش خدیجه و سپس برادر زاده‌اش علی بن ابیطالب به دین اسلام بود. در آن هنگام علی(ع) تحت سرپرستی پیامبر قرار داشت و جزء خانواده آن حضرت به حساب می‌آمد. به زودی، زید نیز که فرزندخوانده پیامبر بود به این جمع افزوده شد.(طبری، ۱۳۵۲: ج ۳، ۸۶۴)

مرحله دوم: دعوت مخفی از عناصر مورد اعتماد

پس از اهل منزل نوبت به آشنایان نزدیک و صمیمی و افراد قابل اطمینان رسید. در این مرحله افرادی از جمله ابوبکر، زبیر بن عوام، عثمان بن عفان، سعد بن ابی وقاص (جعفریان، ۱۳۸۲: ۵۶) ابودر غفاری، یاسر، سمیه، عمار، بلال، جعفر ابن ابیطالب، خباب بن ارت، حمزه، عبدالله مسعود، ارقم بن ابی ارقم به اسلام گرویدند (شهییدی، ۱۳۶۲: ۱۴۳). افرادی که زمینه پذیرش اسلام در آن‌ها وجود داشت، مورد شناسایی قرار می‌گرفتند و سپس از طریق دوستان مسلمان به محضر پیامبر(ص)، آورده می‌شدند تا به جمع آنان بپیوندند. افرادی که ایمان می‌آوردند، تحت آموزش قرار می‌گرفتند تا به عنوان کادر ورزیده به تبلیغ بپردازند و در آینده بتوانند مسئولیت‌های سنگین و خطیر را به خوبی انجام دهند و با مشکلات دست و پنجه نرم کنند. تعداد افرادی که در دوره تبلیغ مخفی به اسلام گرویدند تا ۸۳ نفر نقل شده است (ابوزهرة، ۱۳۷۳: ۶۱۹). در مدت دعوت مخفی، به فردسازی پرداخته می‌شد و افراد به پرستش خدای یگانه دعوت می‌گردیدند. این روش تبلیغی پیامبر(ص)، برای

سران قریش حساسیت برانگیز نبود و چون روش پیامبر، تبلیغ گام به گام بود و از مرحله سری بودن به مرحله علنی گام نهاد، برخورد مشرکان نیز تغییر یافت. آنها موقعیت خدایان و منافع خویش را در خطر دیدند و به ساماندهی و بسیج توان خود اقدام نمودند.

ب- تبلیغ آشکار خویشاوندان

سه سال از بعثت پیامبر(ص) و دعوت سری آن حضرت گذشته بود که آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان). (شعرا: ۲۱۴) برای دست زدن به یک برنامه انقلابی گسترده نازل شد. پیامبر(ص) باید دعوت را از حلقه‌های کوچک‌تر و فشرده‌تر شروع می‌کرد، و چه بهتر اینکه دعوت را از بستگانش شروع کند که هم سوابق پاکی او را بهتر از همه می‌شناختند و هم پیوند خویشاوندی نزدیک ایجاد می‌کند که به سخنانش بیش از دیگران گوش فرا دهند، و از حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها و انتخاب موضع خصمانه، دورترند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۷-۳۶۶).

در دعوتی که جهت اعلان خطر برای خویشاوندان برگزار شده بود حدود ۴۵ نفر از سران بنی‌هاشم شرکت داشتند (سبحانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۵۷).

پس از علنی شدن دعوت، روزه‌روز شدت و اثرگذاری تبلیغ اسلام نیرومندتر می‌شد و آشکارا در شهر مکه درباره آن بحث و گفتگو می‌شد. با اعمال فشار مشرکان برخی از مسلمانان ناچار به حبشه مهاجرت کردند. پیامبر اسلام از این فرصت بهره‌برداری نمود و در راستای تکمیل کار تبلیغی، با نامه‌نگاری و اعزام رسولانی از سوی خویش به دربار پادشاهان ممالک همجوار حجاز تبلیغات خارجی را در دستور کار خود قرار داد. در یک ارزیابی می‌توان گفت: پیامبر از تمام شیوه‌های تبلیغی مانند گفتگو و استدلال حضوری و رودررو، نامه‌نگاری، مهاجرت، تریبون‌های عمومی، رعایت اصول روان‌شناختی و عاطفی و... در مسیر رسالت خویش بهره گرفت.

ج- دعوت عمومی و آشکار

بعد از سه سال تبلیغ نهانی و سری پیامبر(ص) آیه «انذار» نازل شد تا پیامبر(ص) به خویشاوندان خودش اعلان خطر نماید و در پی آن آیه «فَأَصْدِعْ بِمَا

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی...//۲۴۵

تَوْمُرُ وَاَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (آنچه را مأموریت داری آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان) (حجر: ۹۴) نازل گردید تا دعوت همگانی به صورت علنی انجام پذیرد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۶۳).

پس از نزول آیه «فَاَصْدِعْ بِمَا تَوْمُرُ ...» پیامبر(ص)، تبلیغ علنی خود را با سخنرانی در جمع مردم آغاز نمود. (شهیدی، ۱۳۶۲: ۱۴۵).

و- سفر تبلیغاتی پیامبر (ص) به طائف

در سال دهم بعثت، ابوطالب و خدیجه(س) فوت نمودند و پیامبر(ص) دو نفر از یاران قدرتمند خود را از دست داد. و از همین روی آن سال «عام الحزن» نامیده شد. بعد از فوت این دو نفر، سران قریش با جرأت بیشتر، عرصه‌ی تبلیغ را بر ایشان تنگ نمودند. رسول‌الله(ص) تصمیم گرفت تا سفر نماید که این سفر در سال یازده بعثت انجام گرفت. ایشان در این سفر، سه نفر برادر که آن روز سروران قبیله ثقیف بودند برخورد کرد و دین خود را بر آنها عرضه داشت. (زریاب، ۱۳۷۰: ۱۸۰) پیامبر(ص) مدت ده روز در طائف ماند و میان تیره‌های مختلف آنان گشت و آنان را به اسلام فرا خواند ولی آنان نپذیرفتند.

ز- تبلیغ سایر قبایل به صورت عمومی

رسول اکرم(ص) در آغاز سال یازدهم بعثت سفر تبلیغی به طائف داشت. نتیجه چشمگیری نصیب او نشد اما در بازگشت به مکه، روش تبلیغ خود را تغییر داد. تا آن زمان، بیشتر تبلیغ متوجه قریش بود و دعوت دیگران به صورت جنبی انجام می‌گرفت. اما پس از سفر طائف، دعوت سایر قبایل به صورت گسترده و جدی شروع گردید. موسم حج و حضور قبایل مختلف در مکه موقعیت مهمی بود که پیامبر در تبلیغ دینی خود از آن بهره جست و توانست زمینه گسترش اسلام در قبایل خارج از مکه را فراهم آورد و از دل همین تبلیغ‌ها شهر یثرب آماده پذیرایی از او و تبدیل شدن به مرکز اسلام گردید (سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۴۰۰).

۲-۳-۴- اقدامات تبلیغی پیامبر(ص) در مدینه

الف- ساختن مساجد، مرکز تبلیغ و تصمیم‌گیری

برای تبلیغ نیاز به مکان مناسب بود. پیامبر برای ساختن مسجد بسیار تلاش نمود که اهمیت دادن آن را می‌توان در رفتار پیامبر اکرم(ص) هنگام ساختن مسجد قبا و مسجد النبی درک نمود. بر اثر تلاش‌های پیغمبر(ص) پس از گذشت هفت ماه مسجدالنبی ساخته شد و در عرض مدت کوتاهی تعداد مساجد مدینه به نه عدد رسید. در این مساجد نمازهای یومیه خوانده می‌شد و شخص پیامبر روزهای جمعه، نماز جمعه را اقامه می‌کردند و در خطبه‌های آن، آنچه لازم بود تبلیغ می‌فرمودند. بسیج نیروهایی رزمی برای دفاع و جهاد در همین مساجد صورت می‌گرفت و به جبهه‌ها اعزام می‌گردید، قضاوت‌ها و رفع دعاوی و مخاصمات در مسجد انجام می‌شد. جلسات با هیئت‌هایی که جهت مذاکره سیاسی یا اعتقادی به حضور پیامبر(ص) می‌رسیدند در مسجد برگزار می‌شد.

ب- اعزام گروه‌های تبلیغی

از دیگر تلاش‌های تبلیغی پیامبر اعزام تیم‌های تبلیغی به قبایل مختلف بود. اگرچه در برخی موارد نظیر هیئت اعزامی به قبایل «عضل» و «قاره» و «نجد» و «ذات اطلاق» به سبب خیانت واسطگان کار به شهادت نیروهای تبلیغی کشیده شد (سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۷-۸۶) اما در موارد دیگر تیم‌های تبلیغی موفق به افزودن افراد جدیدی به جمع مسلمانان شدند (سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۸۹).

ج- فرستادن نامه به پادشاهان و سران قبایل

روش دیگر تبلیغی رسول اکرم(ص) فرستادن نامه و دعوت پادشاهان و سران قبایل به اسلام بود. این روش را زمانی انجام داد که از گسترش دعوت در شبه جزیره اطمینان یافت. پاسخ پادشاهان و فرمانروایان به فرستادگان پیامبر(ص) و نامه‌ها، گوناگون بود. برخی با نرمش و مهربانی، و برخی با سخت دلی و خشونت، که خودپسندی در آنها آشکار بود. (حسنی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۲۳۹).

د- فتح مکه

بزرگترین اقدام سیاسی تبلیغی پیامبر فتح مکه به عنوان مهم‌ترین شهر در سرزمین حجاز و مرکز نیروهای مشرکان بود که عملیات روانی در سراسر شبه جزیره را به نفع آن حضرت تغییر مسیر داد. سقوط مکه روحیه قبایل اطراف را به شدت

تبيين و تحليل الگوی تبليغی پيامبر اکرم (ص) با توجه به نظريه فراگرد ارتباطی.../۲۴۷

کاست و زمينه برای اسلام‌آوری جمعی بسياری از قبایل را فراهم آورد. به دنبال اين فتح بزرگ، در سال نهم، نمايندگان مشرکين از همه نقاط شبه جزيره عرب به مدينه سرازير شدند و لذا اين سال را «عام الوفود» نام نهادند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۰۱).

۴-۳-۴- کانال^{۱۰}

در نظریه‌های ارتباط، کانال در سه معنی به کار برده شده است: روش‌های رمزگذاری و رمزخوانی پیام، وسیله نقلیه پیام و وسیله نقلیه حمل‌کننده.

کانال ارتباطی را به‌طور فیزیولوژیکی می‌توان چنین تعريف کرد؛ که حس‌هایی است که رمزخوان — گیرنده، می‌تواند یک پیام را که از سوی یک منبع — رمزگذار، رمزگذاری و منتقل شده، درک کند. در واقع کانال یک ساز و کار حسّی چون شنیدن، دیدن، لمس کردن و غیره است. به این ترتیب، در یک فراگرد ارتباط فرد با فرد، ساز و کار حسّی فرد، هم نقش رمزخوان و هم نقش کانال را داراست.

به صورت کلی در ارتباط فرشته‌ی وحی با پيامبر، فرشته نقش کانال ارتباطی را بر عهده دارد. اما بنا بر تعريف فوق قوه شنوایی پيامبر و دیدن فرشته وحی توسط ایشان نیز یک کانال ارتباطی به حساب می‌آید. در واقع پيامبر از سازوکارهای حسّی خود چون دیدن و شنیدن برای دریافت پیام‌های ارتباطی بهره می‌گرفت و سپس به فراخور عقل و درک تک‌تک مخاطبان این پیام‌ها را به ایشان منتقل می‌نمود.

۵

خلاصه و نتیجه گیری

سیره تبلیغی پیامبر(ص) و جریان قدرتمند فکری و فرهنگی که آن حضرت در شرایط خاص زمان خود پدید آورد، به تنهایی و مستقلاً در هیچ یک از مکاتب ارتباطی مورد اشاره نمی‌گنجد. پیامبر(ص) در مسیر رسالت خویش از تمام شیوه‌های تبلیغی از جمله گفتگو و استدلال حضوری و رو در رو، نامه‌نگاری، مهاجرت، تربیون‌های عمومی، رعایت اصول روان‌شناختی و عاطفی و... بهره‌گرفت. هنگامی که پیامبر اقدام به اعزام مبلغ برای تبلیغ دین اسلام می‌فرماید و یا هنگامی که به کتابت و نویسندگی احکام، اقدام نموده و با اصحاب و یاران خویش در قامت یک مناظره‌کننده، به گفتگو پرداخته و یا به بحث‌های مفصل با مخالفین و اعراب عنود و جاهل می‌پردازند در چارچوب مکتب انتقال رفتار می‌نمود. همچنین ساختن مسجد و اقامه نمازهای روزانه و نماز جمعه، گفتن اذان و اقامه، توصیه مسلمانان به برگزاری مراسم حج در چارچوب مکتب آئینی قابل بررسی هستند.

این مطالب نشان دهنده یک مسأله مهم است؛ و آن این است که: هیچ یک از مکاتب ارتباطی به تنهایی قوت و بنیه آن را ندارند که به تنهایی به تفسیر و بررسی سیره تبلیغی پیامبر اکرم(ص) بپردازند؛ و این بدان معناست که منظومه معرفتی رسول رحمت، در کهکشانی سیر می‌کند که هیچ یک از مکاتب فعلی ارتباطی به تنهایی توانایی قدرت هضم و توجیه رفتارهای ایشان را ندارند.

منابع

- ۱- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۲)، تحف العقول عن آل الرسول (ع)، ترجمه احمد جنتی، تهران: امیرکبیر.
- ۲- ابو زهره، محمد. (۱۳۷۳). خاتم پیامبران. ترجمه حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۳- ازکیا، مصطفی و دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۸۹). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: کیهان.
- ۴- بریجانیان، ماری. (۱۳۹۱). فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی. مترجم بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۵- جعفریان، رسول. (۱۳۸۲). پژوهشی در سیره نبوی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (مجموعه کتاب‌های بانک آزمون سیمیا). تهران: سیمیا.
- ۷- خندان، محسن (۱۳۷۴) تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۸- دلاور، علی. (۱۳۷۳). روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۹- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین و سعید جعفر شهیدی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۰- رودنبولر، ار یک. (۱۳۷۸). ارتباطات آئینی، از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- ۱۱- رهبر، محمدتقی. (۱۳۷۱). پژوهشی در تبلیغ. تهران: حوزه هنری.
- ۱۲- زریاب، عباس. (۱۳۷۰). سیره رسول الله، تهران: سروش
- ۱۳- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۳). اندیشه‌های بنیادین علم ارتباطات. تهران: خجسته.
- ۱۴- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۵- سبجانی، جعفر و محمدرضایی، محمد. (۱۳۸۸). اندیشه اسلامی. تهران: نشر معارف.

- ۱۶- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵). فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب.
- ۱۷- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز. (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. مترجم علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- سیدرضی، محمدبن حسن (۱۳۷۱). نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- ۱۹- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۶۲). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۲۰- طباطبائی بروجردی، سید حسین. (۱۳۷۱ هـ-ق). جامع احادیث الشیعہ. قم: المطبعه العلمیه.
- ۲۱- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۵۲). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۲- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸). روش شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۲۳- فروخ، عمر. (بی تا). تاریخ الادب العربی، العصر الجاهلی. لبنان: دار العلم للملایین.
- ۲۴- فضل الله، محمد ح سین (۱۳۵۹). شیوه‌های دعوت و تبلیغ از دیدگاه قرآن کریم. تهران: یاسر.
- ۲۵- فیسک، جان. (۱۳۸۶). درآمدی بر مطالعات ارتباطی. مترجم مهدی غبرایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۲۶- قرآن کریم. ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند. دارالقرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۲۷- کراچکی، محمدبن علی. (۴۴۹ هـ-ق). کنز الفوائد. محقق عبدالله نعمه. قم: دارالذخایر.
- ۲۸- کری، جیمز. (۱۳۷۶). ارتباطات و فرهنگ، ترجمه مریم داداشی، تهران: نشر نقطه
- ۲۹- کلینی، محمد بن محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳) الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۰- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۵)، ارتباط شناسی، تهران: سروش
- ۳۱- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳- نصیری، محمد. (۱۳۹۳). تحلیلی از تاریخ اسلام. تهران: معارف.

تبیین و تحلیل الگوی تبلیغی پیامبر اکرم (ص) با توجه به نظریه فراگرد ارتباطی.../۲۵۱

- ۳۴- نگارش، حمید و همکاران (۱۳۸۳). تبلیغ دین از منظر دین. تهران: زمزم هدایت
- ۳۵- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۴۷ هـ - ق). تاریخ الیعقوبی. تحقیق عبدالامیر مهنا. بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات.

منابع لاتین

1. Berlo, D.K. (1960). *The process of communication; an introduction to theory and practice*. New York: Holt, Rinehart, and Winston
2. Turaga, R. (2016). "Organizational models of effective communication". *IUP Journal of Soft Skills*. 10 (2): 56-65

Explanation and analysis of the preaching model of the Holy Prophet (PBUH) according to the theory of "David Berlow's" communication process.

Hosein Rahnamaei

Mahdie Mohseni

Abstract

The present study is an attempt to explain the propaganda style of the Prophet Muhammad (PBUH) for publishing and spreading Islamic teachings. This research, which is descriptive-analytical, by examining historical documents, explained and analyzed the methods that the Prophet (PBUH) used in his life to propagate Islam as its main goal.

Feasibility of applying the preaching methods of the Prophet during his prophethood (before and after the Hijra) in the contemporary world based on new media theories is discussed in this research.

The propaganda methods of the Prophet Muhammad (PBUH) have been analyzed with contemporary communication theories, especially the views of "David Berlow". This study shows that the propaganda techniques used by the Prophet are in some respects consistent with contemporary theories of media and propaganda but none of theories have the power to explain all aspects of the Prophet's preaching techniques and styles.

The issue concluded that prophet Muhammad's propaganda methods can also be used by Islamic missionaries who prefer to choose new methods in their missions

.Key words: propaganda, Prophet Muhammad (PBUH), communication, preacher, Islam, audience studies

The political-media scaffolding of the new middle class in order to build or conquer the facilitating government in Iran (1376-1376)

Fazel Kord

Abstract

The process of state- building and identity in Iran from 1376 to 1396 has been a trend different from other countries. Since the state building is a procedure under the control of politics, social classes such as new middle class launch to make political scaffolding so as to seize the power. Formation of political scaffoldings for the purpose of capturing the state sometimes arises from model taking of the developing states or sometimes from revolutionary or ideological purposes. During the three lately decades post-revolution, a socio- political opportunity for the new middle class to be effective in building the state was created. The meaning of the new middle class is the religion- oriented or tradition- oriented class with political, social or scientific attitudes which comprises a large part of the social texture of the Iranian society. The study question is that what the political scaffoldings in line with a facilitator state are? The findings show that the new middle class via political scaffoldings such as cooperation, competition in democracy social media, parties and political currents, political culture, political leadership and technocracy in bureaucracy will mobilize in voting for the creation of the state. The theoretical framework for the analysis of the subject is the theories of neo- state building with the analytical- qualitative approach and historical method.

Key word: new middle class, political cooperation, mass media, political currents, culture and leadership of technocracy, the least state a facilitator

Keywords: Freedom of the Press, Democratic Revolutions, Britain, France, America.

The Historical Course of Press Freedom in the West(Emphasizing the Democratic Revolutions of Britain, France and America)

Ehsan Alini

Ali asghar Kiya

Abstract

Historical evidence shows that due to the role and importance of the press, along with other means of mass communication, to create an environment for the exchange of opinions, criticism and discussion, excellence of ideas and in a word, to preserve and expand the freedom of expression and opinion, it is always under the supervision of the governments. They are intense. In this article, by using documentary research method (books, articles and historical documents) and historical data analysis, the historical course of press freedom in three countries, England, France and America, as the flagships of the revolution in the field of press, is examined. The current research focuses on the period in which the democratic revolutions occurred in the 17th and 18th centuries in the three mentioned countries; because the effects of these events on the evolution of the press were tremendous. Based on this, the review of the press situation in the West based on political and social developments tells of three different periods: 1) Authoritarian press 2) Ideological and political press 3) Business and news press. The research results show that the effect of "democratic revolutions" on the free flow of information and freedom of the press is significant because during the 19th century, all the basic laws of the European countries protected the freedom of the press based on the principles contained in the American Declaration of Rights. And set France. This process continued in various forms and through numerous international laws throughout the 20th century, and still defenders of freedom of speech and mass media are working to create and maintain a free space of information and guarantee it by governments.

Feminism and Women's Rights in Sur-i Israfil Newspaper

Hasan Bashir

Abstract

New communication systems such as the press were established in Iran in the 19th century following direct and indirect contacts with Western modernism. The focal point of the current research is to find out the role of the press in the social and political developments of Iran, especially in the field of feminism and women's rights in this period. Historically, the beginning of this process can be referred to the period before the establishment of the press in Iran. This historical background shows the meaning that the said modernization process went through different periods of transformation in such a way that each of them had a specific effect on the country. The importance of these influences, which occurred in the 19th century, can be witnessed in the modern history of Iran. It was in this century that the foundations of Western power and the beginning of the classical age of imperialism were laid in the world. The influence of the West on Iran goes back to the beginning of the 19th century, that is, the period when the military pressure of Russia and then Britain led to the forced and humiliating acceptance of some treaties on the part of Iran. The publication of the first Iranian newspaper in 1215 AH (1837 AD) by Mirza Saleh Shirazi created an important change in the country. The launch of other publications, including Sur-i Israfil, was the result of the first action in this field. The present research is actually an exploratory/analytical, quantitative/qualitative and content/discourse and historical study of Sur-i Israfil newspaper, especially in the field of women's rights.

Key words: Iran's Modernization Sur-i Israfil newspaper
Feminism Women's Rights 19th Century AD

Designing an interactive model of the political deputy of the broadcasting organization with the government

Naeemeh Monesi
Aliakbar Razmjoo
Ebrahim Fathi

Abstract

The media is one of the effective tools for informing the people and monitoring the institutions of society, including the government. Improving government interaction with the media helps to increase their integration. The purpose of this study is to design an interactive model of the IRIB in the segment of political deputy within the government. Because of that, this research has been done using a qualitative method. The data obtained from library research and interviews with IRIB pundits and media experts were obtained by semi-structured interview technique and were analyzed by using the content analysis method. The results of the study showed that the government and IRIB can interact in the news sector in supportive, regulatory, and directing forms and the support of IRIB for the government should be the first priority so that the interaction reaches the stages of monitoring and guidance. However, due to the lack of clear and up-to-date laws and lack of mutual understanding, the government and the IRIB have not been able to manage their expectations of each other. The Broadcasting Supervisory Council, as one of the effective factors in improving this interaction, has not been successful.

Keywords: Model, Interactive Model, Political Deputy, Government

Reasons and type of use of social media by the main news agencies of the country

Usof Khojir
Kosar Mehrzade

Abstract

In this research, the reasons and type of use of social media by the main news agencies of the country have been discussed. This research was classified as qualitative research in terms of applied purpose and method. In this study, due to the lack of previous research and the exploratory nature of the research topic, in-depth interviews have been used to collect data. The statistical population of this research was the managers and officials of the important news agencies of the country. These news agencies include the country's official ones that use social media. In this research, eleven managers of the main news agencies of the country were interviewed and after these interviews, the researcher reached a theoretical saturation. The results indicate that news agencies use social media for reasons such as interacting with the audience, enhancing effectiveness, media branding, confronting foreign media, helping the news gatekeeper, responding to ambiguities, and so on. Also, issues such as social media indecision, poor media literacy of the audience, shortening the life of the news, publishing fake news, and ownership of the news produced are some of the challenges that news agencies face.

Keywords: News agency, media, social media, effectiveness

Content

Reasons and type of use of social media by the main news agencies of the country.....4

Usof Khojir - Kosar Mehrzade

Designing an interactive model of the political deputy of the broadcasting organization with the government.....5

Naeemeh Monesi - Aliakbar Razmjoo - Ebrahim Fathi

Feminism and Women's Rights in Sur-i Israfil Newspaper.....6

Hasan Bashir

The Historical Course of Press Freedom in the West (Emphasizing the Democratic Revolutions of Britain, France and America).....7

Ehsan Alini - Ali Asghar Keya

The political-media scaffolding of the new middle class in order to build or conquer the facilitating government in Iran (1376-1376).....9

Fazel Kord

Explanation and analysis of the preaching model of the Holy Prophet (PBUH) according to the theory of "David Berlow's" communication process.....10

Hosein Rahnamaei - Mahdie Mohseni

.

Ali Najafi

(Associate Professor Department of Persian Language and Literature,
University Farhangyan, Hamedan)

Zahra Taheripour

(Associate Professor Department of Culture and Communication,
University Sooreh, Tehran)

No 41

Printemps 2022

LA REVUE

science de l'information

Directeur de la publication / Abbas ASSADI

Rédacteur en chef / Abbas ASSADI

Comité de lecture :

Mostafa Malekoutiyan

(Full Professor Department of Political Sciences, University Tehran)

Ebrahim Kalantari

(Associate Professor Department of History and Islamic Revolution, University Tehran)

Mohammad Reza Majidi

(Associate Professor Department of Regional Studies, University Tehran)

Abbas Assadi

(Associate Professor Department of Journalism, University Allame Tabataba'i, Tehran)

Ali Asghar Kia

(Associate Professor Department of Journalism, University Allame Tabataba'i, Tehran)

Abbas Ali Rahbar

(Associate Professor Department of Political Sciences, University Allame Tabataba'i, Tehran)

Mohammad Jafar Javadi Arjmand

(Associate Professor Department of Political Sciences, University Tehran)

Asie Zabih Nia Omran

(Associate Professor Department of Persian Language and Literature, University Pyame Noor)